

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جلد ۱

بررسی اثرات خانوادگی
کاربری کودکان پیش از دبستان
از تبلت، کنسول بازی، تلفن همراه، ماهواره و رایانه

/ دکتر مرتضی منطقی /
/ استاد دانشگاه خوارزمی /



موسسه انتشارات بعثت

تهران - پاییز ۱۳۹۹

سرشناسه	: منطقی، مرتضی، ۱۳۳۶-
عنوان و نام پدیدآور	: بررسی اثرات خانوادگی کاربری کودکان پیش از دبستان از تبلت، کنسول بازی، تلفن همراه، ماهواره و رایانه / مرتضی منطقی.
مشخصات نشر	: تهران: بعثت، ۱۳۹۹-
مشخصات ظاهری	: ج.: مصور (رنگی).
شابک	: دوره: 978-600-437-081-3؛ ج. ۱-۰۱-۰۱-۴۳۷۰۷۹-۶۰۰-۹۷۸-۶ : ج. ۲ 978-600-437-080-6
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: تکنولوژی و کودکان
موضوع	: Technology and children
موضوع	: رسانه‌های گروهی و کودکان
موضوع	: Mass media and children
موضوع	: کودکان پیش‌دبستانی -- ایران
موضوع	: Preschool children -- Iran
موضوع	: خانواده‌ها -- ایران
موضوع	: -- IranFamilies
رده بندی کنگره	: HQ۷۸۴
رده بندی دیویی	: ۳۰۲/۲۳۰۸۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۳۲۷۸۰۱



موسسه انتشارات بعثت

بنیان‌گذار مرحوم استاد فخرالدین حجازی
 تأسیس: ۱۳۴۷ / پروانه نشر: ۶۵۴ / شماره ثبت شرکت‌ها: ۳۳۷۱
 عضو رسمی اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان تهران و انجمن فرهنگی ناشران کتب دانشگاهی

بررسی اثرات خانوادگی کاربری کودکان پیش از دبستان از تبلت، کنسول بازی، تلفن همراه، ماهواره و رایانه

جلد ۱

/ دکتر مرتضی منطقی /

/ استاد دانشگاه خوارزمی /

چاپ: اول / سال انتشار: پاییز ۱۳۹۹

شمارگان: ۱۰۰۰ / تعداد صفحه: ۲۰۸

شابک جلد اول: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۷-۰۷۹-۰ / ISBN:978-600-437-079-0

شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۷-۰۸۱-۳ / ISBN:978-600-437-081-3

نشانی: تهران - خ انقلاب، خ ۱۶، آذر، نبش کوچه بهنام، شماره ۳۶، ساختمان بعثت
 کدپستی: ۵۴۴۹۳-۱۴۱۷۹ / دفتر: ۶۶۹۶۶۸۶ / پخش: ۶۶۴۱۸۸۹۸
 کتاب‌فروشی شعبه ۱: ۶۶۴۱۹۸۹۹ / کتاب‌فروشی شعبه ۲: ۶۶۴۹۲۰۷۱

www.besatpub.ir besat.lib@gmail.com

© این اثر مشمول قانون حمایت مولفان و منصفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ و قانون ترجمه، تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی و پخش و مصوب ۱۳۵۲ است. کلیه حقوق چاپ، نشر و پخش و تکثیر به هر صورت (چاپ، تکثیر، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) محفوظ و مخصوص ناشر است و هرگونه کپی‌برداری و نقل مطالب از تمام یا قسمتی از این اثر بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

سخن ناشر

از پرسش‌هایی که بارها در جامعه می‌شنویم، این است که چرا با ورود هر فناوری ارتباطی جدید دچار چالش‌های جدی می‌شویم؟ و ترس و نگرانی از تهدیدها و شتاب در بهره‌برداری از فرصت‌ها، مانع استفاده‌ی مفید و مؤثر ما از دستاوردهای بشری جهت رفاه و زندگی بهتر می‌شود؟

گرچه از جنبه‌های مختلف می‌توان به این پرسش پاسخ داد، اما شاید یکی از پاسخ‌های بسیار جدی و قابل‌تأمل این باشد که ما بسترهای فرهنگی مناسب را به شکل جامع و درخور ساماندهی نمی‌کنیم و با تأخیر در مقابل موج‌های پی‌درپی فناوری‌های نوین، هم امکان کاهش آسیب‌ها را از دست می‌دهیم و هم فرصت افزایش بهره‌مندی مثبت و مفید کاربران از بین می‌رود.

دکتر مرتضی منطقی و دانشجویانش با هدف شناخت بهتر شرایط اجتماعی و با تأکید بر ضرورت خروج از وضعیت نفی، انفعال و انکار پدیده‌های واقعی، پژوهش‌هایی را در یازده عنوان و در سه سطح کاربری کودکان پیش‌دبستانی، نوجوانان دبستانی و جوانان دبیرستانی از فناوری‌های ارتباطی جدید، به عنوان نقطه ورود مناسبی به این چالش‌ها و با هدف افزایش آگاهی لازم برای مشارکت و همدلی کاربران، والدین، و اولیا و مسوولین فرهنگی برای بسترسازی فرهنگی، انجام داده‌اند.

دکتر منطقی باور دارد که می‌توان با بسترسازی‌های فرهنگی برای کاربران _اعم از کودک، نوجوان، جوان، والدین و اولیای آموزشی_ تصویری واقع‌گرایانه از پیامدها، حساسیت‌ها، تشویق‌ها و مداخله‌های مؤثر ارایه کرد و در نتیجه تهدیدها را کاهش داد، از فرصت‌ها استفاده بهینه کرد و نقاط ضعف را بهبود داد و نقاط قوت را به کار گرفت تا شاهد جامعه‌ی کاربران متعادل و متوازن باشیم. کتاب حاضر با عنوان «اثرات خانوادگی کاربری کودکان پیش از دبستان از فناوری‌های ارتباطی جدید» شامل دو جلد از مجموعه‌ای ۲۱ جلدی است که در اختیار خواننده محترم قرار می‌گیرد.

مؤسسه انتشارات بعثت با هدف کمک به رشد و توسعه فرهنگی کشور تلاش می‌کند با چاپ و نشر کتاب‌های با کیفیت، پاسخگوی نیازهای فرهنگی باشد و مشتاقانه از دریافت نظرات و پیشنهادات خوانندگان گرانقدر استقبال می‌کند.

فهرست مطالب

- ۱- مقدمه ۷
- ۲- اثرات خانوادگی کاربری کودکان پیش‌دبستانی از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته ۱۹
 - ۲-۱- ضرورت والدگری الکترونیک ۲۲
 - ۲-۱-۱- اولیای مسوول در والدگری الکترونیک ۲۵
 - ۲-۱-۲- اولیای غافل در امر والدگری الکترونیک ۳۴
 - ۲-۱-۳- اولیای ناهماهنگ در امر والدگری الکترونیک ۴۷
 - ۲-۱-۴- غفلت اولیای مسأله‌دار در امر والدگری الکترونیک ۴۹
 - ۲-۲- افزایش اطلاعات عمومی فرزندان ۵۵
 - ۲-۳- ارتقای دانش فرزندان در جریان بازیهای آموزشی، بهداشتی و هنری ۶۱
 - ۲-۴- سوادآموزی نسبی کودکان ۶۵
 - ۲-۵- ارتقای خلاقیت و کارآفرینی فرزندان ۶۷
 - ۲-۶- نقش آموزشی و مراقبتی خواهر و برادران خانواده نسبت به هم ۷۳
 - ۲-۷- اثرات زیستی کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید ۷۷
 - ۲-۸- همراهی خانواده با القائات الگوهای عروسی - کارتونی ۸۰
 - ۲-۹- استفاده از فناوری‌ها به مثابه پرستار الکترونیک فرزندان ۹۱
 - ۲-۹-۱- بارداری ناخواسته مادر ۹۵
 - ۲-۹-۲- فقدان مهارت والدگری ۹۶
 - ۲-۹-۳- بیماری جسمی اولیا ۹۸
 - ۲-۹-۴- اختلال روانی اولیا ۱۰۰
 - ۲-۹-۵- اشتغال به تحصیل مادر ۱۰۱
 - ۲-۹-۶- اشتغال اولیا و خستگی از کار مفرط ۱۰۲
 - ۲-۹-۷- نبود سرزندگی در اولیا ۱۰۶
 - ۲-۹-۸- کمبود امکان تفریح و سرگرمی کودک ۱۰۷
 - ۲-۹-۹- سرگرم کردن کودک برای پرداختن به خرید یا کار خانه ۱۰۸
 - ۲-۹-۱۰- سن بالای اولیا ۱۰۹
 - ۲-۹-۱۱- وابستگی اولیا به فناوریهای ارتباطی جدید ۱۱۰

- ۱۱۲-۲-۹-۱۲- مشکلات زناشویی اولیا.....
- ۱۱۳-۲-۹-۱۳- طلاق اولیا.....
- ۱۱۵-۲-۹-۱۴- آرام کردن کودک برای جلوگیری از اعتراض همسایه‌ها.....
- ۱۱۶-۲-۹-۱۵- ممانعت از شیطنت کودک در محیط منزل.....
- ۱۱۷-۲-۹-۱۶- غذا دادن و خواباندن کودک.....
- ۱۱۹-۲-۹-۱۷- تنهایی (تک فرزند بودن) کودک.....
- ۱۲۱-۲-۱۰- یاری جستن از فناوری‌ها برای سرپوش نهادن بر مشکلات خانواده.....
- ۱۲۵-۲-۱۱- تربیت کودکان جزم اندیش (کودکانی با هویت زود بسته شده).....
- ۱۲-۱۲- کاهش نظارت اولیا بر تهیه و مصرف محصولات فرهنگی فضای مجازی توسط فرزند.....
- ۱۲۹-۲-۱۳- یادگیری مشاهده‌ای کژ کاربری اولیا (و خواهر و برادرها) از فضای مجازی.....
- ۱۴-۲-۱۴- تحقق نسل فرزندسالار.....
- ۱۵-۲-۱۵- اخذ دیدهای کلیشه‌ای در جریان کاربری از بازیهای دیجیتال و کارتون‌ها و فیلم‌ها.....
- ۱۶۳-۲-۱۶- پر رنگ شدن نقش دوست جنس مخالف از اوان کودکی.....
- ۱۸۰-۲-۱۷- استقبال از دید فردگرایی (غرب).....
- ۱۸۷-۲-۱۸- کم رنگ شدن نسبی اهمیت خانواده برای کودک.....
- ۲۰۲-۲-۱۹- افشای اطلاعات محرمانه خانواده.....

۱ - مقدمه

بررسی تاریخچه ارایه فناوری‌های ارتباطی پیشرفته به جامعه دلالت بر آن دارد که با ارایه هر فناوری ارتباطی جدیدی به جامعه موجی از بیم‌ها و امیدها در پی آن پدید آمده است و در حالی که برخی از مسوولان از تهدید بودن آن یاد کرده‌اند، افراد دیگری از فرصت‌های فناوری مورد نظر سخن گفته‌اند. گفتمان ایده‌های مخالف و موافق فناوری‌ها در غرب، سرانجام به این راهبرد انجامیده است که با افزایش و ارتقای بهره‌وری شهروندان از فرصت‌های فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، خود به خود عرصه کاربری نامناسب از این فناوری‌ها تحدید شده، در مجموع شهروندان قادر به استفاده مثبت از این فناوری‌ها گردند. در راستای اندیشه اخیر، حتی کشورهایی که به فیلترینگ اعتقادی ندارند، در صدد «بسترسازی فرهنگی» برای کاربری مثبت و بهینه از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته برآمده‌اند و در این راستا به انجام مواردی مانند: تولید ادبیات فاخر برای فضای مجازی، پاسخ مناسب به برخی از خلأهای اجتماعی موجود (نظیر تهیه انیمیشن‌های جنسی برای کاربران متقاضی این دست از اطلاعات)، ارتقای سواد رسانه‌ای کاربران (تا جایی که در برخی از کشورهای غربی، بحث اخیر به صورت یکی از مباحث درسی نظام آموزش عمومی درآمده است)، انجام اطلاع‌رسانی‌های لازم به اولیا و کاربران، تهیه ابزارهای کنترل کننده (تبلت، تلفن همراه، اینترنت و ماهواره) برای اولیا، اعمال نظارت (در اتاق‌های گپ اینترنتی و مانند آن)، تدوین قوانین منع آسیب و ایدای کاربران فضای مجازی، تدوین قوانین خاص برای حمایت از کودکان، نوجوانان و جوانان کاربر فضای مجازی، ایجاد خطوط مستقیم برای تماس اضطراری با مسوولان برای ایجاد محیطی امن‌تر (در اتاق‌های گپ اینترنتی و مانند آن)، درجه‌بندی محتوای رسانه‌ای، تشویق سازمان‌های مدنی برای حضور، اعمال نظارت، مداخله و اثرگذاری فعال در فضای مجازی؛ ایجاد صندوق حمایت از مراکز پژوهش در حوزه رسانه‌های نوین جهت ارایه خدمات و به اشتراک نهادن دانش، منابع و امکانات مورد نیاز پژوهش‌گران؛ ایجاد کتابخانه، موزه و محصولات علمی جهت کاربران فضای مجازی و به کارگیری مؤسسات خصوصی برای ارایه محصولات جهان مجازی با استانداردهای دولتی به جامعه، دست زده‌اند.

علاوه بر بسترسازی‌های فرهنگی اخیر، «مدیریت فضای مجازی» و «تدوین قوانین لازم جهت کاربری مناسب از فضای مجازی»، مد نظر مسوولان جوامع مختلف قرار گرفته، کوشیده‌اند با اعمال مدیریت مناسب از سویی و تدوین قوانین لازم از سوی دیگر، محیط فضای مجازی را حتی الامکان پاک نگاه دارند. به عنوان مثال، کره جنوبی با الزامی کردن درج کُد ملی افراد برای کاربری از فضای

مجازی، با ایجاد امکان رصد رفتار کاربر در فضای مجازی، در عمل جلوی بسیاری از جرایم فضای مجازی را (که محاصل ناشناس ماندن افراد در این فضا هست) گرفته است.

در سنگاپور افرادی که مایل به کاربری از فضای مجازی هستند، باید با گذراندن دوره خاص این مسأله، گواهی لازم در جهت صلاحیت کاربری از فضای مجازی را اخذ کنند.

در فرانسه و مالزی سقف کاربری روزانه افراد از فضای مجازی ۳۰ دقیقه است و همین طور در امریکا نه تنها کودکان پیش‌دبستانی و دبستانی مجاز به کاربری از اینترنت نیستند، بلکه خرید گوشی هوشمند توسط اولیا برای فرزندان اخیر جرم محسوب شده، حتی ممکن است به سلب حق حضانت اولیا در مورد فرزندشان برسد.

در بررسی تطبیقی که دشتی^۱ و یاتیم^۲ (۲۰۱۸)، در سطح کودکان ۳-۵ ساله امریکایی (۵۹ نفر) و کوبیتی (۵۳ نفر) داشتند، نتیجه گرفتند که دسترسی کودکان خردسال کوبیتی به تلفن همراه و کاربری از آن، به شکل معناداری بیش‌تر از کودکان امریکایی است.

اما برخلاف تجربه بشری پیش‌گفته که اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان در برخورد با فرصت‌ها و تهدیدهای فضای مجازی با بسترسازی فرهنگی، تدوین قوانین لازم، مدیریت فضای مجازی و تولید محتوا، در صدد کاهش تهدیدهای فضای مجازی و افزایش فرصت‌های آن برآمده‌اند، اولیای فرهنگی ایران در مواجهه با فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، به صرف آن که امکان کاربری نامناسب از این فناوری‌ها وجود دارد، به طور عمده با دیده نفی و انکار با این فناوری‌ها برخورد کرده‌اند و روند ممنوعیت کاربری از ویدیو در اوایل انقلاب، به روند ممنوعیت کاربری از ماهواره و برخی از شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه انجامیده است، حال آن که برخلاف تصور اولیای فرهنگی کشور، فناوری‌ها انتخاب نبوده، تحمیل هستند و در شرایط اخیر باید برای کاهش آسیب فناوری‌ها و افزایش فرصت‌های آن‌ها، با استفاده از تجربه بشری، دست به بسترسازی فرهنگی برای کاربری کاربران از آن زد.

به بیان دیگر، اگر چه نگارنده بر این مسأله اذعان دارد که گوشی‌های هوشمند از بدو نصب برنامه‌های مختلف روی آن‌ها، پیشاپیش مجوز مرور تمامی اطلاعات صوتی، تصویری و متنی کاربر را از وی گرفته و در عمل تمامی اطلاعات او (و جامعه وی) را به سمت سرویس‌های اطلاعاتی غرب تخلیه می‌کنند، اما همان‌گونه که از آن یاد شد، باید به این نکته توجه داشت که فناوری‌های ارتباطی پیشرفته یک انتخاب نبوده، بلکه یک تحمیل است.

به اعتقاد نگارنده، صرف نفی فناوری‌های ارتباطی که از سوی برخی از نظریه‌پردازان سیاسی ارایه شده و مورد تأکید قرار می‌گیرد، راهکار مؤثری نیست، همان‌گونه که به سبب کاهش قابل توجه سرمایه اجتماعی، دل بستن به جایگزین کردن «کامل» شبکه‌های اطلاع‌رسانی داخلی، برنامه موفقی نخواهد

1. Dashti, F. A.

2. Yateem, A. K.

بود، اما در این میان می‌توان با بسترسازی‌های فرهنگی لازم، ضمن اطلاع‌رسانی به کاربران (اعم از کودکان، نوجوانان، جوانان، اولیا و اولیای آموزشی و فرهنگی جامعه) در باب خطرهای بالقوه کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید، آنان را از سویی در جهت به حداقل رساندن آسیب‌های فناوری‌های ارتباطی جدید و از سوی دیگر به حداکثر رساندن منافع آن یاری رساند.

رویکرد مبتنی بر نفی و انکار فناوری خود به خود امکان بسترسازی فرهنگی جهت فضای مجازی را به میزان زیادی محدود کرده است. مضاف بر این، خلاء قانون‌های لازم برای کاربری مناسب از فضای مجازی و برخورد با کاربری‌های نامناسب از این فضا، امر مهم دیگری است که در جامعه به وضوح ملاحظه می‌گردد و با وجود برخی از اقدام‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی در دهه هشتاد و تشکیل شورای عالی فضای مجازی در سال ۱۳۹۰ و گذشت قریب به ۸ ساله از عمر این شورا، محصل چندانی در جهت تولید ادبیات فاخر، مدیریت فضای مجازی و تدوین قوانین لازم جهت کاربری بهینه از این فضا، به جامعه ارایه نگردیده است و شورای مزبور در همایش‌های سالانه خود^۱، با طرح موضوع دست‌نیافتنی «دستیابی به اینترنت پاک»، هنوز از مرحله شعار دادن به عمل نرسیده است.

علاوه بر آنچه از آن یاد شد، گره خوردن برخی از خلاءهای اجتماعی با فضای مجازی در ایران از سویی و عدم توجه به برخی از فرآیندهای اجتماعی موجود در جامعه، نظیر شکل‌گیری نوعی از مقاومت منفی در برابر مسوولان و اولیای فرهنگی از سوی مردم، کار را به آنجا کشانده است که سردرگمی مواجهه مسوولان با فضای مجازی در کشور نزدیک به ربع قرن (از آغاز بحث ماهواره در سال ۱۳۷۳ در مجلس تا حال حاضر) برسد.

انعکاس مستقیم سردرگمی اولیای فرهنگی نظام در مواجهه با فضای مجازی را می‌توان مستقیماً در نظام آموزش پیش دبستان و آموزش عمومی کشور و خانواده‌ها، ملاحظه کرد. به این معنا که به سبب علایق گسترده کودکان، نوجوانان و جوانان به پدیده نو، جذاب و متنوع فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، آنان به شدت متوجه فضای مجازی گردیده‌اند، اما اولیای آموزش پیش دبستان و آموزش و پرورش عمومی کشور با مخالفت با کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید در محیط پیش دبستان و دبستان و دبیرستان، در عمل در برابر فناوری‌های ارتباطی پیشرفته موضع گرفته، همین تخالف‌ورزی، امکان بسترسازی فرهنگی جهت کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید در آموزش پیش دبستان و آموزش عمومی را به میزان بسیار زیادی از مسوولان ذیربط سلب کرده، به جای فرصت‌سازی در این جهت، کار را به فرصت‌سوزی رسانده است.

سردرگمی که از آن در ارتباط با مسوولان فرهنگی و آموزشی کودکان، نوجوانان و جوانان از آن یاد شد، به سهم خود در خانواده‌ها نیز مؤثر واقع آمده، به سردرگمی نسبی آنان انجامیده است. به این معنا که در مرتبه نخست اهمیت، به دلیل مشغله زیاد اولیا و در مرتبه بعد، به سبب آشنایی‌اندک آنان با فضای

۱. همایش‌های اخیر به شکل سالانه در سال‌روز تأسیس شورای عالی فضای مجازی، در هفدهم اسفند ماه هر سال برگزار می‌گردد.

مجازی و سرانجام به سبب عدم بسترسازی فرهنگی لازم در سطح جامعه درباره فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، اولیای کودکان، نوجوانان و جوانان تصویر مناسب و درستی از فضای مجازی و فراز و فرودهای آن ندارند، از این رو اولیا نه تنها در غالب موارد چندین گام عقب‌تر از فرزندان خود در زمینه فضای مجازی قرار دارند، بلکه در مواجهه با فضای اخیر دچار تشتت هستند تا جایی که بررسی مواضع اولیا در کاربری فرزندان از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته دلالت بر آن دارد که خطمشی اولیا در این جهت، گاه تا ۱۸۰ درجه با یکدیگر تفاوت دارد.

نگارنده به همراه دانشجویانش، برای ارایه ترسیمی واقع‌نگر از پیامدهای مثبت و منفی کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید و تبعات ستیز اولیای فرهنگی و آموزشی با فناوری‌های اخیر و فضای مجازی در جامعه، در کنار تهیه چندین مجلد کتاب در زمینه بازی‌های ویدیویی- رایانه‌ای، چت‌روم‌ها، تلفن همراه و شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه، در گام بعدی تلاش خویش برای به دست دادن حساسیت‌های فضای مجازی با تهیه برخی از مجموعه‌های محرمانه برای مسوولان آموزش و پرورش عمومی کشور، نظیر «۱۰۰ مصاحبه با کودکان پیش‌دبستان»، «۱۰۰ مصاحبه با دانش‌آموزان دبستانی»، «۱۰۰ مصاحبه با دانش‌آموزان متوسطه اول» و «۱۰۰ مصاحبه با دانش‌آموزان متوسطه دوم»، درباره چگونگی کاربری آنان از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، کوشید تا توجه مسوولان اخیر را به مقوله فضای مجازی جلب کند، اما پس از مسکوت ماندن و بایگانی شدن آثار اخیر - که طی سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۶ تهیه و به مسوولان ذیربط ارایه گردیده بودند- نگارنده بر آن شد تا مجدداً با مخاطب قرار دادن اولیای کودکان، نوجوانان و جوانان و اطلاع‌رسانی نسبی به آنان، حساسیت‌های فضای مجازی را برای آنان ترسیم کرده، آنان را تشویق به مداخله فعال در امر کاربری فرزندان از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته و فضای مجازی سازد تا در این رهگذر با مداخله مؤثر اولیا در امر کاربری کودکان، نوجوانان و جوانان از فناوری‌های ارتباطی جدید، در عمل تهدیدهای فضای مجازی کاستی گرفته، فرصت‌های آن بیش از پیش در دسترس فرزندان آنان قرار گیرد.

روند تهیه اثر حاضر به این ترتیب بود که نگارنده پس از ارایه برخی از اطلاعات اولیه در مورد فضای مجازی به دانشجویان دوره‌های کارشناسی و تحصیلات تکمیلی خویش، و تشریح روش داده بنیاد از پژوهش کیفی - که مبتنی بر انجام مصاحبه‌های عمیق است- از دانشجویان خود می‌خواست تا ضمن مراجعه به مهد کودک‌ها و پیش‌دبستان‌ها (و در صورت ممانعت اولیای مهد کودک‌ها و پیش‌دبستان‌ها - که زیاد هم رخ می‌داد- با مراجعه به پارک‌ها و مراکز عمومی مشابه آن، برای دستیابی به جمعیت مورد نظر برای مصاحبه)، پس از کسب اجازه از اولیای کودکان، مصاحبه عمیقی را با دختران و پسران خردسال پیش‌دبستانی (۳-۶ ساله) کاربر فناوری‌های ارتباطی جدید انجام دهند.

لازم به ذکر است که مصاحبه‌های ارایه شده در این اثر، متعلق به کودکان پیش دبستانی دختر و پسر در شهرهای مختلف ایران بوده، کودکان مصاحبه شده نیز به شکل تصادفی (تنها با این شرط که کاربر فناوری‌های ارتباطی پیشرفته باشند)، از نمونه‌های در دسترس انتخاب گردیده‌اند.^۱

۱. درباره روش پژوهش حاضر باید بیان داشت که در این تحقیق، روش پژوهش، روش کیفی بوده است. گاهی پژوهش‌گران حوزه‌های انسانی با مسأله‌ها و پرسش‌هایی رو به رو می‌شوند که امکان پاسخ‌گویی آن‌ها با کمک روش‌های معمول پژوهش میسر نیست. معمولاً در این پرسش‌ها مؤلفه‌ها و مفاهیمی وجود دارد که نمی‌توان به راحتی آن‌ها را تعریف کرد، یا سابقه‌ای از موارد مشابه آن‌ها در متون قبلی وجود ندارد و بر این اساس نمی‌توان فرضیه‌ای تدوین کرد و در نتیجه نمی‌توان به آزمون فرضیه پرداخت. پژوهش کیفی برای پاسخ به شرایط اخیر، مناسب‌ترین گزینه است. اجرای پژوهش کیفی فرآیندی غیرخطی است و قسمت‌های مختلف آن بیش از آن که در پی یکدیگر قرار گیرند، در کنار هم قرار می‌گیرند. به تعبیر دیگر، در پژوهش کیفی هم‌زمان با گردآوری داده‌ها تحلیل نیز آغاز می‌شود و این فرآیند تا زمانی ادامه می‌یابد که پژوهش‌گر به نقطه اشباع برسد. منظور از نقطه اشباع زمانی است که می‌توان از کیفیت و کفایت (بستگی) داده‌های گردآوری شده برای رسیدن به تحلیلی دقیق اطمینان یافت. رویکرد پژوهش کیفی در این پژوهش روش داده‌بنیاد بود. روش داده‌بنیاد، روش مناسبی برای پژوهش در حوزه‌هایی است که دانش اندکی درباره آن‌ها در دسترس است. نظریه‌پردازان نظریه داده‌بنیاد، سعی بر آن دارند که درکی از فرایندهای مرتبط با موضوع‌های بنیادی به وجود آورند. در همه پژوهش‌های کیفی محقق باید یافته‌های خود را که بیشتر جنبه تفسیری دارند، بدون تکیه بر روش‌های آماری، به نحو متقاعد کننده‌ای گزارش کنند. معمولاً کتاب‌های روش تحقیق کیفی در مورد حجم نمونه مورد بررسی ارقام ۸، ۱۲ و یا ۲۰ مصاحبه کیفی عمیق را در مورد مسأله مورد بررسی پیشنهاد کرده‌اند که به زعم پژوهش‌گر، این ارقام به چند دلیل در ایران درست جواب نمی‌دهد. دلیل نخست را می‌توان در تفاوت روند جامعه‌پذیری در غرب و در ایران خلاصه کرد، به این معنا که به نظر می‌رسد روند جامعه‌پذیری در ایران، روندی دشوار و بعضاً متناقض است، در حالی که در غرب چنین نیست. به عنوان مثال، آنچه خانه، مدرسه و جامعه (به عنوان مهم‌ترین نهادهای جامعه‌پذیر کننده) در ایران به کودک یا جوان القا می‌کنند، خط‌مشی‌هایی متفاوت است. به تعبیر دیگر، در ایران اولیا از فرزند می‌خواهند، وی تنها به فکر بیرون کشیدن گلیم خویش از آب باشد، اولیای آموزشی در مدرسه به دانش‌آموز مستقیم و غیرمستقیم القا می‌کنند که وی باید ایثار، جهاد و شهادت را در دستور کار خود داشته باشد و سرانجام همین فرد در جامعه شاهد آن است که بسیاری از افراد با هم در زمینه رانت‌خواری و با یکدیگر مسابقه نهاده‌اند، از این رو روند جامعه‌پذیری در ایران با دشواری و تنگنا پیش رفته و محقق می‌گردد، در حالی که نهادهای خانه، مدرسه و جامعه (به عنوان مهم‌ترین نهادهای جامعه‌پذیر کننده) در غرب، در غالب موارد به گونه‌ای یک‌دست و هماهنگ عمل می‌کنند. دلیل بعدی احتیاط در افزایش حجم نمونه در پژوهش‌های کیفی در ایران را باید در عدم حمایت مالی بسیاری از پژوهش‌ها در ایران دید. به این معنا که به فرض در غرب، پژوهش‌گر خود را موظف می‌داند در برابر گرفتن وقت مصاحبه‌شونده، با پرداخت وجهی، قدردانی لازم را از همکاری و صرف وقت فرد مصاحبه شده انجام دهد، در حالی که این امکان در ایران، در غالب موارد میسر نیست و همین مسأله سبب می‌شود، مصاحبه‌شوندگان به ویژه در پژوهش‌های کیفی که مستلزم صرف وقت کافی است، حاضر به صرف وقت مناسب نشده، مصاحبه خود را زودتر از حد لازم به پایان برسانند. ترس سیاسی پاسخ دهندگان در محیط ایران - که البته در این پژوهش چندان مطرح نبود - و بی‌حوصلگی، عدم تمرکز و پاسخ‌های بعضاً متعارض پاسخ دهندگان - که در پاسخ‌دهندگان خردسال این پژوهش بسیار عیان بود - از دیگر مشکلات پژوهش کیفی به شمار می‌روند.

سازمان‌بندی اولیه پژوهش حاضر شامل بررسی اثرات زیستی، روان‌شناختی، خانوادگی، تربیتی-اخلاقی، آموزشی، اجتماعی، فرهنگی، اعتقادی، اقتصادی، سیاسی و زیباشناختی کاربری کودکان پیش‌دبستانی از فناوری‌های ارتباطی جدید بود.

آثار اخیر در ۱۱ عنوان مورد نظر تدوین و به دلیل دو جلدی شدن غالب آن‌ها، در مجموع در ۲۱ مجلد کاربری کودکان پیش‌دبستانی از فناوری‌های جدید ارتباطی (تبلت، ایکس‌باکس، تلفن همراه، ماهواره و رایانه) در ابعاد «زیستی»، «روان‌شناختی»، «خانوادگی»، «تربیتی-اخلاقی»، «آموزشی»، «اجتماعی»، «فرهنگی»، «اعتقادی»، «اقتصادی»، «سیاسی»، «زیباشناختی» به دست‌نشر سپرده شده‌اند.^۱

مضاف بر عنوان‌های اخیر، چهار عنوان «چند مصاحبه با کودکان پیش‌دبستانی کاربر فناوری‌های ارتباطی جدید»، «چند مصاحبه با کودکان پیش‌دبستانی درباره نقش الگوهای عروسی-کارتونی در تحولات روانی، فرهنگی، اجتماعی و عقیدتی آنان» (در دو جلد)، «بررسی القای الگوهای عروسی-کارتونی غربی بر روی کودکان پیش‌دبستانی» (در دو جلد) و «روان‌شناسی نسل دهه ۹۰ (بررسی تحول‌های روانی، فرهنگی، اجتماعی، عقیدتی، سیاسی، اقتصادی کودکان پیش‌دبستانی)»^۲ (در هشت

مسائل اخیر سبب می‌شود، پژوهش‌گران ایرانی برای وقوف کامل به پدیده کیفی مورد نظر، آمار مصاحبه‌های عمیق خویش را افزایش دهند، همان‌گونه که در پژوهش حاضر، تعداد مصاحبه‌های مورد نظر برای گردآوری داده‌های تحقیق ۱۰۰ مورد مصاحبه عمیق در نظر گرفته شده است.

لازم به ذکر است که مصاحبه‌های ارایه شده در این اثر، متعلق به کودکان پیش‌دبستانی دختر و پسر در شهرهای مختلف ایران بوده، کودکان مصاحبه شده نیز به شکل تصادفی (تنها با این شرط که کاربر فناوری‌های ارتباطی پیشرفته باشند)، از نمونه‌های در دسترس انتخاب گردیده‌اند.

جهت گردآوری داده‌های پژوهش، پس از آموزش ویژگی‌های روان‌شناختی کودکان پیش‌دبستانی به دانشجویان و ارایه مهم‌ترین یافته‌های پژوهشی موجود در مورد «چگونگی کاربری دانش‌آموزان دبستانی از شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه» (منطقی، ۱۳۹۵، الف)، از همکاران پژوهش درخواست شد تا ضمن بررسی صحت و سقم یافته‌های پیشین، اگر به داده‌های جدیدی برخورد کردند، به احصای این داده‌ها نیز بپردازند.

روایی مدل نظری ارایه شده از طریق انطباق یا عدم انطباق یافته‌های پژوهش با پژوهش پیشین، ارزیابی متخصصان مربوطه و پژوهش‌های مشابه یا تکرار پژوهش حاضر در زمانی دیگر، بررسی خواهد شد.

^۱- لازم به ذکر است که در عنوان‌های ۱۱ گانه مورد اشاره، مقدمه و مؤخره کتاب (به جز قسمت جمع‌بندی مباحث) حاوی اطلاعات یک‌سانی است. علت این امر آن بوده است که در اکثریت قریب به اتفاق موارد، اولیا دارای علایق متفاوتی بوده، ممکن است به مطالعه یک یا چند عنوان، از عناوین تهیه شده بسنده کنند که این مسئله نگارنده را بر آن داشت تا به تکرار مقدمه و مؤخره در مجلدات اخیر بپردازد. هر چند معرفی مباحث سایر کتاب‌ها که در مقدمه آثار پیش‌گفته آمده است، در عمل تلاشی برای ارایه تصویری جامع‌نگر درباره کودکان پیش‌دبستانی است. تکرار معدودی از موارد در متن مجلدات ۱۱ گانه نیز به سبب وجه اشتراک موارد اخیر بین عنوان‌های ارایه شده هستند.

^۲- درباره عنوان «روان‌شناسی نسل دهه ۹۰» لازم به یادآوری است، این اثر که در تلاش برای ارایه ترسیمی جامعه‌شناختی از تحولات بین‌نسلی کودکان پیش‌دبستانی بوده، بیانگر تحولات فوق‌العاده شدید مناسبات نسلی در جامعه است، بعضاً برگرفته از عناوین ۱۱ گانه کاربری کودکان پیش‌دبستانی از فناوری‌های جدید ارتباطی (تبلت، ایکس‌باکس، تلفن همراه، ماهواره و رایانه)

مجلد) نیز برای تکمیل مباحث فوق مورد توجه قرار گرفتند تا در مجموع شناخت جامع‌تری از فراز و فرودهای کاربری از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته توسط کودکان پیش دبستانی و به تبع آن، تحولات گسترده بین نسلی در آنان را در جامعه معاصر به دست داده باشند^۱.

مقدمه حاضر با معرفی عنوان‌های مورد بحث در آثار ۱۱ گانه مورد اشاره و همکاران پژوهش به انجام می‌رسد.

در کتاب «بررسی تبعات زیستی کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید» عنوان‌های زیر مورد بحث قرار گرفته‌اند:

کمک به کودکان دارای نیازهای ویژه، ارتقای مهارت‌های حرکتی و بینایی، ناراحتی‌های چشمی و ضعف بینایی، سردرد و سرگیجه، دردهای عضلانی و اسکلتی، کاهش فعالیت‌های جسمانی و چاق شدن، اختلال‌های تغذیه‌ای، آسیب‌های ناشی از کژکاربری از تلفن همراه یا تقلید از اعمال قهرمان‌های کارتونی، پیش‌بینی بلوغ زودرس، تبعات زیستی ناشی از پرتوهای یونیزان و نایونیزان، تغییر ساختار مغز و سایر تبعات زیستی.

در کتاب «بررسی اثرات روانی (روان‌شناختی) کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید» عنوان‌های زیر مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند:

گسترش توانایی‌های فردی کودک، تحقق یادگیری و آموزش فعال، تربیت خلاق کودکان، تربیت کارآفرین کودکان، افزایش اعتماد به نفس کودک، کاهش اعتماد به نفس و پذیرش تصویر منفی از خویش، احساس حقارت مضاعف، ارضای هیجان‌جویی کودک، حل هیجان‌مدار مسایل، پرخاشگری، ایجاد عرصه‌ای برای تخلیه روانی در فضای مجازی، سوق دادن کودک به سمت دنیای خیال، خودشیفتگی، تحقق عشق بچه‌گانه - بزرگ‌سال، برخورد عصبی، ترس، اضطراب، افسردگی، اختلال‌های خواب، روان‌بی‌اشتهایی، شب‌اداری، ابتلا به تیک، احساس بدشکلی بدنی، ورود زودهنگام به عرصه هرزه‌نگاری، پیش‌بینی بلوغ‌زودرس، کودک‌آزاری، وابستگی و اعتیاد به تبلت، پی‌اس‌فور و تلفن همراه، آسیب‌های بزرگ شدن در فضای مجازی، تهدید بهداشت روانی کودکان و سایر تبعات روان‌شناختی.

در کتاب «بررسی اثرات خانوادگی کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید» عنوان‌های زیر مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند:

ضرورت والدگری الکترونیک، افزایش اطلاعات عمومی فرزندان، ارتقای دانش فرزندان در جریان بازی‌های آموزشی، بهداشتی و هنری، سوادآموزی نسبی کودکان، ارتقای خلاقیت و کارآفرینی فرزندان،

در ابعاد مختلف هستند که این عنوان نه برای اولیا، بلکه برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی، پژوهش‌گران انسانی و اجتماعی جامعه، اولیای فرهنگی و برنامه‌ریزان اجتماعی در نظر گرفته شده است و اولیای کودکان پیش دبستانی نیاز چندانی به مراجعه بدان ندارند.

۱. مشابه آن چه از آن درباره کودکان پیش دبستانی از آن یاد شد، با قدری تفاوت، عیناً در سطح کودکان و نوجوانان «دبستانی» و نوجوانان و جوانان «متوسطه اول و دوم دبیرستان» در دست تألیف است که ان‌شالله طی دو و چهار سال آینده ارایه خواهند شد.

نقش آموزشی و مراقبتی خواهر و برادران خانواده نسبت به هم، اثرات زیستی کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید در کودکان، همراهی خانواده با القانات الگوهای عروسکی - کارتونی، استفاده از فناوری‌ها به مثابه پرستار الکترونیک فرزندان، یاری جستن از فناوری‌ها برای سرپوش نهادن بر مشکلات خانواده، تربیت کودکان جزم اندیش (کودکانی با هویت زود بسته شده)، کاهش نظارت اولیا بر تهیه و مصرف محصولات فرهنگی فضای مجازی توسط فرزند، یادگیری مشاهده‌ای کژ کاربری اولیا (یا خواهر و برادرها) از فضای مجازی، تحقق نسل فرزندسالار، اخذ دیدهای کلیشه‌ای در جریان کاربری از بازی‌های دیجیتال و کارتونها و فیلم‌ها، پر رنگ شدن نقش دوست جنس مخالف از اوان کودکی، استقبال از دید فردگرایی (غربی)، کم رنگ شدن نسبی اهمیت خانواده برای کودک، افشای اطلاعات محرمانه خانواده، تردید در اندیشه دیگرپیروی از اولیا، زیر سوال رفتن تدریجی اولیا در برابر کودک، یافتن دید تحقیرآمیز نسبت به اولیا، منفی جلوه‌گر شدن والدگری در نزد کودک، منفی جلوه‌گر شدن تشکیل خانواده در اندیشه کودک، ایجاد تعارض‌ها و درگیری‌های خانوادگی (بین اولیا، اولیا و فرزندان، فرزندان با هم)، کودک آزاری دیجیتال برخی از اولیا، مخفی‌کاری و دور زدن اولیا توسط کودک، تعمیق شکاف بین نسلی و سایر موارد خانوادگی.

در کتاب «بررسی اثرات تربیتی - اخلاقی کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید» عنوان‌های زیر مورد توجه قرار گرفته‌اند:

اخلاق در دوران کودکی، بسترسازی برای جهت‌گیری آتی اخلاقی کودکان، بسترسازی برای شکل‌گیری نگاه زیست محیطی کودکان، بسترسازی جهت شکل‌گیری سبک زندگی کودکان، القای هدف از زندگی به کودکان، وقوع تحول‌های جهانی در ارزش‌های اخلاقی، تحول‌های ناشی از کاربری از فناوری‌های جدید، پررنگ شدن نقش دوست جنس مخالف از اوان کودکی، تحول‌های جامعه‌پذیری کودکان پیش‌دبستانی، تحول‌های گروه همسالان کودکان پیش‌دبستانی، تحول نועدوستی کودکان پیش‌دبستانی، تحول‌های حل مسأله در کودکان پیش‌دبستانی، آسیب‌های بزرگ شدن در فضای مجازی، آسیب خوردن از کژ کاربری اولیا (و خواهر و برادرها) از فضای مجازی و سایر موارد تربیتی - اخلاقی.

در کتاب «بررسی اثرات آموزشی کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید» عنوان‌های زیر مورد بحث قرار گرفته‌اند:

تحقق یادگیری و آموزش فعال، پایین آمدن سن کاربری از فناوری‌ها، ارتقای آموزشی افراد خاص، کاربری تخصصی از فناوری‌های پیشرفته، برانگیختن کنجکاوی علمی کودکان، افزایش اطلاعات عمومی کودکان، افزایش اطلاعات کودکان در زمینه‌های مورد علاقه آنان، بازی‌های آموزشی، آموزش دینی کاربران، آموزش هنری کاربران، آموزش مسایل زیستی و زیست محیطی به کاربران، بازی‌های خلاق و علمی، تربیت کارآفرین کودکان، سوادآموزی نسبی، آموزش‌های غیرمستقیم، اتلاف وقت، ایجاد مهدهای پنهان در بطن مهدهای رسمی و سایر موارد آموزشی.

در کتاب «بررسی اثرات اجتماعی کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید» عنوان‌های زیر مورد توجه قرار گرفته‌اند:

اطلاع‌رسانی و گسترش ارتباط‌های اجتماعی، اثرپذیری عمیق از الگوهای مطرح شده در بازی‌ها و کارتونها؛ حمایت‌های اطلاعاتی، آموزشی، ابزاری، فنی، حفاظتی، مشاوره‌ای و روانی کودکان از یکدیگر؛ فشار هنجاری گروه و افزایش اثرپذیری از دوستان، برقراری رابطه با جنس مخالف، طرح دوستان مجازی، تحول در روند جامعه‌پذیری کودکان، عضویت در گروه‌ها و کانال‌های شبکه‌های اجتماعی، کاهش تعامل‌های اجتماعی کودکان، بسترسازی جهت تحولات هویتی آتی کودکان، احساس حقارت ملی، تعمیق گسست نسلی، تحول ارزشی نسل دهه ۹۰، استقبال از سبک زندگی لذت‌مدار، تشویق رفتارهای هنجارشکن و بزه‌کارانه و سایر تبعات اجتماعی.

در کتاب «بررسی اثرات فرهنگی (و زیست‌محیطی) کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید» عنوان‌های زیر مورد بحث قرار گرفته‌اند:

ارتقای فکری و فرهنگی کاربران خردسال، جذابیت‌های کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید، پایین آمدن سن کاربری از فناوری‌ها، سرگرمی و تفریح، آموزش‌های غیرمستقیم، کاهش نظارت اولیا بر تهیه و مصرف محصولات فرهنگی فضای مجازی توسط فرزند، تحول‌آفرینی در قالب‌های جنسیتی موجود در جامعه، پذیرش مردسالاری الکترونیکی، القای برخی از مفاهیم فرهنگ فمینیستی به کودکان، ضعف بسترسازی فرهنگی در داخل جهت کاربری از فضای مجازی به شکل بهینه، جایگزینی تدریجی اینترنت و ماهواره به جای رسانه‌های داخلی، پذیرش تولیدهای فرهنگی کاربران، جایگزینی نسبی فعالیت‌های فرهنگی سنتی با فعالیت‌های فرهنگی جدید، بریدگی از فرهنگ خودی و استقبال از فرهنگ پرخشونت، شهوی و بی‌مسئولیت، تحولات الگویابی کودکان و سایر ابعاد فرهنگی.

در کتاب «بررسی اثرات عقیدتی کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید» عنوان‌های زیر مورد بحث قرار گرفته‌اند:

نابسامانی نسبی آموزش دینی کودکان پیش‌دبستان در جامعه، دیگرپیروی اخلاقی و عقیدتی کودکان خردسال، نقش اندک معنویت‌گرایی در فضای مجازی، مواجهه کودک با مدعیان (بی‌دین) دین‌داری، نقش پررنگ لذت و شهوت‌گرایی در فضای مجازی، آموزش‌های غیررسمی، کاهش حساسیت نسبت به اوامر و نواهی اخلاقی و دینی، تلاش در جهت زمینی کردن مفاهیم آسمانی، طرح خرافی دین و ایجاد تردید در اندیشه الهی، ایجاد تعارض‌های دینی، آشنا شدن با برخی از جریان‌های انحرافی، بسترسازی‌های اولیه برای نفی دین، طرح الگوها به مثابه منجی و جابه‌جایی قدرت خدا با وسیله‌ها و ابزارهای مطرح شده.

در کتاب «بررسی اثرات اقتصادی کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید» عنوان‌های زیر در قسمت اثرات اقتصادی کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید، مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند:

آموزش رفتارهای اقتصادی، تشویق کارآفرینی کودکان، ارایه آموزش‌های اولیه در زمینه معرفی برخی از حرفه‌ها به کودکان، طرح امکان کاربری اقتصادی از فضای مجازی برای کودکان، آموزش‌های غیررسمی، سوق دادن کودکان به سمت مصرف‌گرایی هر چه بیشتر، فشار دوستان در جهت مصرف هر چه بیشتر تر کالاهای تبلیغ شده در فضای مجازی، تحول‌آفرینی در سبک زندگی کودکان، جهت‌بخشی حرفه‌ای نامناسب به کودکان، نهادینه کردن برخی از قالب‌های کلیشه‌ای اقتصاد سرمایه‌داری در ذهن کودکان، ایجاد سرخوردگی در کودکان افشار اقتصادی متوسط و ضعیف جامعه، احساس حقارت مضاعف و سوءاستفاده‌های اقتصادی از کودکان کاربر بازی‌های دیجیتالی، کارتونها و پویانمایی‌ها.

در کتاب «بررسی اثرات سیاسی کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید» عنوان‌های زیر در قسمت اثرات سیاسی کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید، مورد بررسی قرار گرفته‌اند:

دیگرپیروی سیاسی کودک از اولیا، تأثیرپذیری کودک از القانات سیاسی رسانه‌های داخلی از طریق بازی‌ها، تأثیرپذیری کودک از القانات سیاسی رسانه‌های غربی از طریق بازی‌ها، آموزش‌های غیررسمی، کم رنگ شدن و حذف فرهنگ گفتمان در جریان بازی‌های دیجیتالی، نهادینه کردن حل پرخاشگرانه مسایل، پذیرش اصل هدف وسیله را توجیه می‌کند، ستایش ابر شر (در برابر ابر انسان)، افزایش نقد اجتماعی کودکان، کاهش عرق ملی و تردید یافتن نسبت به نظام در گذر کاربری از بازی‌های دیجیتال، کارتونها و پویانمایی‌ها، احساس حقارت ملی، یافتن نگاه مثبت به غرب (خاصه آمریکا) در جریان بازی‌ها، کارتونها و پویانمایی‌ها، پذیرش خضوع در برابر قدرت، طرح ابزار به مثابه منشاء قدرت و سایر تبعات سیاسی.

در کتاب «بررسی آثار زیباشناختی کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید» عنوان‌های زیر مورد توجه قرار گرفته‌اند:

مسأله جذابیت از گذشته تاریخ تا حال حاضر، مروری بر نظریه‌پردازی‌ها و پژوهش‌های عرصه جذابیت فیزیکی، نگاه دین به مقوله جذابیت: از جذابیت فیزیکی به جذابیت معنوی، دامن زدن به علایق هنری کودک، عمده کردن جذابیت بدنی در چشم و دل کودکان، استقبال از آرایش کردن و کاهش سن آن، تشویق روحیه مدگرایی و کاهش سن آن، دادن جهت شهوی به علایق زیباشناختی کودکان، استقبال برخی از کودکان از جراحی زیبایی، عمده کردن معیارهای زیبایی غرب در چشم و دل کودکان، ایجاد احساس سرخوردگی، احساس بدشکلی بدنی در کودکان، از زیباشناختی تا سیاست: بسترسازی جهت مثبت شدن دید کودکان به غرب.

اثر حاضر شامل دو جلد است. جلد نخست حاوی مقدمه تا عنوان «تردید در اندیشه دیگرپیروی از اولیا» است. جلد دوم کتاب حاوی ادامه مباحث باقی‌مانده است. کتاب حاضر، جلد نخست این مجموعه به شمار می‌آید.

کتاب حاضر با طرح عنوان‌های: ضرورت والدگری الکترونیک، افزایش اطلاعات عمومی فرزندان، ارتقای دانش فرزندان در جریان بازی‌های آموزشی، بهداشتی و هنری، سوادآموزی نسبی کودکان، ارتقای خلاقیت و کارآفرینی فرزندان، نقش آموزشی و مراقبتی خواهر و برادران خانواده نسبت به هم، اثرات زیستی کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید در کودکان، همراهی خانواده با القانات الگوهایی عروسکی - کارتونی، استفاده از فناوری‌ها به مثابه پرستار الکترونیک فرزندان، یاری جستن از فناوری‌ها برای سرپوش نهادن بر مشکلات خانواده، تربیت کودکان جزم اندیش (کودکانی با هویت زود بسته شده)، کاهش نظارت اولیا بر تهیه و مصرف محصولات فرهنگی فضای مجازی توسط فرزند، یادگیری مشاهده‌ای کز کاربری اولیاء (یا خواهر و برادرها) از فضای مجازی، تحقق نسل فرزندسالار، اخذ دیدهای کلیشه‌ای در جریان کاربری از بازی‌های دیجیتال و کارتونها و فیلم‌ها، پر رنگ شدن نقش دوست جنس مخالف از اوان کودکی، استقبال از دید فردگرایی (غربی)، کم رنگ شدن نسبی اهمیت خانواده برای کودک، افشای اطلاعات محرمانه خانواده، تردید در اندیشه دیگرپیروی از اولیا، زیر سوال رفتن تدریجی اولیا در برابر کودک، یافتن دید تحقیرآمیز نسبت به اولیا، منفی جلوه‌گر شدن والدگری در نزد کودک، منفی جلوه‌گر شدن تشکیل خانواده در اندیشه کودک، ایجاد تعارض‌ها و درگیری‌های خانوادگی (بین اولیا، اولیا و فرزندان، فرزندان با هم)، کودک آزاری دیجیتال برخی از اولیا، مخفی‌کاری و دور زدن اولیا توسط کودک، تعمیق شکاف بین نسلی و سایر موارد خانوادگی؛ به بررسی اثرات خانوادگی کاربری از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته پرداخته، با ارایه برخی از یافته‌های میدانی و مباحث نظری به انجام رسیده است.

کتاب حاضر پس از ارایه دورنمایی از اثرات خانوادگی کاربری کودکان پیش دبستانی از فناوری‌های جدید، با یک جمع‌بندی اجمالی در ضرورت توجه به مسأله فناوری‌های ارتباطی پیشرفته و ایفای نقش جدی نهادهای فرهنگی - اجتماعی و نظام آموزشی در این جهت به انجام رسیده است.

در انتها، لازم می‌دانم که از آقایان دکتر حمیدرضا کفاش و دکتر مهدی فیض که در سمت معاونت پرورشی آموزش و پرورش همراهی‌های لازم را با پژوهش (منتشر نشده) «۱۰۰ مصاحبه با کودکان پیش دبستان» نگارنده داشتند، تشکر و قدردانی کنم، برخی از فیش‌های کتاب حاضر، از این اثر برداشت شده است. به همین ترتیب باید از دانشجویان محترم کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری که در امر پژوهش میدانی گسترده تحقیق به نگارنده یاری رسانده و وی را رهین منت خویش کردند، سپاس‌گزاری داشته باشم. این عزیزان عبارتند از خانم‌ها و آقایان:

الهام آزادمنجیری، محمد آذرکیوان، مینا آقاجانی، شهلا آقایی، امیرعباس ابراهیم، عارفه ابراهیمی، فیروزه احدی، سحر احمدآبادی، لیدا ارغوانی‌فرد، مریم افشاری، محمدعلی اصغری، فاطمه اکبری، زهرا امیدی، سبا امیرخانی، بهاره ایجانی، کیمیا باقر، مریم باقری، مهران باقری، کیمیا بهارلو، سارا بیدار، فاطمه بیگ‌مرادی، فایزه پرند، نیلوفر پورابراهیم، نوشین پولادساز، مسعود تقدسی، مریم ثالثی، غزل جنگجو، محمد جهان‌مهر، هدیه جیرانی، شهربانو حسینی، نسیم‌سادات حسینی‌زاده، ثریا خانلری، فاطمه

خدایی، آفرین خردپیشه، سارا خوش‌قدم، مهدیه خسروجردی، مریم خیرجو، آذین دارائیان، الهه دهقان، ندا دهقان‌نیری، مرضیه رئیس‌زاده، سهیل راغب، آیلا رحیمی، بهار رضایی، مهتاب رنجبران، فاطمه روشناس، هستی ریاحی، زهرا زیبایی، مریم زینالی، زهرا سعیدی، پارسا سیدزاده، شبنم شاد، علیرضا شرفی، علی شریفی، مایده شفیع، مریم صادقی، زهرا صباحی، فاطمه صدرزاده، فاطمه صیدآبادی، زهرا عسگری‌شایگان، محمدحسین عبداللهی، مهرانوش عطایی، ریحانه علیمی، پرستو عمیدی‌پارسا، مریم طائب، معصومه فتاحی، زهرا فتحی، محمد مهدی فتحیان، علیرضا فلاح تفتی، محمدعلی فلاح‌نژاد، زینب قاسم‌زاده، سارا قاسم‌زاده، فرشته قدیری، الهه قربانی، زینب قنبری، زهرا قیصری، غزل عسگری، ستایش عین‌علی، زهرا کاظمی، الهام کرمی، مریم کی‌خا، فاطمه گرگانی، سارا گل‌افروز، فاطمه غلامی، زهرا کرمی، مریم کریم‌پور، سیده‌پردیس متولی‌منش، اعظم محمدی، ملیکا مردانی، هاله‌سادات مرصعی، مریم مشهدی، آوا معتمدی، شیوا معصومی، زینب مظفری، سارا ملاابراهیمی، فاطمه ملک‌آستانه، سیدمحمد مهدی میرحسینی، زینب میرزایی، المیرا مهمان‌نواز، شهریار نائینی، احسان نجفی، مریم نظری، نگین نقدی، سیده‌غزل وارسته کاشانی، اکرم هزاروسی، زهرا هزاره، مینو همراهی، زهرا یوسفیان.

زحمت تایپ کتاب نیز بر عهده خانم اکرم مظاهری بود که از ایشان نیز تشکر و قدردانی می‌گردد.

اجرشان مأجور باد.

۲- اثرات خانوادگی کاربری کودکان پیش‌دبستانی از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته

فضای جهانی شده، الزام‌های جدیدی را با خود به همراه آورده است که یکی از این الزام‌ها، ضرورت والدگری الکترونیک می‌باشد. به این معنا که اگر در گذشته، خانواده‌ها در جهان واقع موظف به حفظ و حراست کودکانشان از عوامل آسیب‌زای بیرونی و تدارک شرایط رشد علمی- فرهنگی- اجتماعی- عقیدتی آنان بود، در حال حاضر با شکل‌گیری و تحقق فضای جهانی شده، ضرورت دارد اولیا علاوه بر محافظت و مراقبت از فرزندانشان در جهان بیرون، حفظ و حراست از فرزندانشان در فضای مجازی را نیز برعهده بگیرند. تا نقش والدگری الکترونیک خود را به خوبی انجام دهند. به این معنا که اولیا باید با توجه به سایه گستر شدن کاربری از رسانه‌های جدید و فضای مجازی، باید ضمن بسترسازی فرهنگی برای کاربری بهینه فرزند از فناوری‌های ارتباطی جدید، در ادامه کاربری کودک از این فناوری‌ها، نظارت دقیق و مشفقانه خویش را اعمال کنند تا مبادا فرزند دل‌بند آنان در جریان ورود در دنیایی که بسیاری از افراد بداندیش و بزه‌کار به دلیل گم بودن هویتشان، با خیال آسوده برای سوءاستفاده‌های خویش به فضای مجازی روی آورده‌اند، آسیب افراد بدکار و بدها مل متوجه فرزند آنان نشود.

از سوی دیگر در بررسی ادبیات پژوهشی موجود در زمینه کاربری کودکان پیش‌دبستانی از فناوری‌های ارتباطی جدید، چند محور اساسی مورد توجه قرار گرفته است، این موضوع‌ها عبارتند از: امکان تعمیق یادگیری کودکان در جریان کاربری از رسانه‌های دیجیتال، امکان ایجاد تعامل بین اولیا با کمک شبکه‌های اجتماعی، ارتقای والدگری اولیا در شبکه‌های اجتماعی حمایتی موجود در فضای مجازی، حمایت عاطفی و اطلاعاتی اولیا از یکدیگر و سرانجام ضرورت کمک افراد متخصص در به کارگیری بهینه فناوری‌ها برای ارتقای علمی- آموزشی و تربیتی- اخلاقی کودکان. به نظر می‌رسد خط‌مشی‌های پژوهشی موجود در رابطه با خانواده، بتواند سطح والدگری الکترونیک آنان را ارتقا بخشد.

فناوری‌های ارتباطی جدید، مورد توجه برخی از پژوهش‌گران خانواده نیز واقع شده، ضمن توصیه به اولیا در جهت پذیرش کاربری فرزندانشان از فناوری‌های اخیر، خاطرنشان ساخته‌اند، با درگیر شدن اولیا در شبکه‌های اجتماعی می‌توانند سطح والدگری خویش را ارتقا دهند:

گورنسی^۱ و لوین^۲ (۲۰۱۶)، در گزارش پژوهشی خویش می‌نویسند: در حال حاضر کودکان ۳-۶ ساله پیش دبستانی و کودکان دبستانی به میزان زیادی از بازی‌های دیجیتالی سود برده، یا دست به تهیه عکس زده و یا فیلم و کلیپ می‌بینند، بنابراین با توجه به تأثیر گسترده فناوری‌هایی جدید، این سوال مطرح است که آیا می‌توان از امکانات اخیر در جهت تعمیق یادگیری کودکان سود برد. مؤلفان در مقاله خویش یادآور می‌گردند، اولیا باید به جای کنار زدن کودکانشان از جلوی پرده‌های رسانه‌های دیجیتالی، سعی کنند از رسانه‌های اخیر در جهت گسترش و تعمیق یادگیری‌های کودکانشان استفاده کرده، شاهد رشد آنان باشند.

کوپز^۳ (۲۰۱۲) گزارش می‌کند، تجزیه و تحلیل اطلاعات کیفی گردآوری شده از سطح اولیای کودکان پیش دبستانی نشان می‌دهد، طرح شبکه‌های اجتماعی در سطح آنان، به مثابه ابزار کارآمدی برای تعامل آنان با یکدیگر عمل می‌کند.

بورچینال^۴ و همکاران (۱۹۹۶) گزارش می‌دهد، وی و همکارانش برای ۶۲ خانواده آفریقایی آمریکایی دارای کودک خردسال، یک شبکه اجتماعی تعریف کردند. بررسی‌های بعدی انجام شده در مورد شبکه اجتماعی اخیر که تا سن ۵۴ ماهگی کودکان خردسال تداوم یافت، حکایت از آن داشت که حضور مادران اخیر در شبکه اجتماعی و حمایتی که از آنان به عمل می‌آمد، سبب شده بود تا آنان فضای غنی‌تری را برای کودک خردسالشان فراهم آورند، در حالی که مادرانی که از حمایت‌های اندکی در شبکه اجتماعی برخوردار بودند، تفاوت چندانی را نسبت به قبل از خود نشان ندادند.

بعضی از پژوهش‌گران نیز پیشنهاد کرده‌اند، با حد واسط واقع شدن مدرسان رسانه بین نظام آموزشی و اولیا و فرزندان، این مدرسان با انتقال دانش لازم، اولیا را در جهت هدایت بیش از پیش فرزندان یاری می‌رسانند.

دونوهیو^۵ (۲۰۱۷) در مقاله «چگونه مراقبان کودکان می‌توانند در عصر دیجیتال اولیا را کمک کنند» می‌نویسد، با گسترش رسانه‌های دیجیتال، باید آموزش کاربری از رسانه‌های دیجیتال را نیز در کنار سایر آموزش‌های پایه و علمی کودکان قرار داد و از این رسانه‌ها نیز در جهت هر چه غنی‌تر ساختن نظام آموزشی کودکان سود برد. از این رو ضرورت دارد، مدرسان رسانه، به مثابه حد واسط نظام آموزشی از یک سو و اولیا از سوی دیگر، چگونگی به کارگیری بهینه رسانه‌های دیجیتال را برای کودکان پیش دبستانی و بالاتر، آموزش دهند.

-
1. Guernsey, L.
 2. Levine, M. H.
 3. Kooops, L. H.
 4. Burchinal, M. R.
 5. Donohue, C.

مضاف بر برنامه‌های آموزشی تدوین شده برای کودکان دچار معلولیت جسمانی، ذهنی و یا کودکان مبتلا به اوتیسم کودکی، برخی از پژوهش‌گران کوشیده‌اند با استفاده از ظرفیت‌های فناوری‌های ارتباطی جدید، اولیای کودکان معلول یا آتیستیک را در شبکه‌های اجتماعی گرد هم آورده، با ایجاد مراوده بین آنان، در عمل به حمایت عاطفی و اطلاعاتی آنان دست بزنند. پژوهش سوانک^۱ و همکاران (۲۰۱۳)، نمونه‌ای در همین جهت به شمار می‌رود.

سوانک و همکاران (۲۰۱۳) در بررسی که روی مادران سایبری (مادران کاربر فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی) دارای کودکان مبتلا به اختلال اوتیسم داشته‌اند، گزارش می‌دهند، این دسته از مادران با پیگیری و بنوشت افرادی که آنان نیز فرزندان مبتلا به اختلال اوتیسم داشتند، گروهی را در فضای مجازی تشکیل داده‌اند که به لحاظ عاطفی، هیجانی، اطلاعاتی و ابزاری به کمک همدیگر شتافته‌اند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت، یکی از کارکردهای مثبت شبکه‌های اجتماعی، گرد هم آوردن افرادی در جامعه هست که مایل به یاری رساندن به یکدیگر هستند.

اگر توجه خود را در زمینه کاربری فرزندان از فناوری‌های ارتباطی جدید متوجه ایران کنیم، مشخص می‌شود که در ایران، اختلاف نظر و تشتت بسیار زیادی در این زمینه وجود دارد و برخلاف غالب مردم که فناوری‌های ارتباطی جدید را آمیزه‌ای از فرصت‌ها و تهدیدها می‌بینند و قایل به استفاده از فرصت‌های فناوری‌های مزبور می‌باشند، غالب مسوولان فرهنگی و اجتماعی جامعه، فناوری‌های اخیر را عمدتاً تهدید دیده، در صدد مقابله با آن برآمده‌اند. بالطبع توهم توطئه، دست مسوولان را در زمینه انجام بسترسازی فرهنگی لازم در سطح جامعه می‌بندد.

در شرایط اخیر که نه در سطح کلان جامعه و نه در سطح آموزش عمومی کشور، به مواردی مانند ارتقای سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان، اطلاع‌رسانی به اولیا و کاربران، تهیه ابزارهای کنترل‌کننده برای اولیا، اعمال نظارت، تدوین قوانین منع آسیب و ایذای کاربران فضای مجازی، تدوین قوانین خاص برای حمایت از نوجوانان و جوانان کاربر فضای مجازی، ایجاد خطوط مستقیم برای تماس اضطراری با مسوولان برای ایجاد محیطی امن‌تر، درجه‌بندی محتوای رسانه‌ای، تشویق سازمان‌های مدنی برای حضور، اعمال نظارت، مداخله و اثرگذاری فعال در فضای مجازی؛ ایجاد صندوق حمایت از مراکز پژوهشی در حوزه رسانه‌های نوین جهت ارائه خدمات و به اشتراک نهادن دانش، منابع و امکانات مورد نیاز پژوهش‌گران؛ ایجاد کتابخانه، موزه و محصولات علمی جهت فضای مجازی و نظایر آن، پرداخته نمی‌شود، خودبه‌خود بار سنگین مواجهه فرزندان با فناوری‌های ارتباطی پیشرفته بر دوش خانواده‌ها خواهد افتاد و بسته به درایت، آگاهی و نظارت خانواده‌ها، فرزندان آن‌ها با فرصت‌ها و یا تهدیدهای فضای مجازی مواجه خواهند شد.

در بررسی اثرات کاربری کودکان پیش‌دبستانی از فناوری‌های ارتباطی جدید در خانواده، برخی از موارد به شرح زیر مطرح گردیده‌اند:

ضرورت والدگری الکترونیک، افزایش اطلاعات عمومی فرزندان، ارتقای دانش فرزندان در جریان بازی‌های آموزشی، بهداشتی و هنری، سوادآموزی نسبی کودکان، ارتقای خلاقیت و کارآفرینی فرزندان، نقش آموزشی و مراقبتی خواهر و برادران خانواده نسبت به هم، اثرات زیستی کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید در کودکان، همراهی خانواده با القانات الگوهای عروسکی - کارتونی، استفاده از فناوری‌ها به مثابه پرستار الکترونیک فرزندان، یاری جستن از فناوری‌ها برای سرپوش نهادن بر مشکلات خانواده، تربیت کودکان جزم اندیش (کودکانی با هویت زود بسته شده)، کاهش نظارت اولیا بر تهیه و مصرف محصولات فرهنگی فضای مجازی توسط فرزند، یادگیری مشاهده‌ای کژکاربری اولیا (یا خواهر و برادرها) از فضای مجازی، تحقق نسل فرزندسالار، اخذ دیدهای کلیشه‌ای در جریان کاربری از بازی‌های دیجیتال و کارتونها و فیلم‌ها، پر رنگ شدن نقش دوست جنس مخالف از اوان کودکی، استقبال از دید فردگرایی (غربی)، کم رنگ شدن نسبی اهمیت خانواده برای کودک، افشای اطلاعات محرمانه خانواده، تردید در اندیشه دیگرپیروی از اولیا، زیر سوال رفتن تدریجی اولیا در برابر کودک، یافتن دید تحقیرآمیز نسبت به اولیا، منفی جلوه‌گر شدن والدگری در نزد کودک، منفی جلوه‌گر شدن تشکیل خانواده در اندیشه کودک، ایجاد تعارض‌ها و درگیری‌های خانوادگی (بین اولیا، اولیا و فرزندان، فرزندان با هم)، کودک آزاری دیجیتال برخی از اولیا، مخفی کاری و دور زدن اولیا توسط کودک، تعمیق شکاف بین نسلی و سایر موارد خانوادگی؛ در ادامه هر یک از عناوین پیش‌گفته، مورد بحث قرار خواهند گرفت.

۱-۲- ضرورت والدگری الکترونیک

با سایه گستر شدن فناوری‌های ارتباطی جدید، طی چند دهه اخیر، در همین ارتباط مسأله والدگری الکترونیکی نیز مطرح شده است و از اولیا انتظار می‌رود، همسان با والدگری معمولی که در ارتباط با فرزندشان دارند، نسبت به کاربری وی از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته نیز عطف توجه داشته باشند و نظارت لازم را بر چگونگی کاربری فرزندشان از محصولات دیجیتالی داشته باشند.



روسلان^۱ و لوری^۲ (۲۰۱۶)، در گزارش پژوهشی خویش خاطرنشان می‌سازند، در بررسی که آنان در سطح ۳۱ نفر از والدین کودکان ۳-۵ ساله داشته‌اند، مشخص شده است که کودکان این افراد به طور متوسط روزانه ۱/۹۱ ساعت وقت خودشان را صرف بازی‌های غیر دیجیتالی، ۱/۷۱ ساعت از وقتشان را مصروف بازی‌های دیجیتالی و تنها ۱/۲۵ ساعت از وقت خودشان را صرف انجام بازی‌های فیزیکی در فضای آزاد می‌کنند.

اطلاعات اخیر حکایت از تحولی دارد که در عصر حاضر در روند بازی کودکان رخ داده است و در جریان آن با کاسته شدن از بازی‌های فیزیکی کودکان در فضای آزاد، کاربری آنان از بازی‌های دیجیتالی فزونی گرفته و حتی میزان آن از بازی‌های فیزیکی کودکان در فضای آزاد نیز بیش‌تر گردیده است.

رابرتز^۳ (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان این که «والدین کودکان سایبری باید چه کار بکنند»، تهیه کرده است، خاطرنشان می‌سازد، با وجود آن که کودکان در برخورد با فضای مجازی از برخی از فرصت‌های موجود در این فضا برخوردار می‌گردند، اما باید دانست که فضای اخیر تهدیدهایی نیز برای کودکان در بردارد و ضرورت دارد که اولیا برای محافظت فرزندانشان از تهدیدهایی که در فضای مجازی فرزندان آنها را تهدید می‌کند، رأساً وارد صحنه شده، حفظ و حراست از کودکانشان را در فضای مجازی محقق سازند.

تحولات سریع و گسترده فناوری‌ها، ضمن طرح ضرورت والدگری الکترونیک، نظارت اولیا، اولیای مهدها و پیش دبستان‌ها و اولیای فرهنگی کودکان در سطح جامعه را در این جهت الزامی می‌سازد.

بررسی نگرش اولیای کودکان پیش دبستان در ارتباط با کاربری فرزند آنان از محصولات دیجیتالی حکایت از سردرگمی نسبی آنان در این زمینه دارد. به این معنا که آنان هم‌زمان با توجه به برخی از ثمرات مثبت کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید برای فرزندانشان، نگران اثرات سوء کژکاربری فرزندشان از فناوری‌های اخیر یا وابستگی و اعتیاد یافتن آنان به این فناوری‌ها هستند. به عنوان نمونه، بنجیسوی^۴ (۲۰۱۷)، در بررسی کیفی که در سطح ۱۰ نفر از مادران کودکان ۴ ساله داشت، به این نتیجه رسید که مادران هم‌زمان با این مسأله که تصور می‌کنند سروکار داشتن فرزند آنان با تبلت، به نوعی همخوان شدن فرزندشان با تحولات فناوری در سطح جامعه است، نسبت به وابسته شدن فرزندشان به تبلت (و فناوری‌ها)، احساس خطر می‌کردند.

پلومن^۵ و مک‌پیک^۶ (۲۰۱۲)، در مقاله مشابهی خاطرنشان می‌سازند، اگر چه اولیای کودکان پیش دبستانی بر کاربری فرزندشان از فناوری‌ها تأکید می‌ورزند، اما نسبت به نوع کاربری و نحوه استفاده‌شان

-
1. Ruslan, S.
 2. Lori, M. D.
 3. Roberts, K. J.
 4. Bengisoy, A.
 5. Plowman, L.
 6. Mc Pake, J.

از رسانه‌های دیجیتال بی‌توجهی زیادی از خودشان نشان می‌دهند. این پژوهش‌گران در گزارش تحقیق خود می‌نویسند:

بیش‌تر اولیا بر کاربری فرزندشان از رسانه‌های دیجیتالی اصرار می‌ورزند. بررسی‌های انجام شده گروه پژوهش در سطح خانواده کودکان پیش‌دبستانی، حکایت از آن دارد که آنان در حالی که آشنا شدن فرزندشان با فناوری‌های ارتباطی جدید را یکی از دغدغه‌های خویش می‌دانند و می‌کوشند تا در این جهت برای فرزندشان امکانات لازم را فراهم آورند، اما هم‌زمان با این نگرانی‌ها، آنان حساسیت لازم را از خود نسبت به نوع و میزان کاربری فرزندشان از فناوری‌های ارتباطی جدید و همین‌طور محتوای مورد استفاده فرزند را مورد توجه قرار نمی‌دهند و به سادگی از کنار آن می‌گذرند.

برخی از مطالعات دیگر حکایت از آن دارند که اولیا، به دلیل برخورداری از دیدی سنتی در ارتباط با فرزند خردسالشان، وی را فردی بی‌سواد می‌دانند که نمی‌تواند بهره‌چندانی از اطلاعات اطراف و اکناف خویش به دست آورد. پالایولوگو^۱ (۲۰۱۴) در مقاله پژوهشی خویش در همین زمینه می‌نویسد:

والدین در برخورد با کودکان پیش‌دبستانی خویش غالباً از دیدی نادرست و کلیشه‌ای برخوردارند، به این معنا که آنان به صرف آن که کودکشان خواندن و نوشتن را نیاموخته است، وی را کسی می‌دانند که نمی‌تواند به میزان زیادی بیاموزد، در حالی که بررسی‌های انجام شده پژوهش‌گر روی کودکان ۵ ساله، حکایت از کاربری جدی و سنگین آنان از رسانه‌های دیجیتال دارد که این امر خود متضمن یادگیری‌های گسترده‌ای برای کودکان خردسال هست.

گورنسی و لوین (۲۰۱۶)، از خطای مشابهی در سطح اولیا یاد کرده، خاطرنشان می‌سازند، اولیا غالباً فریب برنامه‌هایی را می‌خورند که داعیه پوشش دادن به نیاز کودکان پیش‌دبستانی آن‌ها را دارند، حال آن که بین نیازهای کودکان ۳ ساله و ۶ ساله، تفاوت‌های زیادی وجود دارد و این امر ضرورت عطف توجه بیش‌تر اولیا در انتخاب بازی‌های دیجیتالی برای فرزندشان را مورد تأکید قرار می‌دهد.

آنچه از آن یاد شد، ضرورت والدگری الکترونیک را بیش از پیش آشکار می‌سازد. در والدگری اخیر اولیا، اولیای مهد کودک‌ها و پیش‌دبستانی‌ها و اولیای فرهنگی جامعه باید در کنار یکدیگر تلاش کنند تا با بسترسازی‌های لازم، کاربری فرزندانشان از فناوری‌های دیجیتالی را به سمت و سوی یک کاربری مثبت و ارزشمند سوق دهند.

برای تحقق والدگری الکترونیک ضرورت دارد که در درجه نخست در سطح جامعه بسترسازی فرهنگی لازم جهت کاربری بهینه از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته صورت پذیرد و مسوولان فرهنگی جامعه با عنایت به فرصت و تهدید بودن فضای مجازی، سعی کنند با بسترسازی فرهنگی لازم، از میزان تهدید فناوری‌های ارتباطی جدید و فضای مجازی کاسته، بر میزان فرصت‌های آن بیفزایند.

اولیای فرهنگی اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان در تلاش برای افزایش فرصت‌های فضای مجازی و کاهش تهدیدهای آن، با پیش گرفتن اقداماتی مانند: ریختن ادبیات فاخر در فضای مجازی، تهیه وبسایت‌های مناسب، درجه‌بندی بازی‌ها، تهیه وسایل کمک آموزشی، تهیه ابزارهای کنترل اولیا و نظایر آن، ضمن دادن شناخت لازم به اولیا در مورد فراز و فرودهای رسانه‌های دیجیتال و فضای مجازی، امکان نظارت و کنترل آنان در مورد کاربری بهینه فرزندشان از فضای مجازی را فراهم آوردند. اما به دلیل آن که در ایران، نگاه‌های فرهنگی موجود، در غالب موارد همسو با تجربه بشری «افزایش فرصت‌ها و کاهش تهدیدهای فضای مجازی» نبوده است، این فضا به دلیل آسیب‌های احتمالی‌اش نفی می‌گردد.

بنابراین خط‌مشی اخیر با فرصت‌سوزی، فرصت‌بسترسازی فرهنگی مناسب را از جامعه می‌گیرد. در شرایط پیش‌گفته، برخی از اولیا، با احساس مسوولیت در برابر فرزندشان، شخصاً بار کاستی‌های اجتماعی را تحمل کرده، می‌کوشند تا با بسترسازی مناسب در این جهت، فرزندشان را از آسیب دیدگی در جریان کاربری از رسانه‌های دیجیتال مصون دارند.

گروه دیگری از اولیا، بدون توجه به مسوولیت والدگری الکترونیک خویش و بدون عنایت به فراز و فرودهای رسانه‌های دیجیتال و جهان مجازی، با بی‌تفاوتی نسبت به کاربری فرزندشان از بازی‌های دیجیتالی و فضای مجازی از کنار این مسأله مهم عبور می‌کنند.

برخی از اولیا را می‌توان اولیای ناهماهنگ نامید. این دست از اولیا به دلیل اختلاف دید در مورد کاربری یا عدم کاربری و میزان کاربری احتمالی فرزندشان از رسانه‌های دیجیتال و فضای مجازی، با یکدیگر اختلاف نظر دارند و تلاشی در جهت رفع اصولی و عقلانی اختلاف نظرشان نمی‌کنند و کودک آنان در میان دیدهای مبتنی بر نفی و اثبات اولیا، به کاربری خویش از فناوری‌های ارتباطی جدید ادامه داده، تحت تأثیر القائات آن‌ها قرار می‌گیرند.

سرانجام گروهی از اولیای ناشایست هستند که به دلیل عدم کفایت اخلاقی، نه تنها واجد شرایط کمک به کودکشان در مواجهه با فضای مجازی نیستند، بلکه به دلیل رفتارهای سوء و کژکاربری احتمالی که شخصاً از فضای مجازی دارند، در عمل موجد کاربری نامناسب فرزندشان از رسانه‌های جدید و فضای مجازی می‌گردند.

در ادامه به اجمال چهار شق از والدگری الکترونیکی اولیای مسوول، اولیای غافل، اولیای ناهماهنگ و اولیای مسأله‌دار پی گرفته خواهد شد.

۱-۱-۲- اولیای مسوول در والدگری الکترونیک

در اوضاع و احوالی که از آن یاد شد، معدودی از خانواده‌ها کوشیده‌اند کم کاری، کوتاهی و تعلل مسوولان فرهنگی جامعه، رسانه‌های داخلی و آموزش و پرورش در ارتباط با فضای مجازی را شخصاً با فشار وارد آوردن به خودشان مرتفع کنند.



اولیای اخیر در درجه نخست اهمیت با تغذیه عاطفی کافی و وافی فرزندشان، روابط دوستانه عمیقی با وی برقرار کرده، سبب می‌شوند وی اولیایش را به مثابه بهترین دوست، پشتیبان و یاور خود دیده، در صورت بروز هر مسأله‌ای، بلافاصله آنان را در جریان قرار داده، به آنان مراجعه کند.

پر کردن اوقات فراغت فرزند به شکل بهینه در جهان واقع، امر دیگری است که سبب می‌شود خود به خود فرصت فرزند محدود شده، کم‌تر با فناوری‌های ارتباطی پیشرفته سروکار داشته باشد. گاهی اولیای مسوول کاربری فرزند را ممکن است محدود به نیم یا یک ساعت کاربری در روز یا دو سه ساعت کاربری در آخر هفته کنند. اولیای اخیر در عین حال با اطلاع‌رسانی لازم در مورد خطرات موجود در فضای مجازی، می‌کوشند تا اولاً فرزند آنان به سادگی وارد فضای مجازی نشده و یا در صورت ورود به این فضا، تنها و تنها با اطرافیان و آشنایان مرتبط باشد. منطقی (۱۳۹۴) گزارش می‌دهد، برخی از اولیای دانش‌آموزان دبستانی با ورود در گروه تلگرامی فرزندشان، اولیای دیگر را نیز ترغیب کرده‌اند تا آنان نیز با ورود به گروه فرزندانشان، در عمل ضمن ارضای عطش کاربری فرزندشان از فضای مجازی، مانع از ارتباط او با افراد غریبه‌ای که ممکن است در صدد سوءاستفاده از فرزندشان برآیند، شوند. منطقی (۱۳۹۴)، در نمونه دیگری گزارش می‌دهد:

«همان‌گونه که در نمونه مهتاب ملاحظه می‌شود، با وجود آن که اولیای مهتاب با کاربری وی از شبکه‌های اجتماعی موبایل بنیان مخالف هستند، خواهر بزرگ‌تر مهتاب که ازدواج کرده است، به شکلی هوشمندانه با شرط این که مهتاب تنها با وی، شوهرش و خاله‌اش مرتبط باشد، او را در یکی از شبکه‌های اجتماعی وارد ساخته است و با وی قرار و مدار گذشته است که حق افزودن دیگران را به لیست مخاطبان خود در شبکه اجتماعی مورد نظر ندارد، زیرا آنان ممکن است محتوای نامناسبی برای وی ارسال کنند».

استفاده کنترل شده مهتاب از شبکه‌های اجتماعی ضمن آشناسازی وی با فرصت‌های فضای مجازی، نه تنها به کنجکاوی و تشنگی کاربری وی (به عنوان یک کودک) از فضای مجازی پاسخ مثبتی داده، آرامش و اطمینان خاطر را در وجود وی رقم خواهد زد، بلکه می‌تواند سرآغازی برای آموزش کاربری مثبت و بهینه او از فضای مجازی باشد.

اولیای دیگری در جهت نظم و نسق بخشیدن به کاربری فرزندشان از فناوری‌های ارتباطی جدید، اولاً قوانینی را برای کاربری فرزند از فناوری‌ها وضع کرده و به اطلاع او می‌رسانند و ثانیاً در صورت تخطی فرزند از این قوانین، جریمه‌های در نظر گرفته شده را در مورد فرزند اعمال می‌کنند و ثالثاً نظارت مستمر خود را در مورد چگونگی کاربری فرزند از فناوری‌ها و همین‌طور مبادلات احتمالی او با دوستان و همسالانش را در این زمینه اعمال می‌کنند. اما متأسفانه خانواده‌های این چینی در سطح جامعه خیلی اندک هستند.



در بررسی میدانی انجام شده روی کودکان پیش دبستانی، مشخص می‌شود، اولیای مسوول در امر والدگری الکترونیک ضمن بسترسازی فرهنگی برای کاربری بهینه علمی - خلاق - عقیدتی فرزندشان از رسانه‌های دیجیتال و فضای مجازی، می‌کوشند تا با پاسخ به عطش فرزندشان در ارتباط با فناوری‌های ارتباطی جدید و فضای مجازی، عطش (کاذب) آنان را که در اثر موج ایجاد شده در جامعه پدید آمده است، خنثی سازند. مضاف بر این نظارت دقیق بر کاربری فرزند از رسانه‌های دیجیتال و اعمال کنترل دقیق در محیط زندگی کودک، آثار سوء فناوری‌های جدید را به حداقل ممکن تقلیل دهند.

بهداد ۶ ساله، در مصاحبه خودش، گزارش از انبوهی از کاربری‌های علمی - خلاق از تلفن همراه (خواهرش) می‌دهد. پژوهش‌گر در حاشیه مصاحبه بهداد می‌نویسد:

«خانواده بهداد در غیاب بسترسازی فرهنگی لازم جهت کاربری مناسب از فناوری‌های ارتباطی جدید توسط نهادهای فرهنگی و آموزشی (پیش دبستان و دبستان) جامعه، رأساً کوشیده‌اند خلاءهای محیطی موجود را پر کنند و ضمن آشناسازی فرزندشان با کاربردهای تلفن همراه، او را به سمت و سوی استفاده از منابع علمی که از طریق گوشی دسترسی به آن‌ها میسر می‌شود، سوق دهند.

بهداد در مصاحبه خودش بیان می‌داد که اولاً اولیا برای وی تبلت یا گوشی تهیه نکرده‌اند، و وی را توجیه کرده‌اند، کودکانی که از وسایل اخیر در حد گسترده سود می‌برند، دچار برخی از آسیب‌های زیستی می‌گردند، اما در عین حال برای آن که بهداد در این میان احساس حرمان و خسران نکند، با کمک خواهر بزرگ‌تر او، روزانه نیم ساعت گوشی وی را در اختیار بهداد قرار می‌دهند تا با آن به بازی بپردازد. مضاف بر این، گاهی بهداد در کنار مادر نشسته و با نظارت وی با گوشی او، با خواهرش بهشته چت می‌کند.

خانواده بهداد در کنار اقدامات اخیر، ماهواره خانه را نیز جمع کرده‌اند تا ماهواره به فرزندانشان آسیبی نرزد. به همین ترتیب اولیای بهداد در اقدامی هوشمندانه، به وی اعلان داشته‌اند که اگر وی استفاده علمی از گوشی داشته باشد، وقت اخیر جزو نیم ساعت کاربری مجاز وی از گوشی محسوب نخواهد شد، به همین دلیل بهداد با کمک و تشویق خانواده، روی نقشه‌های تلفن همراه تمرکز یافته است و با توجه به مسافرت‌های داخلی و خارجی که با خانواده‌اش داشته است، در صدد کسب اطلاعات تکمیلی و بیش‌تر از مناطق اخیر برآمده است.

علاوه بر تمرکز بهداد روی نقشه مناطق جغرافیایی مختلف، بهداد در مصاحبه خویش بیان می‌دارد او (در حالی که وارد دبستان نشده است) با جمع اعداد، در گوشی در این اندیشه است که جمع اعداد از چه منطقی برخوردار است. نکته اخیر در بردارنده عصاره آموزش فعالی است که پیازه از آن یاد کرده است. مادر سنای ۳ ساله، در مصاحبه خود بیان می‌دارد، او برای سلنا قصه‌های خوبی فراهم کرده و روی گوشی خود ریخته است تا در مواقع لازم، آن را در اختیار دخترش قرار دهد. مادر ملیکای ۶ ساله نیز بیان می‌دارد، وی برای آن که به دخترش نشان دهد فناوری‌ها می‌توانند در جهت تعمیق اعتقادی افراد قرار گیرند، با دخترش از روی تبلت قرآن می‌خوانند. سروش ۶ ساله نیز در مصاحبه خود بیان می‌دارد، پدرش برای وی قواعد معینی برای کاربری از شبکه اجتماعی تعریف کرده است و مثلاً او تصاویر تهیه شده از اعضای خانواده را فقط و فقط برای خاله‌اش می‌فرستند. فاطمه ۶ ساله هم اظهار می‌دارد: «مامانم یه برنامه توی تبلتم گذاشته و چیزهای جالب اینترنت رو برام می‌فرسته و من می‌رم توی تبلت تا ببینم مامانم چی برام فرستاده».



سرانجام مربی مهد کیانای ۶ ساله، در مورد رفتار متین کیانا و عدم علاقه وی به تبلت، بیان می‌دارد، کیانا به دلیل آن که روزانه قسمتی از وقتش را نزد مادر بزرگش به سر می‌برد و وی با بازی‌های سستی او را سرگرم می‌کند، دیگر کیانا نیاز چندانی به بازی با تبلت در خود نمی‌بیند.

ارضای عطش کودک نسبت به رسانه‌های جدید و فضای مجازی، اقدام دیگری است که اولیای مسوول در امر والدگری الکترونیک، به آن مبادرت ورزیده‌اند. مادر سوگند ۴ ساله، در مصاحبه‌اش بیان می‌دارد، او و همسرش به سوگند تبلت نیم سوزی داده‌اند که گاهی کار کرده و گاهی کار نمی‌کند. مادر

کیان ۶ ساله نیز بیان می‌دارد، وی برای آن که دخترش چند تماس با اطرافیان داشته باشد. شارژ محدودی برای او تهیه می‌کند که زود هم تمام می‌شود.

یاس ۵ ساله هم در مصاحبه خودش اظهار می‌دارد، او با مادرش وارد شبکه اینستاگرام می‌شوند و تصاویر اطرافیان‌شان را در آن می‌بینند.

امیرعباس ۶ ساله نیز گزارش می‌دهد که او از طریق شبکه اجتماعی تلگرام مادرش، با دوستانش تماس برقرار می‌کند وی در قسمتی از مصاحبه‌اش بیان می‌دارد:

«- به اینترنت هم وصل می‌شی؟»

آره.

- تلگرام می‌دونی چیه؟

تلگرام آره.

- کی تلگرام داره؟

مامانم داره. بعد تلگرام عکس توشه.

- چه عکس‌هایی؟

مثلاً ابوالفضل و اینا برای من موبایل دارن. تو تلگرامم عکس می‌فرستن.

- تو مگه تلگرام داری؟

نه تلگرام مامانم. تلگرام می‌گم رمزشو باز کنه.

بعضی وقتا می‌رم توش، دوستم مالکه، برام عکس می‌فرسته.

- چه عکس‌هایی برای تو می‌فرسته؟

مثلاً حیوون، آدم، آدمی که می‌ره تو دریا.

- پس فقط عکس‌هایی که برات می‌فرستن رو می‌بینی؟

آره خاله.

- تا حالا نشده چیزهای دیگه هم بری ببینی؟

نه، آخه مامانم بالا سرم می‌شینه».



- مثلاً بازی‌ها ت چی بودن؟
اینستاگرام بود (اینستا را بازی می‌داند)».



«- سلام خانم ببخشید که مزاحمتون شدم اجازه می‌دید چند تا سوال در زمینه کاربری فرزندتون از فناوری‌های جدید داشته باشم؟
سلام خواهش می‌کنم، بفرمایید.
- شما برای آبتین تبلت یا گوشی تهیه کردید؟
نه.
- تو خونه با موبایل خودتون هم بازی نمی‌کنه؟
چرا، بعضی اوقات خیلی کم.
- خودتون اجازه نمی‌دین یا خودش علاقه نداره؟
نمی‌گذارم زیاد وابسته بشه به این وسایل، به خاطر همین بهش خیلی کمتر می‌دم.
- می‌دونید چه بازی یا کارهایی انجام می‌ده؟
بله، نظارت دارم یه سری بازی شمشیر و اینا.
- فقط بازی می‌کنه یا آهنگ هم گوش می‌ده؟
نه، اهل آهنگ و اینا نیست.
- تو سایت هم می‌تونه بره؟
نه، من حواسم هس، همیشه بهش می‌گم بیا بغل من بشین بازی کن.»



اولیایی که خود را در امر والدگری الکترونیک مسوول می‌بینند، علاوه بر بسترسازی فرهنگی لازم، ارضای نسبی کودک و نظارت دقیق بر کاربری کودک از رسانه‌های دیجیتال، برخی از کنترل‌های لازم را نیز بر محیط اعمال می‌کنند تا احتمال آسیب‌زایی فضای مجازی را روی کودک خودشان کاهش دهند. نیمای ۶ ساله، در مصاحبه خود گزارش می‌دهد، اولیای وی بلافاصله وقتی احساس کردند کودکشان از ماهواره الگوبرداری می‌کند، نسبت به جمع آوری و فروش وسایل آن اقدام کرده‌اند. اولیای نوید ۵ ساله و ایلیای ۴ ساله نیز گزارش از کنترل‌های مشابهی می‌دهند:

«- آقا نیما، ماهواره هم می‌بینی؟»

ماهواره اصن آشغاله. اصن ماهواره نداریم.

- ماهواره خوب نیست؟

یه خونه دیگه داشتیم، اونجا نمی‌دونم چه فیلمی بود، اداشو در میووردم. بعد مامانم به بابام گفت اینو دربیار دیگه.

- چرا مگه چه جوری بود اون فیلمه؟

نمی‌دونم چه جوری بود. می‌رفتم مثلاً اون جلو یه ملافه می‌انداختم، اداشو درمی‌آوردم. به بابام می‌گفتم یه بند ببند به سرم اداشو در می‌آوردم.

- مگه اون چه کار می‌کرد؟ ادای چی رو در می‌آوردی؟

مثلاً این جوری می‌اومد می‌رفت پایین، منم می‌رفتم پایین. می‌اومد بالا، منم می‌اومدم بالا.

- فیلمش چه جوری بود؟

راستش خوب یادم نیست. الان اسمش قشنگ یادم نیست.

- بعد مامانت دوستش نداشتش؟

چرا دوستش داشتن بابا و مامانم. بعد گفتن این اداشو درمیاره، انداختن دور، انداختن تو کمد، بعد فروختنش. بعد یه دونه از این دستگاها گرفتن.

- دستگاه دیجیتالی؟

آره. از اونا گرفتن.»

«- شما برای نوید گوشی یا تبلت تهیه کردین؟»

نه، هنوز خیلی زوده.

- نوید پیش دوستاش می‌ره و می‌بینه اون‌ها تبلت یا گوشی دارند، به شما اعتراضی نمی‌کنه؟

من سعی می‌کنم زیاد جلوش کسی بازی نکنه تا اونجا که می‌شه، مثلاً خونه خواهرم می‌رم از قبل می‌گم تبلت بچعات را جمع کن.

- به نظرتون مناسب نیست که الان دستش باشه؟

بله، چون به جز بازی، دیدم بچه‌هایی که تبلت یا گوشی‌ها دارن، بهم فیلم یا چیزهای نامناسب نشون

می‌دن. من هم خیلی کنترل می‌کنم.

- شما چه تدبیری برای پر کردن اوقات فراغت پسرتون کردید؟

هر روز تا جایی که بتونم، اون رو به پارک میارم. و اگر توی خونه مشغول کار نباشم، حتماً باهاش بازی می‌کنم.

- خواهر نوید هم گوشی نداره؟

داره، ولی اونم کنترل شده هست، مضاف این که چون نوید خیلی ارزش تأثیر می‌گیره، جدیداً دیگه خیلی به اون هم حساس شدم.

- مثلاً چه تأثیری؟

- هرکاری خواهرش با گوشی می‌کرد، اینم می‌خواست انجام بده، مثلاً به بازی‌های دخترونه که خواهرش داره علاقه داره و همش کارهای دخترانه می‌کنه.

«- به نظر شما تا الان تبلت اثر مثبتی روی ایلیا گذاشته؟

اثر مثبت نداشته به نظرم.

- اثر منفی چه طور؟

اونم به نظرم برای ایلیا و اشکان تا الان چیزی به جز این که ممکنه چشم‌هاشون توی آینده ضعیفه بشه،

چیزی نبوده، اما در کل اگر که زیاد بازی کنن، مشکلاتی مثل رها و شاید بیش‌تر هم براشون پیش بیاد.

- اگر باز هم به یک سال گذشته برگردید، برای بچه‌ها دوباره تبلت می‌گیرید؟

اگه باز هم همین کنترل روشون وجود داشته باشه، آره، چرا که نه.

- راستی گفتین که بچه‌ها کارتون هم نگاه می‌کنن. فقط توی شبکه پویا نگاه می‌کنند؟

بله، گاهی اوقاتم شبکه ۲.

- ماهواره، چه طور؟

اصلاً من و همسرم وقتی که بچه‌ها باشن برنامه‌های ماهواره رو نگاه نمی‌کنیم و حتی کارتن ماهواره،

هم به بچه‌ها اجازه نمی‌دیم که نگاه کنن. وقتی که بچه‌ها می‌رن می‌خوابن، ما اخبار یا یک سریال

ماهواره‌ای نگاه می‌کنیم.

- چرا اجازه‌ی این که کارتون هم توی ماهواره، ببینن بهشون نمی‌دین؟

برای این که ممکنه توی کارتونها هم موارد مخالف فرهنگ ما وجود داشته باشه که به نظر من

درست نیست بچه‌ها ببینن و یک مورد دیگه هم این که توی اون کارتونها، موارد جنگی تقریباً زیاد

هست که به نظر من روی بچه‌ها تأثیر می‌گذاره.»



۲-۱-۲- اولیای غافل در امر والدگری الکترونیک

«- طاهای تو فقط کارتون بن تن و بت من رو نگاه می کنی؟
نه یه کارتون هست که یه دختر و پسر هستن توش، قطار هم داره.
- خوب؟

پسره دختره رو دوس داره.

- از کجا می دونی؟

عروسی کردن خب.

- خوب بعدش؟

با هم رفتن شمال.

- هر کی که عروسی می کنه، شمال می ره؟

آره.

- خوب مگه توی شمال چه کار می کنن؟

(با خنده) لخت می شن، جی جی هاشون در میاد، شورتشون رو هم در میارن.

- برای چی این کارها رو می کنن؟

چون خودشون رو بشورن.

- این کار خوبییه؟

نه، ولی توی شمال می شه این کار رو کرد.

- این کارتون رو توی تلویزیون نگاه کردی یا نه؟

نه، توی سی دی دیدمش.

- خوب اون وقت مامان بابات بهت نمی گن اینها رو نگاه نکن؟

نه « (مصاحبه با طاهای، ۶ ساله).

«بررسی های اولیه میدانی دلالت بر آن دارد که اگر طیفی را در نظر بگیریم که یک قطب آن «ناآگاهی مطلق» و قطب دیگرش «آگاهی کامل» باشد (و بالطبع بین این دو، ارزش های «ناآگاهی نسبی» و «آگاهی نسبی» قرار داشته باشد)، توزیع آگاهی خانواده ها در زمینه آگاهی از فضای مجازی و تبعات آن، در درجه نخست روی ارزش «ناآگاهی مطلق»، حاوی بیشترین فراوانی بوده، در مرحله بعد ارزش «ناآگاهی نسبی»، دارای فراوانی بیشتری هست و در نهایت ارزش های «آگاهی نسبی» و «آگاهی کامل» مقادیر اندک و ناچیزی از فراوانی را به خویش اختصاص خواهند داد» (منطقی، ۱۳۹۵، ج).



مسأله دیگری که خانواده‌های ناآشنا با فراز و فرودهای فناوری‌های ارتباطی پیشرفته را تهدید می‌کند، نشناختن ویژگی‌های تحولی فرزندشان است. اولیا اخیر تصور می‌کنند به فرض اگر خودشان در سن بلوغ متوجه برخی از روابط موجود بین دو جنس شده‌اند، فرزند آنان نیز عیناً همین طور است، بنابراین نسبت به کاربری فرزندشان از فضای مجازی حساسیت زیادی از خود نشان نمی‌دهند، حال آن که اقتضائات زمانی فرزندان با اقتضائات دوران کودکی اولیا متفاوت بوده، فرزندان آن‌ها غالباً با هوش‌تر از اولیای خود بوده (زیرا هوش آنان از پایه‌های محیطی غنی‌تری هوش برخوردار بوده است)، مضاف این که محیط فرزندان توأم با اطلاعات بیش‌تر و تحریک‌کننده‌تر می‌باشد. منطقی (۱۳۹۴)، در نمونه‌ای در این جهت گزارش می‌دهد:

«برخی از اولیا، بدون توجه به تحولات گسترده‌ای که جهان حاضر را در بر گرفته است، با یک‌سان تصور کردن شرایط فرزندشان با شرایط دوران کودکی خودشان، قیاس به نفس اشتباهی انجام می‌دهند. همان‌گونه که از مصاحبه آرتین ۷ ساله پیداست، آرتین از سویی به علت شاغل بودن پدر و مادرش و از سوی دیگر به دلیل تک فرزند بودن، به میزان زیادی در خانه تنها است.

پدر و مادر آرتین مانند بسیاری از پدر و مادرهای مشابه، برای کاهش احساس گناه خویش و رفع تنهایی فرزند و شاید تفاجرجویی در برابر دیگران، با خرید یک گوشی پیشرفته، امکانات بالقوه گسترده‌ای را در اختیار فرزندشان قرار داده‌اند. اما هیچ اطلاع‌رسانی لازمی در این رابطه برای او نداشته‌اند. آرتین در مصاحبه خودش خاطرنشان می‌سازد که وقتی با پدر و مادرش پای ماهواره مشغول دیدن فیلم هستند و پدر با رسیدن صحنه‌های نامناسب، در صدد عوض کردن کانال ماهواره برمی‌آید، مادر با این استدلال که آرتین هنوز این چیزها را نمی‌فهمد و ما نباید بچه را حساس کنیم، مانع تغییر کانال می‌شود، در حالی که استدلال اخیر که نشأت گرفته از قیاس به نفس اولیا است، استدلال نادرستی است. به این معنا که شاید واقعاً پدر و مادر حتی تا آستانه بلوغ جنسی خودشان، واقعاً از بسیاری از مسایل روابط دو جنس بی‌اطلاع بوده‌اند، اما نسل فرزندان آن‌ها چنین نیستند.

آرتین (که از منظر اولیایش، متوجه چیزی نیست)، گزارش می‌دهد، وقتی پدرش با شبکه‌های اجتماعی کار می‌کند، او یواشکی متوجه وی است و از همین طریق کار با شبکه‌ها و رمزگذاری و کشف رمز گوشی پدر را فرا گرفته است. در ادامه آرتین با کشف رمز گوشی پدر، پنهانی گوشی وی را برداشته، وارد آن می‌گردد. آرتین گزارش می‌دهد که او شخصاً برخی از شبکه‌های اجتماعی را روی گوشی خودش ریخته است و حتی از طریق گوشی خودش، دست به گذاشتن تصویر برهنه در شبکه اجتماعی زده است. آرتین در ادامه گزارش می‌دهد، او پس از آن که با افراد دیگر از طریق گوشی خودش چت می‌کند، با پاک کردن رد پای چت انجام شده، در عمل اولیا را دور زده، آنان را از این فعالیت خودش بی‌خبر نگاه می‌دارد.

اولیای آرتین چنان غرق زندگی روزمره و کار خویش هستند که حتی با تغییرات رفتاری فرزندشان، متوجه اثرپذیری عمیق او از محیط اطرافش (مانند تبدیل مدل موی فرزندشان به مدل موهای بازیگران سریال‌های ماهواره‌ای) نشده‌اند.



برخی از اولیای غافل در امر والدگری الکترونیک، فرزند خود را در فضای مجازی رها کرده‌اند و نظارتی بر رفتار آنان ندارند. خانواده‌های دیگری هم هستند که بدون توجه به اقتضات تحولی کودک، به وی مجوز کاربری از فناوری‌های جدید را می‌دهند. گروه دیگری از اولیا، بدون توجه به نوع بازی دیجیتال کودک، تنها به فرزندشان تأکید می‌کنند که وی از انجام بازی‌های پولی استنکاف ورزد. گروه دیگری از اولیا، رفتارهای متعارضی از خود را به معرض دید می‌نهند و مثلاً در حالی که خودشان غرق فضای مجازی هستند، از کودکانشان می‌خواهند که حداقل کاربری از فضای مجازی را داشته باشند. به همین ترتیب برخی از اولیای غافل در امر والدگری الکترونیک فرزندان، با اظهارات و رفتارهای نسنجیده خویش، کودک را تحریک به ورود در فضای مجازی می‌کنند و سرانجام گروه دیگری از اولیا غافل، از رسانه‌های دیجیتال به مثابه ابزاری برای معامله با فرزندشان سود می‌برند.

مصاحبه درج شده با مادر ثمین و ثنا دو قلوهای ۴ ساله، نمونه بارزی در جهت به نمایش کشیدن رفتارهای اولیای غافلی است که فرزند خود را در فضای مجازی رها ساخته‌اند. مادر ثنا و ثمین در قسمتی از مصاحبه خویش بیان داشته است که فرزندان وی با فیلترشکن به کلیپ‌های یوتیوب دسترسی دارند:

«بچه‌ها از تبلت خودشون چه استفاده‌هایی می‌کنند؟

بازی می‌کنن و فیلم می‌بینن.

شما براشون می‌ریزین؟

نه. بازی‌ها رو وقتی خریدیم، مغازه‌دار براشون ریخت. فیلم هم خودشون تو یوتیوب می‌بینن.

ثنا و ثمین چه جور بازی‌هایی می‌کنند؟

همه چیز روی تبلت‌شون هست دیگه. هر کدوم رو بخوان.

گفتید بچه‌ها توی یوتیوب فیلم می‌بینند، یعنی اینترنت دارن؟

بله. به وای‌فای وصلن.

بچه‌ها محدودیت زمانی خاصی برای استفاده از تبلت دارن؟

نه. همیشه دست شونه.»



مادران آرمین و نازنین ۶ ساله هم در مصاحبه‌های خویش بر غفلت خویش از تربیت الکترونیکی فرزندشان صحّه می‌گذارند:

«چه ارزش‌هایی در رفتارهای الگو بوده که در رفتار فرزند شما دیده شده؟
خجالت آورده، ولی واقعاً من به کارتون دقت نکردم، جوابی ندارم.»

«دختر شما چه قدر در انتخاب برنامه کارتونی خودش حق انتخاب داره؟
تمام حق با اون هست.»

– چه کسی کارتون را برای دخترتان انتخاب می‌کند؟
خود نازنین.»



به شکل مشابهی یکی از مریبان مهد گزارش می‌داد، آنان غالباً با فرزندان خانواده‌هایی که اولیای آن به لحاظ تحصیلی مدارج بالایی را طی کرده‌اند، مشکلات جدی تربیتی دارند، زیرا اولیای مغرور این فرزندان، هر امری را برای تجربه کودکان، برای وی آزاد دانسته، به وی القا کرده‌اند که در آینده، شایستگی احراز مقام ریاست جمهوری کشور را نیز دارد!

اولیایی که نسبت به مقوله تربیت کودکان بی‌توجه هستند، بعضاً ممکن است بدون هیچ حساسیتی به کودکان اجازه دهند که همپای آن‌ها، سریال‌های نامناسب یا مسابقات پرخشونت کشتی کج و نظایر آن‌ها را ببینند. یلدای ۵ ساله، از مادرش یاد می‌کند که با او به دیدن رقص و سریال‌های ماهواره‌ای اقدام

می‌کنند. آریوی ۳ ساله، عرفانه و یاسمین ۶ ساله و آرمیتای ۶ ساله هم در مصاحبه‌های خود از پدرشان یاد می‌کنند که اجازه دیدن رفتارهای فوق‌خشن را در کنار خودش به آن‌ها می‌دهد:

«- آریو می‌تونی بگی بازی کشتی کج رو کجا دیدی که دلت خواست داشته باشی؟
توی ماهواره.»

- می‌تونی اسم کانال ماهواره رو به من بگی؟
بلد نیستم.

- پس چه جوری تو ماهواره میاری و نگاه می‌کنی؟
بابام میاره.

- یعنی بابات کشتی کج رو میاره و نگاه می‌کنه؟
آره.

- بعدش تو هم کنار بابات می‌شین و کشتی کج نگاه می‌کنی؟
آره.

- بابات نمی‌گه که نباید کشتی کج ببینی؟
نه.

- بابات می‌گذاره تو راحت بشینی و نگاه کنی؟ اصلاً بابات به تو چیزی می‌گه؟
نه.

- مامانت چی، می‌گذاره تو کشتی کج ببینی؟
آره.

- مامانت هم به تو چیزی نمی‌گه؟
نه.

- چه جوری بازی کشتی کج رو دانلود کردی؟
این بازی رو هم مامانت برات گرفت؟
آره.

- مامانت این بازی رو از کجا گرفت؟
بازار.

- یعنی تو رفتی به مامانت گفتی که این بازی رو می‌خوای، مامانت هم برای تو گرفت؟
آره.

- مامانت این بازی رو از کجا گرفت؟
بازار.

- وقتی رفتی به مامانت گفتی کشتی کج رو می‌خوای، مامانت به تو چیزی نگفت؟
نه.»



«- یاسمین مامانت نیامد بهت بگه، فیلم زامبی رو نبین؟

یاسمین: نه. اصن روز پنجشنبه بود، مامانم رفته بود اداره. چون همیشه می ره اداره.

- اون زامبیه چه کار می کرد عرفانه؟

اون زامبیه... خون آشامم تو زامبیه بود. زامبیه اونم قوی بود دیگه. زامبیا دندوناشون تیزن دیگه. اول اون زامبیه یه دونه گاز زد اینجاش، اصن خون نیومد. دوباره رفت کامل شد، دوباره زد، دوباره کامل شد، دوباره زد، دوباره کامل شد. یه دفعه خون آشامه خوردش.

- خون آشامه زامبیه رو خورد؟

آرهههههه. همه ی زامبیا رو خوردن.

- بعد خون آشاما موندن؟

فقط خون آشاما موندن.

- بعد خون آشاما با آدمها چه کار کردن؟

عرفانه: خون آشاما با آدمها... .

یاسمین: خوردن.

عرفانه: نه. این قسمت پنجشه.

- سریال بود یعنی؟

عرفانه: آره. یادم که نمی مونه. دیگه نبود سریال رو بذارن که.

- این رو کجا می دیدی؟ تو تلویزیون می دیدی یا با سی دی می دیدی؟

تلویزیون.

- چه شبکه ای این رو می گذاشت؟

نمی دونم، بابایی می ذاره.

- یعنی با بابا می شینی این رو نگاه می کنی؟

آره.

- بعد بابات نمی گه این ترسناکه؟

نه، من ترسناک دوست دارم، ولی از اینها بدم میاد.

یاسمین: من تو نمایش رفتم سینما کارتون وحشتناک. وایی دختر عمه ام گفت، وایی فرار کنید، وای وای وای... من از خنده مردم.

- عرفانه وقتی این ها رو می دیدی، مامان هم پشت بود یا فقط بابایی بود؟
بابایی با امیر.

- مامان چی؟

مامانی می ترسه.

- بعد به شما نمی گه، نگاه نکن؟

نه. من نگاه می کنم. یه وقت گفت نگاه نکن. همین طوری ولش کردم. بعد گفت این نمی ترسه که».



«- آرمیتا خانم، می تونی اسم بازی هایی رو که می کنی به من بگی؟
یوفا سی!»

- می تونی به من بگی بازی یوفا سی چه جوری هست؟

یه آدم انتخاب می کنی، می ره تو مسابقه، اون آدمه رو می زنه.

- یعنی فقط دو تا آدم همدیگه رو می زنن؟
آره.

- فقط همین؟

آره اونیه که جلوتر بزنه با آدم قوی تر می افته.

- همین جوری باید ادامه بدی و بازی کنی؟
آره.

- تا کی باید همین جوری ادامه بدی؟
تا اول بشی.

۱. بازی UFC مخفف Ultimate fighting championship به معنای مبارزه قهرمانی نهایی است. این بازی جز ترویج هیجان و خشونت چیز دیگری ندارد. سازنده این بازی آمریکا بوده و در آمریکا دیدن برنامه های اخیر برای افراد زیر ۱۸ سال ممنوع است، زیرا در این برنامه ها مجروح شدن و خونریزی افراد به وضوح نشان داده می شود.

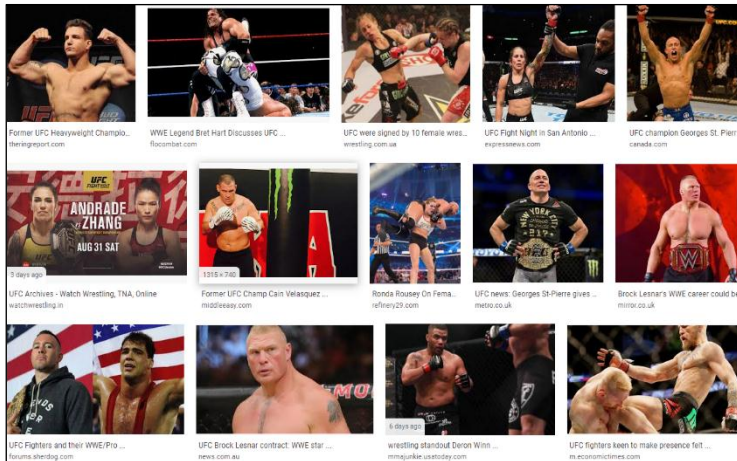
- آرمیتا تو به بابات گفتی که این بازی رو برای تو بریزه؟
نه خودش داشت.

- خود بابات تو گوشیش این بازی رو داشت؟
آره.

- بابات هم این بازی رو بازی می‌کنه؟
آره.

- اول تو بازی کردی که بابات خوشش اومد و بازی کرد یا اول بابات بازی کرد، بعد تو خوشش اومد؟
اولش بابام بازی کرد.

- یعنی اول بابات بازی کرد بعدش تو هم خوشش اومد و خواستی بازی کنی؟
آره».



سارینای ۶ ساله هم از کابوس دیدن خودش به شرح زیر یاد می‌کرد:
«... اما من فیلم‌های بد نگاه نمی‌کنم.

- چرا؟

چون بدن دیگه. آدم‌ها خواب بد می‌بینن، بعد صبح‌ها که پا می‌شیم، گریه‌مون می‌افته، ولی من دیشب یه فیلم بد دیدم، بعد رفتم توی تختم خوابیدم، صبح که پا شدم، داشتم گریه می‌کردم، چون یه خواب بد دیدم.

خوابم رو تعریف کنم؟

- بگو عزیزم تو خوابت چی شد؟

رفته بودیم با مامان و بابام اینا پارک، بعد یهویی تو پارک کفش دوزک‌های واقعی بودن، بعد پامون رو که می‌گذاشتیم روشن، بمب آتیشی درمی‌اومد ازش. خب بعد اونجا پر آتیش بود، من دیگه نمی‌تونستم تحمل کنم، مامان و بابام و همه هم رفته بودن، بعد بابام داشت دنبالم می‌گشت، بعد من پشت شیشه داد

فقط بن تنو ندارم، بتمن، سوپرمن، بتمنش از در و دیوار می‌ره بالا، اینترنتیه... اگه مامانم بذاره، می‌گه بازی‌های اینترنتی نکن.

- چرا؟

چون پول واسش میاد، بازی‌های پولی رو من بیش‌تر می‌ریزم، اگه پاک نکرده باشه، خیلی خوبه». همان‌گونه که هلنای ۵/۵ ساله گزارش می‌دهد، عمده‌ترین دغدغه مادر وی نیز تمام نشدن شارژ گوشی خودش است که هلنا با آن بازی می‌کند، نه کاربری هلنا از بازی‌های زامبی (مرده متحرک) که سرشار از مضامین ترسناک و فوق‌خسونت بار هستند و به شدت بهداشت روانی کودکان، نوجوانان، جوانان و سایرین را تهدید می‌کنند:

«- با گوشی مامان و بابات هم بازی می‌کنی؟

آره.

- چی بازی؟

مامانم نمی‌ذاره تو گوشیش بازی بریزم، من فقط تو گوشی مامانم زامبی بازی می‌کنم.

- چرا نمی‌گذاره؟

می‌گه شارژشو تموم می‌کنی.

- فقط به خاطر همین؟

آره.

- زامبی خطرناک نیست؟

نه».



بعضی از اولیای غافل در امر والدگری الکترونیک، با به نمایش نهادن رفتارهای متعارض در خودشان، در عمل بیانات خود را نفی می‌کنند. هادی ۶ ساله بیان می‌دارد، مادر او در حالی که حتی تا آخرین لحظه، چشمش به گوشی تلفن همراه خودش هست، از فرزندش می‌خواهد که او تنها نیم ساعت در شبانه روز حق دارد تا با تبلت یا گوشی به بازی بپردازد:

«- بابا و مامانت با گوشیاشون کار می‌کنند؟

آره، با تلگرام کار می‌کنن.

- به نظرت تلگرام چیز خوبییه؟

نه، دیگه چشما رو زیاد خسته می کنه، زیاد کار کنی، من که می بینم اونا این همه کار می کنن، اصلاً می ترسم اون قد نگاه می کنن.

- می ترسی چشم هاشون ضعیف بشه؟

آره، یه سره دارن تایپ می کنن، مثلاً الان که داشتیم می اومدیم، مامانم داشت لباساشو می پوشید،

همین جوری چشماش به گوشیش بود.

به مامانم می گم مثلاً... برام یه دونه اینترنت بخره.

- آهان یعنی دوباره می ریزی؟

آره.

مامانم هر روز و هر شب گفته فقط می تونی نیم ساعت بازی کنی.»



برخی از اولیای غافل در امر والدگری الکترونیک، در عمل با بیانات خویش کودکانشان را تحریک می کنند که بیش تر و بیش تر متوجه رسانه های دیجیتال و فضای مجازی شوند تا ببینند چه مسایلی در آن ها وجود دارد که اولیا نسبت به آن ها هشدار داه و پرهیز کودک از آن امور را خواستار می گردند.

اظهارات امیرعلی و آیین ۶ ساله و مهراوه ۵ ساله، نمونه هایی در همین جهت را مطرح می سازند:

«- راستی گفتمی بازی دخترونه هم می کردی؟

آره (خنده).

- آخه چرا بازی دخترونه؟

آخه خوب بابام می ریخت برام دیگه.

- آخه اصلاً چرا دوست داشتی که بازی دخترونه بکنی؟

(خنده) خوب آخه خیلییییی خوب بود دیگه.

- خوب چه طوری بود بازی؟

خیلی کارها می کردم توش مثللاً آرایش گر بازی بودددد، یه مرده هم بود توش، دیگه هه هه هه هه هه بلیز

می پوشوندم تن دختره.»

«- آیین کدوم سریال ها رو خیلی دوست داری؟

اکیا.

- چرا؟

آخه دو تا پسر با هم دعوا دارن (خنده) عامر و کماله اسمشون.

- صحنه بد نداره؟

نه مامانم میزنه یه کاناله دیگه، اگه بی ادبی باشه».

«- مهرآوه خانم، با چه کسی فیلم میبینی؟

مامانم.

- تا حالا شده چیزی توی ماهواره ببینی که به نظرت بد باشه؟

اگه چیز بد داشته باشه، مامانم می گه چشمهاتو بگیر.

- اونجاها که چشمهات رو میگیری، می دونی برای چیه؟

اون جاهایی که همو بوس می کنن».

گروه دیگری از اولیایی که از وظیفه والدگری الکترونیک خود بازمانده و با غفلت از آن گذشته اند، در برخورد با فناوری های جدید، وارد معامله با فرزندشان شده، از فناوری های اخیر به مثابه اهرم فشار برای وادار کردن فرزند به انجام کارهای مطلوب طبع خودشان سود می برند. اظهارات دُرسا ۶ ساله و مهتاب ۵ ساله، به نمایش همین معنا پرداخته اند:

«- فکر کن تو داری بازی می کنی، بعد بابا و مامانت بیان گوشی رو از تو بگیرن، تو چه کار می کنی؟

من می گم، مامان نیم ساعت دیگه از دستم بگیر.

- خوب اگه بگه نه درسا نمی شه، تو چی می گی؟

من می گم مامان به یه شرط بهت می دم. به شرطی که می خوابم، عصر که بیدار شدم، بهم بدیا، می گه باشه.

- پس شرط می گذاری واسه مامانت؟

آره».

«- خوب مهتاب خانم، تو موقعی که گوشی داری، بیش تر شلوغ کاری می کنی یا موقعی که گوشی

نداری؟

گوشی ندارم.

- اصلاً تو دختر آرومی هستی یا دختر شلوغ کاری هستی؟

شلوغ (خنده).

- بعد گوشی بازی می کنی، شلوغ کاریت کم می شه؟

آره.

- وقتی گوشی نداری چی؟

شلوغ کاریم بیش تر می شه.

- خوب مامانت نمی گه بیا گوشی رو بگیر کم تر شلوغ کاری کن؟

چرا.

- چی بهت می‌گه، می‌شه یه کم توضیح بدی؟

می‌گه دخترم شلوغ نکن تا من بهت تبلت بدم یا کامپیوتر.

- بعد توی مهمونیا چی، وقتی می‌ری، نمی‌گی مامان گوشیت رو بده به من؟

نه، فقط به بابام می‌گم.

- بعد بابات چی می‌گه؟

بابام می‌گه بیا دخترم اذیت نکنیا».



همان‌گونه که از آن یاد شد، رفتارهای متعارض، تحریک کننده و سوداگرانه اولیا با کودک، بعضاً ممکن است به شکل عکس جواب داده، کودک را کنجکاو کند تا به همان رفتاری که از آن منع شده است، بپردازد. اظهارات مهرداد ۶ ساله، مؤید همین معنا است:

«دوستم می‌گفت می‌ره توی تلگرام مامانش، بعد از اونجا مثلاً می‌ره توی صفحه‌ی خاله‌اش و اینا.

- خوب چی توی گوشی مامانش دیده؟

هیچی، می‌گفت فقط آهنگ اینا توش بود.

- مگه دنبال چی می‌گرده؟

هیچی، آخه همش می‌گه می‌خوام ببینم چیه توش که هی مامانم می‌گه، تو دست نزن برای تو بده یا

این که می‌گه برای سن تو مناسب نیست».

سرانجام برخی از اولیای غافل هستند که به دلیل برخوردهای غیرعقلانی و شدیدی که در مواجهه با خطاهای کودکان دارند، در عمل راه را برای کودکانی که با مضامین نامناسب و تهدید کننده در فضای مجازی مواجه شده‌اند، بسته‌اند و کودکان این اولیا، از ترس برخورد بد و شدید اولیایشان ترجیح می‌دهند که ناراحتی تهدید شدن در فضای مجازی را تحمل کرده، اما سخنی در این باب نزد اولیا مطرح نکنند.

۳-۱-۲- اولیای ناهماهنگ در امر والدگری الکترونیک

برخی از کودکان مصاحبه شده در جریان مصاحبه خود، دست به ترسیم نسبی روابط خانوادگی خود زده و به این طریق از ناهماهنگی که بین اولیا در جریان کاربری آن‌ها از فناوری‌های ارتباطی جدید یا بازی‌های دیجیتالی و فضای مجازی دارد، پرده برداشته‌اند. اختلافات اخیر که غالباً پدر در آن موافق کاربری بی‌حد و حصر فرزند از فناوری‌ها بوده و مادر موافق آن نیست، در بسیاری از موارد نیز حل نشده باقی مانده، بر عمق اختلاف‌های احتمالی اولیا می‌افزاید.



آرمیتای ۶ ساله، در مصاحبه خود گزارش می‌دهد، سرکاربری او از فناوری‌ها، کار پدر و مادرش به دعوا کشیده شده است:

«- آرمیتا تو تبلت یا گوشی داری؟»

نه.

- پس تا حالا با تبلت یا گوشی کار نکردی؟
چرا کار کردم.

- چه جوری تو که تبلت نداری؟
بابام هم گوشی داره، هم تبلت.

- بابات اجازه می‌ده یا خودت همین جوری برمی‌داری؟
نه، خودش اجازه می‌ده.

- چرا برای تو تبلت نگرفتن؟

چون مامانم می‌گه برای من زوده.

- ولی بابات اجازه می‌ده که تبلت داشته باشی؟
آره.

- چرا بابات اجازه می‌ده که تو تبلت داشته باشی؟

می‌گه بچه هستش دیگه، بذار بازی کنه و شاد باشه.

- اون وقت مامانت به بابات چی می‌گه؟

می‌گه تو سر این بچه وقت نمی‌ذاری و می‌خوای از سر خودت، بچه رو باز کنی.

- بابات به مامانت چی می‌گفت؟

گفتش تو دیونه‌ای.

- آرمیتا جان می‌تونی به من بگی که بعد از این که بابات به مامانت این کلمه رو گفت چی شد؟

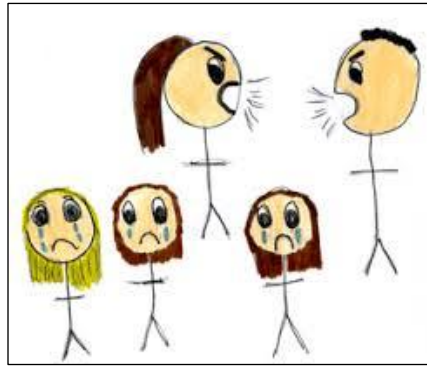
مامانم داد زد، بابام رفت بیرون.

- یعنی وقتی مامانت داد می‌زد، بابات از خونه رفت بیرون؟

آره.

- چرا بابات رفت بیرون؟

مامانم می‌گه ماها رو دوست نداره».



مادر امیرحسین هم در مصاحبه خودش خاطرنشان می‌سازد، با وجود آن که فرزندش در اثر کاربری از بازی‌های زامبی دچار ترس و بدخوابی شده است، با این همه پدر برای دور کردن او از خودش، با دادن گوشی به امیرحسین، در عمل او را از خود دور می‌سازد:

«- امیرحسین می‌گفت وقتی بازی می‌کنه، خواب آن‌ها را می‌بیند و بیدار شده و دوباره می‌خوابد، این

حرف درست هست؟

بله، امیرحسین در طول شب بارها بیدار می‌شه.

- سنخ خواب‌های امیرحسین چگونه هست؟

خواب‌های امیرحسین دقیقاً متأثر از ماشین بازی و بازی زامبی هست که پدرش در گوشی خودش

داره.

- آن وقت شما به فکر چاره‌جویی برای این مسأله نیفتاده‌اید؟

پدرش همکاری لازم رو نداره. مثلاً وقتی امیرحسین گوشی می‌خواد، من ممکنه به اون ندم، ولی

پدرش برای حوصله نداشتن و راحت کردن خودش، سریع در مقابل اون کوتاه میاد و امیرحسین از این

نقطه ضعف به شدت استفاده می‌بره و با گفتن این که حوصله‌ام سر رفت، گوشی پدرش رو می‌گیره».

۴-۱-۲- غفلت اولیای مسأله‌دار در امر والدگری الکترونیک

«مربی مهد: من بارها شاهد بودم که اشکان در مهد با خودش ور می‌رود و خودش را به لبه میز و صندلی می‌مالد. من وقتی برای فهمیدن دلیل این کار با مادر اشکان به شکل غیرمستقیم حرف زدم، دیدم مادر او زن مطلقه‌ای هست و بیان می‌کند، من و پسر من شب‌ها کنار هم می‌خوابیم و دیگه من احساس نیاز به شوهر نمی‌کنم...»

بعد از این گفت‌وگو بود که من علت رفتارهای اشکان ۶ ساله را دریافتم». برخی از اولیا، بدون آن که شایستگی داشتن فرزند و تربیت آن را داشته باشند، فرزنددار شده‌اند و به دلیل مسایل و مشکلاتی که از آن برخوردارند، خود در آسیب دیدگی فرزندشان ذی سهم بوده، ایفای نقش می‌کنند.

اولیایی که بدون کمترین ملاحظه تربیتی فرزند را به سمت کاربری از فضای مجازی سوق می‌دهند (و مثلاً برای پسرشان، بازی آرایشی دخترانه را نصب می‌کنند)، اولیایی که برای وقوف به راز و رمز یکدیگر، از کودکان می‌خواهند تا مثلاً جاسوسی یکی از آن دو را علیه دیگری داشته باشد (و به فرض از محتویات و مضامین گوشی پدر اطلاع یافته، آن را به مادر منتقل سازد) و یا اولیایی که کاربر ادبیات هرزه‌نگار بوده، تبلت یا تلفن همراهشان را با همان محتویات به دست فرزند می‌سپارند تا با آن بازی کند و سرانجام اولیایی که دنبال هوا و هوس خود بوده، برای راحت شدن از دست دردسرهای احتمالی فرزند، او را به سمت کاربری بی‌حساب و کتاب از فناوری‌ها و فضای مجازی سوق می‌دهند، از جمله اولیای مسأله‌داری هستند که به دلیل درگیری‌ها و مشکلات شخصی خویش، شایستگی والدگری الکترونیک فرزندشان را ندارند.

امیرعلی ۶ ساله، در مصاحبه خویش از اقدام پدرش یاد می‌کند که برای بازی او، بازی‌های دخترانه را نصب کرده است.

یلدای ۵ ساله هم از مادرش که از او به مثابه یک جاسوس در محیط خانه سود می‌برد، چنین یاد کرده است:

«- از تلگرام بابات استفاده می‌کنی؟

بابام نمی‌ذاره.

- چرا نمی‌گذاره؟

چیزای بدی داره.

- یعنی چی چیزهای بد؟

بابای من نمی‌ذاره تو تلگرامش نگاه کنم.

- چرا نمی‌گذاره؟

مامانم همیشه می‌گه، بگو بابا لطفاً بذار چیزای خنده‌دار. مامانم می‌گه برو ببین چیه تو گوشیش؟

- تو هم می‌ری بینی؟

بعد بابام می‌گه، برو اونور بازی تو بکن. بعد مامانم می‌گه، آه نقشه مون رو از دست دادیم».



مادر بهار ۴ ساله در مصاحبه خود اظهار می‌دارد، دختر کوچک آن‌ها در جریان بازی با تلفن همراه پدرش، وارد قسمتی شده است که حاوی برخی از فیلم‌های هرزه‌نگار پدر بوده است و پس از این ماجرا، او دایم به تکرار همان رفتارها و اصواتی که در جریان فیلم‌های هرزه‌نگار دیده بود، می‌پردازد. مادر بهار اضافه می‌کند، با این همه پدر باز هم تأدیب نشده، مضامین هرزه‌نگار گوشی خودش را پاک نکرده است.

محمد حسین ۵ ساله، در مصاحبه خود بیان می‌دارد که او فرزند طلاق هست. محمد حسین اضافه می‌کند، او وقتی نزد پدرش می‌رود، پدر با وجود دیدن ارتباط او با دخترهای مهد، هیچ حرفی به او نمی‌زند، از سوی دیگر، وی که نزد مادرش زندگی می‌کند، از سوی مادر به فضای مجازی ارجاع داده می‌شود تا مادر با خیالی آسوده‌تر به مرادده با دوست پسر خودش بپردازد.

«- وقتی دوست‌ها چیزهای اشتباه بفرستن، به بابات نشون می‌دی؟

آره، حتی اونم می‌خنده یا وقتی با یه دختر هم صحبت می‌کنم، بابام نگاه می‌کنه، ولی دعوا نمی‌کنه.

- مثلاً چه چیزهایی به دوست دخترت می‌گی؟

براش عکس خودمو می‌فرستم، اونم عکسشو می‌فرسته، با هم صحبت می‌کنیم.

- دوست دخترت چند سالشه؟

هم سن خودمه، آبجیه یکی از دوستانه.

- چه جور با هم آشنا شدین؟

می‌گفت تو تلگرام داداشش، عکس منو دیده. از اون موقع با هم دوستیم.

- دوست دخترت چه چیزهایی برات می‌فرسته؟

عکس خودشو یا اتفاقی که براش می‌افته.

- مثلاً چه چیزهایی می‌گه؟

مثلاً می‌گه اون خوراکی رو خورد، یا در مورد دختر و پسر با هم حرف می‌زنیم.

- می‌شه بیش‌تر برام بگی منظورش چی بود؟
مثلاً می‌گفت مریشون راجع به چیزای خصوصی دخترا حرف می‌زنن، پسرا هم این جورین یا نه.
مصاحبه با مادر محمدحسین:
- می‌شود راجع به روابط خودتان با محمدحسین بیش‌تر توضیح بدهید؟
خب رابطه عاطفی و مهر و محبتی که محمد باید ببینه، از طرف من می‌بینه و خدا رو شکر با جدایی من و پدرش، هیچ‌گونه خدشه‌ای به رابطه من و محمد ایجاد نشده است.
- محمدحسین از رابطه‌اش با پدرش چیزی به شما نگفته است؟
من دخالتی در این زمینه نمی‌کنم.
- شما از این که محمد در دنیای مجازی با چه کسانی دوست هست و با آنها ارتباط داره، آگاهی دارید؟
خب با دوستانش در تلگرام هست.
- یعنی محمدحسین چیزی به شما نشان نمی‌دهد؟
من اعتقاد دارم، اگر بخواهیم در کار کودک دخالت کنیم، او را از خود دور کرده‌ایم.
- تا حالا شده است محمد راجع به نحوه استفاده از تلگرام یا اینترنت از شما سوالی بپرسد؟
نه.
- شما خودتان نخواسته‌اید به او یاد بدهید؟
نه.
- به نظر شما این بی‌تفاوتی‌ها، کودک را به گمراهی نمی‌کشاند؟
من بی‌تفاوت نیستم، ولی دخالتی هم در کار او ندارم.
- می‌دانید محمد چه بازی‌هایی می‌کند؟
بازی بازی هست دیگه.
- شما از اینترنت هم استفاده می‌کنید؟
بله، زیاد.
- نحوه استفاده از آن را به محمد یاد می‌دهید؟
من با گوشی خودم هستم و محمد با گوشی خودش.
- دیدگاه شما نسبت به ارتباط با جنس مخالف چگونه است؟
نظری ندارم، در واقع الآن همه این‌گونه ارتباطها را دارند و کسی که ارتباط نداشته باشه، از دنیا عقب مانده است.
- برای بچه‌ی پنج‌شش‌ساله چه طور؟
اون هم باید یاد بگیره. در این دنیای امروز، کودک چیزهایی می‌داند که خودما هم می‌مانیم».



در یک جمع‌بندی اجمالی از انواع والدگری‌های الکترونیکی که در خانواده معاصر ایرانی مشاهده می‌شود، باید متذکر این معنا شد که نباید رابطه خانواده و فناوری را رابطه‌ای یک‌سویه و یک‌طرفه دید. به این معنا که نباید تصور کرد، اولیایی هستند که از ابتدا خوب بوده‌اند، بنابراین والدگری الکترونیک مناسبی خواهند داشت و اولیایی هستند که خوب عمل نمی‌کنند، بنابراین والدگری آنان از نوع غفلت‌زده، ناهماهنگ و یا مسأله‌دار خواهد بود. فناوری‌ها نیز در چرخه حیات خانواده می‌توانند وارد شده، به شکل تعاملی با خانواده رابطه برقرار کنند. به این معنا که اگر بسترسازی فرهنگی مناسبی در سطح جامعه برای کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید تدارک دیده شده باشد، فناوری‌ها می‌توانند والدگری معمول یا الکترونیک خانواده‌ها را ارتقا دهند، اما اگر بسترسازی مناسب لازم در سطح جامعه شکل نگرفته باشد و از سوی دیگر، اولیای خانواده نیز از فرهیختگی لازم برخوردار نباشند، ممکن است فناوری تأثیر نامناسب و مخرب در خانواده بگذارد و در نتیجه از کیفیت والدگری معمول و الکترونیکی آنان بکاهد.

ماهان ۶ ساله در جریان مصاحبه‌اش، از اولیایی سخن می‌گوید که در اثر کژکاری، محیط خانواده را به سردی کشانده‌اند. این کودک، در قسمتی از مصاحبه خود با بیان آن که مادر خود را غرق شبکه‌های اجتماعی کرده است و با آشنا کردن پدر با این شبکه‌ها، رفته رفته او را نیز دارد شبیه خودش می‌کند، اظهار می‌دارد که از شبکه اجتماعی تلگرام خوشش نمی‌آید، زیرا این شبکه، مادرش را از او جدا کرده است:

«- هر وقت که بخوای، بابات گوشیش رو بهت می‌ده؟»

آره، اما مامانم همش اجازه نمی‌ده گوشیشو بگیرم.

- چرا اجازه نمی‌ده؟

آخه به خاطر این که من عادت نکنم با گوشی مامانم بازی کنم.

- مامانت هم خیلی با گوشیش بازی می‌کنه؟

نه، اصلاً بازی نمی‌کنه، فقط منم که با گوشیش بازی می‌کنم.

- پس مامانت با گوشیش چه کار می‌کنه؟

یه تلگرام داره، می‌ره تو اون همش.

- تلگرام چیه؟

یه چیزیه که می‌نویسن برا همدیگه.

- تلگرام چیز خوبییه؟

چیز خوبی نیست.

- چرا چیز خوبی نیست؟

آخه عادت می کنه به این چیزا. بعد الانم عادت کرده، دیگه ول نمی کنه... .

- بابات هم تلگرام داره؟

آره.

- اون هم عادت کرده؟

نه، ولی دیگه داره عادت می کنه، چون مامانم براش ریخته.

- خوب بابات به مامانت نمی گه، این قدر با تلگرام بازی نکن؟

نننه بازی نیستش که (خنده).

- پس چی هست؟

مثلاً یه دوستی که بخوای بهش یه چیزی بگی که نیست، براش پیغام می نویسی. بعدش تو گوشیش

یه دفعه‌ای میاد می خونه. بعد اونم براش می نویسه.

- خودت هم دوست داری تلگرام بریزی؟

نه زیاد.

- چرا؟ مگه چی داره؟

چون اگه بریزم، زیاد بهش عادت می کنم، عین مامانم».



نکته‌ای که در انتهای این قسمت تذکر آن لازم می‌نماید، ضرورت برخورد یک‌دست و هماهنگ خانواده و اطرافیان با کودک در زمینه والدگری الکترونیک است، به این معنا که در برخی از موارد مشاهده می‌شود که با وجود دقت نظر اولیا در چگونگی کاربری فرزند از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته و فضای مجازی، به دلیل رفتارهای ناهماهنگ اطرافیان، نتیجه دقت نظر و تلاش‌های اولیا به میزان زیادی کم اثر می‌گردد. مادر نیکی‌السادات ۳ سال و ۷ ماهه، در مصاحبه خود نمونه‌ای از ناهماهنگی اولیا و اطرافیان نیکی‌السادات را به معرض دید می‌گذارد:

«- نیکی معمولاً روزی چند ساعت کارتون می‌بینه؟

بعد از کارگاه شما، دیگه نمی‌گذارم زیاد کارتون ببینم، قبلاً روزی پنج شش ساعت کارتون می‌دید.
- نیکی گفت السا و آنا رو دوست داره و کارتون موردعلاقه‌اش هست.
بله، از دو سه سالگی تا این کارتون رو نمی‌دید، نمی‌خواهید، گاهی دوبار پشت سر هم کارتون رو می‌دید.

- چه کسی این کارتون رو براش انتخاب کرد؟
خونه مامانم، بچه برادرم می‌دید، نیکی هم کم‌کم به اون علاقه‌مند شد، بعد مامانم براش ریخت تو فلش.
- بچه برادر شما چند سالشه؟
۱۳ سالشه.

- رابطه نیکی با بچه برادرتون چه طور هست؟
اختلاف سنی دارند و خیلی رابطه‌ای با هم ندارند، معمولیه.
- چه قدر در مورد السا و آنا و فضای کارتون با نیکی صحبت می‌کردید؟
خیلی صحبت نمی‌کردیم.
- یعنی نیکی سوالی نداشت؟
نه.

- به نظر شما با توجه به سن نیکی، این مسأله عجیب نیست؟
تا حالا بهش فکر نکرده بودم. برای منم عجیبه، چون نیکی خیلی سؤال می‌کنه، اما در این مورد من چیزی یادم نمیاد.

- به نظر شما جواب سؤال‌هاش رو از کجا می‌گرفته؟
نمی‌دونم، ولی الان برام سؤال پیش اومد، چرا واقعاً.
- من دیدم توی اتاق نیکی پر از السا و آنا و شخصیت‌های دیگه ملکه یخی بود، خودش اصرار می‌کنه، براش بخرید؟
نه، من فقط یکی یا دوتاش رو خریدم، بقیه‌اش رو مامان بزرگ‌ها و عمو، خاله و دایی‌اش براش خریدند.

- نیکی تو رفتاراش نشون داد که جایزه براش مسأله مهمیه، تا حالا از این کارتون به‌عنوان جایزه یا تنبیه استفاده کرده‌اید؟
بله، کار خوب که بکنه جایزه می‌گیره. یاد گرفته تا می‌ره خونه مامان بزرگش، می‌گه مامانی من کار خوب کردم، اون هم بهش جایزه می‌ده.

- السا و آنا مشخصاً جزء جایزه‌ها بودند؟
بله، چندتا شون رو جایزه گرفته.
- نیکی گفت لباس‌های السا و آنا رو نداره، دلیل خاصی داشته که براش نگرفتید؟

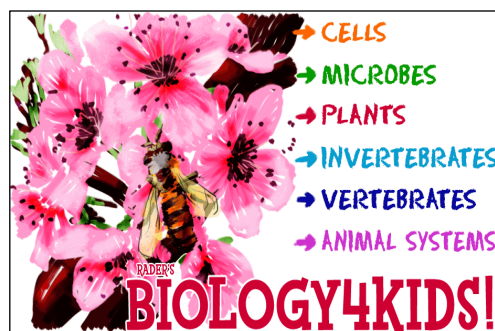
- نه، ولی کلی لباس شبیه اون‌ها داره، دامن‌ها بلند و چین دار.
- توی عکس تولد نیکی، مشخصه که تم تولد السا و آنا بود، این انتخاب شما بوده یا خود نیکی.
- خودمون انتخاب کردیم، چون اونا رو دوست داشت.
- شده ببینید نیکی از السا و آنا تقلید کنه؟
- کوچک‌تر بود، به باباش می‌گفت، می‌خواهم مثل السا بوس کنم، ما هم بهش گفتیم دهن میکروب داره، مریض می‌شی، کار خوبی نیست.
- دیگه چی؟
- قبلاً آرایش می‌کرد، من هم لوازم آرایش رو جمع کردم.
- میز آرایش رو شما براش خریدید؟
- نه، کادوی تولد عموشه».

۲-۲- افزایش اطلاعات عمومی فرزندان

از یک منظر کلی می‌توان بازی‌ها و یا کارتون‌هایی را که کودکان در تبلت، تلفن همراه، ایکس‌باکس و رایانه دنبال می‌کنند، به دو قسمت بازی‌های مناسب و بازی‌های نامناسب تقسیم کرد.



بازی‌های مناسب بازی‌هایی هستند که در جریان آن‌ها، کودک با مباحثی نظیر مفاهیم علمی، بازی‌های خلاق، افزایش اطلاعات بهداشتی و پزشکی، ارتقای مهارت‌های فردی و اجتماعی، افزایش شناخت اجتماعی، ارتقای اندیشه‌های راهبردی، آموزش روش‌های پرورشی و مانند، آشنا می‌شود، اما در برابر بازی‌های نامناسب، بازی‌هایی هستند که در روند بازی، انبوهی از مفاهیم غیرمتعارف، نظیر مفاهیم پرخاشگرانه، جنسی، بزه‌کارانه، خرافی و مانند آن به کودک القا می‌گردد.



خانواده‌هایی که نسبت به والدگری الکترونیکی فرزندشان توجه لازم را داشته، با اعمال نظارت و مداخله فعال در کاربری فرزندشان در کاربری از فن‌آوری‌های جدید، به مراقبت از فرزندشان می‌پردازند، سبب می‌گردند کودکان کاربر آنان از تبلت، تلفن همراه، ایکس‌باکس و یا رایانه، از بازی‌های دیجیتال آن‌ها به شکل مثبتی بهره‌مند گردند. به تعبیر دیگر، در صورت بسترسازی فرهنگی و نظارت دقیق اولیا روی بازی‌هایی که مورد استفاده کودک قرار دارند، این بازی‌ها می‌توانند محلی برای انتقال برخی از اطلاعات ضروری فردی و اجتماعی به کودک قرار گیرند.



بهداد ۶ ساله، در مصاحبه خویش از نمونه‌ای از بازی‌ها و کاربری علمی خویش از تلفن همراه (خواهرش) به شرح زیر یاد کرده است:

«- بهداد تو با گوشی مامانت هم بازی می‌کنی؟»

بازی که نه، ولی مامانم می‌ره تو تلگرامش، صفحه بهشته رو میاره، من با بهشته (خواهر بهداد) چت می‌کنم، براش استیکر می‌فرستم، گل می‌فرستم براش (بهداد در مهدکودک الفبا را یاد گرفته است).

- بهداد تو دیگه با گوشی بهشته چه کار می‌کنی؟

می‌رم تو ماشین حساب، عددها رو جمع می‌کنم، کم می‌کنم، تا ببینم چه جوری می‌شه یا مثلاً می‌رم تو نقشه (مپ گوشی)، بعد خونه خودمونو می‌بینم، می‌رم خیابون‌ها رو می‌بینم (بهداد خیلی به نقشه علاقه‌مند است و خیلی با نقشه کار می‌کند. لازم به یادآوری است در مصاحبه با مادر وی مشخص شد که ساعات کار بهداد با نقشه، جزو ساعات بازی وی محسوب نمی‌شود).

می‌رم تو ماشین حساب، عدد‌ها رو جمع می‌کنم، کم می‌کنم تا ببینم چه جوری می‌شه یا مثلاً می‌رم تو نقشه گوشی (مپ). بعد خونه خودمونو می‌بینم، می‌رم خیابون‌ها رو می‌بینم (بهداد خیلی به نقشه علاقه‌مند است و خیلی با آن کار می‌کند. لازم به ذکر است که کار با نقشه جزو ساعات بازی بهداد محسوب نمی‌شود).

- دیگه با گوشی چه کار می‌کنی؟

می‌رم نقشه مترو رو نگاه می‌کنم، ایستگاه‌ها رو نگاه می‌کنم.

- بهداد قبلاًها که کوچک‌تر بودی، بهت گوشی نمی‌دادن، از کجا نقشه می‌آوردی؟

یه کاغذ بزرگ داشتیم، خیلی بزرگ بود، پهنش می‌کردم کف اتاق بهشته، بعد شهرها رو نگاه می‌کردم.

- بهداد تو توی اینترنت هم سرچ می‌کنی؟

آره.

- چی سرچ می‌کنی؟

شهرهایی رو که مسافرت رفتیم، برج ایفل، سی‌شل (پژوهشگر: سی‌شل نام کشوری است که بهداد در نقشه دیده است و البته جالب اینجاست که کم‌تر فردی می‌داند که این کشور کجا هست، ولی بهداد حتی شکل پرچم آن کشور را هم می‌شناسد).

- بهداد تو توی نقشه گوشی، کجاها رو می‌بینی؟

شمال، اهواز، خونمون، پاریس، سیبری».

معراج و شایان ۶ ساله، در مصاحبه‌های خود از سوادآموزی و آموزش فعالی که کودک طی آن در صدد یادگیری حروف و کلمات برای جست‌وجوی اینترنتی بازی‌های مورد علاقه‌اش است، یاد کرده‌اند:

«- آقا معراج به نظرت می‌شه با تبلت الفبا هم یاد گرفت؟

آره. با عدد و شماره. عددش رو هم می‌شه بری از شیر ایت و بازار بگیری.

- به نظرت انگلیسی هم می‌شه یاد گرفت؟

انگلیسی هم آره.

- تو هم از این کارها می‌کنی؟ یعنی شده با تبلت چیزی یاد بگیری؟

داداشم برام رو تبلت می‌ریزه، به من می‌ده بازی کنم.

- الان چیزی از الفبا بلدی؟

آره.

- چی بلدی؟

مثلاً کتابشو، نوشته‌هاش رو داریم. عددشو.

- خوب به نظرت می‌شه با تبلت کتاب هم خوند؟

با تبلت می‌تونن بری الفبا رو یاد بگیری، تو دفتر بنویسی.

- چه قدر خوب. با تبلت نقاشی کردی؟
نقاشی مداداشو باید بیاری. مداد رنگی هم داری. می‌ری تو یه صفحه‌ای بعد خود تبلت مقوا داره، می‌تونی بری توش نقاشی بکشی. چیزی هم می‌تونی درست کنی.»
«- کی بازی‌هات رو برات می‌ریزه؟
خودم.

- اولش خودت یاد گرفتی یا کسی بهت یاد داد؟
امممم، خودم یاد گرفتم.

- چه جور یاد گرفتی؟ به منم یاد می‌دی؟
چی مثلاً؟ بازی بریزم؟
- آره.

اممم، می‌ری توی اینترنت یه چیز رو مثلاً می‌نویسی، مثلاً یه بازی رو می‌نویسی، میاره برات. بعدم نصبش می‌کنی.

(یک نفر وارد بحث شد):

منم همین کار رو می‌کنم. نوشتنم که بلدم.

- اگه بلد نبودی چی؟

می‌دادم داداشم بنویسه.»



محراب و امیرعلی ۶ ساله نیز از اطلاعات و بازی‌هایی سخن گفته‌اند که مهارت‌های فردی و اجتماعی آنان را ارتقا داده، آنان را برای زندگی در جهان دشوار فردایشان آماده‌تر می‌سازد:

«بین من یه سری عکسا دیدم، یه چیزایی دیدم که توضیح می‌داد رفتار پرخطر، نگاه پرخطر و اینا چیه. مثلاً هیشکی نباید لباسشو جلو تو در بیاره، توام نباید لباساتو جلو کسی در بیاری. بعد پسرا دو تا جای خصوصی دارن (با دست روی بدنش نشان می‌دهد) دختراسه تا (با دست روی بدنش نشان می‌دهد) بعد باید حواسمون باشه.

- کجا دیدی این‌ها رو؟

گوشی مامانم.

- خودش داد ببینی؟
آره».

«یه اتوبوس بازی هم هست، اتوبوس بازی خیلی با حاله.

- چه جوری هست؟

اتوبوس بازیه انیمیشینه.

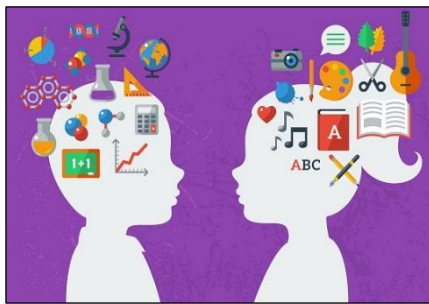
- یعنی چی؟

انیمیشنه.

- خوب یعنی چی، چه جوریه؟

یعنی راجع به رانندگیه، می‌ری بنزین می‌زنی، می‌ری کارواش، می‌ری رنگ می‌زنی».

مضاف بر آنچه از آن یاد شد، به سبب تفاوت‌های جنسیتی دو جنس، بالطبع دختران و پسران از علایق اولیه متفاوتی از هم برخوردارند که محصولات فرهنگی عرضه شده توسط فناوری‌های تبلت، ایکس باکس، تلفن همراه، رایانه و ماهواره به علایق متفاوت دو جنس پوشش لازم را می‌دهند. به عنوان مثال، با توجه به روان‌شناسی اختلافی دو جنس، پسران علایق وافر و به‌موردی مانند مسایل ورزشی و فنی داشته، دختران نیز علایق زیادی به مسایل تغذیه‌ای و پرورشی از خود نشان می‌دهند که فناوری‌های تبلت، ایکس باکس، تلفن همراه، رایانه و ماهواره محصولات فرهنگی خاص دو جنس را در اختیار و دسترس آنان قرار می‌دهند.



مصاحبه‌های انجام شده با ابوالفضل، عرشیا و هادی ۶ ساله و روزینای ۶ ساله، بیانگر تفاوت علایق دو جنس و ارضای آن‌ها در برخورد با گستره گسترده محصولات فرهنگی فضای مجازی است:
«خیلییی قشنگه.

ابوالفضل: بوگاتیه؟

عرشیا و هادی باهم: بوگاتی چیه، جنسیس کوپه هس.

عرشیا: جنسیس کوپه بهتر از اینه، خاله به من گوش کن، چرخ‌هاش مشکیه... بیا با این به خاله توضیح بده (اشاره به ماشین بازی).

- این چیه؟

یکی از بچه‌ها: لامبورگینی.

عرشیا: فراریه.

هادی: لامبورگینی چیه، فراریه.

عرشیا: خاله ماشین مدل بالا، فراری، لامبورگینی، آسومارتین، بوگاتی دیگه... .

- گفتی چرا این فراریه؟

چون آرم اسب داره».

«یه کیک بازیم دارم، اون خیلی بازی خوبیه، یادش بخیر، خیلی بازی خوبیه، بگم چه طوریه؟

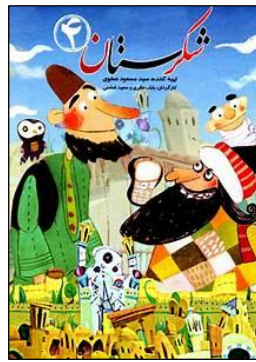
- بگو عزیزم.

اول می‌ریزم تو بازی فروشگاه اینا، لوازم کیک رو می‌خریم، بعد دو تا استیکرن، یکیش خوشحاله یکیش ناراحته، اون یکی، هی اون یکی خوشحاله، این جوری یواشکی نگاه می‌کنه، بعدش اون خوشحاله فکرش به یه کیک می‌رسه، بعد اون ناراحته دهنش آب می‌افته، بعد می‌رم فروشگاه اینا رو می‌خرم. وقتی که خریدم، میام اول تخم مرغ رو می‌ریزم، بعد کمی شکر، بعد شیر، بعد هم می‌زنم تا پف کنه، بعدشم وقتی رفتیم مرحله دوم، این دفعه یه کم کاکائو می‌ریزیم، بعد دوباره هم می‌زنیم، بعدش می‌ریزیمش تو یه قابلمه دیگه، بعد می‌ذاریمش تو فر، درست می‌شه، بعد درش می‌اریم به این جوری می‌کنیم (نشان دادن با حرکات دست) کیکه که آماده شد، بعد می‌ریم روش خامه‌های بنفش و سبز می‌ریزیم، بعدشم اون وقت خوب می‌ریم برای تزئیناتش. آبنبات می‌ذاریم، شیرینی می‌ذاریم، خامه می‌ذاریم، می‌تونیم رنگش رو هم عوض کنیم. من رنگش رو با صورتی عوض می‌کنم. بعدشم این طوری دستمونو می‌زنیم، کیکه خورده می‌شه. بعدش بازی تموم می‌شه. یه بازی هم دارم کاپ کیک بازیه. یه کاپ کیک زنبوری داره، یه کاپ کیک کفشدوزکی. من کفشدوزکیه رو انتخاب می‌کنم. می‌ریم اون وقت نونشو این جوری می‌اریم، نایلون رو می‌ذاریم، روش بعدش می‌ریم این جوری تو اون چیزا می‌ریزیم، بعد سینیه می‌ره، هوا میاد پایین، بعد کاپ کیکا رو دونه دونه می‌ذاریم روش، بعد می‌ریم اون چیز رو روش می‌ریزیم، خامه رو بعدش عکس کفشدوزک یا زنبور میاد. من کفشدوزک رو می‌ذارم. بعد می‌خوریمش».



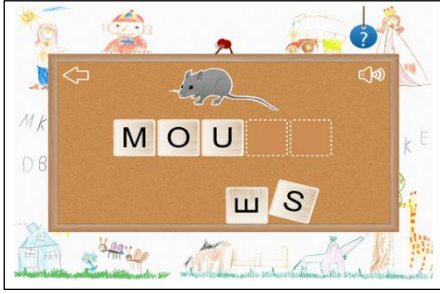
البته لازم به یادآوری است، خانواده‌هایی که در امر والدگری الکترونیک فرزندانشان توجه و اهتمام لازم را نداشته باشند، به سبب کژکاربری فرزندشان از بازی‌های دیجیتالی و کارتون‌ها و فیلم‌هایی که از طریق تبلت، تلفن همراه، رایانه و ماهواره عرضه می‌شوند، دچار مشکلات عدیده‌ای مانند وابستگی و اعتیاد به فن‌آوری‌ها، احساس اضطراب، افسردگی، بدشکلی بدنی و نظایر آن می‌گردند که از این مباحث در کتاب بررسی اثرات روانی کاربری از فناوری‌های جدید یاد شده است.

۳-۲- ارتقای دانش فرزندان در جریان بازی‌های آموزشی، بهداشتی و هنری



مطالعات انجام شده در زمینه بررسی اثرات بازی‌های دیجیتالی بر روی کودکان پیش دبستانی بیانگر آن است که این بازی‌ها عموماً در آموزش کودکان مؤثر بوده، اثرات مثبتی از خود در آموزش مسایل مختلف، خاصه آموزش زبان آموزی و ریاضی پایه دارند:





بررسی میدانی انجام شده در سطح کودکان پیش دبستان، حکایت از آن دارد کودکان خردسال در جریان انجام بازی‌های آموزشی، با بازی‌هایی که متضمن آموزش حروف الفبا و اشکال است، بازی‌های متضمن کاربری از اطلاعات ریاضی و بازی‌های راهبردی که با مفاهیم ریاضی آمیختگی دارند، سود می‌برند. مصاحبه‌های هلنا ۵/۵ ساله و امیرعلی ۶ ساله، نمونه‌هایی از هر یک از بازی‌های پیش گفته را به دست می‌دهند:

«- هلنا، برنامه‌ای داری که مثلاً عددها یا الفبا رو تو گوشی یا کامپیوتر یادت بده؟

قطار شادی رو دارم.

- قطار شادی چیه؟

قطار شادی مثلاً به عروسکایی هستن، لباس براشون می‌پوشی، مثلاً مثلث نشون می‌دن، می‌گن این

چیه، می‌گیم مثلث، بعد می‌گه، صدآفرین».

«تاکسیدو باید به میلیون پول بگیره تا مسافر سوار کنه.

- چه جور پول باید بگیره؟



باید بگیره دیگه، منم ۹۰۰ تومن گرفتم، همه رو هم قسط دادم، قسط، مثلاً بنزین عوض کردم

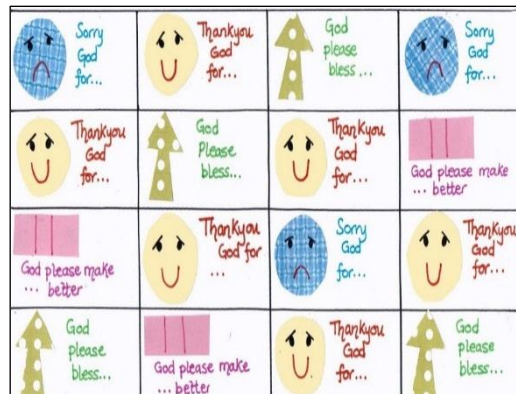
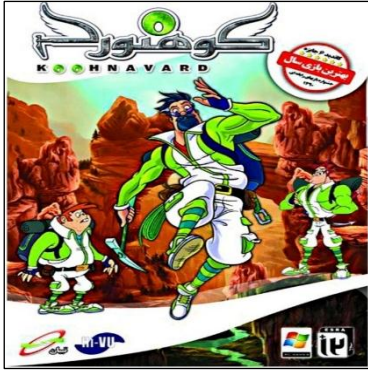
اینا. بنزینش گرونه، صدهزار تومنه.

- چقد زیاد.

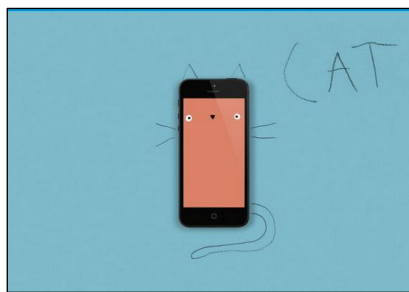
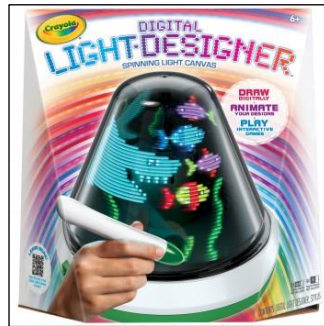
روغن عوض کردنش ۹۰۰ هزار تومنه، به اندازه‌ای که من پول گرفتم.

- خیلی گرونه که.

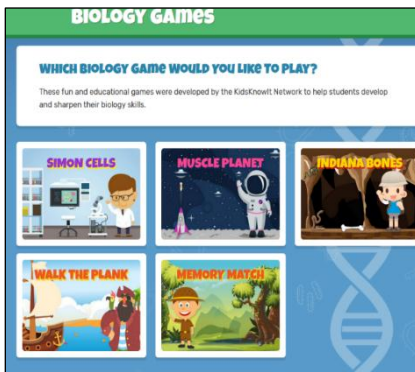
گروه بازی، نمی‌تونم تعمیر کنم، بخوای تعمیر کنی، باید ۴ میلیون تومن بدی.»
تلاش‌های دیگری در زمینه ارتقای دانش و عواطف دینی، مسایل زیستی و هنری از طریق بازی‌های دیجیتالی صورت پذیرفته است:



نمونه بازی‌های زیر معطوف به آموزش هنری کودکان است:



نمونه بازی‌های زیر ناظر بر آموزش مسایل زیستی به کودکان است:



از مشروح آنچه از آن در این قسمت یاد شد، در کتاب بررسی اثرات آموزشی کاربری از فناوری‌های جدید یاد شده است.

۴-۲- سوادآموزی نسبی کودکان

گذشته از مقوله تحقق آموزش فعالی که برخی از کودکان در برخورد با فناوری‌ها در عمل به تجربه آن می‌پردازند یا گذشته از بازی‌هایی که به شکل غیرمستقیم به تقویت تفکر راهبردی یا یادگیری مفاهیم اولیه ریاضی و مانند آن در کودک می‌پردازند، برخی از بازی‌ها مستقیماً در سوادآموزی کودک مؤثر واقع می‌آیند.



مصاحبه‌های انجام شده با عرشیا و حدیث ۶ ساله، مصادیقی از آموزش فعال و آموزش برنامه‌ریزی (راهبردی) در کودکان را به دست می‌دهند:

«- آهان دیگه بجز دانلود چه کار می‌کنی؟

می‌رم تو اینترنت.

- خوب؟

می‌زنممم مثلاً ماشین‌های سرعتی.

- عکس‌هاشون رو نگاه می‌کنی؟

آره، یه موقعیم که اینترنتمون انقدره (با دست مقدار زیاد را نشان داد)، می‌رم فیلماشونم نگاه می‌کنم.

- آهان خوب دیگه چی؟

بیش‌تر موقع‌ها می‌زدم جوکر.

- جوکر؟

آره.

- فیلمش رو دوست داری؟

نه، فیلمشو دارم.

- گفتی نه، یعنی دوست نداری؟

چرا دوست دارم.

- چه چیز اون رو دوست داری، ترسناک نیست؟

نه، دیوونس (خنده)، من ترسو نیستم.



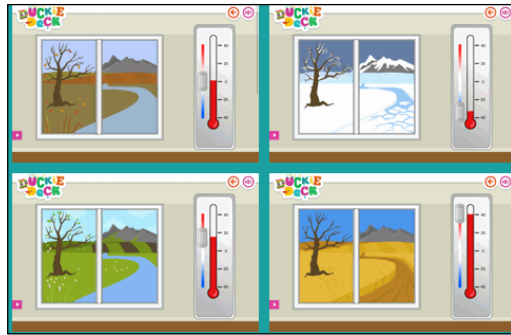
- بعد مگه تو می تونی بنویسی که اینها رو سرچ می کنی؟
آره، بلدم.

- چه جوری؟

اینجا بهمون شکلشو یاد می دن که هر کدوم چه جوریه شکلش، بعد مثلاً می گن این (ص) ساده، بعدش من اگه ندونم چه جوریه، از مامانم می پرسم.

- مثلاً؟

مثلاً من همش می نوشتم جوکل، "ل" می نوشتم، آخرش مامانم گفت بچه باید آخرش "ر" بنویسی».



آموزش حروف الفبای فارسی و اعداد توسط برخی از بازیها، مقوله‌ای است که بعضی از کودکان پیش دبستانی در مصاحبه‌های خود به آن اشاره داشته‌اند. مادر سنای ۳ ساله و معراج ۶ ساله، از آموزش حروف الفبا و یا اعداد در روند بازی‌های دیجیتال به شرح زیر یاد کرده‌اند:

«- شما برنامه‌های آموزشی هم توی گوشیتون دارید؟

من ندارم، ولی باباش داره که الفبا و اعداد رو یاد می‌ده. الفبای انگلیسی رو هم یاد می‌ده یا اسم حیوونا رو یاد می‌ده. سلنا هم با اونا بازی می‌کنه».

«- به نظرت می‌شه الفبا هم با تبلت یاد گرفت؟

آره. با عددا و شماره. عددا شو هم می‌شه بری از شیر ایت و بازار بگیری.

- انگلیسی هم به نظرت می‌شه یادگرفت؟

انگلیسی هم آره.

- تو هم از این کارها می‌کنی؟ یعنی شده با تبلت چیزی یاد بگیری؟

داداشم برام رو تبلت می‌ریزه، به من می‌ده بازی کنم.

- الان چیزی از الفبا بلدی؟

آره.

- چی بلدی؟
- مثلاً کتابشو، نوشته‌هاش رو داریم. عددشو.
- خوب به نظرت می‌شه با تبلت کتاب هم خونند؟
- با تبلت می‌تونن بری الفبا رو یاد بگیری، تو دفتر بنویسی».



از مشروح آنچه از آن در این قسمت یاد شد، در کتاب بررسی اثرات آموزشی کاربری از فناوری‌های جدید یاد شده است.

۵-۲- ارتقای خلاقیت و کارآفرینی فرزندان

خلاقیت و کارآفرینی از مقوله‌های مهمی هستند که مدنظر پژوهش‌گران آموزشی و سیاست‌گذاران اجتماعی بوده است، غالب پژوهش‌گرانی که در زمینه تأثیر کاربری رسانه‌های دیجیتال در افزایش یا کاهش خلاقیت و کارآفرینی کودکان به بررسی پرداخته‌اند، در گزارش پژوهش خود در این زمینه خاطرنشان ساخته‌اند که کاربری مناسب کودکان از فناوری‌های ارتباطی جدید، در ارتقای خلاقیت و کارآفرینی آنان اثر مثبتی داشته است.



آرنوت^۱ و همکاران (۲۰۱۶)، در بررسی که در سطح کودکان ۵-۳ ساله داشتند، برای مدت سه ماه، آی‌پد در اختیار آنان قرار دادند تا از آن کاربری داشته باشند. بعد از اتمام این دوره، مقایسه گروه آزمایشی (که از امکان عمل بازی و کاربری از آی‌پد برخوردار بودند) و گروه کنترل (که از امکان اخیر بی‌بهره بودند)، نشان داد که کودکان گروه آزمایشی، ضمن دست زدن به بازی‌های خلاق، در صدد گردآوری داده برای پژوهش‌های ابتدایی خویش هستند.

مارش^۲ و همکاران (۲۰۱۶) و امین‌الرعیای^۳ و همکاران (۲۰۱۶) در گزارش پژوهشی خویش از نقش مثبت و مؤثر کاربری از رسانه‌های دیجیتال در افزایش خلاقیت کودکان یاد کرده‌اند. از همین رو برخی از محققان با توجه به یافته‌های اخیر، بر ضرورت توجه اولیا کودکان و مسوولان جامعه به قرار دادن رسانه‌های دیجیتال در دسترس فرزندان تأکید داشته‌اند تا آنان با دستاوردها و ذخایر فرهنگی گسترده‌تری وارد مدرسه شوند.



برخی از پژوهش‌گران با توجه به علایق وافر اتحادیه اروپا به خلاقیت و نوآوری، به بررسی مسأله آموزش خلاقیت در دوران پیش‌دبستان پرداختند. بعضی از بررسی‌های انجام شده، دلالت بر آن دارد که بین آموزش علوم و خلاقیت، همبستگی مثبتی وجود دارد، از این رو پژوهش‌گران با احصای مواردی که در علوم مطرح شده، با خلاقیت مناسب دارند (مانند بازی و اکتشاف، حل مسأله، پرسش و کنجکاوی، استدلال، انگیزه، گفت‌وگو و همکاری)، پیشنهاد می‌کنند با دامن زدن به موارد اخیر، در عمل می‌توان امیدوار بود که خلاقیت کودکان پیش‌دبستان که در جریان آموزش علوم، تحت آموزش‌های اخیر قرار می‌گیرند، بیش‌تر از قبل خواهد شد (کارمین^۴ و همکاران، ۲۰۱۵).

اینسولندر^۵ و همکاران (۲۰۱۵) نیز در مقاله «یادگیری کارآفرینی در پیش‌دبستان‌های سوئد، امکان و محدودیت‌های مشارکت فعال کودکان»، گزارش می‌دهند، وب‌سایت آژانس ملی آموزش و پرورش

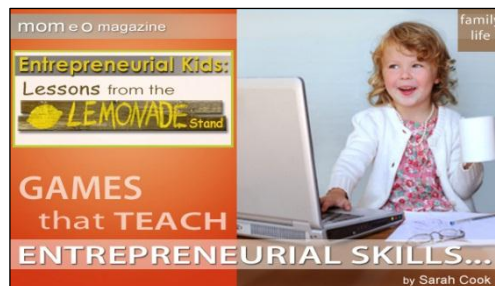
1. Arnott, L.
2. Marsh, J.
3. Aminolroaya, S.
4. Cremin, T.
5. Insulander, E.

سوئد از مسوولان و مربیان مهدکودک‌های این کشور خواسته است که آموزش کارآفرینی و کارآفرین شدن کودکان را از مهدکودک شروع کنند.

پژوهش‌گران اخیر خاطرنشان می‌سازند، اگرچه آغاز اندیشه تربیت افرادی کارآفرین از مهدکودک، اندیشه‌ای بلند پروازانه به شمار می‌آید، اما با توجه به تحولات فناوری‌ها، ممکن است با کاربری بهینه از این فرصت، به تحقق خواست اخیر نایل آمد.



تولنتینو^۱ و لاوسون^۲ (۲۰۱۷)، در مقاله‌ای با عنوان ما در حال رفتن به مهدکودک هستیم، بنابراین به کارت‌های کسب و کار نیاز داریم، گزارش می‌دهند، با هدف ارتقای آموزش‌های فردی و اجتماعی کودکان مهدکودک، از کودکان درخواست می‌شود که در نقش‌های متفاوتی ظاهر شده و با مربیان و کودکان دیگر در همین زمینه گفت‌وگو کنند. برخی از کارت‌هایی که به کودکان داده می‌شود تا آنان طبق دستور العمل کارت، هویت جدیدی به خود بگیرند، و مثلاً در نقش یک کاسب نقش ایفا کنند.



1. Tolentino, E.
2. Lawson, L.

مصاحبه با آرش ۶ ساله، نمونه بارزی از سوق دادن کودکان پیش دبستانی به سمت بازی‌های خلاق و ارضای کنجکاوی آنان در جهت مثبت است:

«من یه بازی هوش‌سنج هم دارم.

- چی؟

چی می‌گن؟ برای مغزه.

- آهان، بازی هوشیه؟

آره، مغز آدمو درگیر می‌کنه.

- چه جوریه؟

نگاه کن تو یه چیزی، تو یه... تو یه... تو یه ظرفی یه توپ می‌ذارن، ۲۰ بار می‌چرخونن، سریع... ولی

من به سریعی پیداشون می‌کنم.

- باید انتخاب کنی که توپه توی کدوم ظرفه؟

آره.

من یه بازی دارم، یه بازی مثلثیه، چند تا مثلث میان وسط خب، سبز خب، بعدش می‌برنشون اون

ور، دوباره یه شکلاهی دیگه میاد، بعد باید جواب بدی توش کدوما رو دیدی، کدوما رو ندیدی.

- چه بازی‌های خوبی... اینا رو توی لپ تاپت داری یا گوشی مامان و بابات؟

تو لپ تاپم دارم.

بعدش یه موشکی هست، شکلاهی خمیر بازی رو نشون می‌ده، مثلاً می‌گه، اگه می‌خوای موشک

درست کنی، باید یه دونه گردی چیز درست کنی، گرد باشه، بعدش بذاری جلوی شیشه‌هاش، من تا حالا

درست کردم، چند تا درست کردم، بعدش تو شکل چیزه، تو شکل لپ تاپه، با خمیر بازی نمی‌خواد انجام

بدی، کلاً تو لپ تاپه خمیر بازی. بعدش وقتی می‌خوای گردش کنی می‌ذاریمش وسط، این جور

می‌کنیم (حالت گرد کردن خمیر با دست را نشان می‌دهد).

- آهان، خوب؟

هی روی لپ تاپت این جور می‌کنی تا گرد بشه.

من یه بار ماشین درست کردم، اون قد رو برنامه‌هه کار کردم، حتی باهاش فیلم ساختم.

- چه جوری فیلم ساختی؟

اومدم ساختمش، بعد خونه و اینام ساختم کنارش، پارک و اینا، سرسره هست، خودش ساخته، هی

خودش می‌ره جلو، یه عکس باید بگیره از تو لپ تاپت، می‌ره جلو یه عکس، می‌ره جلو یه عکس، می‌ره

جلو یه عکس، بعدش صحنه‌ی سریعی می‌کنی.

- با همون لپ تاپ این کار رو می‌کنی؟

آره، صحنه‌ی سریعی می‌کنی، بعدش میاد تو حافظه‌اش.

- چه جورى اون وقت صحنه‌ى سريع مى‌شه؟

يه چيزى هست، يه دماسنجى هست... خب؟ دماسنجه سرد مى‌شه، خب، يه دستى هم هست، يه چيزى هست زيرش، زير اون لپ تايم خب، اونو مى‌زنم، توش مى‌ره جلو، يه دونه اين ور هست، يه دونه اين ور... .

- توى دكمه‌هاشه؟

آره.

مثلاً براش يه دونه چيزم ساختم، يه ميدون ساختم، خيلى آسون بود، اصلاً كارى نداشت، با مداد انجاشم دادم... مداد توش بود.

- چه جورى؟

مى‌بينى.. تو گوشى‌ها يه چيزى هست؟ مى‌زنى يه ماژيكاىيى ميا، توش يه چيزايى مى‌كشى؟

- آهان، خوب؟

اومدم يه صافى كشيديم، يه گردى هم بالاش كشيديم، يه گردى هم پايينش كشيديم، از اون ته تا بالا، بعدش وقتى مى‌خواستم براش چراغ درست كنم، چراغ اون بالا رو، رو درخته مى‌افته، ديگه، ولى من آه آه، آه آه، يه دونه صافى كشيديم، يه دونه مثلثى دراز ۴ گوش كشيديم. دوباره يه دونه ديگه كشيديم بالاش، دو تا گردى گذاشتم توش، بعدش ماشينه رو وقتى چراغه مى‌خواست تيك تاك كنه، بياد بالا، پايين بياد، بالا پايين يه چيزى... يه چيز ريزى بود اون وسط، هي مى‌اومد بالا پايين.

- اون چى بود؟

تو لپ تايم يه دونه صافى هست اين جورى.

- خوب؟

خب، بعدش يه گردى هست اينجا، هي ميا، بالا پايين، اون چراغه رو مى‌بره بالا و پايين.

- آهان.

بعدش من يه چيزى ساختم.

- چى؟

يه چيزى توى اون گوشيم بود خب، توى لپ تايم بود، مى‌گم گوشيم... لپ تايم بود خب، امممم يه شكلايى نشون مى‌داد، مثلاً شكلايى چراغ قوه، ماشين واقعى، قايق، يه قايقى هست خب، چيزه... هم جمع مى‌شه، هم باز مى‌شه.

- خوب؟

چندتا چوبه، بايد بستنى بخورى، چند تا فقط، زياد نمى‌خواد، بايد بذارى دورورش، بعدش از اينجا شكشو مى‌كشى، از تو لپ تايم كه يادت بمونه از كجا، يه پروانه هم داره پشتش... مى‌سازى، مى‌ذاريش تو آب ديگه؟ پروانه داره، مى‌ره جلو عقب... . يه دكمه‌اى هم هست، لمسيه، دكمه نيستا كه اين جورى باشه، بعدش بزنى روش بياد، يه چيزى هست، يه، يه چيزى... اول به دستت صابون مى‌زنى،

بعدش یه چیز شیشه‌ای می‌ذاری جلوت، بعدش انگشتتو می‌ذاری روش، بعدش می‌ذاری روی پروانش، فقط با دست خودت کار می‌کنه.

یه ماشینایی هم هستن، عکسشونو می‌اندازن، مثلاً من ماشینامو میارم وسط خونمون خب، عکساشونو می‌گیرم، طرحشونو درست می‌کنم.

- طرحشونو عوض می‌کنی؟

آره، رنگ می‌زنم بهشون، لاستیکاشونو عوض می‌کنم.

- با گوشی عکس می‌گیری؟

ها، آره.

- با گوشی کی؟

با گوشیهههههههه... لپ تاپم عکس می‌اندازه دیگه، با لپ تاپ عکس می‌گیرم.

یه بازی هم هست اسمش کاسبرنتومه.

- خوب؟

فقط برای... مثلاً از خونه‌ها عکس می‌گیری، مثلاً توش اطلاعات می‌ده، اطلاعات چیزی می‌ده، مثلاً تو این خونه چیه یا این خونه از بُن ساخته شده.

- خوب؟

مثلاً می‌گه این از بتن ساخته شده، این از زرز آهن خالص ساخته شده و اینا.

- از خونه‌های واقعی عکس می‌گیری؟

آره دیگه.

- چه جالب.

مثلاً از اعضای بدن عکس بگیری، تار می‌کنه می‌ره توی بدن.

- توی بدن رو نشون می‌ده؟

آره، مثلاً می‌گه چشم‌ها چه جوری ساخته شدن.

- چه جالبه.

موها چه جوری ساخته شدن، بدن چه جوری ساخته شده.

- بازی هارو چه جوری می‌گیری؟

اون کاسبرنتومو از بابام گرفتم، اون برنامه... بازی رو هم از پسر عموم گرفتم و این اتوبوس سازی رو هم که از مامانم گرفتم.

- فقط با لپ تاپت بازی می‌کنی یا با گوشی مامان و بابات هم بازی می‌کنی؟

نه، یه بازی هم هست، مثلاً توی گوشی مامانم یه چیزیه، جواب سواله... باید اونو حل کنی.

- چه بازی‌هایی داری؟

یه ماشین بازیه... .

- خوب؟

یه ماشین بازی ای هست، یه ماشین بوگاتی هست توش خب، باید براش شکل بسازی، مثلاً همه چیزاش پاک شده خب، یه صفحه ی بوگاتی ای هست، باید اونو بذاری وسطش خب، بعد هر چی لاستیک می خوای توش بذاری.

- مدلش رو باید عوض کنی؟

آره مدلش، مثلاً اگر جایی ماشینه رو درست طراحی کنی، یه ماشین دیگه بهت می ده.

- ماشین ها رو دوست داری؟

آره، همه ی فورماش رو دوست دارم.

کلاً اتاق من، کلاً اتاق من لایتینگ مک کوئینه با کلش.

- مک کوئینه؟

آره کلش، دیواراش هم مک کوئینه.

- بعد طرح های این ها رو از لپ تاپ می بینید، بعد میاید واقعیش رو درست می کنید؟

من لپ تاپمو میارم، پسر عموم وسیله هاش رو میاره، از لپ تاپ نگاه می کنیم، می ریم تو پارکا...
خونه هامون نزدیک نیست، یه پارکی پسر عموم اینا دارن، بعدش می گه بیا اینجا، می ریم اونجا، بعدش طرحه رو درست می کنیم».



از مشروح آنچه از آن در این قسمت یاد شد، در کتاب بررسی اثرات آموزشی کاربری از فناوری های جدید یاد شده است.

۶-۲- نقش آموزشی و مراقبتی خواهر و برادران خانواده نسبت به هم

در خانواده هایی که دارای چند فرزند هستند، غالباً فرزندان کوچک تر با همیاری خواهر و برادر بزرگ تر یا با مشاهده چگونگی کاربری آنان از رسانه های دیجیتال، با کاربری از این رسانه ها آشنایی می یابند.



«- مهدیه بلدی توی گوگل هم بری؟»

توی گوگل دیگه چیه؟

- یه جایه که آدم می‌ره توش با اینترنت عکس و اینا دانلود می‌کنه.

آهان، آره بلام. مهیار همیشه می‌ره اونجا عکس مار و اژدها دانلود می‌کنه.

- اِ تو هم اونجا می‌ری؟

منم بهش می‌گم برام عکس فرشته کوچولو دانلود کنه، می‌ره برام عکسشو پیدا می‌کنه.

- فرشته کوچولو دوست داری؟ چه شکلیه؟

آره، خیلی نازه، این شکلیه، بال داره، بالاش بزرگه، پروانه‌ایه، خودش اون قدر کوچولوئه که نگو، مثل

باربیای توی فیلمه».

ویژگی مهم دیگری که در خانواده‌هایی که دارای چند فرزند هستند، مشاهده می‌شود، نقش مراقبتی

(و یا آسیب‌زای) خواهر و برادر خانواده نسبت به هم می‌باشد.

اگر چه در خانواده‌های تک فرزند، کودک از موهبت داشتن خواهر و برادر محروم است، ولی در خانواده‌های دارای چند فرزند، عموماً خواهران و برادران سعی می‌کنند هوای هم را داشته باشند، به این معنا که غالباً دختران بزرگ‌تر با حالتی مشفقانه و مادرانه با خواهر یا برادر کوچک‌تر خود برخورد کرده و برادران نیز با حالتی حمایت کننده، در صدد حفظ و حراست از خواهر کوچک‌تر (و حتی بزرگ‌تر) ظاهر می‌گردند. هر چند در خانواده‌هایی که فاصله سنی کودکان خیلی نزدیک باشد، ممکن است رقابت‌هایی نیز بین کودکان نزدیک به هم دیده شود.

اگر اولیای خانواده، وظیفه والدگری و والدگری الکترونیک خویش را به خوبی ادا کرده و ایفا نمایند، این اولیا از خواهر و برادران بزرگ‌تر می‌خواهند تا در نقش راهنما و حامی خواهر و برادر کوچک‌تر ظاهر شده، در جریان کاربری وی از فناوری‌های ارتباطی جدید، مراقب کودکان کوچک‌تر خانواده باشند، اما اگر اولیا در امر والدگری الکترونیک خود غافل، ناهماهنگ یا مسأله‌دار باشند، در آن صورت بسته به رشد و تعالی اخلاقی فرزندان بزرگ‌تر خانواده، این افراد ممکن است در نقش حامی و حمایت کننده کودکان خردسال خانواده ظاهر شوند و یا آن که کاری به کار مراقبت از آنان نداشته باشند و تازه مراقب باشند که

دیگر خواهر و برادران به دلیل کنجکاوی که دارند، سر از کار چگونگی کاربری (و دقیق‌تر کژ کاربری) وی از فناوری‌های جدید و فضای مجازی در نیاورند.



گاهی در خانواده‌هایی که دارای اولیای مسوول هستند، اولیا به سبب نشناختن فراز و فرودهای فناوری‌ها و فضای مجازی ممکن است از خواهر یا برادر بزرگ‌تر بخواهند تا وی رأساً بر نحوه کاربری خواهر یا برادر کوچک‌ترش از رسانه‌های دیجیتال و محتویات آن نظارت کند. به عنوان مثال، مهتاب، در مصاحبه خود بیان می‌داشت، خواهر بزرگ‌تر او که ازدواج کرده است، نظارت بر کاربری او از فضای مجازی را از طرف پدر و مادرش بر عهده گرفته است و او اکنون یک گروه تلگرامی با خواهر و شوهر خواهرش دارد.



تجربه بهداد ۶ ساله، نمونه دیگری از همکاری خواهر بزرگ‌تر در کاربری برادر کوچک‌ترش از فناوری‌های و فضای مجازی است. وی در قسمتی از مصاحبه‌اش چنین بیان می‌داشت:

«- بهداد تو تبلت داری؟»

نه، ندارم.

- دوست داری داشته باشی؟

آره.

- به مامان و بابات گفتی برات تبلت تهیه کنند؟

آره گفتم، ولی اونا می‌گن، اگه تبلت هم بخریم، باز همون روزی نیم ساعت رو باید بازی کنیم.

- مگه تو بازی می‌کنی، مامانت برات ساعت می‌گذاره؟

آره، با گوشی بهشته که بازی می‌کنم، بهشته نیم ساعت آلارم می‌ذاره که زنگ بزنه سر ساعت، ولی بعضی وقتا من آلارمشو خاموش می‌کنم تا زنگ نزنه، بیش‌تر بازی کنم. ولی بعداً که تموم شد، به بهشته می‌گم که آلارمش رو خاموش کردم. ولی اصلاً بیش‌تر وقتا بهشته سر نیم ساعت میاد، خودش میاد گوشیش رو ازم می‌گیره.

- بهداد توی ماهواره چیزی دیدی که عجیب باشه؟

آره، یه بار تو یه فیلمه که نگاه می‌کردیم، یه آقاهه بود که لباس نداشت. بعد من پرسیدم که چرا این لباس نداره، خواهرم گفت، چون آقاهه گرمش شده».

در خانواده‌هایی که والدگری الکترونیک وجود ندارد، بسته به غنای درونی خواهر یا برادر بزرگ‌تر، ممکن است نظارتی مشفقانه یا عدم نظارت از سوی فرزندان بزرگ‌تر خانواده مشاهده شود. مصاحبه با برادر ۷ ساله بهار ۴ ساله و نوید ۵ ساله، نمونه‌ای از این دست خواهر و برادران را به معرض دید می‌گذارد:

«- چه بازی‌هایی برای خواهرت می‌ریزی؟

بازی‌های آرایشی دوست داره، منم براش می‌ریزم.

- فقط بازی‌های آرایشی؟

آره، فقط از همینایی که همیشه بازی می‌کنه.

- برای خودت چی می‌ریزی؟

بازی ماشین و اینا چند تا دارم، ولی بازی‌های جنگی و اینا رو هم خیلی دوست دارم، مثلاً همونی که توش باید زامبیا رو با اسلحه بکشی.

- به نظرت حالا این بازی‌ها چرا قشنگ هستن؟

چون خیلی هیجان دارن.

- خوب وقتی بهار هم پیش تو هست، باز از این بازی‌ها می‌کنی؟

نه، اگر بهار پیشم باشه، می‌زنم می‌ره یه بازی دیگه میارم یا این که تابلتو قایم می‌کنم، بازی می‌کنم،

یه جویری که بهار نبینه یا این که بهش می‌گم، دارم بازی پسرונה می‌کنم.

- پسرונה یعنی چی؟

یعنی مثلاً بازیایی که جنگی باشه.

- حالا چرا می‌زنی بره یا می‌گی دارم بازی پسرונה می‌کنم؟

چون که می‌ترسه، دیگه اون وقت شب خواب بد می‌بینه.

- تا حالا شده از این بازی‌ها ببینه و بترسه؟

تا حالا نداشتم ببینه، می‌زنم می‌ره».

«- آقا نوید، سریال‌ها رو نمی‌بینی؟

نه.

- مامانت چی؟

نه.

- وقتی مامانت خونه نیست هم نمی‌بینی؟

نه، اجازه ندارم.

- با خواهرت چی؟

نه اونم نمی‌ذاره ببینم».

بنابراین بسته به غنای والدگری اولیه، خواهر و برادران در ارتباط با کاربری از رسانه‌های دیجیتال می‌توانند نقش مراقبتی (و یا برعکس آسیب‌زا) برای یکدیگر داشته باشند.

۷-۲- اثرات زیستی کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید

بررسی ادبیات جهانی در زمینه کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید حکایت از آن دارد که اگر چه کاربری از فناوری‌هایی مانند انجام بازی‌های دیجیتال و یا دیدن کارتون (روی تبلت، ایکس باکس، گوشی و رایانه) می‌تواند در مهارت‌های حرکتی و بینایی، ارتقا پدید آورد، اما کاربری زیاد از فناوری‌های متضمن مواردی مانند: کاهش فعالیت‌های جسمانی و چاقی (خاصه در سنین بالاتر از سن پیش دبستان)، ناراحتی‌های چشمی، ضعف بینایی، سردرد، سرگیجه، بی‌اشتهایی، دردهای عضلانی و اسکلتی، بلوغ زودرس و تبعات زیستی ناشی از پرتوهای یونیزان و نایونیزان و مانند آن‌ها باشد.



برخی از مطالعات حکایت از آن دارند که انجام بازی‌های دیجیتالی با ایکس باکس، تبلت، تلفن همراه و رایانه، بر میزان مهارت‌های حرکتی کاربران می‌افزایند.



انجام بازی‌های الکترونیکی در شکل مشابهی در ارتقای مهارت‌های چشمی و بینایی مؤثر واقع می‌آیند و مطالعات انجام شده، دلالت بر آن دارند که کاربران بازی‌های دیجیتالی، به شکل معناداری در مهارت‌های حرکتی و بینایی، برتر از افراد غیر کاربر بازی‌های الکترونیکی عمل می‌کنند. اما همان‌گونه که یاد شد، انجام بازی‌های دیجیتالی به سبب محدود کردن فعالیت حرکتی کاربران، در عمل از میزان فعالیت جسمانی آنان می‌کاهد و هر چه میزان کاربری از بازی بیشتر باشد، به دلیل توقف بیشتر فعالیت جسمانی کاربر، در عمل موجبات چاقی وی را پدید می‌آورد. بالطبع از آنجا که چاق شدن، خود یکی از عوامل تسریع بلوغ است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که کاربری افراطی از بازی‌های الکترونیکی (و همین‌طور مشاهده کارتون، کلیپ، فیلم و سریال‌های ماهواره‌ای)، به بلوغ زودرس کاربران نابالغ می‌انجامد.



عدم تحرک کودکان و نوجوانان کاربر بازی‌های دیجیتالی از سوئی و فشار وارده بر چشم به دلیل خیره شدن بر صفحه تبلت، ایکس‌باکس، گوشی همراه، رایانه و یا صفحه تلویزیون (ماهواره‌ای و غیر ماهواره‌ای)، ناراحتی‌های بینایی و احیاناً سردرد و سرگیجه کاربران را در پی خواهد داشت. آرتین و طاهای ۶ ساله در مصاحبه‌های خود از ناراحتی‌های بینایی خود یاد می‌کردند:

«آرتین تو وقتی زیاد با تبلت بازی می‌کنی، مامانت نمیداد بگه بسه، دیگه با تبلت بازی نکن؟ می‌گه پسر دیگه بسه، اگه می‌خوای بازم بازی کنی، بازی کن، اگه بازی نمی‌کنی، پس نکن. من گفتم نه، بازی دیگه نمی‌کنم. چشم این جوری می‌شه (چشمانش را به صورت جمع شده درمی‌آورد).

- وقتی بازی می‌کنی، چشم‌هات درد می‌گیره؟
 نه چشم این جوری می‌شه.

- اگر با تبلت زیاد بازی کنی، دستت هم درد می‌گیره؟
 نه، دستم آهنیه.

- یعنی دستت درد نمی‌گیره؟
 نه، آهنیه، نگا کن (دستش را به من نشان می‌دهد تا ببینم چه قدر دستش محکم است).

- خوب مثلاً اگر زیاد بخوای تبلت بازی کنی، سر درد نمی‌گیری؟
 اگه انقد بیشتر بازی کنم، سر درد می‌گیرم».

«- تا حالا شده انقدر با تبلت بازی کنی که احساس ناراحتی بکنی، مثلاً چشم‌هات یا سرت یا کمرت درد بگیره؟»

دیشب اون قدر بازی کردم که نزدیک بود غش بکنم. سرم درد گرفت.»



دردهای اسکلتی- عضلانی از دیگر عوارض شایع کاربری زیاد از فن‌آوری‌هایی نظیر تبلت و تلفن همراه می‌باشد که توسط کودکان مصاحبه شده مورد تأیید قرار گرفته است: در بررسی میدانی انجام شده، احسان ۴ ساله، از درد دست‌های خود شکایت داشت. پرهام و محیای ۶ ساله هم از دردهای اسکلتی-عضلانی خود شکایت داشتند:

«- پرهام تو چه قدر توی روز بازی می‌کنی؟»

من؟

- اوهوم!

اممم، روزی یا دو ساعت یا یه ساعت، اونم بیش‌تر از دو دقیقه بازی نمی‌کنم، چون خودمم چشم‌ام درد می‌گیره.

- گردنت چی؟ یا دستت؟

گردنم آره، یه بار از صبح تا شب همین جوری بازی کردم، گردنم خشک شد.»



«- محیا بازی می‌کنی، چشم‌هات خسته نمی‌شه؟»

نه.

دست‌هات چی؟

نه.

- کمرت چی؟

چرا کمرم که درد می‌گیره، می‌ذارم کنار، با عروسکام بازی می‌کنم».

مسأله پرتوهای ساطع شده از دستگاه‌های الکترونیکی، مقوله مهم دیگری است که متضمن برخی از آسیب‌های زیستی جدی برای کاربران این دستگاه‌ها است و بالطبع هر چه میزان کاربری از دستگاه‌های اخیر بیشتر باشد، کاربران خردسال، نوجوان و جوان بیشتر در معرض امواج پیش‌گفته قرار گرفته، احتمال آسیب دیدگی آن‌ها بیشتر می‌شود.



در کتاب بررسی اثرات زیستی کاربری از فناوری‌های جدید به تفصیل از تبعات پیش‌گفته یاد شده است.

۸-۲- همراهی خانواده با القائات الگوهای عروسکی - کارتونی

کودکان در روند تحول خویش نیازمند الگوها هستند، آنان با اتخاذ الگوهای مطلوب طبعشان، از این الگوها چگونه بودن و چگونه شدن را فرا می‌گیرند. بالطبع اگر الگوهایی که فراروی کودکان قرار می‌گیرند، الگوهای خوب و مناسبی باشند، کودکان با الهام گرفتن از این الگوهای مناسب، در مسیر تعالی اخلاقی و ارزشی قرار خواهند گرفت، اما اگر الگوهای مورد نظر، الگوهایی خنثی و یا منفی و ضد ارزش باشند، آنگاه کودکان با کپی برداری از الگوهای اخیر، در مسیری بی‌ارزش و یا حتی ضد ارزش قرار گرفته، بر همان منوال نیز رفتار می‌کنند.

شاید تأکید قرآن کریم در زمینه الگوهایی که از آن‌ها با عنوان اسوه حسنه یاد می‌کند، همین معنا باشد که هر الگویی نباید الگوی رفتاری و ارزشی افراد قرار گیرند و تنها الگوها و اسوه‌های حسنه هستند که ارزش تبعیت و پیروی دارند.

با بررسی بازی‌های دیجیتالی، کارتونها و پویانمایی‌های موجود در سطح جهان، در عمل می‌توان این محصولات را به لحاظ محتوایی به سه مقوله ارزشمند، خنثی و ضد ارزش طبقه‌بندی کرد. به این معنا که در سطح جهان برخی از جریان‌های دینی، انسان‌گرا و مردمی، با هدف اشاعه و گسترش انسان دوستی، احترام به زیست محیط و ارتقای علمی و فرهنگی ابنای بشر، دست به تهیه و عرضه برخی از

محصولات کارتونی و پویانمایی‌های ارزشمند می‌زنند. ارزش‌های مندرج در تولیدهای اخیر، ارزش‌های دینی، مردمی و انسانی است و کودکان کاربر این محصولات در جریان کاربریشان از آن‌ها، در عمل تشویق می‌شوند که علم، اخلاق و ارزش‌های انسانی را پاس دارند و بکوشند تا خود، جامعه و جامعه جهانی خویش را به سوی خیر، رفاه و سعادت بشری راهنمون سازند.

دومین مقوله‌ای که در تولیدهای محتوای دیجیتال، کارتونها و پویانمایی‌ها در سطح ملی و بین‌المللی قابل ملاحظه است، تولید نهادهایی است که به کارشان به صورت محل و ممری برای کسب درآمد و امرار معاش می‌نگرند، از این رو به جای آن که دنبال علم، اخلاق و ارزش‌های انسانی باشند، بیش‌تر در پی آن هستند که با ارایه برخی از خدمات (نظیر ارتقای مهارت‌های اجتماعی کودکان، سرگرم کردن کودکان، ارایه برخی از خدمات آموزشی، ارایه انواع آهنگ‌ها، رقص‌ها، موسیقی‌ها، مدها و مانند آن‌ها)، سود مورد نظر خویش را به دست آورند.

سومین مقوله‌ای که در جریان تولید محصولات دیجیتالی، کارتونها و پویانمایی‌ها در سطح جهان وجود دارد، تلاش جهت تبلیغ خطمشی‌های سیاسی و اقتصادی مورد نظر طراحان بازی‌ها و کارتونها و پویانمایی‌ها است، به این معنا که کمپانی‌هایی که مایل هستند فروش محصولات خویش را تضمین کرده و ارتقا دهند، به کاربران خردسال کارتونها و پویانمایی‌ها به صورت مشتریان بالقوه خود می‌نگرند و با مندرج کردن ارزش‌های خود در تولیداتشان، در عمل می‌کوشند تا کودکان کاربر بازی‌های دیجیتال و کارتونها را به شکل هشیار و ناهشیار قانع کنند که در بزرگسالی خویش از محصولات آن‌ها استفاده کنند.

القای خطمشی‌های سیاسی، هدف مهم‌تری است که سبب می‌شود، نهادهای تبلیغاتی جهان سرمایه‌داری با القای اهداف سیاسی خاص خویش (نظیر معرفی نظام سرمایه‌داری به مثابه ایده‌آل‌ترین نظام اقتصادی جهان، یا معرفی نظام سیاسی امریکا به مثابه یک نظام قدرتمند و انسان‌گرا و مطرح کردن نظام‌های مخالف امریکا به عنوان نظام‌هایی غیرعقلانی، ارتجاعی و خطرناک) کاربران بازی‌های دیجیتال و کارتونها را قانع سازند که کعبه آمال جهان امریکا است و به فرض کشورهای اسلامی یا بلوک شرق، نظام‌هایی خطرناک و نامتعادل به شمار می‌روند که باید از آن‌ها دوری جست و در طرد، نفی و هدم آن‌ها کوشید.

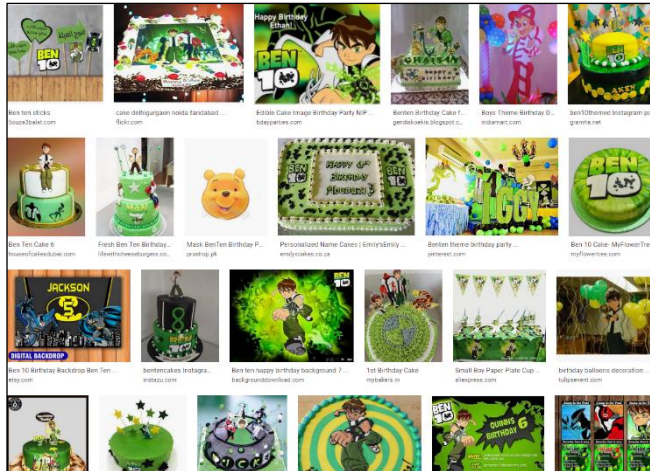
اما در یک جمع‌بندی کلی باید اذعان داشت که متأسفانه جریان‌های مردمی و انسان‌گرا، به علت محدودیت‌های مالی و امکانات خویش، توان زیادی در تولید آثار آرمان‌گرا و انسان‌گرایانه و توزیع و گسترش آن‌ها ندارند و بنابراین از اثرگذاری کلی اندکی در سطح جهان برخوردارند.

جریان دوم که در پی کسب سود بوده و اهداف سیاسی و اقتصادی خاصی را دنبال نمی‌کنند، در مرتبه بعدی تولید محصولات فرهنگی در جهان معاصر قرار دارند. اما دستگاه تبلیغاتی نظام سرمایه‌داری، به دلیل برخورداری از قدرت مالی گسترده، بیش‌ترین سرمایه‌گذاری و در نتیجه بیش‌ترین تولید با اهداف و خطمشی‌های سیاسی و اقتصادی خاص خودش را دارد.

مامان و بابام.

- آهان. خودت گفتی واست بخرن یا خودشون خریدن؟

خودشون برا تولدم خریدن».



«- خاله تو کارتونهایی که می‌بینی از کدوم شخصیت‌های کارتونی خوشت میاد؟

من بیش‌تر باری و سیندرلا رو دوس دارم.

- خوب به نظر شما باری‌ها چه شکلی هستن، می‌تونی توضیح بدی؟

آره، باریا موهاشون بلنده، چشاشون رنگیه، قداشون بلنده، لباساشون قشنگه، قداشون بلنده، لاک قشنگ می‌زنن، ناخوناشون رو عمل کردن، آرایش می‌کنن، خیلیم لاغر، خودشم که خیلی خوشگله، کلی لباس دارن.

- یعنی چی ناخوناشون رو عمل کرده؟

یعنی رفته آرایشگاه، اونجا ناخوناشو بلند کرده، مرتب کرده، بعد لاک زده، اکلیل زده.

- تو این‌ها رو از کجا می‌دونی؟

آخه بازیه باری رو دارم، که توش همه این کارا رو انجام می‌دم خودم برای باری.

- آهان، پس از روی بازی فهمیدی؟

نه، آخه مامانم ناخوناشو عمل کرده پیش آرایشگر، لاک زده بود و اینا، خیلی خوشگل شده بود، من که باهاش رفته بودم آرایشگاه دیدم که چی کار می‌کرد، ناخونای مامانم شبیه باری شده بود.

- خوب تو هم دوست داری مثل باری و مامانت ناخن‌هات رو بکاری؟
نه.

- الان خودت گفتی ناخن‌هاشون رو عمل کردن، خوشگل شدن.

آره، بزرگ شدم دوس دارم ناخونام رو عمل کنم تا مثل باری قشنگ بشه ناخونام.

- خوب چرا همین الان این کار رو انجام نمی‌دی؟

- چون مامانم می‌گه، شما هنوز بچه ای، زوده فعلاً، هر وقت بزرگ شدی این کار رو بکن.
- پس بزرگ بشی حتماً ناخن‌ها رو عمل می‌کنی؟
- آره حتماً، می‌خوام خوشگل شن.
- دوست‌ها هم این کار رو انجام می‌دن؟
- آره یکی از دوستانم که اسمش پارمیسه، همیشه مامانش روی ناخنانش لاک می‌زنه، بعد طرحای خوشگل می‌کشه.
- خوب فقط دوست داری ناخن‌ها مثل باربی باشه؟
- نه، مثلاً از یکی دو تا از لباسای باربی خیلی خوشم اومد، بعد با مامانم رفتیم پیش خیاط، مثل لباس باربی رو برام دوخت، خیلی خوشگلن، یکیش صورتیه، یکیش نارنجی روش توریه، خیلیم کوتاهه.
- پس دوست داری لباس‌ها شبیه باربی باشن؟
- آره، خیلی.
- دیگه دوست داری چه چیزهای از باربی رو بخری؟
- اوم، مثلاً دوس دارم، لوازم آرایش باربی رو داشته باشم، می‌رم بیرون آرایش کنم، البته بعضی اوقات با لوازم آرایشی مامانم خودم رو آرایش می‌کنم.
- خوب مامانت چیزی نمی‌گه؟
- مامانم می‌گه عیب نداره تو خونه رژ بزنی، اما بیرون حق نداری این کار رو کنی، اما خودش بیرون آرایش می‌کنه.
- خوب به نظرت مامانت خوشگل‌تره یا باربی؟
- باربی چشاشون آبی، موهاشون بلنده، اما مامان من موهاش کوتاهه!
- یعنی دوست داری شبیه مامان باشی یا شبیه باربی؟
- باربی.
- چرا؟
- چون باربیا موهاشون خوشگله، لباساشون خوشگله، همش لباسای مختلف می‌پوشن.
- دوست داری کارهایی که باربی انجام می‌ده رو انجام بدی؟
- آره.
- مثلاً چه کاری؟
- مثلاً این که خودم رو خوشگل کنم، آرایش کنم، لباس لختی و خوشگل بپوشم، برم بیرون تا همه منو نگاه کنن، مثل باربیا.
- به نظرت باربی کار خوبی می‌کنه که لباس لختی می‌پوشه تا همه نگاهش کنن؟
- آره دیگه، دوس پسرش همش بهش می‌گه، خیلی خوشگل شدی.

- به نظر تو شغل باربی چیه؟
- تو کار طراحی لباس و مده!
- تو دوست داری مثل باربی، طراح لباس بشی؟
- آره، دوس دارم لباس خوشگل درست کنم تا همه بیان ازم بخرن و پولدار بشم.
- دیگه دوست داری چه کار کنی؟
- دیگه دوس دارم بقیه لباسای منو که طراحی می کنم بپوشن، بیان جلو مردم تا اونا هم بخرن.
- خوب این کارها رو تو کجا دیدی؟
- توی ماهواره».



- برخی از مادران مصاحبه شده تأکید داشتند که فرزندشان را تشویق می کنند تا کارتونهای به زبان اصلی را ببینند تا زبان انگلیسی آنها تقویت شود. مادر آرمین ۶ ساله، در مصاحبه اش چنین اظهار می داشت:
- «می شه از استفاده مثبتی که خودت از کارتونها داشتی، مثال بزنی؟
- خوب ملینا و آرمین کارتونهایی را که می بینن، زبان اصلی هست و این مسأله برای یاد گرفتن زبان اون ها خیلی خوب هست.
- چه ملاک هایی برای انتخاب کارتون داری؟
 - من خودم کارتون انتخاب می کنم. از کسی که این سیدی ها رو پخش می کنه، سوال می کنم. بعد اون یه نماهنگ کوتاه (تیزر تبلیغاتی کارتونها) از اون کارتون رو برام می فرسته، بعد من نشون ملینا و آرمین می دم، اگر اون خوششون بیاد برایشون می خرم.
 - خوب چه جور کارتونهایی رو انتخاب می کنی یا بهتره بگم، بچه ها چه کارتونی رو بیش تر می بینن؟
 - خوب برام مهمه که کارتون زبان اصلی ببینن. منظورم از زبان اصلی اینه که تمام کارتونهایی که وارد ایران می شه، اغلب انگلیسی هستن، حالا یا با لهجه بریتیش یا آمریکایی. خیلی به ندرت پیش میاد بچه ها بزبن شبکه ی پویا».



آوین ۶ ساله هم در همین ارتباط چنین بیان می‌داشت:

«- دیگه از کارتونهایی که می‌بینی، چی یاد گرفتی؟»

بعضی کارتونها زبان هم یاد می‌دن.

- چه زبانی؟

انگلیسی دیگه.

- دوست داری زبان یاد بگیری؟

آره خیلی.

- چرا؟

دوست دارم دیگه.

- می‌خواهی یاد بگیری چه کار کنی؟ به چه دردی می‌خوره زبان یاد بگیری؟

مامانم گفته باید زبانم خوب باشه... هم این که اگه زبانم خوب باشه، می‌تونم کارتونهایی که توش

انگلیسی حرف می‌زنند رو نگاه کنم.

- پس دوست داری این جور کارتونها رو هم نگاه کنی؟

آره، خیلی.

- الان نمی‌تونی نگاه کنی؟

چرا نگاه می‌کنم، ولی نمی‌فهمم چی می‌گن».



برخی از اولیا، فراتر از سرگرم شدن فرزندشان یا یادگیری زبان انگلیسی توسط وی، آگاهانه یا ناآگاهانه از افراد مطرح شده در کارتون‌ها و پویانمایی‌ها برای فرزندشان الگوسازی می‌کنند و آنان را در جهت همسان و منطبق شدن با الگوهای مطرح شده تشویق می‌کنند. اما این اولیا دقت ندارند که وقتی از فرزندشان می‌خواهند مانند سیندرلا قهر نکنند، اتاقش تمیز بوده و مهربان باشد، با الگو شدن سیندرلا یا مانند وی برای فرزند، فرزند با انطباق‌یابی با الگوی موردنظر، از برهنگی وی، روابط جسمانی وی با افراد نامحرم و غریبه، مصرف‌زدگی و تجمل‌گرایی وی و نظایر آن‌ها نیز تبعیت خواهد کرد.



خانه ۵ ساله و ماهان و پونه ۶ ساله، در مصاحبه‌های خودشان در همین رابطه چنین اظهار می‌داشت:

«اگه مامانت اجازه نده دیگه کارتون نگاه کنی، چه کار می‌کنی؟»

ناراحت می‌شم، قهر می‌کنم.

- چرا؟

چون که من کارتون‌هام رو خیلی دوست دارم، می‌خوام تا آخر عمرم کارتون نگاه کنم.

- یعنی تا چه قدر دیگه؟

نمی‌دونم تا خیلی.

- خوب وقتی قهر می‌کنی، مامانت چی بهت می‌گه؟

اون همیشه می‌گه بین سیندرلا چه قدر خوبه، اون با کسی قهر نمی‌کنه.

- سیندرلا با کسی قهر نمی‌کنه؟

نه، اون خیلی مهربونه، قهر نمی‌کنه، واسه‌ی همین منم دیگه قهر نمی‌کنم.

- چون مامانت گفته سیندرلا مهربونه و قهر نمی‌کنه، برای همین تو هم قهر نمی‌کنی؟

اوهوم!

- خوب مامانت دیگه راجع به کارتون‌ها و آدم‌هایی که توی کارتون هستن، چی بهت می‌گه؟

مثلاً اگه اتاقم کثیف کنم، اسباب بازی‌هام رو نامرتب بذارم، مامانم می‌گه سیندرلا ناراحت می‌شه،

منم واسه‌ی همین که ناراحت نشه، تمیزش می‌کنم.

- سیندرلا می‌بینه تو رو؟

آره، مامانم می‌گه اگه کاره بد انجام بدی، اون تو رو می‌بینه، از دستت ناراحت می‌شه، بعدش دیگه

نمیاد توی کارتون‌ها.

- چون اون تو رو می بینه، دیگه کار بد انجام نمی دی؟
نه، نمی کنم.
- خوب عزیزم دیگه از چه چیز کارتونها خوشت میاد؟
اومممم از قصره السا و آنا.
- قصر دارن؟
آره، خیلی قشنگه، السا اونو می سازه با یخ، من اونو خیلی دوس دارم، قصره اونا رو داشته باشم، تازه به مامانم گفتم وقتی بزرگ شدم، می خوام برم قصر اونا رو بخرم.
- چرا بخری؟
آخه ما خونمون مثل قصر اونا نیست.
- مگه خونه ی شما چه شکلیه؟
اون جوری بزرگ نیست، خوشگل هم نیست، من دوس دارم اون شکلی باشه، خونمون رو دوس ندارم.
- خوب از کجا می خوای بری قصر اون ها رو بخری؟
بزرگ می شم، می رم با ماشین رانندگی می کنم، می رم پیش اونا، قصر اونا رو می خرم.
- خوب اون ها قصرشون رو به تو می دن؟
آره، اگه ندن، به زور ازشون می گیرم.
- مثلاً چه جوری ازشون می گیری؟
خب نمی دونم، می گیرم دیگه، می زمشون.
- می زنشون که قصر اون ها رو بگیری؟
آره.
- کار بدی نیست؟
نه.
- این کار رو بکنی، سیندرلا ناراحت می شه؟
نه، ناراحت نمی شه».



DVD | In-Stock - Buy No...
mightvape.co.nz



Disney Movie 'Cinderella ...
yourtango.com



Downton Abbey star Lily James...
independent.co.uk

«- کارتون مک کوپین چه طوریه؟»

همش کار می کنن و زحمت می کشن. یه ماشین قرمز و دندوناشم خیلی سفیده. مامانم گفته اگه هر شب مسواک بزنی، منم مثل اون دندونام سفید و قشنگ می شه و همیشه سالم می مونه».

«- تو خوشت اومد از این که تیراندازی مریدا از پسرها هم بهتره؟»

آره... زرنگه دیگه... مثل باربی و این ها که نیست... بعد تازه اونجا مریدا باید روسری هم سرش می کرد.

- چرا؟

من از زن عموم پرسیدم... اون بهم گفت تو زمان های قبل، تو خارج هم وقتی یه دختر می خواست عروسی کنه، باید روسری سرش می کرد.

- برای همیشه باید روسری سرش می موند؟

نه فقط همون جا که میان خواستگاریش.

- خوب چرا؟

نمی دونم... .

- از زن عموت نپرسیدی؟

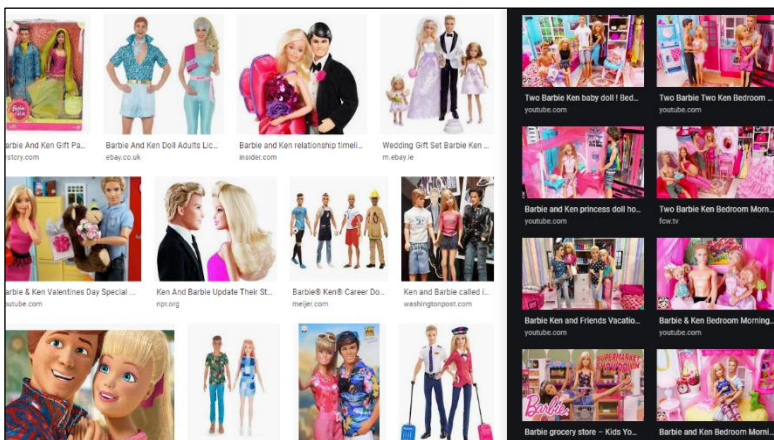
زن عموم گفت این کار بی خودی بوده... به خاطر همین موقع های دیگه این کار رو نمی کنن.

- تو خوشت نیامد که اون روسری سرش می کنه؟

نه.

- چرا؟

آخه اصلاً از روسری خوشم نیامد».



مادر پارسای ۵ ساله، در مصاحبه خودش خاطرنشان می‌ساخت، وقتی وی مشاهده کرد که فرزندش از بازی‌های خشن پسرانه می‌ترسد، بازی‌های دختران (نظیر بازی‌های آرایشی) را پیاده کرده، در اختیار او قرار داده است که بالطبع این اقدام اثرات سوی خودش را روی پارسا نهاده، ممکن است علایق زنانه را در وی نهادینه سازد:

« پارسا مرد عنکبوتی رو که دید، هی بهم می‌گفت، مامان لباس مردعنکبوتی رو برام بخر. هر وقت هم که خونه می‌اومدم، می‌گفت مامان لباس مردعنکبوتی رو خریدی؟ یا توی گوشیم یه عالمه بازی‌های جنگی ریخت.

بعد از مدتی من دیدم که پارسا هی می‌گفت مامان تو بری منو دزد میاد می‌بره، بری بیرون تو رو یکی می‌کشه، می‌ری توی دره. خلاصه کلاً هذیان می‌گفت.

من هم کل بازی‌های پارسا رو پاک کردم. پارسا خودش هم بلده دانلود کنه، میاد بهم می‌گه، این بازی دخترونس، اینو می‌خوای برات دانلود کنم و فلان. یه موقع‌هایی هم که بهش گوشیم رو می‌دم، زود ازش می‌گیرم. حالا که اون بازی‌های خشن رو پاک کردم و برای پارسا بازی آشپزی و آرایشگاه و اینا رو نصب کردم، حال پارسا خیلی بهترشده.»



برخی از اولیا پس از مشاهده تبعات کاربری فرزندشان از بازی‌ها و کارتون‌های کنترل نشده، سعی می‌کنند که خطای خویش را جبران کنند (اما متأسفانه غالب خانواده‌ها چنین نیستند)، مادر آنیسای ۵ ساله، در مصاحبه خودش از غفلت خود یاد کرده، جبران آن را به قرار زیر شرح داده است:

«- عروسک باربی روی دختر شما چه تأثیری داشته؟

من اولین بار خودم برای تولد آنیسا عروسک باربی رو گرفتم، چون هروقت آنیسا رو می‌بردیم بیرون، هی می‌گفت، برام عروسک باربی بگیر. من اول آشنایی چندانی با عروسک باربی نداشتم، اما بعدها فهمیدم یکی از برنامه کودک‌هایی که بابای آنیسا دانلود کرده بود، باربی بود. منم برنامه کودکش رو ندیده بودم. تولد آنیسا براش عروسک باربی گرفتیم، خیلی خوشحال شد... . بعد از تولدش دیدم آنیسا یه روز بهم می‌گه پس کین چرا کنار باربی نیست. گفتم کن کیه؟ می‌گه دوست پسرشه... . منم از تعجب شاخ درآوردم. رفتم فیلمش رو از توی گوشیم پاک کردم. چون هم نمی‌خواستم آنیسا وارد این جور چیزها بشه و ذهنش رو مشغول اینا کنه و هم این که حس می‌کردم، هی سر وسیله‌هاش غر می‌زد و می‌گفت

کاش این رنگی رو داشتیم، کاش اون رنگی رو داشتیم... . بعد به بابای آنیسا هم گفتم فیلم‌هایی که آموزنده هست رو براش دانلود کنه تا بچه هر فیلمی رو نبینه».

با توجه به آنچه از آن یاد شد، با عنایت به آن که مسوولان فرهنگی با کوتاهی در تولید ادبیات فاخر از سویی و تعلل در بسترسازی فرهنگی مناسب (از جمله غربالگری بازی‌ها، کارتون‌ها و پویانمایی‌های موجود) اقدام جدی و مناسبی در زمینه هدایت کاربری کودکان ایرانی از فضای مجازی نداشته‌اند، باید اولیای مهدها و اولیای کودکان به سهم خود در درجه نخست با کسب آگاهی لازم و در درجه بعدی اهمیت، با بسترسازی فرهنگی لازم برای کاربری فرزند یا متریشان از فضای مجازی، تبعات منفی و آسیب‌زای این فضا را برای فرزندشان تا می‌توانند کم و کمتر کنند، نه آن که با الگوکردن چهره‌های نامناسبی که دستگاه‌های تبلیغاتی نظام سرمایه‌داری دست به پردازش آن‌ها زده‌اند، در عمل کودکان خود را در معرض انبوهی از القانات سیاسی و اقتصادی طراحان بازی‌ها و پویانمایی‌های آن سوی آب قرار دهند.



۹-۲- استفاده از فناوری‌ها به مثابه پرستار الکترونیک فرزندان

«- رعنا با بابا و مامانت بازی می‌کنی؟»

مگه مامان باباها هم بازی می‌کنند!» (رعنا، ۵ ساله).

برخی از خانواده‌ها درگیر مشکلاتی هستند و مشکلات اخیر مانع از ایفای نقش والدگری و والدگری الکترونیک آن‌ها می‌گردد. به عنوان مثال، گاهی پدر یا مادر درگیر بیماری جسمانی یا برخی از اختلال‌های روانی است. در موارد دیگری ممکن است، اولیا جهت تحصیل (خاصه مادران) در دسترس فرزندشان نبوده یا به دلیل فقر امکانات محیطی قادر به تهیه امکانات لازم برای رشد و شکوفایی فرزندشان نباشند. در برخی از موارد اولیا جهت تأمین معیشت خانواده، تن به کار دوم و سوم می‌دهند، بنابراین در هنگام بازگشت به کاشانه خویش، پس از از دست دادن طراوت و نشاط خود، جسم فرسوده خود را به خانه می‌آورند و دیگر توانی برای آنان باقی نمانده است که آن را صرف فرزندشان کنند. در بعضی از موارد هم یک یا هر دو ولی

فرزند، چنان جذب جذابیت‌های مادی و شهوانی زندگی شده‌اند که سرشان گرم لذت بردن از مواهب مادی زندگی است و حاضر به پذیرش مسوولیت‌های خویش در قبال فرزندشان نیستند. البته در موارد دیگری، قهر و طلاق عاطفی که در محیط زندگی خانواده پدید آمده است، چنان اولیا را دچار فرسایش روانی کرده است که توانی برای ایفای مسوولیت خویش در برابر فرزندشان ندارند.



در تمامی شرایط پیش‌گفته، برخی از خانواده‌ها با توجه به گسترش و جذابیت فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، متوجه رسانه‌های دیجیتال شده، می‌کوشند تا با تهیه تبلت، ایکس‌باکس، تلفن همراه یا رایانه برای فرزندشان، به تعبیر استینکوهلر^۱ (۲۰۱۶) از این وسایل به مثابه یک پرستار الکترونیک^۲ سود ببرند و با ارجاع دائمی فرزندشان به این فناوری‌ها، در عمل کودک را از سر خودشان باز کرده، بدون مزاحمت فرزندان، به استراحت یا تفریح و تنوع خودشان بپردازند.

محمدی (منتشر نشده) در مقاله «بررسی علل زیربنایی گرایش والدین دارای کودک خردسال ۲-۶ سال به والدگری دیجیتالی» در ارتباط با والدگری یا مراقبت دیجیتالی از فرزند می‌نویسد:

«با پیشرفت فناوری‌ها تمامی گروه‌های سنی و حتی کودکان خردسال نیز وقت بیشتری را برای استفاده از وسایل دیجیتالی اختصاص می‌دهند. در واقع کودکان، امروزه به وسایل دیجیتالی مختلف دسترسی بی‌سابقه‌ای پیدا کرده‌اند؛ به طوری که تلوزیون، موبایل، تبلت و اینترنت به بخش جدایی‌ناپذیری از زندگی آنان تبدیل شده است. یکی از حیثه‌های تأثیرگذاری فناوری بر تحول و سلامت کودکان، مسأله‌ی ورود آن به فرزندپروری است. امروزه در تقسیم‌بندی‌های جدید سبک‌های فرزندپروری، علاوه بر تقسیم‌بندی‌های گذشته مانند سبک والدگری مستبدانه، سهل‌انگارانه، مقتدرانه و ... سبک جدیدی به نام سبک فرزندپروری یا مراقبت دیجیتالی اضافه شده است. در این سبک از مراقبت، مواجهه با ابزارآلات دیجیتالی، جایگزین تعامل فعال کودک با محیط انسانی و به ویژه والدین می‌شود. در مواردی که وسایل دیجیتالی به‌طور افراطی جایگزین روابط فعال کودک با مراقبین خود و تعاملات بین‌فردی آنان شود، مفهوم "والدگری یا مراقبت دیجیتالی" مطرح می‌شود. این سبک از والدگری منجر به محدود

1. Steinkuhler, C.
2. Digital babysitter

والدگری منجر به محدود شدن تعاملات فعال کودک شده، باعث می‌شود کودک در فقر ارتباط طبیعی با سوژه انسانی به سر برد، این در حالی است که ممکن است محیط او سرشار از اسباب‌بازی‌ها یا لوازم خانگی مدرن باشد. در واقع می‌توان گفت که این سبک از مراقبت، پیامدهای منفی را برای تحول سالم کودک به همراه دارد و با توجه به این که امروزه مواجهه با دستگاه‌های دیجیتالی نظیر تلویزیون، اینترنت، دی‌وی‌دی و بازی‌های رایانه‌ای و اینترنتی، نقش رو به افزایشی را در زندگی نوپایان و خردسالان بازی می‌کند، این امر به طور روزافزون به عنوان یک مسأله و معضل به‌زیستی فردی و سلامت عمومی شناخته می‌شود که ضرورت بررسی آن احساس می‌شود.

سه مکانیزم احتمالی و بالقوه مرتبط با تأثیرهای منفی استفاده‌ی مفرط والدین از دستگاه‌های دیجیتالی در زندگی روزمره‌ی کودکان دخیل هستند که شامل کاهش تعاملات والد-کودک (کاهش ارتباطات کلامی، کاهش بازی‌های تعاملی)، تداخل استفاده از دستگاه‌های دیجیتالی با بازی کودکان و تأثیرهای منفی و مستقیم فناوری بر تحول مغز کودکان است. از بین مکانیزم‌های ذکر شده، اولین مکانیزم یعنی کاهش تعاملات بین‌فردی، از اهمیت بسیاری برخوردار است، زیرا تحول مغز در سال‌های ابتدایی زندگی تحت تأثیر تعامل با محیط انسانی قرار دارد -سامروف^۱، ۲۰۱۰- و رشد زبان و شناخت، هیجانات و مهارت‌های اجتماعی در این سال‌ها به شدت متأثر از روابط عاطفی و بین‌فردی کودکان می‌باشد -گرینسپن و ویدر^۲، ۲۰۰۹- . بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که کیفیت روابط بین فردی خردسالان با والدین، همسالان و دیگران مهم بر جنبه‌های مختلف تحول کودک از جمله سطح عملکرد شناختی، زبانی، هیجانی، اجتماعی و اخلاقی او تأثیرگذار است. مطالعات متعددی در بررسی پیامدهای منفی استفاده‌ی بیش از حد از وسایل دیجیتالی در سنین خردسالی نشان داده‌اند که استفاده مفرط با افزایش اضافه‌وزن و چاقی، مشکلات و اختلالات خواب و تحریف در اتصالات یا پیوندهای مغزی کودک مرتبط است و متعاقب آن تحول اجتماعی، هیجانی و کارکردهای شناختی کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهد و با توانایی شناختی کم‌تر در سنین بالاتر مرتبط است -تموپولوس^۳ و همکاران، ۲۰۱۰-.

والدین به دلایل مختلف نخست دستگاه‌های دیجیتالی (تلویزیون، ویدئو، پلی استیشن، ایکس باکس، تبلت و رایانه) را وسیله‌ی مناسبی برای کنترل کودک، سرگرم کردن او و رهایی از مسوولیت‌های مختلف فرزندپروری می‌یابند. مشغول کردن کودک با این دستگاه‌ها به والدین فرصت می‌دهد به انجام امور و کارهای روزانه خود بپردازند و یا زمانی را بدون حضور کودک (مثلاً برای کاهش تنیدگی) به خودشان اختصاص دهند و درعین حال بدانند که کودکشان امنیت دارد، خارج از منزل بازی نمی‌کند و کم‌تر ممکن است دردرس ایجاد کند. از دلایل دیگر والدین برای مراقبت دیجیتالی می‌توان به مسأله‌ی مدیریت کردن رفتار کودک اشاره کرد. در واقع تعداد زیادی از والدین که در برقراری ارتباط با کودک

-
1. Sameroff
 2. Greenspan & Wieder
 3. Tomopoulos

خود شکست می‌خورند، منزل خود را مملو از دستگاه‌های دیجیتالی می‌کنند تا او را آرام نگه دارند. والدینی که کودک خود را سخت مزاج تلقی می‌کنند و در فرآیند والدگری و کنترل رفتار کودک، مشکلات بیش‌تری را احساس می‌کنند، ممکن است از دستگاه‌های دیجیتالی برای ساماندهی اوضاع، آرام کردن، تشویق کودک و یا حتی برای مدیریت تنیدگی خود استفاده کنند. مطالعات نشان می‌دهند والدین بیش‌تر از این ابزار در موقعیتهایی مانند زمان خواب کودک و یا زمان غذا خوردن به منظور جلوگیری از ایجاد تعارض در صرف غذا استفاده می‌کنند و به این ترتیب است که برخی از اولیا تصور سپری کردن روز و کنترل کودکان بدون وجود لوازم دیجیتالی را غیرممکن می‌دانند.



کودکان در اثر کاربری مفرط از فناوری‌های ارتباطی جدید -خاصه در دوره بحرانی برای تحول مغز در دو سال اول زندگی- آسیب می‌خورند، حال اگر این مسأله در غیاب بسترسازی فرهنگی لازم برای کاربری از رسانه‌های دیجیتال رخ دهد، آسیب پیش‌گفته دو چندان خواهد بود.



بررسی‌های میدانی انجام شده حکایت از آن دارند که عوامل زیر در روی آوردن اولیا به مراقبت و پرستاری الکترونیک نقش دارند:

بارداری ناخواسته مادر، فقدان مهارت والدگری، بیماری جسمی اولیا -خاصه مادر-، اختلال روانی اولیا -به ویژه در مادر-، اشتغال به تحصیل مادر، اشتغال اولیا و خستگی از کار مفرط، نبود سرزندگی در اولیا -خاصه در مادر-، کمبود امکان تفریح و سرگرمی کودک، سرگرم کردن کودک برای پرداختن به خرید یا کار خانه، سن بالای اولیا -به ویژه مادر-، وابستگی اولیا به فناوری‌های ارتباطی جدید، مشکلات زناشویی اولیا، طلاق اولیا، آرام کردن کودک برای جلوگیری از اعتراض همسایه‌ها، ممانعت از شیطنت کودک در محیط منزل، غذا دادن و خواباندن کودک و تنهایی (تک فرزند بودن) کودک. در ادامه موارد پیش‌گفته، به اجمال مورد بحث قرار می‌گیرند.

۱-۹-۲- بارداری ناخواسته مادر



اگر چه باردار شدن برای یک زن به مثابه بلوغی دوباره در جهت گسترده و پر معناتر دیدن جهان هستی به شمار می‌رود، اما اگر بارداری مادر ناخواسته باشد، ممکن است مادر پس از زایمان نتواند مادرگری لازم را داشته باشد و خود به خود فرزندش را به دست پرستار الکترونیک بسپرد. تجربه مهتاب نمونه‌ای از همین مسأله به شمار می‌رود:

«- از زود بچه‌دار شدن گفتید، فکر می‌کنید این مسأله می‌تونه عاملی در جهت سپردن فرزندتان به دست وسایل دیجیتالی باشه؟»

بله، خب اگه دانشگاهم تموم شده بود، وقتم زیاد بود، برای نگه داشتنش. یعنی وقتی بچه‌دار شدم که توانایی نگهداریش رو نداشتم. ناخواسته بود. من زود ازدواج کردم، همیشه دوست داشتم زود ازدواج کنم، ولی هیچ وقت دوست نداشتم زود بچه‌دار بشم. اصن شوکه شده بودم وقتی فهمیدم حامله‌ام، دانشجو بودم، درس و دوستانم خیلی برام مهم بودن، یه جورایی بچه‌دار شدن مزاحم زندگی خصوصی من و شوهرم هم می‌شد. دکتر گفته بود تا قبل سه ماهگی وقت دارم، اگه بخوام کورتاژ کنم تا سقط بشه، خودم خیلی بش فکر می‌کردم، به این موضوع که وقتی آدم آماده‌ی بچه‌دار شدن نیست و حالا به اشتباه بچه‌دار شده که نباید تاوانشو بده، شوهرمم می‌گفت، اگه ناراحتی حالا عیبی نداره، چند سال دیگه بچه‌دار می‌شیم. ولی مامانمم قسم داد که این کار گناهه و ازین حرفا، منم پشیمون شدم، ولی وقتی دنیا اومد دیدم، خیلی دوسش دارم.

- پس بارداری زود هنگام و آماده نبودن برای بچه‌داری حال شما رو بد کرده بود؟
تو خودم نمی‌دیدم که بخوام مادر باشم، مسخره بود، واقعاً عین بچه بازی بود، هنوزم جدی جدی باورم نمی‌شه که مادر شدم من، انقد که پسرم هم منو مهتاب صدا می‌کنه نه مامان (می‌خندد).

- یعنی منظورتون این هست که مهارت‌های بچه‌داری رو بلد نبودین؟

هم مهارتارو رو بلد نبودم و هنوزم بلد نیستم، هم این که خودم بچه بودم.

- رابطه شما با همسرتون چه طوره؟

رابطمون خیلی خوبه، یه کم سر بچه دوتایی ناراحتیم به خاطر عینکی شدنش، البته شوهرم کارشم زیاده، نمی‌تونه وقتش رو با بچه بگذرونه که کم‌تر تلوزیون ببینه، منم توانایی کنترل کردن این بچه‌ی ننگ رو ندارم».



۲-۹-۲- فقدان مهارت والدگری

برخی از اولیا، به دلیل ضیق نفس و بی‌کفایتی که از آن برخوردارند، با بی‌مسئولیتی تام و تمام با فرزندشان برخورد کرده، تصور می‌کنند با تهیه و تأمین نیازهای زیستی کودک، کارشان به انجام رسیده است.



مصاحبه‌های انجام شده با مربیان مهدکودک‌ها، دلالت بر آن دارد که مربیان اخیر یکی از مهم‌ترین مشکلات خود را اولیای بی‌مسئولیتی می‌دانند که با سپردن فرزندشان به مهدکودک، دیگر حاضر به پذیرش هیچ مسوولیتی در قبال تربیت فرزندشان نیستند و همه مسایل و مشکلات کودکانشان را متوجه کاستی‌ها و کم‌کاری‌های مربیان مهد می‌دانند، نه کوتاهی و اهمال خودشان.

یکی از مربیان مهد با بیان این که خودش تبلت دارد، خاطرنشان می‌ساخت، همین که بچه‌ای شروع به بهانه گرفتن می‌کند، وی با دادن تبلتش به آن کودک، او را سرگرم و آرام می‌کند. این مریی در ادامه اظهار می‌داشت، پدر و مادرهای بدون مسوولیت نیز عیناً همین طور با فرزندشان رفتار می‌کنند. مادر آرمیتای ۶ ساله هم در همین ارتباط بیان می‌داشت:

«- می‌دونین مادر بچه‌های دیگه نظرشون راجع به این فناوری‌ها چیه؟»

همه موافقن که این تکنولوژی‌ها چیز خوبی نیست، ولی اغلب برای این که بچه‌ها به مادرشون ننگن که بیاین با ما بازی کنین، مادرا خودشون رو راحت می‌کنن و دست یه بچه سه ساله تبلت آخرین مدل می‌دن.

- نظر پدرها چیه؟

اونوا هم که از سرکار میان، اصلاً حوصله ندارن بچه‌ها بهشون گیر بدن.»
برخی از کودکان پیش دبستانی، در مصاحبه‌های خود اظهار می‌داشتند، اولیای آن‌ها وقتی سرگرم میهمانی و تفریح و خوش‌گذرانی با دوستان و آشنایانشان هستند، با دادن تبلت به فرزندشان، در عمل او را به دست پرستار الکترونیکی می‌سپارند.

«- وقتی تو داری تبلت بازی می‌کنی، مامانت چه کار می‌کنه؟

می‌خوابه. آخه شبا با بابام مهمونی می‌رن» (اوا، ۵ ساله).

«- شهرداد بلدی عکس بگیره؟

مامانم نمی‌گذاره با تبلت بازی کنم، ولی تلویزیون رو روشن می‌کنم و اونو نگاه می‌کنم.

- یعنی مامانت برات تبلت خریده؟ ولی نمی‌گذاره باهاش بازی کنی؟

می‌گذاره، ولی فقط تو مهمونی می‌گذاره.

- یعنی فقط تو مهمونیا می‌تونی با تبلت بازی کنی؟

نه، یه هدست هم خریدم، باهاش شعر گوش می‌دم، اونو فقط می‌گذاره.

- مامان و بابات گوشه‌ی یا تبلت هم دارن؟

نه تبلت ندارن، فقط از گوشه‌هایی که شما داری، دارن.

- مامان و بابات اجازه می‌دن با گوشیشون بازی کنی؟

نه، مامانم اجازه نمی‌ده، چون گوشیش خراب می‌شه، فقط می‌زاره تو مهمونی با تبلتم بازی کنم.

- شهرداد، توی مهمونی‌ها، افراد دیگه‌ای هم خواستن با تبلت بازی کنن؟

نه اونوا حرف می‌زنن، من تنهایی با تبلتم بازی می‌کنم» (شهرداد، ۶ ساله).



شدت مسأله کاربری از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته به عنوان پرستار الکترونیک کودکان به حدی است که برخی از اولیای بدون مسوولیت، از سال اول و دوم زندگی فرزندشان، او را به سمت و سوی پرستار الکترونیک سوق می‌دهند.

یکی از پژوهش‌گران تحقیق در گزارشی که در همین جهت از آرای ۱۵ ماهه تهیه کرده است، می‌نویسد:

«آلا فقط ۱۵ ماه دارد و مادرش با وجود موقعیت کاملاً مناسب اقتصادی، خیلی اصرار دارد که خارج از خانه کار کند و با این که لیسانس هنر دارد، شغل غریق نجاتی را صرفاً به دلیل روحیه جاه‌طلبی و تجملاتش انتخاب کرده است و درست ۳ ماه بعد از تولد آلا، او را به نزد اقوام می‌سپارد تا خودش به محیط (فانتزی) استخر برگردد و نوزاد بیچاره او به این ترتیب هر روز اسیر خانه خاله‌ها و دایی و... شده است. آلا با این که چند ماه پیش‌تر نداشت، نبود مادر را به خوبی درک می‌کرد و بسیار بهانه‌گیری می‌کرد. از همان ابتدا وقتی آلا بهانه‌گیری می‌کرد خاله‌اش، گوشی تلفن یا تلفن همراه را برمی‌داشت و به آلا وانمود می‌کرد که مامانش پشت خط هست و می‌گفت، مامانش بیا آلا دلش برات تنگ شده و رو به آلا می‌گفت، بیا با مامانی حرف بزن، الو مامانش، الو مامانش و... و طفل بیچاره برای فرار از غم جدایی از مادر از سن خیلی کم، با دنیای گجت‌ها و تلفن همراه آشنا و به آن وابسته شد و الآن که آلا ۱۵ ماه سن دارد، تنها اسباب بازی و سرگرمی او تلفن همراه واقعی شده است!

من نمی‌دانم آلا با این سن کم چه طور فرق گوشی واقعی رو تشخیص می‌دهد و چهاردست و پا یا سینه‌خیز خودش را به میز که جای قرار گرفتن گوشی همراه است، می‌رساند و گوشی را برمی‌دارد و دکمه‌های آن را فشار می‌دهد و گاهی از غفلت والدینش استفاده کرده با فشار دادن اشتباه دکمه‌ها مثلاً در ساعت ۱ نیمه شب، شماره جایی را می‌گیرد و چون هنوز نمی‌تواند حرف بزند، موجبات نگرانی طرف مقابل را فراهم می‌آورد که چه اتفاقی افتاده که آن موقع شب با آن‌ها تماس گرفته شده است. به نظر من آشنایی این طفل معصوم در این سن با این فناوری، بی‌رحمی است و اعتیاد او به این وسایل، او را با دنیایی آشنا کرده است که فرصت کودکی کردن را از آلا می‌گیرد.

آلا فقط در حضور تلفن همراه غذا می‌خورد، چون وقتی سرش به محتوای گوشی گرم می‌شود، غذای او را داخل دهانش می‌گذارند. فقط وقتی گوشی در دست آلا باشد، او می‌خوابد و وقتی گریه می‌کند، اطرافیان به جای اسباب بازی، فقط با تلفن همراه گریه او را قطع می‌کنند».



۳-۹-۲- بیماری جسمی اولیا

بیماری جسمی اولیا -خاصه مادر- ممکن است سبب شود، والد کودک را به سمت مراقبت دیجیتالی سوق دهد تا با سرگرم شدن وی، دردسرهای خود را کم‌تر کرده، دوران بیماری و نقاهت را ساده‌تر پشت سر بگذارد.



مهرداد و داریس ۶ ساله، هر دو از خستگی، سردرد و بی‌حوصلگی ناشی از فشار کار مادرشان سخن گفته، بیان می‌دارند با نزدیک شدن به مادر (که قدری سردرد دارد)، وی آن‌ها را به تبلتشان ارجاع می‌دهد:

«- بابات و مامانت می‌دونن چه بازی‌هایی رو می‌ریزی؟»

مامانم نه، اما بابام می‌دونه همه رو.

- مامانت چرا نمی‌دونه؟

آخه مامانم همیشه خسته هست یا سرش درد می‌کنه، آخه کارش خیلی سخته.

- تو از کجا می‌دونی که کارش خیلی سخته؟

آخه چون همیشه خسته و بی‌حوصله هست برای اون می‌گم.

- بی‌حوصله هست؟ یعنی چه طوریه؟

آره، مثلاً هر چی ازش می‌پرسم، می‌گه حوصله ندارم برو از بابات بپرس یا این که همش می‌گه سرم

درد می‌کنه و این حرف‌ها دیگه یا وقت‌هایی که می‌گم بیا بازی کنیم، می‌گه برو با خواهرت یا بابات یا با تبلت بازی کن.

- وقتی مامانت این طوری می‌گه، تو بهش چیزی نمی‌گی؟

چرا چند باری گفتم، ولی اهمیت نمی‌ده، اصللاً همش می‌گه بابات هست دیگه، به من کاری نداشته

باش، چند بارم گفتم، مگه تو تبلت نداری، برو با همون بازی کن.

- مگه تو چی می‌گی که مامانت این طوری جواب می‌ده؟

هیچی بغلش می‌کنم، می‌گم مامانی می‌شه بیای بازی کنیم یا این که می‌گم بیا با هم شام بخوریم و

این چیزا دیگه. ولی مامانم منو می‌زنه کنار، همش می‌گه برو و اینا.

- ناراحت نمی‌شی این موقع‌ها؟

چرا خیلی. بیش‌تر موقع‌ها هم گریه می‌کنم، ولی مامانم اهمیت نمی‌ده اصلاً.»



ساره نیز بیان می‌داشت: «مشکلات اصلی من با امین وقتی شروع شد که من باردار شدم و دوباره دکتر به من استراحت مطلق داد».

۴-۹-۲- اختلال روانی اولیا



اختلال روانی اولیا - به ویژه در مادر - سبب می‌شود کودک نه تنها از شیر روانی مادر محروم شود، بلکه در معرض اختلال روانی مادر یا پدر قرار گرفته، آسیب بخورد. بهار در مورد مشکل روانی خودش و تبعات سوء این مشکل بر روی فرزندش چنین می‌گفت:

«- این بی‌حوصلگی که می‌گید، از کجا میاد؟

هم سنم، هم مشغله‌ی کاری، کلاً دچار افسردگی خاصی هم هستیم. دنیا برام جای بی‌ارزشیه.

- افسردگی خاص یعنی چی؟

مثل یه نوع حس پوچی، مثلاً، مثلاً صبحا نیم ساعت می‌شینم جلو شومینه برا خودم تو سکوت و تنهایی سیگار می‌کشم، برا خودم شبیه فاز آدمای پوچ‌گرا هست.

- یعنی حس می‌کنید با این مشکل دست و پنجه نرم می‌کنید؟

آره، دنیا برام بی‌ارزشه.

- بیش‌تر توضیح می‌دید؟

حس پوچی اسمش رو خودش، نمی‌شه که توضیحش داد، پوچه. در این حد می‌تونم بگم که چیزی رو سخت نمی‌گیرم و ایامم با بی‌خیالی طی می‌شه».

ثریا هم در مصاحبه خودش از افسردگی خود یاد می‌کرد که بر همه زندگی او، از جمله والدگری وی، سایه انداخته است:

«- در مورد روحیه و وضعیت خودتون بگید؟

من راستش یه جورایی دنیا... (فحشی داد که منظورش این بود که دنیا برای من مهم نیست)، مهم‌ترین ترس زندگی‌م، ترس از دست دادن مادر و پدر خودمه که هی میاد سراغم، چون اونا شهرستان زندگی می‌کنن، خودمم یه جورایی افسرده هستم، ولی من اونو مدیریت می‌کنم با دوست و کار و سفر و این جور چیزا و البته با سیگار (می‌خندد).

- می‌شه کمی از این که می‌گید افسرده هستید، برام بگید؟

شاید به جور حالت بی تفاوتی و پوچی بگم هست، خیلی چیزها نمی‌تونم عمیق روم اثر بذارن، هیچی رو خیلی جدی نمی‌گیرم، همه چی برام، این نیز بگذرد هست. الان خیلی بهتر شدم، ولی قبلاً همش گریه می‌کردم یا دوری از خانواده‌ام برام سخت بود. برادر و خواهرم رفتن از ایران و پناهنده شدن، خب این باعث شد اونا دیگه هیچ وقت نتونن بیان ایران، اوایل برام خیلی این کارشون غیرقابل هضم بود که به خاطر خودخواهی خودشون، من و مامان و بابام و اون خواهرم رو در نظر نگیرن و برن دنبال رفاه خودشون.

- پس رفتن اعضای خانواده‌تون به خارج از کشور شما رو آسیب پذیر و شکننده کرد؟

آره خیلی، لذت زندگی برام کم شد، دیدم هیچی فایده نداره، بیهو آدمای مهم زندگی ما رو جا می‌ذارن و می‌رن».

۵-۹-۲- اشتغال به تحصیل مادر



در برخی از موارد اشتغال به تحصیل -خاصه تحصیل مادر- در روند تربیت بهینه فرزند ایجاد اختلال می‌کند و اولیایی که در تعارض والدگری و درس خواندن می‌مانند، با حل تعارض به نفع درس خواندن، با بی‌توجهی از کودک خویش رد شده، برای رفع خلاء وجودی خویش سر کودک را با فناوری‌های ارتباطی جدید پر می‌کنند. تجربه زیر نازنین، نمونه‌ای در همین رابط است:

«- عامل دیگه‌ای که اشاره کردید، نبود مادر بود، می‌تونین در این زمینه هم توضیح بدین که در واقع چه طور عدم حضور مادر می‌تونه باعث بشه رادین از تبلت و تلویزیون زیاد استفاده کنه؟

خب بچه مادر می‌خواد دیگه، یکی که تر و خشکش کنه، بازی کنه باهاش، نازشو بکشه، دعواش کنه، حتی تشر بزنه، نیست اینا تو زندگی رادین، برای همین می‌گم تبلت خلاءهای رادین رو پر می‌کنه.

- عوامل مهم دیگه‌ای هم در رفتار رادین مؤثر بودند؟

البته اون موقع هم که مادرش بود، خب خیلی درگیر کارش بود، راستش همین باعث شد به مشکل برخوردیم. اون موقع هم، بچه این محبت رو احساس نکرد، شاید اصن استارتش از اون موقع خورد.

- آهان یعنی می‌گید قبل از جدایی شما، استارت استفاده از تلویزیون و تبلت خورده شد و با گذر زمان و طلاق بیش‌تر شد؟

کاملاً، قبل جدایی ما اوضاع بدتر هم بود. باز تو این دو سال تکلیفمون با خودمون روشنه.

- شما کی جدا شدید؟

تقریباً دو سال پیش.

- می‌شه بیش‌تر از فضای قبل از جدایی بگید؟

نازنین خیلی درگیر کارش بود، احساس می‌کردم که من و بچه‌ام تو اولیتش نیستیم، شاید حق داشت، بالاخره برای رسیدن به اونجا زحمت کشیده بود، ما هم شاید حق داشتیم. نکته اینجا بود که خیلی با هم خوشحال نبودیم، هر کی پی کار خودش بود. بیش‌تر انگار هم خونه بودیم تا همسر.

- شغل همسر شما چی بود؟

پزشک بود، یا کشیک بود یا مطب بود، خلاصه که نمی‌دونم، فکر می‌کنم خیلی کم وقت می‌داشت، داشت تخصصش هم می‌خوند، شاید حق داشت نمی‌دونم.

- رادین دو و نیم ساله بوده که جدا شدید؟

آره تقریباً.

- اون موقع سبک زندگی رادین چه طور بود؟

راستش نازنین از این بارداری خیلی خوشحال نبود، چون تازه مشغول تخصصش شده بود، کارم می‌کرد. می‌تونین تجسم کنید بچه تو این فضا یعنی چی؟ شاید برای نازنین یه جور بارداری ناخواسته بود. ولی من می‌خواستم زودتر بابا بشم، چون داشتم به ۴۰ سالگی نزدیک می‌شدم، نمی‌خواستم اختلاف سنی خودم با بچه‌ام ۵۰ سال باشه (می‌خندد)».

۶-۹-۲- اشتغال اولیا و خستگی از کار مفرط



برخی از اولیا در مواجهه با دشوار شدن شرایط اقتصادی در جامعه و تجملاتی‌تر شدن بیش از پیش زندگی مردم، خود را مجبور می‌بینند که کار و کار بیش‌تر را پیشه خود کنند. در این میان بعضی از خانواده‌هایی که هم پدر و هم مادر در آن درگیر کار هستند و کار مفرط توان آنان را می‌گیرد، اولیا ترجیح می‌دهند برای آرامش داشتن در محیط خانه، با ارجاع کودک به کاربری از فناوری‌های دیجیتالی، بار مسوولیت خویش را در برابر فرزند از روی دوش خود برداشته، روی دوش وسایل دیجیتالی بیندازند.



یکی از پژوهش‌گران تحقیق، در توصیف یکی از مادران که جهت پاسخ به تنگنای زندگی، با رفتن سر کار، کودکان خویش را به پرستار الکترونیک ارجاع می‌داد، در گزارش پژوهشی خویش می‌نویسد: «من با فرشته از قبل آشنایی داشتم. فرشته کمی پیش از مراسم ازدواجش، مادر خودش را بر اثر بیماری از دست داد و عروسی آن‌ها کمی عقب افتاد و او به همین دلایل دچار تألم روحی بسیار زیادی شد. فرشته بعد از مراسم ازدواجش، خیلی زود باردار شد و دوقلوهای او متولد شدند. فرشته کارمند بود و حالا علاوه بر مسوولیت کار داخل و خارج از خانه، وظیفه رسیدگی به امیرحسین و امیرحسین نیز به وظایف او افزوده شده بود. دوقلوهای فرشته، دو پسر بچه بسیار بسیار شیطان و غیرقابل کنترل بودند و همه این مسایل، به علاوه رگه‌های افسردگی فقدان مادر و افسردگی پس از زایمان، فرشته را از پای درآورد و او دچار اختلال روانی شد و مدتی را بستری و تحت روان‌درمانی و دارو درمانی قرار گرفت و بعد از گذشت چند ماه، کمی بهبود یافت و با کمک اطرافیان توانست کمی مستقل عمل کند، ولی فرشته هنوز با مشکل دوقلوها روبرو بود. آن‌ها بسیار بسیار نازارام، بی‌حوصله و خرابکار بودند و از هیچ چیز و هیچ کسی ترسی نداشتند و دست به هر عملی می‌زدند، از آنجا که این دوقلوها بسیار قلدر هستند، گاهی با یکدیگر هم دچار مشکل می‌شوند و مادر برای پیشگیری از این مشکلات، هر چیزی را جداگانه برای هر دوی آن‌ها تهیه می‌کند، مثلاً آن‌ها هر کدام یک موبایل و یک تبلت مستقل برای خودشان دارد و به تازگی هم سفارش لب‌تاپ را به مادرشان داده‌اند! مادر هم که همیشه خسته از کار به خانه می‌رسد، برای رهایی از شیطنت فلج‌کننده دوقلوها، آنان را به سمت این وسایل سوق می‌دهد و هر هفته کارتون، فیلم یا بازی جدید و اکشنی برای دوقلوها می‌خرد، چرا که آن‌ها بسیار تنوع‌طلب هستند و چون رگ خواب مادر را نیز در دست دارند، خیلی راحت او را تسلیم خواسته‌های خود می‌کنند.

امیرحسین و امیرحسین هر صحنه‌ای را که در کارتون، فیلم یا بازی خودشان ببینند که برایشان تازگی داشته یا جذاب هست، عیناً همان صحنه را در دنیای واقعی و در خانه خودشان انجام می‌دهند و اما امان از لحظه‌ای که آنان با هم متحد شوند، زیرا قطعاً در این زمان فاجعه‌ای در راه خواهد بود! مثلاً یک‌بار دوقلوها در فیلمی دیدند که قهرمان داستان در ارتفاع با چتر از هواپیما بیرون می‌پرد و آن‌ها نیز با هم به طبقه دوم تخت خوابشان رفتند و با چتر بارانی خودشان از بالای تخت پایین پریدند و روی شکم پدرشان که بر روی زمین خوابش برده بود، افتادند و پدر بیچاره به دلیل مشکلاتی که در ناحیه شکم برایش پیش آمد، مدتی بستری شد یا در مورد دیگری دوقلوها یواشکی با تلفن همراه از دیگران فیلم

می‌گرفتند و مثل مأمور مخفی‌های فیلم‌های پلیسی، ناگهان در حمام یا توالت را باز می‌کردند و وارد می‌شدند تا فیلم خود را بگیرند. امیرحسین و امیرحسین در موارد دیگری خود یا همدیگر را به شیشه می‌کوبیدند که این عمل چند بار منجر به پارگی و بخیه در بدنشان شده است. خلاصه این دو کودک خردسال، مجموعه‌ای از موارد غیرقابل‌تصوری هستند که با کمک هم مبادرت به انجام کارهایی خطرناک می‌کنند.

امیرحسین و امیرحسین به شدت تحت تأثیر فیلم یا بازی‌های دیجیتالی که کاربر آن هستند، قرار می‌گیرند. به عنوان مثال وقتی آنان در فیلمی دیدند که تبهکاران بچه‌ای را از مدرسه ربودند، تحت تأثیر آن فیلم، به مسوول پیش دبستان خود گفتند که یک دزد علی را دزدیده است، در حالی که آن مرد عمومی علی بود که دنبال برادرزاده‌اش آمده بود و به این ترتیب موجب دردسر مسوولان پیش دبستان خودشان شدند. دوقلوها کلاً در فضای کارتونها، فیلم‌ها و بازی‌هایی قرار دارند که آن‌ها را می‌بینند و بازی می‌کنند و تحت تأثیر این کارتونها، فیلم‌ها و بازی‌ها، زندگی می‌کنند و همواره کارهای خطرناکی انجام می‌دهند، چرا که صرفاً از این محصولات الگو می‌گیرند و هیچ فکری درباره نتیجه کارشان ندارند.

امیرحسین و امیرحسین به آتش بازی هم که در فیلم‌ها و کارتونها می‌بینند، بسیار علاقه یافته‌اند و بارها دست به آتش بازی در خانه زده و خساراتی به منزلشان وارد آورده‌اند.

من وقتی خواستم با این دو موجود عجیب صحبت کنم و وانمود کردم که مایلیم از آنان طرز بازی ریختن و بازی کردن و دانلود بازی‌ها را یاد بگیرم، خیلی بی‌شرمانه جواب منفی به من دادند و گفتند تو چه قدر خنگی که این چیزها رو بلد نیستی و با برداشتن خوراکی‌هایی که برایشان برده بودم، اتاق را ترک کردند.

خلاصه آن که اثرات کاربری از کارتونها، بازی‌های دیجیتال و فیلم‌های مورد استفاده امیرحسین و امیرحسین را در تک تک رفتارها و گفتار آنان به خوبی می‌توان احساس کرد.»



کودکان زیاد دیگری در مصاحبه‌هایشان، علت کاربری مفرط خود از فناوری‌های دیجیتال را خستگی اولیا از کار مفرطشان اعلان می‌داشتند:

«- آقا طاها تو خونه با مامان و بابا بازی می‌کنی؟

نه!

- چرا؟

آخه کار دارن.

- تا حالا شده به مامانت بگی، منو ببر پارک، اما بگه نه؟

همیشه این رو می گم بهش، اما اون می گه نه، می گه با بابا برو.

- وقتی به بابات می گی، اون چی می گه؟

اونم می گه نه، اصلاً هیچ کدومشون دوس ندارن منو ببرن پارک.

- خوب از مامانت خواهش کن که یه کم باهات بازی کنه؟

بهش می گم، اما می گه کار دارم.

- خوب به بابات بگو.

بابامم خسته اس، بعدشم خاله خودم می خوام بیش تر با تبلت بازی کنم، آخه» (طاها، ۶ ساله).

«- راستی گفتمی تا عصر توی مهد هستی؟

آره، تا ساعت پنج فکر کنم.

- چرا تا اون موقع می مونی؟

آخه مامان و بابام هر دوتاشون سر کار می رن، اون موقع میان این جا دنبالم.

- آهان راستی وقتی که می ری خونه با مامان و بابات بیش تر بازی می کنی یا با تبلت؟

با تبلتم. اون اولاً خیلی دوست داشتم باهاشون بازی کنم، ولی همش از سرکار که می اومدن، خسته

بودن، هی هر چی می گفتم، می گفتن برو با تبلت بازی کن، ما خسته ایم یا کار داریم، برای همین منم

دیگه همش با تبلتم بازی کردم» (امیرعلی، ۶ ساله).

«- تا حالا شده خیلی با تبلت بازی کنی؟

آره.

خاله مامانم همیشه سرش شلوغه (بغض).

- پس تو همیشه تبلت بازی می کنی؟

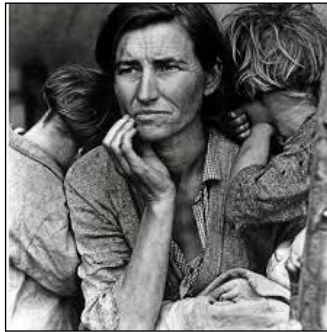
آره دیگه، سرگرمی دیگه ای ندارم» (یاس، ۵ ساله).



۷-۹-۲- نبود سرزندگی در اولیا

برخی از افراد به دلایل گوناگون فردی (روانی)، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، عقیدتی و یا سیاسی ممکن است احساس سرخوردگی کرده، سرزندگی خویش را از دست بدهند. اولیای اخیر ممکن است با از دست دادن سرزندگی خودشان، از مسوولیت شخصی خود در برابر فرزندشان بکاهدند و در تحول پیش آمده، با استعانت از وسایلی مانند تبلت، ایکس باکس و رایانه، دست به پرکردن فراغ بال فرزندشان بزنند.

نبود سرزندگی در اولیا -خاصه در مادر- متضمن آسیب‌های روانی برای کودک است که سوق دادن کودک به طرف مضامین کنترل نشده که توسط فناوری‌های دیجیتال عرضه می‌گردند، خسران مضاعفی برای کودک در پی خواهند داشت.



مصاحبه زیر که با سمانه صورت پذیرفته است، مصداق بارزی در جهت از دست دادن سرزندگی در زندگی سمانه است که فرزندش را در تصادف از دست داده است:

«- گفتید که خود شما هم دارو مصرف می‌کردید، در این باره برام بیش‌تر توضیح بدید؟ مدتی بعد از تصادف رفتم پیش مشاور، اون گفت افسردگی دارم و باید دارو مصرف کنم، رفتم پیش روانپزشک بهم یه مشت قرص داد، قرصا من رو کرخت و بی‌حال می‌کردن، همش خواب بودم، بدنم گزگز می‌کرد، بعد دیگه نخوردمشون.

- علایمتون چی بود؟

حوصله‌ی هیچ کی رو نداشتم، نمی‌خواستم کسی رو ببینم، ساعت‌ها می‌رفتم تو زیرزمین خونه مامانم اینا می‌شستم که کسی سراغم نیاد و کسی رو هم نبینم، امیدی نداشتم به هیچ چیز، چیزی وحشتناک‌تر از این نیست که بچه‌ات رو ظرف یه ساعت از دست بدی و بعدش تموم زندگیت بشه مثل یه باتلاق.

- منظورتون اینه که حال روانیتون، سبک ارتباطی و فرزندپروری شما رو تغییر داد؟

دیگه من مادر نبودم، می‌دونید، بهش محبت می‌کردم، ولی واقعاً نمی‌تونستم براش وقت بذارم، کلاً هم من بلد نیستم با بچه‌ها بازی کنم. این در مورد هر سه تا بچه‌ام همین‌طور بوده، اصلاً نمی‌دونم باید چه کنم. امیر یه کوه اسباب بازی داره، حتی توی اتاقش تاب و سرسره و ترامپلین هم داره، هر چی فک

کنید از اسباب بازی برایش خریدیم، ولی من حتی بلد نیستم با اون اسباب بازیها بازی کنم، با افسانه هم بلد نبودم بازی کنم، با این که دختر بود.

- یعنی جنسیت بچه‌ها تون براتون تفاوتی ایجاد نمی‌کرد و در ارتباط با هردوشون، نمی‌دونستید چه کار کنید؟

در مورد کوچیکه هم همین‌ها الآن، واقعاً نمی‌دونم چه بازی بکنم، چه جور بازی کنم، اصلاً خلاق نیستم تو بازی با بچه‌ها، حتی دیدم بعضی ماماها بدون اسباب بازی می‌تونن با بچه‌هاشون ساعت‌ها بازی کنن، من تا حالا دو ساعت هم با امیر بازی نکردم، چون واقعاً بلد نیستم بچه بشم، وقتی با بچه‌ها هستم، باباش بلده، وقتی خونه هست امیر از سر و کولش بالا می‌ره.

- فکر می‌کنید دلیل ناتوانی شما برای بازی با بچه‌ها تون چیه؟ چون انگار با هر سه تاشون این مسأله رو داشتین و دارین.

می‌گم بلد نیستم بچه بشم، وقتی باهاشونم، هیچ بازی به ذهنم نمی‌رسه، خلاق نیستم، حوصله هم ندارم».

۸-۹-۲- کمبود امکان تفریح و سرگرمی کودک

کمبود امکانات تفریحی و سرگرمی برای کودکان از سویی و دشواری گذرا معیشت بسیاری از خانواده‌ها از سوی دیگر، سبب می‌شود هزینه‌چندانی برای مقوله تفریح و تنوع کودکان در سبد خانواده باقی نماند. در شرایط اخیر برخی از اولیا ساده‌ترین راه حل مسأله را خرید یک تبلت یا گوشی و دادن آن به دست فرزندشان می‌دانند که از این طریق با یک بار هزینه کردن، برای ماه‌های متمادی وی را سرگرم می‌کنند.



فرشته، در توصیف کمبود امکانات تفریح و تنوع برای کودکش بیان می‌داشت:

«توی خونه کوچیک نمی‌شه کاری برای بچه کرد، مضاف این که بچه‌های کوچک بی‌ادب و بی‌تربیت

بودند و من نمی‌تونستم اون رو کوچک بفرستم.

پارکی هم نزدیک خونه نبود که اون رو برای ساعتی پارک ببرم، همه این‌ها دست به دست هم دادند

تا من با خرید تبلت، سعی کنم وقت حسام رو پر کنم».

۹-۹-۲- سرگرم کردن کودک برای پرداختن به خرید یا کار خانه

برخی از اولیا گزارش می‌کنند که موقع انجام کارهای منزل یا بیرون رفتن از خانه برای انجام خرید، مجبور هستند تمهیدی برای سرگرم شدن فرزندشان ببینند که ساده‌ترین تمهید ممکن در این میان سرگرم کردن کودک با تبلت یا گوشی است.



پارسای ۶ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، بیان می‌کند، با وجود آن که مادرش مخالف کاربری زیاد او از تبلت هست، اما وقتی کار دارد، در عمل مانع کاربری پارسا از تبلت نمی‌شود تا به هر صورت وی سرگرم باشد. دلسای ۶ ساله هم به شکل مشابهی گزارش می‌دهد، مادر هنگام انجام کارهای خانه وی را به سمت سرگرم شدن با تبلت سوق می‌دهد:

«- روزی چه قدر با گوشی مامانت بازی می‌کنی؟»

روزی فقط یک ساعت.

- چرا دوست نداری بیش‌تر بازی کنی؟

آخه مامانم اجازه نمی‌ده که، می‌گه چشات ضعیف می‌شه.

- آهان خودت چی؟ تا حالا شده وقتی زیاد بازی می‌کنی، چشم‌هات درد بگیرن؟

آره، یه بار.

- مگه چه قدر بازی کردی؟

خیلییی زیاد، فکر کنم سه چهار ساعتی شد. مامانم داشت خونه رو تمیز می‌کرد، دیگه چیزی بهم نمی‌گفت.»

«- خوب عزیزم گفتم کارتون باب اسفنجی رو هم دوست داری؟»

آره، خیلی بامزه هست.

- چرا بامزه هست؟

آخه کارهای خنده‌دار می‌کنه، پاتریک رو دوس دارم، توپوله دیگه، بامزه هست.

- یعنی از پاتریک خوشت میاد؟

آره، تازه رنگشم صورتیه، من صورتی رو خیلی دوس دارم.

- خوب عزیزم، اگه مامانت اجازه نده کارتون نگاه کنی، اون وقت چه کار می‌کنی؟»

مامان همیشه اجازه می‌ده.

- خوب آگه یه بار اجازه نداد چی؟

اجازه می‌ده خاله، آخه خودش همیشه وقتی می‌خواد بره بیرون یا کار داره، به من می‌گه کارتون نگاه کن.

- مامانت می‌گه کارتون نگاه کن؟

آره.

- یعنی همیشه مامانت می‌گه کارتون نگاه کن؟

نه، هر وقت که کار داره به من می‌گه، می‌گه چون میای تو دست و پای من نمی‌ذاری کارهامو انجام

بدم، واسه‌ی همین می‌گه برو نگاه کن.»

ریحانه ۶ ساله، در مصاحبه خود خاطرنشان می‌ساخت، او موظف است هنگام بیرون رفتن مادر از

خانه، مواظب برادر نوزادش باشد و در صورت گریه کردن او، باید وی لالایی گوشه را برای او بیاورد تا

او مجدداً به خواب برود:

«... یه بازی دارم اسمش کتاب داستانه، برات قصه می‌خونه، من بلد نیستم بخونم، به مامانم گفتم

برام بخونه، ولی یه جاهایی یه زنه برات می‌خونه خودش، ولی خودت باید با دست بالا پایین کنی

عکساشو ببینی.

- مامانت همیشه برات داستان‌هاش رو می‌خونه؟

آره، مامانم می‌دونه توش لالایی داره، گفتم وقتی من رفتم بیرون، امیرحسین (برادرش) که خوابه،

بعد بیدار شد گریه کرد، من گوشه رو می‌ذارم خونه، تو بلدی برو تو کتاب داستانه لالایی، یه قصه بذار

که آروم بشه.»



۱۰-۹-۲- سن بالای اولیا

اولیایی که در سنین بالا باردار شده و فرزنددار می‌شوند، ممکن است به دلیل گذر ایام و دشواری‌های

ناشی از گذر نامناسب ایام، خستگی‌ای را بر دوش خود احساس کنند که این خستگی مانع شادابی زندگی

آنان می‌گردد. به تعبیر دیگر، اگر یک مادر ۱۸ ساله هنگام گریه نوزادش، ممکن است قربان صدقه

فرزندش برود، یک مادر ۴۰ ساله در شرایط خنده نوزادش نیز ممکن است حوصله سروصدای او را

نداشته باشد و بکوشد تا وی را به هر طریق ممکن ساکت سازد. بنابراین با ریختن فناوری‌ها بر سر کودکش، او را در عمل به این طریق ساکت می‌سازد.



ژاله از تجربه خود در همین رابطه به شرح زیر یاد می‌کرد:

«راستش من خیلی پشیمونم که دیر بچه‌دار شدم. من الآن ۳۸ سالمه و واقعاً باید مادر یه بچه‌ی ۱۱، ۱۲ ساله باشم نه یه بچه‌ی ۳ ساله، دوست داشتم بچه‌ام الآن بزرگ بود و از آب و گل در اومده بود، ولی اون هنوز خیلی راه داره و هنوز خیلی باید برایش حوصله و وقت داشته باشم.

- یعنی الآن ندارید؟

نه، واقعاً حوصله ندارم، دوست داشتم بزرگ بود، تو سن مدرسه بود، خودش می‌رفت و می‌اومد و این قدر به من وابسته نبود.

- یعنی می‌گید سن شما عاملی هست که باعث می‌شه حوصله‌ی پسرتون رو نداشته باشید؟

آره خب، ما ۱۶ ساله ازدواج کردیم، اون حس و حالی که آدم اوایل زندگی داره و اون تازگی بعد این همه سال نیست. اون زمان اگه بچه‌دار شده بودم، خیلی با حوصله‌تر بودم.

- پس دارید می‌گید بی‌حوصلگی شما یکی از دلایلیه که باعث می‌شه فرزند شما وقتش رو با گوشی و کارتون بگذرونه؟

اعترافش دردناکه ولی همین طور به نظر میاد (می‌خندد).

متأسفانه پدر و مادر من هم خیلی اختلاف سنی دارن باهش و هیچ وقت نمی‌تونن برای اون تفریح

لازم رو فراهم کنن، پاشون درد می‌کنه، کمر درد دارن، فکر نمی‌کنم بهش بگن تلویزیون نبین.»

۱۱-۹-۲- وابستگی اولیا به فناوری‌های ارتباطی جدید

فناوری‌ها آمیزه‌ای از فرصت‌ها و تهدیدها هستند و در این میان کسانی که به شکلی هدفمند به فناوری‌ها نزدیک شوند، می‌توانند از آن کاربری مثبتی داشته باشند، اما اگر کاربران به شکلی بی‌هدف درگیر فناوری‌ها شوند، به سادگی ممکن است جذب جذابیت‌های صوری آن‌ها شده، با صرف وقت

بیش تر و بیش تر، در نهایت به کاربری از فناوری‌ها وابسته شوند. وابستگی اخیر در هر دو قشر بزرگسال و خردسال قابل ملاحظه است.



بالطبع کودکانی که دارای اولیایی هستند که به دلیل کژکاربری از فناوری‌ها به آن معتاد شده‌اند، در اثر یادگیری مشاهده‌ای که داشته‌اند، در اثر یادگیری اخیر به سمت کاربری مفرط از فناوری‌ها تشویق شده، در خط اعتیاد یافتن به آن قرار می‌گیرند.



مه‌لقا از تجربه خود با دنیای فناوری به شرح زیر یاد کرده است:

«... پس گفتید شغل شما مستلزمه اینه که دایم سرتون تو گوشی باشه؟»

اصلاً شغل ما با موبایله، هم باید اجناس و برندا رو مدام دنبال کنیم، آفاشون رو پیگیر باشیم تا به محض شروع آف بتونیم بذاریم تو گروه از طرفی هر لحظه مشتریا سفارش‌هاشون رو برامون می‌فرستن، از اونور براشون به لیر یا دلار خرید می‌کنیم، صورت حساباشون رو می‌فرستیم، اونا باید پرداخت کنن و عکس پرداخت رو برامون بفرستن، بعد طرف‌های ما کالاها رو با مسافرا ارسال می‌کنن ایران، پست میاره، باید وزن کنیم و بسته‌ی هر کسی رو براش با پیک یا پست بفرستیم که اینا رو هم باید حساب کتاب کنیم و خلاصه داستان زیاد داره.

- آره به نظر مدیریت همچین کاری سخته. پس شما به من می‌گید به خاطر شرایط کاریتون همش باید با گوشی و اینترنت در ارتباط باشید و این مسأله در طول روز و شب ادامه داره، یعنی در واقع ساعت کاری مشخص و معینی ندارید؟

نه، اصطلاحاً خودمون و همکارامون می‌گیم شغل بی حد و مرز (مادر با خنده این جمله را می‌گوید)، نه زمان مشخص داره، نه مکان مشخص داره، نه خریدارامون مشخصن، نه مسافرایی که اجناسمون رو

میارن می‌شناسیم، همه چیز بر پایه‌ی یه نوع اعتماد اینترنتیه، اونى که پول می‌ریزه برای ما که خرید براش انجام بدیم، نمی‌دونه ما می‌خریم یا نه، اونى که اجناس ما رو میاره ایران، نمی‌دونیم سالم به دستمون می‌رسونه یا نه، همه اینا بر اساس یه نوع اعتماد مجازی انجام می‌شه.

- در زمان‌هایی که شما با گوشی مشغول انجام امور مشتریاتون هستید، آرش وقتش رو چه جورى می‌گذرونه؟

اصلاً برای همین می‌ذارمش مهد، من که تو خونه هستم، در واقع خانه‌دار شاغلم، ولی بچه رو هر روز می‌ذارم مهد تا ۴ البته مهد بچه‌ها رو تا ۵ نکه می‌داره، ولی من حدود ۴ الی ۴:۳۰ می‌رم دنبالش دیگه. تا دو سالگی آرش توی خونه پیش خودم بود، ولی دیگه هر دومون داشتیم دیوونه می‌شدیم، من آدم اکتیو و فعالی بودم و مدام تو خونه موندن منو ضعیف و خسته کرده بود.

- وقت‌های خارج از مهد چه طور می‌گذره؟

تو خونه که هستیم، کلاً با تلویزیون و گوشی و کارتن سرگرمه.

- با توجه به این که گفتید کارتون بی‌حد و مرزه، پس همچنان در شب هم ادامه داره؟

بله، بیش‌تر شبا تا ۲ و ۳ آن‌لایتم، البته ما طرف صبح زود مشتری نداریم برای همین صبحا بعد این که آرش رو می‌برم مهد، می‌تونم بخوابم یه خورده».

۱۲-۹-۲- مشکلات زناشویی اولیا

با متشتت شدن کانون خانواده، نظم و نسق آن بهم خورده، ممکن است دیگر هیچ چیزی سر جای خودش قرار نگیرد.



بررسی‌های میدانی انجام شده حکایت از آن دارند که با ایجاد اختلاف و درگیری بین اولیا، شاید اولین چیزی که در این میان آسیب می‌خورد، کودکان خانواده هستند که به جای تغذیه عاطفی از سوی اولیا، شاهد تخاصم و برخورد آن‌ها با یکدیگر می‌شوند. پناه جستن این کودکان به فناوری‌ها برای فراموش کردن واقعیت‌های تلخ اطرافشان، امر شایعی است که در موارد زیادی در جامعه قابل مشاهده است. مهناز در توصیف مشکلات زناشویی خودش که به وابستگی نسبی فرزندش به فناوری‌ها رسیده است، چنین بیان می‌داشت:

«- خوب می‌تونید کمی از مشکلاتتون برام بگید؟»

راستش مشکل به رابطه‌ام با همسرم برمی‌گرده. بعد سی و خورده‌ای سال زحمت کشیدن برای این زندگی، فهمیدم زن صیغه‌ای داره، حالا از کی و کجا، خدا داند. احساس می‌کنم به من و به زندگی بی‌تفاوته. - یعنی فکر می‌کنید که مشکلات زناشویی، روی فرزندپروری شما جوری اثر گذاشته که حوصله فاطمه و بچه‌های دیگه خودتون رو ندارید؟

اونا همشون عروس و دوماه شدن رفتن، جز زهرا دختر قبل فاطمه که عقد کرده و می‌ره خونه خودش تا چند ماه دیگه، آره دیگه، دل آدم که به زندگی‌اش خوش نباشه، مگه حوصله‌ای هم می‌مونه. - کمی از مشکلات زناشویی خودتون برام بگید. آخه فکر می‌کنم داره روی رابطه شما و فاطمه تأثیر می‌گذاره.

فقط می‌تونم همین رو بگم که خیانت کرده و سال‌ها است ادامه داره. همیشه این رو حس می‌کردم تا دیگه چند سال پیش یکی از اقوام سر از کارش درآورده بود که زن صیغه‌ای داره. همش به فکر می‌رسه که جدا بشم، بعد با خودم که فکر می‌کنم، توی ۵۰ سالگی با سه‌تا عروس و یه دوماه و یه بچه شش‌ساله و بدون درآمد و هیچی، کجا برم، با بی‌آبرویی چه کار کنم (مادر شروع به گریه می‌کند)».



۱۳-۹-۲- طلاق اولیا

طلاق امر دشوار و ناگواری است که وقتی در کانون خانواده رخ داد، نه تنها پدر و مادر را که افرادی بزرگ‌سال و نسبتاً مقاوم هستند، به شدت تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، بلکه فرزندان خانواده را که از ظرفیت روانی و قدرت تحلیلی اندکی برخوردارند، متأثر کرده، آنان را به تعب و دشواری روانی می‌اندازد.



کودکان خانواده‌های طلاق بعضاً از سوی والد (و یا شخصاً) برای فراموش کردن تلخی حادثه مهیب از دست دادن یکی از والدین، به سمت کاربری مفرط از فناوری‌ها سوق می‌یابند. مصطفی و زهرا در همین رابطه از تجربه طلاق خود چنین یاد می‌کردند:

«چی شد از هم جدا شدین؟»

نبود هیچ وقت، دیگه زن و شوهر نبودیم، نسبت به هم سرد و بی تفاوت شده بودیم، توافقی جدا شدیم.

- مسأله‌ای غیر از این نبوده؟

نه اصلاً، سردی در حدی بود که دیگه اختلافی هم نبود، تو خلاء آدما دیگه با هم بحث و اختلاف هم ندارن، قبلش خیلی سر این مسأله‌ی کار و نبودنش تو خونه بحثمون می‌شد، ولی دیدم هیچ فایده‌ای نداره، یه وقتایی می‌شد تا ۱۲ شب کشیک بیمارستان بود.»

«می‌شه ابعاد مشکل رو برام بیش‌تر باز کنید؟»

ببینید اوایل تلوزیون می‌دید، بازی هم می‌کرد، یه مدته مثلاً حدود شش ماه گذشته، هم زمان تلوزیون دیدنش زیاد شده بود، هم بازی کردنش. ولی من سعی کردم بازی کردنش رو محدودتر کنم. به خاطر همین چیزایی که گفتم، ولی خب تایم تلوزیون دیدنش همچنان زیاده، حس می‌کنم تمایل داره بیش‌تر از این هم بشه، می‌ترسم سال دیگه که مدرسه می‌خواد بره، با این اوضاع براش مشکل ایجاد بشه، همش بخواد تلوزیون ببینه، کارای مدرسه‌شو انجام نده، نمی‌دونم اضطراب دارم یه جوری‌ام، از طرفی هم امیرعلی هیچ‌وقت بچه‌ی اذیت‌بکنی نبوده که بخواد بعداً سر مدرسه رفتن منو اذیت کنه، ولی خیلی قبلاً بچه‌ی شادتری بود، الآن یه کم انگار افسرده شده. البته افسردگی‌ش به نظرم دلایل دیگه‌ای هم داره که دوست دارم در موردش باهاتون حرف بزنم، نگرانم و فکر می‌کنم وقتشه به اوضاع زندگی‌م سر و سامون بدم دیگه.

- هر موضوعی که نگران‌تون می‌کنه یا هر مسأله‌ای که فکر می‌کنید مهم هست رو برام مطرح کنید. امیرعلی پسر خیلی حساسیه، از بچگی این‌طور بود، خیلی خیلی حساس، مهربون، دقیق و باهوش، من و پدرش رابطه خوبی با هم نداشتیم، خیلی سعی کردیم رابطمون رو با هم درست کنیم، یه بار توی سه سالگی امیرعلی خواستیم جدا بشیم، احساس کردم امیرعلی به پدرش وابستگی داره و اطرافیان خیلی باهام حرف زدند که هرچه قدر با هم کنار بیاین و هر چه قدر با هم بتونید بچه رو بزرگ کنید، خیلی

بهبتره. این اواخر منظورم قبل از طلاقمونه، حدوداً یک سال پیش که امیرعلی چهار سال و نیم بود، رابطه باباش با امیرعلی هم برای من آزاردهنده شده بود. دیگه تصمیممو گرفتم و طلاق خواستم».



۱۴-۹-۲- آرام کردن کودک برای جلوگیری از اعتراض همسایه‌ها

دشواری‌های اقتصادی جامعه سبب می‌شود رفاه اجتماعی در جامعه کاهش یابد و کودکان از این امکان مناسب کم‌تر بتوانند بهره‌مند گردند. از سوی دیگر دشواری معیشت خانواده سبب می‌شود بسیاری از خانواده‌ها در خانه‌های تنگ و کوچک اسکان یابند که عرصه‌ای برای بازی و فعالیت بچه ندارند، خاصه آن که در منازل آپارتمانی، بعضی از همسایه‌ها، حوصله سروصدا و شلوغی بازی کودکان همسایه‌ها را ندارند.



بررسی‌های میدانی انجام شده دلالت بر آن دارند که در شرایط پیش‌گفته، یکی از ساده‌ترین راه حل‌های ممکن، خفه کردن کودکان خانه با صدا خفه کن (یا همان تبلت و گوشه) است. مصاحبه آریای ۶ ساله، حکایت از محدودیت‌های محیطی وی دارد. آریا بیان می‌دارد، وی به دلیل زندگی آپارتمانی، از بازی‌های فیزیکی معمول خود برحذر مانده است:

«- خوب نمی‌شه کم‌تر بازی کنی؟»

حوصله‌ام سر می‌ره.

- چرا با چیزهای دیگه خودت رو سرگرم نمی‌کنی؟

نمی‌شه تو خونه توپ بازی کرد، همسایه دعوا می‌کنه.

- اگه خیلی با تبلت کار کنی، مامانت بهت گیر نمی‌ده؟

نه، اون از خدایه که من با تبلت کار کنم.
- چه طور؟
چون دیگه شلوغ نمی‌کنم».

۱۵-۹-۲- ممانعت از شیطنت کودک در محیط منزل



کودکان، خاصه پسران از بازی‌های پر جنب و جوش‌تری در قیاس با دختران برخوردارند، از این رو بازی پر سروصدا و پرتحرک آنان ممکن است در فضای محدود خانه، اسباب خسارت به اشیای مختلف خانه را فراهم آورد که تحمل خسارت‌های پی در پی این‌گونه برای اولیا دشوار بوده، اولیای مزبور می‌کوشند تا با سرگرم کردن فرزند به پرستار الکترونیکی، در عمل جنب و جوش و تحرک کودک را که ممکن است به تخریب وسایل خانه هم بینجامد، کم‌تر کرده و کنترل کنند. سهیل ۶/۵ ساله، در مصاحبه خود از تجربه‌اش در همین زمینه چنین یاد می‌کرد:

«- خوب سهیل جان کارتون می‌بینی؟

بله می‌بینم.

- چه کارتون‌هایی می‌بینی؟

مک کویین بیش‌تر، گارفیلد، بن‌تن، اما مک کویین شخصیت مورد علاقه منه.

- یعنی کارتون مورد علاقه‌ات مک کویین هست؟

آره خاله، خیلی دوشش دارم، خیلی با حاله.

- پس یعنی شخصیت مورد علاقه‌ات مک کویین هست؟

بله، گارفیلد دوس دارم البته.

- کارتون‌هایی که می‌بینی رو خودت انتخاب می‌کنی یا کسی برات انتخاب می‌کنه؟
نه خودم.

- خوب یعنی مامان بابات نمی‌گن این کارتون خوبه یا بده، ببین یا نبین؟

نه نمی‌گن. می‌گن هر چی دوس داری ببین، فقط شیطونی نکن تو خونه.

- مگه شیطونی می‌کنی؟

نه زیاد، یه بار با امیرحسین داشتیم تو خونه فوتبال بازی می‌کردیم، با توپ زدم به مجسمه، افتاد شکست (با خنده)، دیگه از اون به بعد مامانم می‌گه کارتون ببین، نمی‌خواد بازی کنی، این جوری کم‌تر خراب کاری می‌کنی.

- خوب تو دوست داری بازی کنی یا کارتون ببینی؟
من بیش تر دوس دارم فوتبال بازی کنم. اما مامانم می‌گه بشین یه جا کارتون نگاه کن تا منم به کارام برسیم.

- تو حالا به حرف مامانت گوش می‌دی؟
آره، فوتبال بازی کنم، دعوام می‌کنه، دیگه منم، فقط کارتون می‌بینم».
هلنای ۵/۵ ساله هم در مصاحبه خودش حکایت از محدودیت‌های محیطی‌اش دارد:
«- هلنا چه قدر کارتون نگاه می‌کنی؟
شبکه پویا رو می‌بینم.
- اگر کارتون زیاد نگاه کنی، مامانت نمی‌گه بسته هلنا؟
نه، می‌گه هلنا حوصلت سر رفته، برو کارتون نگاه کن».

۱۶-۹-۲- غذا دادن و خواباندن کودک



برخی از اولیا به دلیل عدم آشنایی کافی و وافی با امر تربیت یا مشغله زیاد و بی‌حوصلگی و یا راحت‌طلبی، در برخورد با رفتارهای تغذیه‌ای یا خواب کودک خود، وقتی با قدری دشواری مواجه می‌گردند، می‌کوشند تا با بهره‌گیری بی‌حساب و کتاب از فناوری‌ها، زمام رفتار تغذیه‌ای یا خواب کودک را به این ترتیب در دست بگیرند، اما از این امر غافل هستند که برخورد دادن پی در پی کودک با فناوری‌های دیجیتال تبعات ناگواری در پی دارد که وابسته شدن به فناوری در سن خردسالی، یکی از این تبعات ناگوار است.



- مادر نیکی السادات ۳ سال و هفت ماهه، درباره چگونگی تغذیه فرزندش به شرح زیر گزارش می‌داد:
- «چرا نیکی از داد و دعوا و از دزد می‌ترسه و حداقل محتوای یکی از خواب‌هاش هم همین موارد بوده و چند بار طی مصاحبه بهش اشاره کرد؟
- نیکی بچه که بود، خیلی گریه می‌کرد، هم من و هم باباش کم که می‌آوردیم، داد می‌زدیم یا می‌انداختیمش تو اتاقش یا الکی می‌زدیم به در می‌گفتیم، دزد اومد گریه کنی، می‌بردت.
- نیکی بعد از دیدن کارتون معمولاً چه کارهایی رو انجام می‌ده؟
- نیکی معمولاً از جاش تکون نمی‌خوره، ولش کنی، از صبح تا شب تو یک متر جا زندگی می‌کنه.
- به نظر شما برای بچه این کار طبیعی هست؟
- نه، ولی من دوست ندارم تو آپارتمان پیر پیر کنه، بعد من جواب در و همسایه رو چی باید بدم.
- نیکی قدری چاقه، وقتی کارتون می‌بینه، چه چیزهایی می‌خوره؟
- من قبلاً از کارتون برای غذا دادن بهش استفاده می‌کردم، حواسش به کارتون بود، منم بهش غذا می‌دادم، وگرنه اذیت می‌کرد.»
- نازنین ۶ ساله هم در مصاحبه خودش خاطرنشان می‌سازد، مادرش برای بی‌خوابی او چاره دیدن کارتون را یافته است:
- «نازنین جان آخرین باری که گریه کردی کی بود؟
- امروز صبح بود.
- چرا گریه کردی؟
- خوب دوست نداشتم بیدار شم پیام مهد کودک، مامانم هم می‌گفت بیدار شو.
- چرا دوست نداشستی؟
- آخه خوابم می‌اومد.
- مگه شب‌ها زود نمی‌خوابی؟
- بعضی وقتا زود می‌خوابم، بعضی وقتا هم کارتون می‌بینم تا خوابم ببره.
- آهان پس شب‌ها هم کارتون می‌بینی؟
- آره، بعضی وقتا که خوابم نمی‌بره، مامانم کلافه می‌شه، خودمم کلافه می‌شم.
- بعد کارتون نگاه می‌کنی؟
- آره، به مامانم می‌گم کارتون بذار تا خوابم ببره.
- مامانت هم همیشه می‌گذاره تو با کارتون بخوابی؟
- آره، خودشم راحت‌تره. تایمر تلویزیون رو می‌ذاره مثلاً ۱ ساعت دیگه خاموش بشه، بعد خودشم می‌گیره می‌خوابه.»



۱۷-۹-۲- تنهایی (تک فرزند بودن) کودک



بررسی‌های مقدماتی انجام شده در جامعه حکایت از آن دارد که در جامعه معاصر ایران یک سوم از خانواده‌ها تک فرزند هستند و این مسأله علاوه بر آن که متضمن برخی از تهدیدها برای خود اولیا هست، متضمن تهدیدهای کوتاه مدت و بلند مدت برای کودک خانواده نیز هست. یک از تهدیدهای کوتاه مدت خانواده‌های تک فرزند، احساس

خلایی هست که کودک در محیط خانه آن را احساس می‌کند. به این معنا که در خانواده‌هایی که چند فرزند دارند، روابط خواهران و برادران با هم، به میزان قابل توجهی می‌تواند خلاء وجودی اولیا که سر کار و مانند آن هستند را پر کند، اما در خانواده‌های تک فرزند، با کار کردن پدر و مادر، در عمل کودک خانواده به میزان زیادی با تنهایی روبرو است که همین تنهایی آزار دهنده، کودک را بر آن می‌دارد که به نوعی خود را سرگرم سازد و مشغول شدن به بازی‌های دیجیتال، متحمل‌ترین حالت برای آنان است. پرنیای ۴/۵ ساله و تبسم ۶ ساله، در مصاحبه‌هایشان از سختی‌های تنهایی خود چنین یاد کرده‌اند:

«- تو خونه کسی هم با تو بازی می‌کنه؟

نه، آخه من می‌دونم مامان و بابام از سرکارمیان، بعد بچه‌ها نباید اذیتشون کنن، بگن بیا بازی کن.

- این حرف رو از کی یاد گرفتی؟

مامانم بهم می‌گه.

- چه بازی‌هایی تو خونه می‌کنی؟

عروسک بازی، خاله بازی، بازی‌های تبلتم.

- بیش‌تر با کدومش بازی می‌کنی؟

اووووم بیش‌تر تبلتم.

- بیش‌تر خاله بازی رو دوست داری یا تبلت؟

تبلتم.

- چرا؟

آخه من خاله بازی دوتایی دوس دارم. تنهایی سخته».

«- تبسم خانم تو دیگه چه بازی هایی می کنی؟

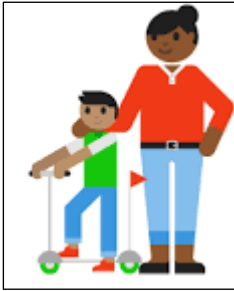
صندلی بازی.

- صندلی بازی چه طوریه؟

دور صندلی می چرخیم، بعد می شینیم.

- با کی بازی می کنی؟

تنها».



فرناز ۶ ساله هم در مصاحبه خودش بیان می دارد که او به دلیل تک فرزند بودن و تنهایی از سر

ناچاری به دیدن تلویزیون پناه می برد:

«- خوب تو توی وقت های خالی خودت چه کار می کنی؟

بازی می کنم.

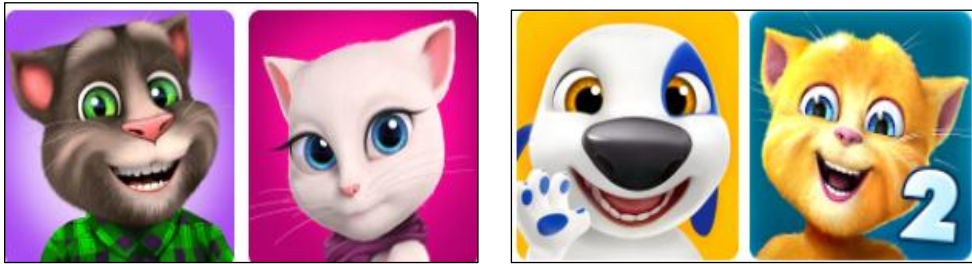
- خوب چه بازی هایی می کنی، بیش تر با دوست هات بازی می کنی یا تلویزیون می بینی؟

من دوستی ندارم، آبجی و داداش هم ندارم، خودم تنهایی بازی می کنم با اسباب بازی هام و اگه

حوصلم سر بره، تلویزیون نگاه می کنم».

بازی های زیر (هنک سخن گو، جینجر سخن گو، تام سخن گو^۳ و صحبت با آنجلا^۴) نمونه ای از بازی

های مورد استفاده اولیا در پرستاری الکترونیک فرزندان آن ها است:



شرکت سازنده بازی صحبت با آنجلا، در معرفی بازی خاطرنشان می سازد: این بازی امکان آماده

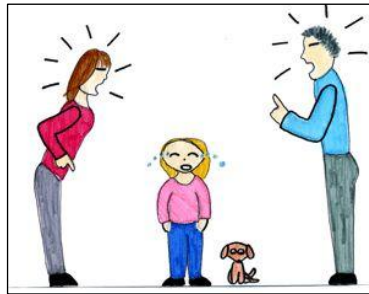
کردن بچه ها برای رفتن به رختخواب و خواباندن آن ها قبل از آن که پدر و مادرشان به خانه برگردند را

برای اولیا فراهم می آورد.

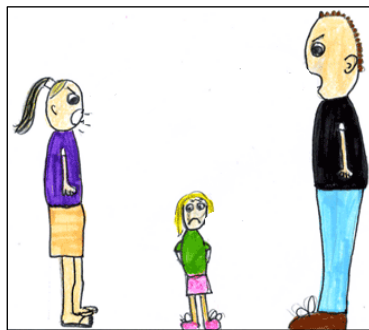
1. My talking Hank
2. Talking Ginger
3. Talking Tom cat
4. Talking Angela

۱۰-۲- یاری جستن از فناوری‌ها برای سرپوش نهادن بر مشکلات خانواده

با شکل‌گیری خانواده، زن و مرد می‌توانند با استفاده از موهبت قرار گرفتن در کنار یکدیگر، به شکل مناسب‌تری در جهان هستی به طی طریق خویش ادامه داده، اسباب تعالی و شکوفایی خود، خانواده، جامعه و حتی جامعه جهانی خویش را پدید آورند. اما متأسفانه برخی از افراد، به دلیل ضیق نفس، تفرعن و نظایر آن، در جریان زندگی با همسرشان، با وی دچار مشکل شده، کارشان به تعارض و درگیری می‌کشد.



با تأسف قریب به ۲۵٪ ازدواج‌ها در ایران به طلاق می‌انجامد و شاید قریب به همین میزان یا بیش‌تر، خانواده‌هایی وجود دارند که اگر طلاق در آن‌ها جاری نشده است، اما بین اولیا، طلاق عاطفی به وجود آمده است و آن‌ها بدون آن که عاطفه مثبتی نسبت به یکدیگر داشته باشند، تنها به دلیل برخی از ملاحظات شخصی، اخلاقی، حقوقی و یا اجتماعی، از سر اجبار همدیگر را تحمل می‌کنند. بالطبع در هر دو شرایط پیش‌گفته، کودکان خانواده‌های مطلقه یا خانواده‌هایی که طلاق عاطفی در آن‌ها به وقوع پیوسته و یا در شرف تحقق است، به شدت از وضعیت پیش آمده، آسیب می‌خورند.



در شرایط اخیر این دست از اولیا برای کاهش عذاب وجدان خویش، ممکن است با خرید و دادن یک تبلت یا گوشی پیشرفته به فرزندش، بکوشد تا در عمل قدری از احساس عذاب وجدان خود کاسته، احیاناً از همین طریق، محبت دیجیتالی (!) خویش را به سمت فرزندش معطوف دارد، اما فناوری پیش‌گفته، در غالب موارد به دلیل عدم بسترسازی فرهنگی لازم برای کودکان، نوجوانان و جوانان، بیش‌تر از آن که

فرصت‌های خود را به معرض نمایش بگذارد، تهدیدهای خویش را به معرض دید می‌نهد و آسیب و خسران را برای فرزند رقم می‌زند.

منطقی (۱۳۹۴)، در توصیف نمونه‌ای از اولیایی که برای سرگرم کردن فرزندشان یا برای کاستن احساس عذاب وجدان خویش که وقت کافی را برای فرزندشان نمی‌گذارند، با خرید تبلت یا گوشی پیشرفته برای وی، در عمل از فناوری‌ها به مثابه یک پرستار الکترونیکی سود می‌برند، می‌نویسد:

«پدر و مادر علی از یکدیگر جدا شده‌اند و اولیای وی برای جبران خلاء خویش، برای فرزندشان گوشی و تبلت تهیه کرده‌اند. علی که ۴ روز اول هفته نزد پدر و ۳ روز آخر نزد مادر به سر می‌برد، در طول هفته با ارسال عکس‌های خود به مادر، ارتباط عاطفی خویش را با او حفظ می‌کند، ولی با ملاحظه بقیه مصاحبه علی، می‌توان نتیجه گرفت که گوشی و تبلتی که (به عنوان یک پرستار الکترونیکی) در دسترس وی قرار گرفته‌اند، نه تنها در رشد انسانی او مؤثر واقع نیامده‌اند، بلکه وی را در مسیر یک زندگی شهوانی به حضيض ذلت سوق داده‌اند.

علی در مصاحبه خویش یادآور می‌شود، وی ضمن آن که کاربر ادبیات هرزه‌نگار می‌باشد، با دوست دختران خودش نیز به عرصه هرزه‌نگاری رسیده است. به این معنا که وی خاطرنشان می‌سازد، دوست دخترهای او در فضای مجازی، با شنیدن چند تعریف و تمجید از علی (و نظایر وی)، در غیاب اولیا در خانه، تصاویر و فیلم‌های هرزه‌نگار از خود تهیه کرده، آن‌ها را برای او ارسال می‌دارند. آنچه از آن یاد شد، آینده وخیمی را برای کودکان و نوجوانانی ترسیم می‌کند که به صرف شنیدن چند کلمه در مورد خوشگل بودن، جذاب بودن و پر جرات بودن آنان، به رایگان از خویش تصویر و فیلم هرزه‌نگار تهیه کرده، آن‌ها را برای دوست پسرشان و یا حتی پسرهای غریبه و ناآشنای دیگر ارسال می‌دارند».



مصاحبه ابراهیم، پرهام و محمد ۶ ساله، مصادیق دیگری در همین راستا است.

در نمونه ابراهیم، مادر وی که در صدد جدا شدن از شوهرش است، به شهر خودش نقل مکان کرده است و پدر که کارمند و در عین حال معتاد است، با در اختیار نهادن انواع فناوری‌ها در دسترس فرزند خردسالش، می‌کوشد تا جای خالی مادر (و خودش) را برای فرزندش پر کند:

«- خوب الآن که توی خونه فقط با بابات هستی، حوصلهات سر نمی‌ره؟
نه زیاد. آخه من شبا تبلتمو می‌زنم به شارژ. الآن فکر کنم دیگه شارژ شده باشه.
- خودت بازی‌ها رو نمی‌ریزی؟

نه.

- بلد نیستی خودت بریزی؟

یه کم بلدم. اما خب به بابام می‌گم برام می‌ریزه.

- بابات نمی‌گه مثلاً این بازی خیلی جنگیه، برات نمی‌ریزم؟

نه، بابام هر چی بگم می‌ریزه برام.

- به جز تبلت، دیگه با چه چیزهایی بازی می‌کنی که حوصلت سر نره؟

سی دی هم دارم. کامپیوتر، لپ‌تاپ بابام... .

- چه فیلم‌هایی تو سی دی می‌بینی؟

جنگییی. من عاشقش جنگیم.

- چرا این قدر فیلم جنگی دوست داری؟

آخه خیلی خوبه.

- از چه نظر می‌گی خوبه؟

اوووووم. چون آدم وقتی اینا رو بازی می‌کنه، شاد می‌شه.

- چند ساعت وقتت رو در روز با تبلت، لپ‌تاپ و سی دی می‌گذرونی؟

اوووووم همش (خنده).

- خوب این قدر با این‌ها بازی می‌کنی، چشمت درد نمی‌گیره؟

عینک می‌زنم... .

- به نظرت تلگرام چیز خوبیه؟

اهوم خوبه.

- چرا فکر می‌کنی چیز خوبیه؟

خب حوصلهات کم‌تر سر می‌ره».



در نمونه پرهام، مادر از پدر طلاق گرفته است و پرهام مجبور است بعد از تعطیل شدن مهد، به اداره پدرش برود و برای سرگرم کردن خویش، در بازی‌های دیجیتالی غرق شود. مادر محمد نیز از پدر وی جدا شده و با فرد دیگری به نام رضا ازدواج کرده است. اما شوهر جدید که از حضور محمد در زندگی خودش ناراضی است، دایم در این زمینه با مادر جرّ و بحث دارد و مادر هم برای منحرف کردن ذهن کودکش از این دعا و مراسم‌ها، کودکش را به دیدن ماهواره ارجاع می‌دهد تا به زعم خودش در این میان کم‌تر آسیب بخورد:

«- آقا پرهام تو تا چه ساعتی مهد هستی؟»

تا ساعت یک. بعدش بابام میاد منو می‌برده اداره‌اش. تا شب بشه بریم خونه. وقتی می‌خوایم بریم خونه، خیلی ترافیکه. من از ترافیک بدم میاد.

- پس یه کمی پیش بابا توی اداره هستی؟

بله، چون مامانم و خواهرام با هم زندگی می‌کنن. مامانم با بابا قهر کرده، اون دیگه طلاق گرفته. مامان گفته منو دوست نداره، برای همین منو با خودش نبرده. خواهرم می‌گه، تو یه بچه‌ی ناخواسته بودی، برای همین کسی تو رو دوست نداره. مجبورم برم اداره بابام تا کارش تموم بشه.

- اداره بابا خسته نمی‌شی؟

خوب چی کار کنم، مجبورم برم.

- اون جا با چی خودت رو سرگرم می‌کنی؟

با تبلت.

- با تبلت چه کارهایی می‌کنی؟

من یه عالمه بازی دانلود می‌کنم.

- مثلاً چه بازی‌هایی؟

کلش اف کلنز، مسابقه ماشین، بیش‌تر بازی جنگی و شمشیر بازی.

- چه قدر با تبلت بازی می‌کنی؟

همش.

- یعنی تمام مدتی که پیش پدرت در محل کارش هستی، داری تبلت بازی می‌کنی؟

آره.

- خسته نمی‌شی؟

نه، چون که خیلی بازی‌هاش هیجان‌انگیزه، همه صحنه‌هاش واقعین، اصلاً آدم فکر نمی‌کنه داره بازی می‌کنه.

برای همین اگه خسته هم باشم، دوست دارم باز هم بازی کنم.

- به جز بازی با تبلت، دیگه چه کار می‌کنی؟

توی کامپیوتر بابا، سی‌دی بت‌من لگویی و مرد عنکبوتی می‌بینم.»

- «- خوب محمد اسم کشورهایی رو که بلدی می تونی به من بگی؟
آمریکا، ایران، انگلیس، ایتالیا.
- خوب اسم کشورها رو از کجا یادگرفتی؟
مامانم بهم گفته.
- مامانت برای چی بهت اسم کشورها رو گفته؟
داشت می گفت که با رضا کجاها قراره بره.
- به نظرت از این کشورها کدومشون خوبن؟
آمریکا و انگلیس.
- چرا آمریکا و انگلیس خوب هست؟
چون آدمایی مثل هالک می سازه که آدما رو پیش هم می بره.
- مگه انگلیس هم مثل هالک می سازه؟
نه، به آمریکا کمک می کنه.
- محمد این کارتون ها رو با چی می بینی؟
ماهواره.
- مامانت می گذاره که تو ماهواره ببینی؟
آره.
- چرا می گذاره؟
وقتی رضا داد می زنه، مامانم منو می بره جلو تلویزیون می گه بشین کارتون ببین تا من پیام.»



۱۱-۲- تربیت کودکان جزم اندیش (کودکانی با هویت زود بسته شده)

کودکان در روند رشد و تحول خویش، با نزدیک شدن به سالهای بلوغ به پرسش این سوال از خود دست می زنند که من چه کسی هستم، باید از چه نظام ارزشی تبعیت کنم، چگونه بیندیشم، چگونه زندگی کنم و ارتباطم با دیگران و حتی زیست محیط خودم، چگونه باشد و مانند آنها.



از منظر نظریه‌پردازان هویت، نوجوانی که در صدد یافتن پاسخ قانع‌کننده‌ی پرسش‌های خویش بر بیاید، در مسیر شکل‌دادن به هویت خویش حرکت می‌کند.

نوجوانانی که در روند پاسخ به سوال‌های خویش، به پاسخ‌های مورد نظر خویش دست یابند یا به اکتشاف خویش مقید خواهند بود و یا خیر، کسانی که نسبت به یافته‌های خویش مقید و ملزم باشند (مانند پذیرش جهان‌بینی الهی تقید عملی به آن در روند زندگی)، از «هویت محقق» و کسانی که پس از دریافت سوال‌های درونی خویش به دریافت‌های خویش مقید نباشند (مانند پذیرش نوعدوستی به عنوان اصل اساسی زندگی و عدم تحقق عملی آن در جریان زندگی)، از «هویت در راه تحقق» (که ممکن است بعدها به هویت محقق بدل شود)، برخوردار خواهند شد.

افرادی که نه اکتشاف لازم را داشته باشند و نه در خود به چیزی و کسی تقید و الزامی را احساس کنند، از «هویت مغشوش» برخوردار خواهند شد. اما در این میان برخی از افراد هستند که پاسخ به سوال‌های خویش را در جریان جست‌وجوی فعال خود به دست نیاورده‌اند و پاسخ‌های مزبور از سوی اولیا، سرمداران سیاسی و فرهنگی و حتی رسانه به آنان دیکته و القا می‌گردد، این دست از افراد دارای «هویت زود بسته شده» خواهند شد. به این معنا که آنان بدون آن که خود به پاسخ سوال‌های اساسی خویش رسیده باشند، به آنچه برای آنان تعریف شده است، مقید شده، به انجام آن مبادرت می‌ورزند (نظیر اولیایی که از بدو کودکی فرزندشان، به او خانم دکتر گفته‌اند و وی بدون اکتشاف لازم، با سرسپردن به آنچه اولیا از وی خواسته‌اند، در نهایت یک پزشک شده است).

بالتبع کسانی که در روند هویت‌یابی خویش با تأمل و تدبیر، در جست‌وجوی پاسخ به سوال‌های خویش بوده‌اند، از رویکردی باز و پذیرا نسبت به مسایل مختلف و چالش‌برانگیز (و حتی مخالف‌اندیشه خودشان) برخوردار خواهند شد و همواره در روند زندگیشان، پس از مواجه شدن با یک چالش، ضمن بررسی ابعاد و وجوه مختلف آن، با تأمل و تأنی دست به ارزیابی آن زده، در صورت صحیح یافتن آن، نسبت به پذیرش مسأله مورد نظر اقدام می‌کنند، هر چند این نتیجه با پیش‌فرض‌های اولیه ذهنی آنان مغایر باشد.

افراد زود بسته شده به دلیل آن که در روند زندگیشان، تجربه برخورد فعال با مسایل چالش‌برانگیز را نداشته‌اند و فاقد تجربه سبک و سنگین کردن مسایل مختلف هستند، از مواجهه با هر مسأله جدیدی که

در تنافر با پیش فرض‌های اولیه خودشان باشد، به شدت گریزان هستند، زیرا ظرفیت پذیرش هیچ نوع اصلاحی را در خود نمی‌یابند و بنابراین با حالتی دفاعی و با تمسک به برچسب زدن به اندیشه‌های مخالف، در صدد برمی‌آیند تا خود را از مواجهه با اندیشه‌های مغایر با افکار خودشان برهانند و بالطبع روند نادرست اخیر، در سراسر عمر بر زندگی آنان سایه افکننده، رفتار جزم‌اندیشانه آنان را در پی خواهد داشت.



متأسفانه برخی از اولیا، اولیای فرهنگی، عقیدتی و سیاسی جامعه، به جای ایجاد بستری برای اندیشه‌ورزی کودک، نوجوان و جوان، با القای ارزش‌های ثابت و انعطاف‌ناپذیر خویش به آنان، در عمل هویتی زودبسته شده را برای آنان رقم می‌زنند و به این ترتیب به لحاظ فکری آنان را به این مسیر سوق می‌دهند که در مواجهه با افکار مغایر با اندیشه خودشان، بدون تأمل و تأنی لازم، با روحیه‌ای تدافعی و جزم‌گرا، دست به نفی افکار و اندیشه‌های مخالف خود بزنند، هر چند که این اندیشه‌ها، صحیح و صواب باشند.

اگرچه فضای مجازی به دلیل طرح انواع اندیشه‌ها، با زودبسته شدن هویت افراد تا حدودی تغایر دارد، اما کودکان خردسالی که در مواجهه با فضای مجازی، تنها از بازی‌های دیجیتالی و کارتون‌های آن بهره‌مند می‌گردند، در عمل در این محصولات فرهنگی با یک نظام ارزشی انسان‌مدار، لذت‌گرا و پرخشونت مواجه می‌گردند که این نظام ارزشی آنان را به سمت نوعی جزم‌اندیشی سوق می‌دهد، بنابراین کودک کاربر محصولات فرهنگی فضای مجازی، در عمل با هر اندیشه‌ای مواجه شود که در تغایر و تخالف با القانات محصولات فرهنگی اخیر باشند، خود به خود با رویکردی جزم‌اندیش و بسته‌نگر، دست به نفی اندیشه‌های چالش برانگیز فرارویش خواهد زد.

مصاحبه زیر، نمونه بارزی از اثرگذاری هر دو جریان اولیا و محصولات فرهنگی فضای مجازی را در خود به نمایش نهاده است.

در این مصاحبه محسن ۶ ساله که پدر و مادرش با هم متارکه کرده‌اند و محسن با تلخ‌کامی مادر را از دست داده است، از سویی با اندیشه‌های جهت‌دار و قطعی پدر مواجه شده و از سوی دیگر در جریان تغذیه مفروطی که از فضای مجازی دارد، با هدم و نابود کردن آنچه فرارویش می‌بیند، مواجه است، بنابراین با یافتن نگاهی جزم‌اندیش و بسته‌نگر، در سن ۶ سالگی خویش دست به تحلیل جهان هستی

زده، با این رویکرد مسیر رشد و تحول خویش را ادامه می‌دهد که بالطبع نگاهی پر خطر برای خود وی، اطرافیان و جامعه‌اش است:

«- جدی می‌گی تصمیم داری بزرگ شدی از ایران بری؟»

آره! من اصلاً ایران رو دوست ندارم. ازش بدم میاد.

- چرا؟

چون اینجا آزادی نیست، حالا مردم یه کم مسوول‌ها رو مسخره کردن! چرا اونا همش مردم رو اذیت می‌کنن و می‌برن زندان؟ من اصلاً دوست ندارم اسلام باشه! ما دلمون می‌خواد آزاد باشیم، ولی اسلام می‌گه نه، آزاد نباشین. راستی خانم به نظر من خدا اصلاً وجود نداره.

- چه طور به این نتیجه رسیدی؟

که چی؟

- این که خدا وجود نداره.

خوب من می‌گم خدا نیست. چون نیستش دیگه.

- به نظر تو این دنیا چه جوری به وجود اومده؟

به نظر من به وجود اومدن این دنیا مال تکامله!

- بیش‌تر توضیح بده محسن جان.

خب بیگ بنگ زمین رو به وجود آورده. یه انفجار بزرگ شده، زمین این شکلی شده!

بینید خانم، ما اول از همه، گوریل بودیم، بعد شامپانزده شدیم، بعدشم گوزن شدیم تا رسیدیم به آدم.

بعضی از اون حیوونا جرأت نداشتن همون جوری موندن.

- چه طوری به این نظرها رسیدی؟

خوب نظر بابام اینه، نظر منم شده.

- پس به بهشت و جهنم اعتقادی نداری؟

نه، همه اینا الکیه. فقط می‌خوان بچه‌ها رو بترسونن که کار بدی نکنن. بابام می‌گه آدم وقتی می‌میره،

دیگه نابود می‌شه.

- نظر خودت هم همینه؟

آره. آخه یه کسی که مرده و خاکش کردن، چه جوری می‌خواد پاشه بره توی بهشت میوه بخوره یا

مثلاً خوشحالی کنه؟ به نظر من آدمی که مغزش خوب کار نمی‌کنه، اینا رو باور می‌کنه. من مغزم خوب

کار می‌کنه، برای همین می‌گم بهشت و جهنم وجود نداره.

- پس با این حساب کسی که کارهای بد زیادی کرده، به جهنم نمی‌ره، چون جهنمی در کار نیست،

درسته؟

آره دیگه.

- پس چه جوری نتیجه کارهاش رو می‌بینه؟

خوب به نظر من باید خودمون دست به کار بشیم. مجازاتش کنیم با شمشیر و چاقو، یا مثل مختار، خنجر رو فرو کنیم توی قلبش که بمیره.

- منظورت اینه که باید خودمون آدم‌های بد رو مجازات کنیم؟

آره، نظرم اینه. چون خیلی‌هاشون فرار می‌کنن به یه جایی که کسی نتونه اونا رو تنبیه کنه، باید هر چه سریع‌تر این کار رو بکنیم. من که می‌خوام یه وسیله‌ای بسازم که از راه دور اونا رو منفجر کنم.

- اگه بعداً متوجه بشی که اشتباه کردی چی؟

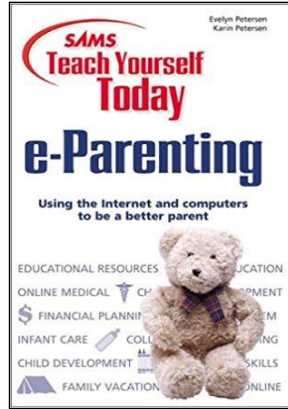
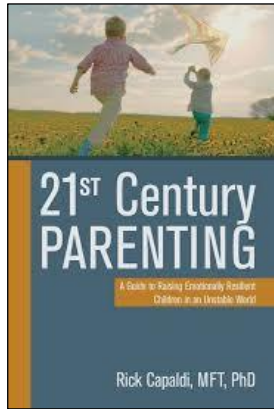
برام مهم نیست. من خودم توی بازی‌هام روزی هزارتا آدم می‌کشم. کشتن آدم‌ها که چیزی نیست، فقط کافیه یه سلاح خفن داشته باشی تموم».

۱۲-۲- کاهش نظارت اولیا بر تهیه و مصرف محصولات فرهنگی فضای مجازی توسط فرزند

زمانی که اولیای کودکان خردسال فعلی، خودشان کوچک و خردسال بودند، شاید بسیاری از فناوری‌های ارتباطی جدید را به دلیل ابداع نشدن، تجربه نکرده بودند و یا به دلیل تازگی، نو بودن، پر هزینه بودن و گسترش اندکشان، نتوانسته بودند در عمل فناوری‌های جدید را تجربه کنند، اما در زمان حاضر، اولاً به دلیل گسترش فراگیر فناوری‌های ارتباطی جدید و ثانیاً به سبب کاهش هزینه‌های رسانه‌های دیجیتال و ثالثاً به دلیل مد شدن اجتماعی کاربری از فناوری‌های جدید، غالب کودکان خردسال به تجربه مواردی نظیر تلفن همراه و تبلت پرداخته‌اند و شاید از بدو تولد خویش با گوشی اولیا به مثابه یک ابزار بازی، به بازی پرداخته‌اند. از این رو، برخلاف احساس نسبتاً غریبه اولیا به ابزاری نظیر تبلت، کودکان خردسال با آن احساس نزدیکی و قرابت بسیاری دارند. مسأله اخیر سبب می‌شود، اولیا برخلاف زمانی که برای کودکان می‌خواهد یک کتاب بخرند، با تورق کتاب، به ارزیابی اولیه آن می‌پردازند، در برخورد با محصولات دیجیتال، احساس ضعف داشته باشند و در عمل با کنار کشیدن نسبی خویش، وظیفه انتخاب بازی فرزندشان را به خود وی محاله کنند.



با سایه گستر شدن فناوری‌های ارتباطی جدید، طی چند دهه اخیر، مسأله والدگری الکترونیکی نیز مطرح شده است و از اولیا انتظار می‌رود، همسان با والدگری معمولی که در ارتباط با فرزندشان دارند، نسبت به کاربری وی از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته نیز عطف توجه داشته باشند و نظارت لازم را بر چگونگی کاربری فرزندشان از محصولات دیجیتالی داشته باشند.



سلوتسکی و دشتلر (۲۰۱۷)، در گزارش پژوهشی خویش خاطرنشان می‌سازند، در بررسی که آنان در سطح ۳۱ نفر از والدین کودکان ۳-۵ ساله داشته‌اند، مشخص شده است که کودکان این افراد به طور متوسط روزانه ۱/۹۱ ساعت وقت خودشان را صرف بازی‌های غیردیجیتالی، ۱/۷۱ ساعت از وقتشان را مصروف بازی‌های دیجیتالی و تنها ۱/۲۵ ساعت از وقت خودشان را صرف انجام بازی‌های فیزیکی در فضای آزاد می‌کنند.

اطلاعات اخیر حکایت از تحولی دارد که در عصر حاضر در روند بازی کودکان رخ داده است و در جریان آن با کاسته شدن از بازی‌های فیزیکی کودکان در فضای آزاد، کاربری آنان از بازی‌های دیجیتالی فزونی گرفته و حتی میزان آن از بازی‌های فیزیکی کودکان در فضای آزاد نیز بیش تر گردیده است.

تحولات اخیر، ضمن طرح ضرورت والدگری الکترونیک، نظارت اولیا، اولیای مهربان و پیش دبستان‌ها و اولیای فرهنگی کودکان در سطح جامعه را در این جهت الزامی می‌سازد.



پلوومن^۱ و مک‌پیک^۲ (۲۰۱۲)، در گزارش پژوهشی خویش خاطرنشان می‌سازند، اگر چه اولیای کودکان پیش دبستانی بر کاربری فرزندشان از فناوری‌ها تأکید می‌ورزند، اما نسبت به نوع کاربری و نحوه استفاده‌شان از رسانه‌های دیجیتال بی‌توجهی زیادی از خودشان نشان می‌دهند. این پژوهش‌گران در گزارش تحقیق خود می‌نویسند:

بیش‌تر اولیا بر کاربری فرزندشان از رسانه‌های دیجیتالی اصرار می‌ورزند. بررسی‌های انجام شده گروه پژوهش در سطح خانواده کودکان پیش دبستانی، حکایت از آن دارد که آنان در حالی که آشنا شدن فرزندشان با فناوری‌های ارتباطی جدید را یکی از دغدغه‌های خویش می‌دانند و می‌کوشند تا در این جهت برای فرزندشان امکانات لازم را فراهم آورند، اما هم‌زمان با این نگرانی‌ها، آنان حساسیت لازم را از خود نسبت به نوع و میزان کاربری فرزندشان از فناوری‌های ارتباطی جدید و همین‌طور محتوای مورد استفاده فرزند را مورد توجه قرار نمی‌دهند و به سادگی از کنار آن می‌گذرند.

برخی از مطالعات دیگر حکایت از آن دارند که اولیا، به دلیل برخورداری از دیدی سنتی در ارتباط با فرزند خردسالشان، وی را فردی بی‌سواد می‌دانند که نمی‌تواند بهره‌چندانی از اطلاعات اطراف و اکناف خویش به دست آورد (پالایولوگو^۳، ۲۰۱۴).

رابرتز هولمز^۴ (۲۰۱۴) در گزارش بررسی کیفی یک‌ساله‌ای که در یک مهد کودک داشته است، گزارش می‌دهد، بررسی‌های وی در سطح ۱۵ کودک خردسال مهدکودک که در جریان کاربری از رسانه‌های دیجیتال قرار گرفتند، حکایت از آن دارد که برای جایگزین شدن رسانه‌های دیجیتال در فرهنگ جامعه، ضرورت دارد که هم‌زمان با ارایه رسانه‌ها و محتویات دیجیتالی به کودکان، روی خانواده و دیگر اولیای تربیتی و آموزش کودکان نیز توجه و تمرکز لازم را داشت و با هماهنگی و کمک این عوامل، جایگزینی هر چه مناسب‌تر و بهینه‌تر رسانه‌های دیجیتال را در فرهنگ جامعه، پدید آورد. آخرین ۶ ساله، در مصاحبه‌اش بیان می‌دارد او دو گوشی و یک تبلت دارد و هر چه قدر که بخواهد، می‌تواند با وسایل خودش بازی کند:

«- چه شبکه‌ای می‌بینی؟»

شبکه پویا

- جم جونیور هم می‌بینی؟

آره مال کارتونه.

- کارتوناش قشنگه؟

آره گوشی هم دارم تازه

1. Plowman, L.

2. Mc Pake, J.

3. Palaiologou, L.

4. Roberts-Holmes, G.

- گوشی هم داری؟!
هم تبلت هم گوشی، دو تا گوشی هم دارم.
- واسه خودته؟
آره.
- هروقت دوست داری بازی می‌کنی؟
آره».

آنچه از آن یاد شد، ضرورت والدگری الکترونیک را بیش از پیش آشکار می‌سازد. در والدگری اخیر اولیا، اولیای مهد کودک‌ها و پیش‌دبستانی‌ها و اولیای فرهنگی جامعه باید در کنار یکدیگر تلاش کنند تا با بسترسازی‌های لازم، کاربری فرزندان از فناوری‌های دیجیتال را به سمت و سوی یک کاربری مثبت و ارزشمند سوق دهند.



برای تحقق والدگری الکترونیک ضرورت دارد که در درجه نخست در سطح جامعه بسترسازی فرهنگی لازم جهت کاربری بهینه از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته صورت پذیرد و مسوولان فرهنگی جامعه با عنایت به فرصت و تهدید بودن فضای مجازی، سعی کنند با بسترسازی فرهنگی لازم، از میزان تهدید فناوری‌های ارتباطی جدید و فضای مجازی کاسته، بر میزان فرصت‌های آن بیفزایند. اولیای فرهنگی اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان در تلاش برای افزایش فرصت‌های فضای مجازی و کاهش تهدیدهای آن، با پیش گرفتن اقداماتی مانند: ریختن ادبیات فاخر در فضای مجازی، تهیه وبسایت‌های مناسب، درجه‌بندی بازی‌ها، تهیه وسایل کمک آموزشی، تهیه ابزارهای کنترل اولیا و نظایر آن، ضمن دادن شناخت لازم به اولیا در مورد فراز و فرودهای رسانه‌های دیجیتال و فضای مجازی، امکان نظارت و کنترل آنان در مورد کاربری بهینه فرزندشان از فضای مجازی را فراهم آورند. اما به دلیل آن که در ایران، نگاه‌های فرهنگی موجود، در غالب موارد همسو با تجربه بشری افزایش فرصت‌ها و کاهش تهدیدهای فضای مجازی نبوده است، این فضا به دلیل آسیب‌های احتمالی‌اش نفی می‌گردد. بنابراین خط مشی اخیر با فرصت‌سوزی، فرصت بسترسازی فرهنگی مناسب را از جامعه می‌گیرد.

در شرایط پیش‌گفته، برخی از اولیا، با احساس مسوولیت در برابر فرزندشان، شخصاً بار کاستی‌های اجتماعی را تحمل کرده، می‌کوشند تا با بسترسازی مناسب در این جهت، فرزندشان را از آسیب دیدگی در جریان کاربری از رسانه‌های دیجیتال مصون دارند. گروه دیگری از اولیا، بدون توجه به مسوولیت والدگری الکترونیک خویش و بدون عنایت به فراز و فرودهای رسانه‌های دیجیتال و جهان مجازی، با بی‌تفاوتی نسبت به کاربری فرزندشان از بازی‌های دیجیتالی و فضای مجازی از کنار این مسأله مهم عبور می‌کنند.



زمانی که اولیای کودکان خردسال فعلی، خودشان کوچک و خردسال بودند، شاید بسیاری از فناوری‌های ارتباطی جدید را به دلیل ابداع نشدن، تجربه نکرده بودند و یا به دلیل تازگی، نو بودن، پرهزینه بودن و گسترش اندکشان، نتوانسته بودند در عمل فناوری‌های جدید را تجربه کنند، اما در زمان حاضر، در درجه نخست اهمیت به دلیل گسترش فراگیر فناوری‌های ارتباطی جدید و در درجه بعدی اهمیت به سبب کاهش هزینه‌های رسانه‌های دیجیتال و سرانجام به دلیل مد شدن اجتماعی کاربری از فناوری‌های جدید، غالب کودکان خردسال به تجربه مواردی نظیر تلفن همراه و تبلت پرداخته‌اند و شاید از بدو تولد خویش با گوشی اولیا به مثابه یک ابزار بازی، به بازی پرداخته‌اند. از این رو، برخلاف احساس نسبتاً غریبه اولیا به ابزاری نظیر تبلت، کودکان خردسال با آن احساس نزدیکی و قرابت بسیاری دارند. مسأله اخیر سبب می‌شود، اولیا برخلاف زمانی که برای کودکان می‌خواهد یک کتاب بخرند، با تورق کتاب، به ارزیابی اولیه آن می‌پردازند، در برخورد با محصولات دیجیتال، احساس ضعف داشته باشند و در عمل با کنار کشیدن نسبی خویش، وظیفه انتخاب بازی فرزندشان را به خود وی احاله کنند.





فاطمه ضحی ۶ ساله، در مصاحبه خویش از اندیشه خود مبنی بر خرید مستقل تبلت، به شرح زیر یاد کرده است:

- «- فاطمه گوشی یا تبلت داری؟
نه، ولی می‌خوام عیدی‌هام رو جمع کنم، تبلت بخرم.
- پس دوست داری تبلت داشته باشی؟
آره.
- بابا قبول می‌کنه تبلت بخری؟
نمی‌دونم.
- بهش نگفتی؟
نه، ولی عاشق تبلت و گوشی‌ام.
- مگه چی داره؟
آرایش بازی و یه بازی که می‌پره.
- پس به بابا نگفتی می‌خوای تبلت بخری؟
نچ.
- به مامان چی؟
نه.
- فکر می‌کنی به بابا بگی، بابا چی بگه؟
هیچی.
- مامان چی؟
هیچی.»





آترین ۶ ساله، در مصاحبه‌اش بیان می‌دارد او دو گوشی و یک تبلت دارد و هر چقدر که بخواهد، می‌تواند با وسایل خودش بازی کند:

«- چه شبکه‌ای می‌بینی؟»

شبکه پویا

- جم جونیور هم می‌بینی؟

آره مال کارتونه.

- کارتوناش قشنگه؟

آره گوشی هم دارم تازه

- گوشی هم داری؟!

هم تبلت هم گوشی، دو تا گوشی هم دارم.

- واسه خودته؟

آره.

- هر وقت دوست داری بازی می‌کنی؟

آره.»





هستی و میثم ۵ ساله و شایان ۶ ساله، از بی تفاوتی اولیا نسبت به انتخاب بازی خودشان یاد کرده، نسبت به عدم نظارت آنان بر کاربری از بازی‌های خودشان نیز تأکید کرده‌اند. در حالی که بازی نیز همانند غذای جسمانی، غذای روانی و معنوی کودک بوده، در صورت متناسب نبودن، ممکن است به سادگی روح لطیف کودک را مخدوش سازد:

«هستی با خمیر برای من یک عروسک درست کرده و به من می‌دهد».

- خوب هستی جان، با گوشی مامانت چه بازی‌هایی می‌کنی؟

اون بازیه که هندونه‌ها رو عوض می‌کنی.

- آهان... اون رو کی برات ریخته؟

خودم ریختم.

- کی بهت یاد داده بریزی؟

خودم بدون اجازه ریختم.

- یعنی مامانت نمی‌دونه؟

نگفتم بهش».

«- آقا میثم، کامپیوترت هم رمز داره؟

بله.

- خودت براش رمز گذاشتی؟

بله... ۱۲۳۴.

- بعد بقیه نمی‌فهمن رمزش اینه؟

نه.

- به هیچ کس نگفتی؟

نه.

- حتی مامان و بابات؟

نچ.

- چرا، اون‌ها با کامپیوترت کار نمی‌کنن؟

نه.

- بعد بازی‌ها ت رو نگاه نمی‌کنند؟
(تکان دادن سر به معنای نه)»
«- شایان مامان و بابات رمز تبلت رو می‌دونن؟

نچ.

- نمی‌دونن؟

نه.

- بهشون نگفتی؟

نچ.

- چرا؟

نمی‌دونم.

- خودشون بهت نگفتن رمزشو بهمون بگو؟ یعنی نگاه نمی‌کنند چه بازی‌هایی تو داری؟
نه.»



آسنای ۳ ساله هم در مصاحبه خود اظهار می‌دارد، او با دیدن لگوی بازی‌ها، از هر لگویی بیش‌تر خوشش بیاید، از مادرش می‌خواهد تا مادر همان بازی را برای وی نصب کند و مادر هم بدون کم‌ترین خدشه و ایرادی، دستور فرزند را اطاعت می‌کند:

«- سلام خانم کوچولو.

سلام.

- اسمت چیه خوشگل من؟

آسنا.

- آسنا خانم می‌دونی چند سالته؟

نه (مری می‌مهد گفت آسنا ۳ ساله است).

- آسنا خانوم تبلت داری؟

آره.

- چه بازی‌هایی داری؟

بامبو.

- بامبو بازیش چه طوری هست؟

بهش غذا می دی، برنده می شی، می ری مرحله بعد.

- کی توی تبلت برات بازی می ریزه؟

خودم نصب می کنم.

- از کجا میاری؟ از بازار خودت نصب می کنی؟

نه مامانم.

- مگه الان نگفتی، خودت نصب می کنی؟

نه، من انتخاب می کنم، مامانم نصب می کنه.

- چه طوری انتخاب می کنی؟

اونی که خوشگل تره.

- مامانت نمی گه این بازیه خوب نیست؟

نه، هرچی خوشم بیاد، نصب می کنه».



مصاحبه درج شده با مادر ثمین و ثنا دو قلوهای ۴ ساله، نمونه بارز دیگری در جهت به نمایش کشیدن رفتارهای اولیای غافل است که فرزند خود را در فضای مجازی رها ساخته اند. مادر ثنا و ثمین در قسمتی از مصاحبه خویش بیان داشته است که فرزندانش با فیلترشکن به کلیپ های یوتیوب دسترسی دارند:

«بچه ها از تبلت خودشون چه استفاده هایی می کنند؟

بازی می کنن و فیلم می بینن.

- شما براشون می ریزین؟

نه. بازی ها رو وقتی خریدیم، مغازه دار براشون ریخت. فیلم هم خودشون تو یوتیوب می بینن.

- ثنا و ثمین چه جور بازی هایی می کنند؟

همه چیز روی تبلت شون هست دیگه. هر کدوم رو بخوان.

- گفتید بچه ها توی یوتیوب فیلم می بینند، یعنی اینترنت دارن؟

بله. به وای فای وصلن.

– بچه‌ها محدودیت زمانی خاصی برای استفاده از تبلت دارن؟

نه. همیشه دست شونه».



طاهای ۶ ساله، در مصاحبه‌اش بیان می‌دارد، اگر با محتوای نامناسبی در جریان کاربری خود از فضای مجازی روبرو شود، آن را به اولیای خودش انتقال نمی‌دهد، تا مبدا آن‌ها مانع کاربری او از فضای مجازی شوند:

«– خوب وقتی چیز بدی می‌بینی، به مامانت می‌گی؟

نه.

– چرا؟

خب می‌گه دیگه نمی‌ذارم ببینی.

– مگه تا حالا شده به مادرت بگی، بعد اون دعوات کنه؟

نه، ولی خب نمی‌گم بهش».

در موارد دیگری برخی از کودکان مصاحبه شده که چت کردن با افراد غریبه را در فضای مجازی شروع کرده‌اند، اهانت و تهدید افراد ناشایستی را که با آن‌ها چت کرده‌اند به خانواده انتقال نمی‌دهند تا مبدا آنان مانع از کاربری فرزند از شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی شوند.



هلنای ۵/۵ ساله و سامیار ۶ ساله، در جریان مصاحبه‌های خویش خاطر نشان می‌سازند که کاربر بازی زامبی هستند، در حالی که بازی‌های زامبی یا مرده متحرک، به هیچ عنوان متناسب با سن آن‌ها نیست و ممکن است به سادگی آنان را به ترس، اضطراب، بی‌خوابی و مانند آن مبتلا سازند:

«- تو بازی جنگی هم دوست داری؟»

زامبی اینا مثلاً، یه زامبیایی هستن، جلوشون توپ پرت می‌کنی، بعدش یه سنگایی هستن، سنگا رو می‌خورن، بعدش اون توپا رو که بهشون بزنی، زامبیا می‌میرن.

- به نظرت ترسناک نیست؟

نه نمی‌ترسم. نگاه کن، اول یه آفتاب گردون بهت خورشید می‌ده، می‌تونی چیزی جمع کنی، مثلاً اینجا چند تا مربع هست، خب بعدش باید این قدر بازی کنی، همه‌ی مربع‌ها رو بگیری. بعدش یه آفتاب گردون می‌ذاری، یه توپی می‌ذاری، بعدش وقتی دارن سنگا رو می‌خورن، طول می‌کشه، آفتاب گردونا توپ پرت می‌کنن، زامبیا می‌میرن. بعدش یه مرده زامبیه هست، انقدر بی‌ادبه، داره روزنامه می‌خونه، عینک زده، خب بعدش انقدر با توپ می‌زنی، روزنامش پاره می‌شه، بعدش می‌دوئه همه‌ی سنگا رو تند تند می‌خوره.



- بعد اگه همه رو بخوره چی؟

می‌برن، می‌رن تو خونه، نباید بزاری برن توخونه.

- اون وقت می‌بازی؟

آره».

«- گفتمی دیگه چه بازی‌هایی داری؟»

مرد عنکبوتی، موتور بازی، زامبی هم دارم.

- زامبیا چه شکلی هستن؟

از چشماشون خون می‌ریزه، صورتشون درب و داغونه، دستاشون پوستاش کنده‌اس، بعضیاشون سبزن، بعضیاشون زردن، بعضیاشون قرمزن.

- پس وحشتناکه؟

آره.

- تیر می‌زنی بهشون، خون می‌پاشه؟

آره.

- نمی‌ترسی؟

نه. خودمم یه بار خوردم زمین دماغم خون اومد.

- دیگه بازی وحشتناک چی داری؟

خیلی دارم.

- مثلاً چی؟

مثلاً یه مرده هست، غولای بزرگ بزرگ اندازه‌ی این کولر، همش می‌ره سمتش، بعد این همه رو می‌کشه، دوباره یه عالمه زامبی میان، همش می‌میرن، دوباره یه سری دیگه میان.

- اینا رو می‌بینی اعصاب خورد نمی‌شه؟

نه.

- بازی وحشتناک به جز زامبی چی داری؟

خیلی دارم. با ماشین می‌ری می‌زنی به یکی بعد خورش می‌پاشه به صورتت، بعد پلیس دنبالت می‌کنه، بعدش تیر می‌خوره به مغزت خون می‌ریزه، یا سرتو می‌شکونه، خون میاد بعد مغزت معلوم می‌شه.

- اصلاً از این‌ها نمی‌ترسی؟

نه.

- دیگه چی داری؟

نگاه کن، مثلاً تو موتور داری، بعد زامبیا دنبالت می‌کنن، یهو اگه بگیرنت، صورتتو می‌کنه، چشمانتو در میاره، دندوناتو می‌کنه، پوستتو می‌کنه.

- پس یه عالمه زامبی داری؟

آره.

- کی این بازی‌ها رو برات می‌ریزه تو تبلت؟

خودم.

- از کجا؟

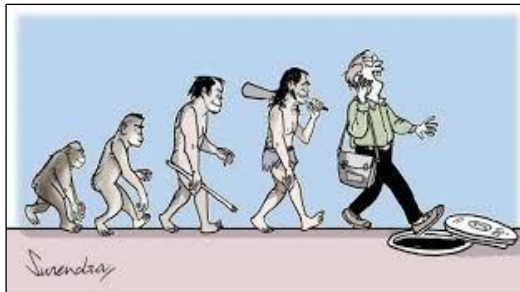
بازار.

- مامانت اصلاً نمی‌دونه شما چه بازی‌هایی می‌کنی؟

نه، اصلاً با تبلتمون کاری نداره».



فقدان سواد رسانه‌ای اولیا مشکل جدی‌ای هست که بسیاری از خانواده‌های ایرانی درگیر آن هستند. به عبارت دیگر، در سطح جامعه مسأله سواد رسانه‌ای (نظیر والدگری الکترونیک)، چندان مطرح نیست و از همین رو از اولیا گرفته تا اولیای آموزشی و از اولیای آموزشی گرفته تا کاربران کودک، نوجوان و جوان فناوری‌ها، نمی‌توانند با فناوری‌ها برخورد بهینه‌ای داشته باشند. به این معنا که اولیا به دلیل عدم بسترسازی فرهنگی لازم در سطح جامعه و رسانه‌ها درباره فضای مجازی، از سویی با فرصت‌های عدیده فناوری‌های ارتباطی جدید آشنایی لازم را نداشته، آشنایی آنان در این ارتباط بسیار سطحی است و از سوی دیگر با تهدیدهای کم و بیش جدی فناوری‌های پیشرفته و فضای مجازی آشنایی و آگاهی تمام و کمال را ندارند. مضاف بر این، کودکانی که به لحاظ تحولی در دوره تفکر عینی خویش به سر می‌برند، از آنجا که از تفکر انتزاعی بی‌بهره‌اند، فاقد تفکر انتزاعی هستند و بدون تصور این که ممکن است، طرف مقابل سر آنان را کلاه بگذارد، به سادگی با افراد مختلف در فضای مجازی برخورد کنند.



به همین ترتیب باز کودکان به دلیل برخورداری از تفکر عینی، قشنگی و زیبایی یک شیئی یا فرد را مترادف خوبی آن شیئی یا فرد در نظر می‌گیرند و مثلاً در مورد تصویر، کلیپ، انیمیشن و عروسک باریبی یا برتر، به صرف زیبا بودن آن به خوب بودن آن حکم داده، به سهولت تحت تأثیر این الگوهای عروسکی - کارتونی نامناسب قرار گرفته، درهای ذهن خود را نسبت به القائات ارزشی آنان باز می‌گذارند و از همان بدو کودکی با الگو قرار دادن چنین چهره‌هایی، سبک زندگی آنان را در ذهن خویش درون‌سازی می‌کنند و این‌ها هم خطراتی است که اولیا به سبب غفلت و ناآگاهی خویش، ممکن است به آسانی از کنار آن‌ها عبور کرده، بر همین مبنا نظارت جدی بر کاربری فرزندشان از فضای مجازی را اعمال نکنند.



بررسی تجربه امیرحسین ۶ ساله، دلالت بر آن دارد، زمانی که امیرحسین به انجام بازی پرخشونت «کمبت» پرداخته است، مادر به دلیل خشونت‌های فوق‌تصوری که در این بازی وجود دارد، فرزندش را از انجام آن منع کرده است، اما اکنون امیرحسین کاربر فیلم‌های خشن ماهواره‌ای و بازی «کلش آف کلنز» است و بازی اخیر اگرچه حاوی تصاویری فوق‌پرخاشگرانه بازی کمبت نیست، ولی منطق اولیه آن، پیشرفت برمبنای قانون شکنی و تجاوز و تعدی به حریم دیگران است و این نکته اخیر، مسأله ظریفی است که از چشم مادر امیرحسین پنهان مانده است.

«- خوب هر کدام از آدم‌های بازی که می‌کنی، چه خصوصیتی دارن؟»

مثلاً یکیشون هست، شکمو پاره پاره می‌کنه، یکی دیگه‌اش زبون و مغزشو تیکه پاره می‌کنه، یکی هم هس زنه، روده اون مرده رو در میاره، بعدش روده مرده رو می‌خوره. یکی دیگه هس، همه جاش یخیه با شمشیر می‌زنه به سر آدم... .

- مامانت نمی‌گفت این بازی رو پاک کن، به درد سن تو نمی‌خوره؟

آره، قبلاً که کمبات خیلی بازی می‌کردم، می‌گفت.

- به نظرت چرا می‌گفت به درد سنت نمی‌خوره؟

چون خیلی جنگی بود... .

- وقتی مامانت بازیت رو پاک کرد، ناراحت نشدی؟

اووووم اولش آره.

- خوب چرا الان ناراحت نیستی؟

آخه الان بازی‌های بهتری دارم، مثله بازی فکری و اینا.

می‌خوام یه چند تا بازی جدید بریزم.

- چه بازی‌هایی؟

لویا، کلش اف کلنز.

- به نظرت مامانت می‌گذاره کلش بازی کنی؟

آره چون به درد سنم می‌خوره.

- از کجا می‌دونی به درد سنت می‌خوره؟

چون پسر خاله وحیده داره. خاله وحیده پاک نکرده براش... .

- فیلم تو ماهواره می‌بینی؟

آره.

- فیلمش چه طوری هست؟

شمشیریه، جنگیه. مثلاً میان برای خودشون غذا میارن، کسی که اذیتشون می‌کنه، ازش انتقام می‌گیرن.

- مامانت نمی‌گه این قدر فیلم نبین، شب موقع خواب می‌ترسی؟

نه بابا! من عاشق این فیلمم. مامانم می‌دونه که عادت کردم.»



به تعبیر دیگر، برخلاف گذشته که یکی از اولیا هنگام تهیه کتاب برای فرزندش، تورقی در آن داشت و می‌کوشید تا کتابی از هر جهت مناسب برای فرزندش تهیه کند، در حال حاضر غالب اولیا همین رفتار را در تهیه محصولات فرهنگی مرتبط با فناوری‌ها به کار نمی‌برند و تقریباً کودکان آنان آزادانه دست به تهیه انواع و اقسام لوح‌های فشرده یا نصب و پیاده‌سازی بازی‌های دیجیتالی می‌زنند که بالطبع کاربری از این محصولات کنترل نشده، ممکن است برای آنان به شدت عارضه‌زا باشد.



نکته مهمی که در این قسمت لازم به ذکر است، چگونگی تربیت کودک در خانواده است. به این معنا که اگر اولیا با ختمشی ارزشی مشخص و یک‌دستی با فرزند خود برخورد کرده و در راستای تربیت اخلاقی- انسانی وی به شکل جدی کوشیده باشند، این کودکان به سبب عمق علاقه‌ای که به اولیایشان می‌یابند، دست به دیگر پیروی عمیق از آنان زده، در برابر هوا و هوس‌های زودگذری که در اطراف و اکنافشان رخ می‌نمایند، مقاومت می‌کنند. مصاحبه‌کیمیای ۶/۵ ساله، نمونه‌ای در همین راستا را به دست می‌دهد:

«- به نظرت کارهایی که باربی می‌کنه خوبند یا بدند؟»

اووووم... می‌دونید چیه خانم... باربی خیلی کاری نمی‌کنه. بیش‌تر خوشگله و پر از رنگه... ماجراجویی می‌کنه. می‌ره خرید... این ور اون ور.

- اون پسرهایی که باربی با اون‌ها دوسته، چه کسانی هستن؟

تو بعضی کارتون‌ها نامزدشه... تو بعضی کارتون‌ها عاشق باربی می‌شه... تو بعضی کارتون‌ها هم دوست پسرشه.

- تو هم دوست داری، دوست پسر داشته باشی؟

نه.

- چرا؟

من به مامانم گفتم این رو... مامانم گفت، این مال اون‌هاست... برای ما زشته دختر، دوست پسر داشته باشه.

- یعنی حتی بزرگ بشی هم زشته؟

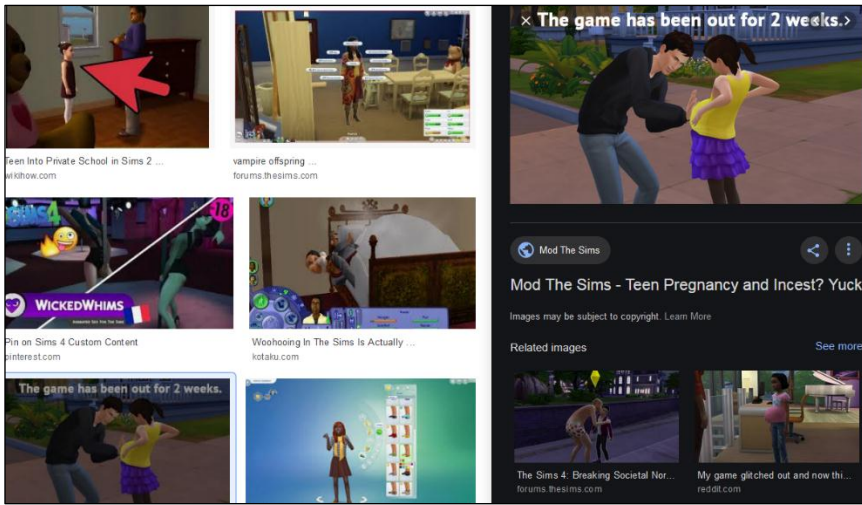
گناهه... .

- پس به نظرت این کار باربی اشتباهه؟

اون کارتونه، تو آمریکا هم هست... ما نباید به این چیزها توجه کنیم.»

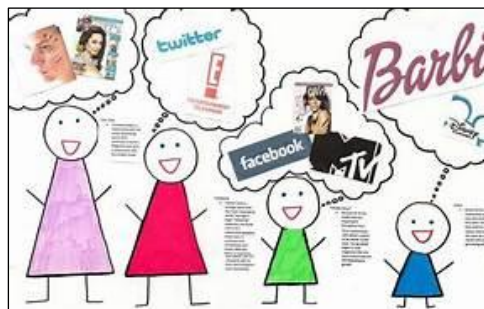
به هر صورت با توجه به غفلت نسبی اولیا و اولیای مهد نسبت به القائات ارزشی محصولات فضای مجازی و با عنایت به عدم حساسیت جدی اولیای اخیر در تربیت بهینه فرزند و متربی در دوران حساس رشد پیش از دبستان، می‌توان انتظار داشت که با عدم فعالیت جدی نهادهای فرهنگی خودی و فعالیت‌های همه جانبه نهادهای فرهنگی آن سوی آب (از طریق فضای واقعی و مجازی)، کودکان بیش‌تر از آن که تحت تأثیر ارزش‌های محیط بومی خویش قرار گیرند، تحت تأثیر ارزش‌های بیگانگان قرار خواهند گرفت.





۱۳-۲- یادگیری مشاهده‌ای کژکاربری اولیا (و خواهر و برادرها) از فضای مجازی

یادگیری‌های مشاهده‌ای کژکاربری اولیا از فضای مجازی یا کژکاربری خواهر و برادر (غالباً بزرگ‌تر) از این فضا، عارضه مهمی است که برخی از کودکان پیش دبستانی در جریان مصاحبه‌های خود بدان اشاره داشته‌اند.



برخی از اولیا به دلیل کژکاربری و وابستگی به فناوری‌های ارتباطی جدید، در عمل الگوی نامناسبی از چگونگی کاربری از فناوری‌ها را در برابر فرزندشان ترسیم می‌کنند.



در موارد دیگری، گاهی کودکانی که با و یا بدون اجازه اولیا، از تبلت، گوشی همراه و یا رایانه آن‌ها برای بازی استفاده می‌کنند، بعضاً ممکن است، از سر کنجکاوای بخواهند به قسمت‌های دیگر وسیله اولیا سر بزنند که ناگهان با تصاویر و یا کلیپ‌های هرزه‌نگار (و در موارد اندکی، کلیپ‌های حاوی رفتارهای نامتعارف و پرخاشگرانه و فوق پرخاشگرانه) مواجه می‌گردند. این کودکان نه تنها توجه وافر به ادبیات هرزه‌نگار پیدا کرده، در جریان بلوغ زودرس قرار می‌گیرند، ممکن است اعتماد خویش را هم به اولیایشان به مقدار زیادی از دست بدهند، زیرا آنان در حالی به موعظه‌های اخلاقی فرزند می‌پردازند که خودشان در عمل غیراخلاقی رفتار می‌کنند.



مشابه آنچه از آن یاد شد، ممکن است در جریان کاربری کودک از تبلت، گوشی و یا رایانه خواهر (و غالباً) برادر بزرگ‌ترش رخ بدهد و در حین کاربری از وسایل خواهر یا برادر بزرگ‌تر، با ادبیات هرزه‌نگار یا موارد ترسناکی نظیر بازی‌های زامبی (مردم متحرک) یا بازی‌های فوق پرخاشگرانه دیگر مواجه گردیده، به لحاظ روانی آسیب بخورند.

در مطالعه میدانی انجام شده در سطح کودکان پیش دبستانی، این کودکان در توصیف کژکاربری اولیایشان از رسانه‌های دیجیتال، از غرق شدن اولیا (خاصه مادر) در فضای مجازی، مشاهده تصاویر، کلیپ‌ها و فیلم‌های هرزه‌نگار یا خشن در تبلت، گوشی یا رایانه اولیا، مشاهده فیلم‌های خشونت‌آمیز در گوشی یا رایانه پدر و استفاده از تلفن همراه در جهت برقراری رابطه با دوست جنس مخالف، یاد کرده‌اند.

زنان به دلیل روحیه پیوندگرایی که از آن برخوردارند، از فناوری‌های جدید که امکان ارتباط سریع و ارزان را برای آنان فراهم آورده است، بسیار خشنود هستند، اما برخی از آنان در جریان کاربری افراطی از تبلت یا تلفن همراهشان، در عمل به زندگی خانوادگی خود آسیب زده، نسبت به آن کم توجه و یا بی-توجه می‌شوند.



یکی از پژوهش‌گران تحقیق از مصاحبه خود با مادری که شخصاً دچار کژکاربری از فناوری‌های جدید بود، به شرح زیر گزارش می‌دهد:

«من یک‌بار سوار مترو سریع کرج- تهران شدم. مترو بسیار شلوغ بودم تا حدی که به سختی می‌شد جایی برای ایستادن پیدا کرد، به دلیل ازدحام جمعیت به سمت دو خانم جوانی که کنار من ایستاده بودن هل داده شدم؛ همین فشار و برخورد بهانه شروع صحبت میان من و خانمی به نام مریم شد. من بعد از عذرخواهی به مریم گفتم، فکر کنم که گوشی توی کیفم بر اثر این فشارها داغون شد و او این طور پاسخ داد که هرچی می‌کشیم، از دست این گوشی و تکنولوژی‌ها هست و انگار که حرف‌هایش روی دلش جمع شده بود و صحبت‌هایش را ادامه داد: که متأهل هست، ۳۰ سال سن دارد، حدود ۱۲ سال هست که ازدواج کرده است و دارای دو فرزند ۷ و ۱۰ ساله هست.

من در پاسخ به مریم گفتم فناوری اگر در خدمت آدم‌ها باشه و درست از اون استفاده بشه، نه تنها بد نیست، بلکه خوب هم هست، اما متأسفانه بعضی از افراد فرهنگ درست استفاده کردن از هر چیزی را ندارند و وقتی به مشکلی برمی‌خورند، از فناوری‌ها انتقاد می‌کنند؛ البته باز از مریم عذرخواهی کردم که منظورم ایشان نیستن و حرفم کلی هست. مریم در جوابم گفت که حرفتون رو قبول دارم، اما این موبایل مثل یه ماده مخدر اعتیاد آورده و حتی بدتر از اون، و این طور ادامه داد که باورتون می‌شه من که هم وظیفه مادری و هم وظیفه همسری بر عهده هست، تا همین چند وقت پیش بیش‌تر وقتم رو در طول شبانه روز به بازی می‌گذروندم، حتی کار من به جایی رسیده بود که بعضی از شب‌ها تا اذان صبح بازی می‌کردم و اصلاً خودم متوجه نبودم. صبح‌ها هم خواب می‌موندم و نمی‌تونستم بچه‌ها رو بیدار کرده و راهی مدرسه کنم و اونا هم که از سرویس جا می‌موندن با تأخیر به مدرسه می‌رسیدن و مدرسه هم از من و همسرم بازخواست می‌کردن که این چه وضعیه، اما من نمی‌تونستم به مدرسه بگم که مقصر اصلی تأخیر بچه‌ها منم و بچه‌ها بی‌تقصیر هستن. گاهی هم در طول روز آن قدر سرگرم بازی و فیلم

می‌شدم که غذام می‌سوخت و یا وقت دکتر یا جلسه مدرسه و... رو فراموش می‌کردم و به این ترتیب، کلی مشکل برام پیش می‌آمد.

همه زندگی من شده بود موبایلم و بازی و من هر روز بیشتر تر به اون وابسته می‌شدم و بیش‌تر غرقش می‌شدم و این به عنوان یک چالش جدی، زندگی خانوادگی و رابطه‌ام با همسر رو با بحران مواجه کرده بود و مدام تصمیم می‌گرفتم که این بار آخریه که بازی می‌کنم، اما مدام وضع بدتر می‌شد. یک‌بار که همراه دخترم رفتم تا سوار سرویس بشه و طبق معمول در حالت انتظار سرویس در کنار خیابان هم سرگرم بازی بودم، یک موتوری آمد و گوشیم رو قاب زد و برد! شوکه شدم و اصلاً نمی‌تونستم حرکتی کنم. طفلک دخترم خیلی ترسیده بود و من بدون آن که متوجه او باشم تنها به فکر گوشیم بودم!

مریم این طور ادامه داد که تا چند روز حالم خیلی بد بود و خیلی بی‌قرار شدم و بازی‌هایی که می‌کردم، سررشته زندگی رو از دستم درآورده بود، به طوری که در نبود گوشیم، نمی‌تونستم برای وقتم و زندگی برنامه‌ای داشته باشم و احساس خلاء می‌کردم. بالاخره چند روز طول کشید که دوباره به خودم مسلط شدم. آن زمان به خاطر این که مدتی همسرم بی‌کار شده بود و ما با قرض یک ماشین گرفته بودیم تا همسرم توی اسنپ کار کنه، از لحاظ مالی در مضیقه بودیم و توان خرید یه گوشی هوشمند تازه رو نداشتیم و بالاچاره یه گوشی ساده گرفتم که هیچ امکاناتی نداشت و فقط می‌شد با آن زنگ زد و پیامک داد و از نصب بازی خبری نبود.

مریم گفت که باورتون نمی‌شه این روزها چه قدر احساس سبک می‌کنم، احساس می‌کنم که چه قدر حالم خوبه و انگار تازه متولد شدم و دنیا برام یه رنگ دیگه هست. وقتی من بچه‌ها و همسر رو می‌بینم، از بودن در کنارشون احساس لذت می‌کنم، چرا که بازی و فیلم و موبایل مدت‌ها باعث شده بود که اون‌ها رو نبینم و ازشون دور باشم. من نه می‌تونستم برای بچه‌هام مادری کنم و نه رابطه زناشویی خوبی با همسرم داشته باشم و زندگی به لبه پرتگاه رسیده بود و اون موتوری اون روز صبح، ناجی زندگی شد. من الآن به همه کارام می‌رسم و از زندگی لذت می‌برم و کلی وقت هم اضافه میارم. الآن واقعاً می‌فهمم که وقتی می‌گن ریشه خیلی از بحران‌ها و مشکلات خانواده‌ها و جوان‌ها و طلاق‌ها از این موبایل و فضای مجازی هست، یعنی چی».



پرنیای ۴/۵ ساله، یاسین و نیکای ۶ ساله هم در مصاحبه‌های خود با اشاره به کاربری مفرط از تلفن همراه مادرشان، چنین بیان داشته‌اند:

«- کار کردن با تبلت رو چه طوری یاد گرفتی؟»

از مامانم. وقتی کوچیک بودم کنار مامانم می‌شستم یاد می‌گرفتم.

- مامانت خیلی از گوشی استفاده می‌کنه؟

اهوم. بابام بهش می‌گه بسه دیگه. شام بیار بخوریم.»

«- آقا یاسین، شما هم اینترنت دارید؟»

ما یه سری یه اینترنت شیش ماهه گرفتیم، * (روزه تمومش کردیم، دیگه بابام نمی‌خره.

- تو که تبلت نداری، پس چرا این قدر زود اینترنت خونتون تموم شد؟

مامانم خیلی از گوشی استفاده می‌کنه، مثلاً می‌خواهی یه لحظه گوشیشو بگیری، انگار به آتیش دست

زدی انقده که داغه.»



«- بابا و مامانت چه قدر از گوشی استفاده می‌کنند؟»

موبایل بازی نمی‌کنن اونا (خنده)، فقط اینترنت و تلگرام دارن و بابا با تلفن صحبت می‌کنه و مامانم

که مخمو خورده. همش گوشی دستشه. خب چشم درد می‌گیره.»

کاربری افراطی برخی از مادران از شبکه‌های اجتماعی، سبب شده است که کودکان آن‌ها به صراحت

بیان دارند که از تلگرام بدشان می‌آید:

«- به نظر تو تلگرام خوبه؟»

نچ، من که از تلگرام بدم میاد.

- چرا؟

آخه اومدم، مادرم همش تو تلگرامه، اومدم بازی کنم، دیدم شارژش تمومه.

- آهان چون مامانت شارژشو تموم می‌کنه؟

آره، بعضی وقتا خودم شارژشو تموم می‌کنم، می‌زنم تو شارژ، بعد بازی می‌کنم، بعدش دوباره شارژشو

تموم می‌کنم» (امیرعلی، ۶ ساله).

«- کیارش، به نظرت تلگرام خوبه؟»

من که می‌گم نه، آخه همش مامانا سرشون تو گوشیه کارت رو هم بهش نشون می‌دی، می‌گه آره خوبه، همش داره با گوشی کار می‌کنه» (کیارش، ۶ ساله).



برخی از کودکان خردسال در مصاحبه‌های خود از غرق شدن پدرشان در کاربری از فضای مجازی نیز یاد کرده‌اند، اما سرکار رفتن مردان، خود به خود سبب می‌شود استفاده مفرط آنان کم‌تر از زنانشان گزارش شود که ممکن است به دلیل خانه‌دار بودن، از فراغ‌بال بیش‌تری برخوردار باشند، رهای ۵ ساله و سپهر ۶ ساله، در همین رابطه در توصیف میزان کاربری پدرشان از تلفن همراه بیان می‌داشتند:

«- رها خانم، حالا که می‌گی بابات سرش همش تو گوشیشه، مامانت دعواش نمی‌کنه؟
چرا، یه روز گفت، مثلن مغزت مشکل داره، ولی بابام هر روز هم حرفشو گوش نمی‌ده، همش همش سرش تو گوشیشه، تا می‌رسه اصن یه دقیقه هم گوشی رو سر جاش نمی‌ذاره، همش سرش تو گوشیشه.

- بعد تو می‌ری پیشش بشینی، ببینی چه کار می‌کنه؟
فقط چند بار.

- خوب، بابات با گوشیش چه کار می‌کنه؟
مثلن بخواد پیام بده، می‌ره تو تلگرام.
- تلگرام چیه؟

نمی‌دونم، فقط یه بار مامانم تو گروه فضای سبز، عکس غذا فرستاد».
«بابام از صب تا شب بازی می‌کنه، نمی‌ذاره من بازی کنم».



کاربری از ادبیات هرزه‌نگار در اولیا و کاربری از ادبیات پرخشونت در پدر خانواده، از دیگر کژکاربری‌هایی است که برخی از کودکان و تنی چند از مربیان مصاحبه شده مهد به گزارش آن پرداخته‌اند.

بعضی از مربیان مهد کودک‌ها که مورد مصاحبه قرار گرفته بودند، به عنوان یکی از مشکلات مهم خود، از این مسأله یاد می‌کردند که کودکان تحت نظارت آن‌ها، گاهی در خانه خودشان با اجازه یا بدون اجازه اولیا سر تلفن همراه یا رایانه آن‌ها رفته و در جریان کنجکاوی‌هایشان، ناگهان با تصاویر، کلیپ‌ها و فیلم‌های هرزه‌نگار پدر یا مادر و یا فیلم‌های پرخشونت پدر مواجه شده‌اند.

طاها (برادر بهار ۴ ساله) در گزارش مواجهه خودش با خواهرش بهار، با ادبیات هرزه‌نگار که روی رایانه پدر بود، در قسمتی از مصاحبه خود بیان می‌داشت:

«- بعد حالا این‌ها که گفتی نگاه می‌کردید، به نظرت بده؟

آره دیگه، شبنم بود.

- پس با هم نگاه می‌کردین؟

آره، مامان اینا رفته بودن آشپزخونه، بعد هی شبنم می‌زد رو چیزای بی‌ادبی، منم نگاه نمی‌کردم.

- پس اون همه‌ی این‌ها رو می‌آورد، آره؟

آره. ببین یه مدلشم بود کارتونی بود، شرک با سیندرلا هردوتا شون لخت بودن.

- فقط همین‌ها رو دیدی؟

نه یه چند تا دیگه‌ام دیدیم که الان یادم نیست.

- این‌ها رو که تو کامپیوتر می‌دیدید، بهار هم بود؟

کنارم بود دیگه.

- پس دیگه نمی‌ری ببینی؟

اونا رو نه، ولی فیلمای بابامو نگاه می‌کنم. اونایی که ببر نداشته باشه و کوسه نداشته باشه.

- چرا ببر و کوسه نداشته باشه؟

خوب اونا وحشتناکن دیگه، آدما رو می‌خورن.

- مگه نگفتی فیلم ترسناک دوست دارم؟

چرا، ولی اونایی که اسکلت داشته باشه، بقیش رو دیگه دوست ندارم.

- چرا اسکلت رو این قدر دوست داری؟

خوب بامزس دیگه، این طوری تکون تکون می‌خوره، تازه اوناییم که روشه، خون نیست که سُسِه.

شبنم قبلاً بهم گفته بود... .

- مامان و بابات فهمیدن تو این‌ها رو دیدی؟

آره، بعد مامانم به بابام گفت، پاک کنه. بابام گوش نمی‌کرد. بعد عمم گفت به بابام.

- تو اون جا بودی؟
من تو اتاق بودم می شنیدم.
- چی گفت؟
گفت این قدر این چیزا رو نذار تو گوشی و کامپیوترت، بچه‌ها ت آسیب می بینن، بعد بابام پاکش کرد.
- می دونی آسیب یعنی چی؟
یعنی عادت می کنیم، هی ببینیم.
- عمه‌ها دیگه چی گفت؟
گف پاکشون کن».



- پارمیس ۵ ساله، با اشاره به کاربری مادر از تصاویر نامناسب اظهار می داشت:
«- تا حالا استیکر بد دیدی؟
نه، ولی مامانم اشتباهی فرستاد.
- چه جوری فهمیدی که اشتباهی فرستاده؟
خودش ناراحت بود.
- از کجا فهمیدی استیکر بدیه؟
آخه یه خانومی بود که لباس نداشت، بد بود دیگه.
- چرا مامانت از اون استیکرا داشت؟
نمی دونم از خودش پرس.
- تو از این استیکرا نداری؟
نه دیگه فقط کارتونی دارم.
- یعنی اون استیکر که مامانت فرستاد و دانلود نکردی؟
برا من نفرستاد که تو گروه عمو اینا فرستاد.
- تو هم توی گروهشون هستی؟
نه.
- پس از کجا دیدی استیکره رو؟

وقتی به بابا نشون می‌داد دیدم.

- یعنی گذاشتن تو بینی؟

مامانم ناراحت بود حواسش نبود».

قسمتی از گزارش اشک‌آلود آرمیتای ۶ ساله، از کژ کاربری پدرش از تلفن همراه به شرح زیر است:

«- آرمیتاجان چه عکس‌هایی (را در گوشی پدرت) می‌بینی؟

عکسای بد.

- یعنی چی عکس‌های بد؟

عکس زنا و مردای لخت دیگه.

- بابات هم می‌دونه که این عکس‌ها رو می‌بینی؟

وای نه خاله، تو رو خدا به بابام نگین...»

- خوب آرمیتا حالا می‌تونی بگی چه جور می‌بینی اون عکس‌ها رو می‌بینی؟

بابام یه پوشه شخصی داره که عکس‌ها تو اون پوشه هستش، براش رمز هم گذاشته.

- تو رمزش رو می‌دونی؟

آره.

- از کجا می‌دونی؟

روز تولدش.

- خوب تو از کجا فهمیدی؟

یه بار تو مهد مریمون داشت به مادر یکی از بچه‌ها می‌گفت، رمز کارتت رو عوض کن، چون همه

تاریخ تولد آدم رو می‌دونن.

- خب شاید یه چیز دیگه رمز بابات بود؟

آره، ولی یه بار که بابام رفت حموم، من یاد مربی مهد افتادم، رفتم از مامانم روز تولدش رو پرسیدم،

مامانم هم گفت ۲۰ آذر، من هم شانسی زدم درست بود.

- مامانت هم می‌دونه چه عکس‌هایی بابات داره؟

فکر کنم بدونه، ولی چون بابام به مامانم گوشیش رو نمی‌ده، همش دعوا دارن.

- خب بعدش مامانت چی کار کرد؟

اومد پیش من گفت، اگه می‌تونی از بابات گوشیش را بگیر بده به من.

- اون موقع چه حسی داشتی؟

ناراحت شدم، ولی گریه نکردم.

- چرا گریه نکردی؟

مامانم ناراحت نشه و بابام از پیش ما نره.

- خوب آرمیتا بعد از این که مامانت به تو گفت گوشی رو براش ببری، چه کار کردی؟
قبلش شنیدم، وقتی مامانم داشت با دوستش صحبت می کرد گفت، آگه عکس های لختی تو گوشیش داشته باشه، طلاق می گیرم.

- خوبی آرمیتا، می خوای هر موقع حالت خوب شد، با هم حرف بزنینم، من می تونم صبر کنم حالت بهتر بشه، یعنی هر کاری که تو بگی ما همون کار رو بکنیم، باشه؟
نه خاله خوبم، چه قدر خوبه که هستی و من می تونم با تو حرف بزوم.

- تو گوشی رو برای مامانت بردی؟

آره، ولی قبلش عکس ها رو پاک کردم.

بعدش بابات فهمید که عکس هاش رو پاک کردی؟

آره، بعد کلی بغلم کرد و می گفت مرسی».

در موارد دیگری مواجهه کودکان با آهنگ هایی با مضامین شهوانی روی گوشی یا رایانه اولیا توسط مربیان مهد کودک، گزارش شده است.

کژکاربری برخی از اولیا از تلفن همراه برای یافتن دوست جنس مخالف، توسط کودکان خردسال گزارش گردیده است. محمدحسین ۵ ساله که نزد مادر مطلقه اش زندگی می کند، شاهد ارتباط های متعدد مادر با مردان غریبه است. وی در توصیف رابطه خود و مادرش چنین بیان می داشت:

«- محمد وقتی با گوشی بازی می کنی، مامانت هم گوشی تو رو می بینه؟

نه اون با گوشی خودش، به من نگاه نمی کنه.

- تو نمی ری پیشش بشینی، ببینی اون چه کار می کنه؟

منو دعوا می کنه، بعد بهم فحش بد می ده.

- چرا؟

چون می رم پیشش.

- تو اون وقت چه کار می کنی؟

نمی رم.

تو با گوشی بازی می کنی، مامانت پیشت نمیاد؟

نه اون منو دوست نداره، همش تو گوشی خودش».

گذشته از مواجهه کودکان خردسال با کژکاربری پدر یا مادرشان از فضای مجازی، گاهی از اوقات، این کودکان در جریان کاربری از تبلت، تلفن همراه یا رایانه خواهر یا برادر بزرگ ترشان، با تصاویر، کلیپ ها و یا فیلم های پرخشونت یا هرزه نگار مواجه گردیده اند. گزارش سوگل ۶ ساله، نمونه ای از این موارد را به دست می دهد:

«- سوگل گفتم زامبی بازی هم می کنی، درسته؟

آره.

- نمی‌ترسی زامبی بازی می‌کنی؟
- اولا می‌ترسیدم، ولی الان نه، بعدشم الان دیگه همه از این بازی‌ها می‌کنن.
- کی بهت زامبی بازی رو یاد داد؟
- داداشم... .
- راستی خاله من یه بار یواشکی (عکسای گوشی داداشم رو) دیدم.
- به منم می‌گی؟
- به کسی نباید بگی چون مامانم بفهمه، داداشم منو می‌زنه، تبلتم رو ازم می‌گیره.
- باشه بگو.
- یه بار داداشم رفته بود حموم منم رمز گوشیشو زدم دیدم.
- رمز گوشی داداشت رو از کجا یاد گرفتی؟
- گوشی رو سمت نور بگیری، می‌فهمی رمزش چیه (از سوگل خواستم رمز گوشی من را هم بزند و او همین کار را کرد).
- از کجا می‌دونستی؟
- فهمیدم خودم.
- خوب تو گوشی داداشت چی دیدی؟
- عکسای بد.
- مگه عکس‌ها چه جوری بودن؟
- بیش‌تر دخترا لخت بودن، بعضی‌هاش پسره با دختره بود».



نیوشای ۴ ساله نیز به نوعی از کژکاربری خواهرش از فضای مجازی یاد می‌کند. مهرداد و مهرابه ۶ ساله هم که خواهر و برادر دوقلو هستند، در مصاحبه‌های جداگانه‌ای که داشته‌اند، هر دو از مقاومت خواهر ۱۰ ساله خودشان یاد کرده، بیان می‌دارند، آن‌ها تا از سر کنجکاوی به تبلت خواهر بزرگ‌ترشان نزدیک می‌شوند، با پرخاش او مواجه می‌گردند که تبلت و تلگرام برای بچه‌ها نیست:

«- نیوشا خواهرت تو گوشیش تلگرام داره؟

آره!

- با تلگرامش چی کار می‌کنه؟
استیکر می‌فرسته.

- برای کی استیکر می‌فرسته؟
برای خاله سارا، برای دوستاش، یه بار برای دوستاش یه استیکرهایی فرستاد که خوب نبودش.
- چی بود که خوب نبود؟
نمی‌دونم.

- پس از کجا می‌گی که خوب نبودن؟
آخه یه بار که مامانم دیدشون، خواهرمو دعوا کرد و گوشیشو ازش گرفت. ولی بعدن بهش داد.»
- «مهرداد، خواهرت چند سالشه؟
ده سالشه.

- اون با تبلتش چی کار می‌کنه؟
اون همه کار می‌کنه، فکر کنم زنگ اینا می‌زنه با یه چیزی هم هست انگار اسمش تلگرامه، برای ما بچه‌ها نیست بااااا دیگه نمی‌دونم چه کارهایی می‌کنه، آخه اصلاً نمی‌ذاره که ما ببینیم.
- چرا می‌گی تلگرام برای بچه‌ها نیست؟
آخه دو سه بار خواستم به تبلت خواهرم دست بزنم، اومد دعوام کرد و منو زد و هی گفت، تو فضولی، اینا برای شما بچه‌ها نیست اصلاً.»



«- مهراره خانم، خواهر بزرگت چند سالشه؟
۱۰ ساله‌شه.

- اون با تبلتش چه کار می‌کنه؟
اون همه چی بلده. عکس می‌گیره، تلگرام داره، زنگ اینام می‌زنه، بازی هم داره، خیلی زیاددودد.
- اون بیش‌تر از شما بازی می‌کنه؟
آره، خیلی بیش‌تر از ما، اون همش دستشه، بابام هی بهش می‌گه‌ها، ولی حرف گوش نمی‌کنه، بابامو ناراحت می‌کنه.

- مثلاً چند ساعت توی یه روز بازی می‌کنه؟

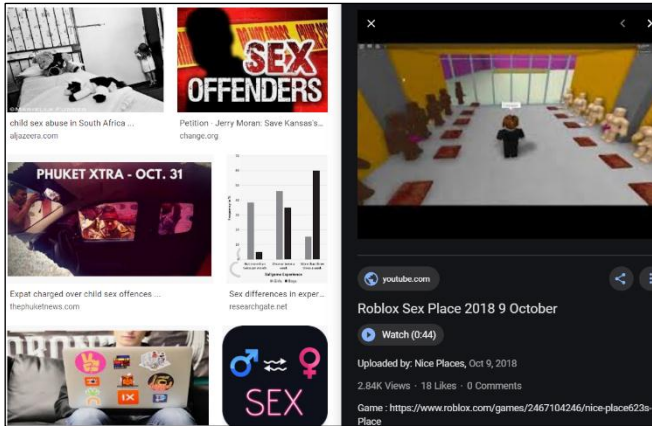
خیلی زیاددددد، روزای تعطیل از صبح تا شب. تازه اصلاً همم نمی‌ذاره، کسی به تبلتش دست بزنه. من که خودم دست نمی‌زنم، ولی هروقت داداشم می‌ره طرف تبلتش، داد می‌زنه سر داداشم. رمز داره، تبلتش نمی‌ذاره، هیچ کس بدونه.

– حتی بابات؟

بعضی وقت‌ها به بابام می‌گه رمزشو، اما تند تند عوض می‌کنه، بعد هم بابام که بهش می‌گه تبلتو بیار، می‌گه باشه، ولی مثلاً دو ساعت دیگه میاره.

– راستی گفتمی خواهرت نمی‌گذاره که داداشت به تبلتش دست بزنه. این جور موقع‌ها به داداشت چی می‌گه؟

هیچی هی سرش داد می‌زنه، می‌گه این چیزا به سن تو نمی‌خورن، تو بچه‌ای».



۲-۱۴ – تحقق نسل فرزندسالار

«وقتی من می‌خوام کارتون ببینم، بابا مامانم نباید کانال دیگه‌ای رو بگیرن» (فرشته، ۵/۵ ساله).

برخی از پژوهش‌گران از تحقق نسل فرزندسالار در جامعه ایران در چند دهه اخیر خبر می‌دهند، به این معنا که اگر تا زمانی قبل‌تر، در جامعه ایران، پدرسالاری وجود داشت و پدر به مثابه یک مقام مقتدر، تکالیف کودکان را بدان‌ها امر و نهی می‌کرد و کودکان بدون چون و چرا موظف به انجام خواست ولی خود بودند، اما در گذر زمان، به دلایل متعددی، به تدریج حاکمیت پدرسالاری در جامعه کم رنگ شده و جای خود را رفته رفته به فرزندسالاری داده است. به این معنا که بسیاری از خانواده‌هایی که به روش درست تربیت فرزندان، آشنا نیستند یا از اقدام مناسب در این جهت تخطی و قصور می‌ورزند، کودک یا کودکان خانواده را (که برخلاف نسل قبل، از خانواده‌های پر جمعیت به خانواده‌های کم جمعیت و حتی تک فرزند تبدیل شده است)، مورد مهر و محبت بی‌حد و حصر خویش قرار می‌دهند و کودک یا

کودکانی که در عمل با قرار گرفتن در مرکز ثقل عواطف و توجهات خانواده، در تشخیص موضع و مقام درست خویش دچار اشتباه شده‌اند، تصور می‌کنند، اولیای آنان چیزی در حد خدمت‌کار آنان هستند، از این رو بدون توجه به امکانات و اقتضائات اولیا، خواسته‌های مختلف و متنوع خویش را به صورت آمرانه از اولیا تقاضا می‌کنند و به خودشان حق می‌دهند که در صورت مخالفت احتمالی آنان با خواست فرزند با توسل به فشار یا از موضع قهر و غضب، از اولیای خویش انجام خواست خود را تقاضا کنند و با استمرار این امر و به استیصال رساندن آنان، اولیا را وادار به تحقق خواست درست یا نادرست خویش کنند.



پرهام ۶ ساله، در مصاحبه خود بیان می‌داشت که او برای هر کاری برای اولیای خودش شرط می‌گذارد که اگر می‌خواهید فلان کار و فلان کار را انجام بدهم، باید برایم فلان چیز و خوراکی را بخرید. روزینای ۶ ساله هم اظهار می‌داشت، همین که تبلت دوستش را دیده است، به پدرش گفته است که برایش تبلت بخرد:

«- خیلی کوچولو بودی که نقاشی داشتی روی تبلت؟»

۴ سالم بود.

- خاله کی برات تبلت خریده؟

بابام.

- خودت گفתי برات بخره یا خودش خرید؟

خودم بهش گفتم، آخه یکی از دوستانم رو دیدم تبلت داره، دلم خواست.»

آریوی ۳ ساله و پویان ۵ ساله، در مصاحبه‌های خویش بیان داشتند، آنان اگر با مخالفت اولیای خویش مواجه شوند، با گریه و زاری و جیغ زدن اولیای خود را مستأصل کرده، به تسلیم وامی‌دارند:

«- آریو تو به مامان و بابات گفته بودی که برای تولدت تبلت می‌خوای؟»

آره.

- بعد از این که به مامان و بابات گفתי تبلت می‌خوای به تو چی گفتن؟

گفتن نمی‌شه.

- برای چی نمی‌شه؟

چون من خیلی کوچیکم.

- مامان به تو گفت نمی‌شه یا بابات گفت؟

دوتاشون.

- بعد از این که مامان و بابات به تو گفتن نمی‌شه، تو چی کار کردی؟

گریه کردم و قهر کردم.

- فقط گریه و قهر کردی؟

نه.

- به جز گریه و قهر، دیگه چه کارهایی کردی؟

جیغ کشیدم.

- بعد از گریه و قهر و جیغ تو، مامان و بابات چی کار کردن؟

قول دادن تبلتمو بگیرن.

- اگر مامان و بابات قول نمی‌دادن، تو چی کار می‌کردی؟

بیش‌تر جیغ می‌کشیدم.

- خیلی بلند جیغ کشیدی؟

آره.

- خوب، فقط همون روز جیغ کشیدی؟

نه.

- کی دوباره جیغ کشیدی؟

وقتی می‌اومدم خونه.

- از کجا می‌اومدی خونه؟

مهد.

- یعنی همیشه وقتی از مهد می‌اومدی خونه، به خاطر تبلت جیغ می‌کشیدی؟

آره.

- پس جیغ تو تونست کاری کنه که مامان و بابات برای تو تبلت بخرن؟

آره».

«- وقتی خیلی زیاد بازی می‌کنی، مامانت دعوات نمی‌کنه؟

دعوا می‌کنه، می‌گه چشم‌هات ضعیف می‌شه.

- تو بعدش تبلت رو کنار می‌گذاری؟

نه بازم بازی می‌کنم.

- چه جوری دوباره بازی می‌کنی، دعوات نمی‌کنن؟

گریه می‌کنم، داد می‌زنم، خودشون دوباره بهم می‌دن که ساکت شم». هدی، مهدی و صدف ۶ ساله هم در مصاحبه‌های خودشان بیان داشته‌اند که اگر اولیا طبق خواست آنان رفتار نکنند، آن‌ها با پدر و مادر قهر کرده، به اتاقتشان می‌روند، در را به هم می‌کوبند و آن قدر غذا نمی‌خورند تا اولیا مجبور به تحقق خواست آنان شوند.

«- خوب مامان و بابات رو چه قدر دوست داری؟ اندازه کارتونها.

- چرا اندازه‌ی کارتونها دوستشون داری؟
آخه من کارتونها رو خیلی دوس دارم.
- خوب عزیزم اگه زمانی که داری کارتون نگاه می‌کنی، مامانت تلویزیون رو خاموش کنه و بگه دیگه نباید نگاه کنی، اون وقت چه کار می‌کنی؟
می‌رم دوباره روشنش می‌کنم.
- ولی مامانت گفته نباید نگاه کنی.
خب دارم نگاه می‌کنم، نباید خاموش کنه.
- خوب خاموش کنه، چی بهش می‌گی؟
اخم می‌کنم، می‌رم روشنش می‌کنم.
- اگه اجازه نده که بری روشن کنی، چی بهش می‌گی؟
هیچی قهر می‌کنم، می‌رم توی اتاقم در رو می‌بندم».



«- اگه پدر و مادرت عروسک بت من رو برات نمی‌خریدن، چه کار می‌کردی؟
دیگه باهاشون حرف نمی‌زدم.
- این که کار درستی نیست، اون‌ها پدر و مادرت هستن.
نه، اگه برام نمی‌خریدن، باهاشون صحبت نمی‌کردم».

«- دوست داشتی باب اسفنجی باشی؟
نه، من دوست دارم مثل آقای خرچنگ باشم.
- چرا؟



با توجه به گسترش فرزندسالاری در سطح جامعه و کم رنگ شدن نقش اقتدار اولیا در تربیت فرزند، به نظر می‌رسد اولیا در مد اجتماعی تبلت‌دار شدن یا گوشی‌دار شدن کودکان خردسال، خود را تسلیم شرایط کرده، بدون اعمال کنترل‌های لازم، نه تنها دست به خرید رسانه‌های دیجیتال مورد نظر کودکانشان می‌زنند، بلکه نظارت خویش را بر چگونگی کاربری آنان از فناوری‌ها را نیز کاهش داده‌اند تا کودکانشان در اثر سخت‌گیری احتمالی آنان، آزاده خاطر نشده و غبار کدورت خاطر بر چهره وی ننشیند.



۱۵-۲- اخذ دیدهای کلیشه‌ای در جریان کاربری از بازی‌های دیجیتال و کارتون‌ها و فیلم‌ها

همان‌گونه که از ترجمه کلمه تفکر قالبی یا تفکر کلیشه‌ای (استریوتایپ)^۱ برمی‌آید، تفکر قالبی معرف نظری است که از پیش تشکیل شده است و در برخورد با واقعیات اجتماعی، مانع شناخت درست مسایل فرارو و قضاوت درست درباره آن‌ها می‌شود، زیرا افرادی که دارای تفکر قالبی یا کلیشه‌ای هستند، با اخذ اطلاعاتی جزئی (که ممکن است کاملاً نیز جهت‌دار باشند)، بدون آن که از شناخت و اطلاعات لازم برخوردار باشند، به صرف اطلاعات پیشینشان، دست به قضاوت و ارزشیابی موضوع‌های فرارویشان می‌زنند.

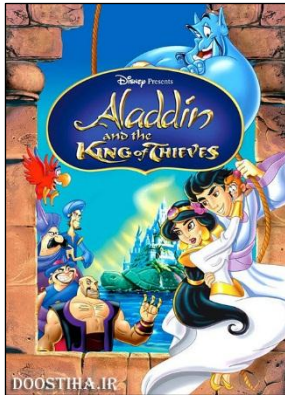
۱. کلمه Stereotype از کلمات یونانی استریو (که به معنای سخت، مستحکم و غیر قابل تغییر است) و تایپ (به معنای تأثیر) اخذ شده است.



مثال بارز تفکر قالبی را که غالباً توسط رسانه‌ها، گروه‌های سیاسی و یا عقیدتی ایجاد می‌شود، می‌توان در ترسیم مسلمانان توسط هالیوود، به عنوان افرادی که کم‌تر انسان هستند، ملاحظه کرد. به این معنا که هالیوود در یکی از تلاش‌های خویش برای ضدیت ورزی با مسلمانان جهان (که قریب یک چهارم جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند)، در جریان فیلم‌های مختلفی که می‌سازد، می‌کوشد تا با القانات ضمنی که در فیلم‌های خود دارد، مسلمانان را افرادی وحشی، خشونت‌طلب، تروریست و ویرانگر و بی‌منطق ترسیم کند. به عنوان مثال، در فیلم‌های هالیوودی متعددی شعار الله اکبر با شلیک و انفجار تروریست‌ها همراه می‌شود (نظیر فیلم مهدی) یا همان‌گونه که در فیلم بتی محمودی آمده است، الله اکبر آذانی که از مأذنه مسجد پخش می‌شود، با صدای الاغی که به عرعر پرداخته است، توام می‌شود. کمپانی والت دیزنی در اثر مشهور علاءالدین که در سال ۱۹۹۲ اکران کرد، در شعری که در ابتدای فیلم پخش کرد، مضمون زیر را آورده بود:

«من از سرزمینی می‌آیم، از مکانی دور؛ جایی که شترهای کاروان راه می‌روند. جایی که اگر از چهره‌ات خوششان نیاید، گوشت را می‌برند؛ این وحشی‌گری است، اما خب خانه من است!»^۱

همان‌گونه که از شعر اخیر برمی‌آید، در این فیلم خشونت و وحشی‌گری، جزئی از ویژگی مسلمانان، ترسیم شده است.



۱. به دنبال اعتراض فعالان حقوق اقلیت‌ها، شعر اخیر در نسخه‌های خانگی فیلم علاءالدین حذف شد.

در سریال میهن نیز که در ۲۴ قسمت در دوران ریاست جمهوری بوش در امریکا پخش شد، قهرمان سریال، نیک برودی، پس از اسیر شدن به دست القاعده، زیر شکنجه‌های آن‌ها اسلام می‌آورد و در ادامه، تبدیل به یک تروریست، شبیه همان تروریست‌هایی که او را اسیر کرده بودند می‌شود، به تعبیر دیگر ذات دین اسلام، تروریست پرور است.

مجموعه موارد اخیر، این دید کلیشه‌ای و قالبی را در مخاطبان خود پدید می‌آورد که مسلمانان افرادی هستند که باید آنان را به صورت کم‌تر انسان دید و به ارزیابی آن‌ها پرداخت.

فکر قالبی می‌تواند با قضاوت نادرستی که به مخاطبان خود می‌دهد، آنان را به رفتارها و اعمال نادرست و گاه خطرناک بکشاند، همان‌طور که پس از به نمایش در آمدن فیلم تک‌تیرانداز امریکایی، شهروندان امریکایی و کانادایی تحت تأثیر فیلمی که دیده بودند، در چندین مورد مسلمانان کم‌تر انسان را در خیابان‌ها به رگبار بسته بودند و نظیر تک‌تیرانداز امریکایی که دست به اعدام مسلمانان می‌زد، مسلمانان را مورد اصابت قرار داده بودند.

تفکر قالبی و کلیشه‌ای که از آن یاد شد، در آثار تولید شده غرب، در بازی‌های دیجیتالی و یا کارتون‌های آن نیز مشاهده می‌شود.

آرشام ۶ ساله، در مصاحبه خویش بیان می‌دارد که او از اسپایدرمن یاد گرفته است که آدم باید عشق داشته باشد، عشقش را نجات بدهد و بعداً با او به گردش برود، از این رو آرشام نیز بسان الگوی محبوبش، با ملاحظه ترس دختر همسایه از گربه، در صحنه ایجاد شده مداخله کرده، از آن به بعد تصور می‌کند دختر همسایه عشقش است:

«- آرشام پس تو دوست داری با اسپایدرمن بری و آدم‌ها رو نجات بدی؟

آره.

- آرشام حاضری به جای رفتن با اسپایدرمن و نجات دادن آدم‌ها، چه کار دیگه‌ای بکنی؟
نمی‌دونم چی کار کنم، ولی اسپایدرمن باید باشه.

- یعنی فرقی نمی‌کنه چه کاری بکنی، مهم اینه که اسپایدرمن پیش تو باشه؟
آره.

- خوب فکر کن با اسپایدرمن بیرون رفتی، حالا می‌خواین با هم دیگه چه کارهایی بکنین؟
بریم با عشقامون بگردیم.

- مگه اسپایدرمن، عشق داره؟

آره.

- تو عشق اسپایدرمن رو از کجا دیدی؟

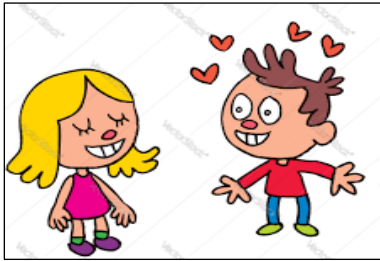
تو فیلمش.

- همون فیلمی که داشتی بدون اجازه نگاه می‌کردی؟

آره.

- عشق یعنی چی؟
کسی که قبول داره، من می‌تونم نجاتش بدم.
- عشق رو اولین بار کجا شنیدی؟
تو فیلم اسپایدرمن.
- تو فیلم کی می‌گه عشق؟
اسپایدرمن می‌گه باید عشقم رو نجات بدم.
- تو فیلم، دختره، اسپایدرمن رو قبول داره که می‌ره آدم‌ها رو نجات می‌ده؟
آره.
- خوب آرشام مگه تو هم عشق داری؟
آره.
- عشق تو کی هستش؟
مریم.
- کجا مریم رو دیدی؟
همسایمونه.
- آرشام، تو قبل از این که دوست اسپایدرمن بشی، اون موقع مریم عشقت بود؟
نه.
- می‌تونی بگی مریم چه جور عشقت شد؟
من دیدم مریم از گربه می‌ترسه و داره گریه می‌کنه. منم تار زدم و سریع رفتم نجاتش دادم.
- یعنی چی کار کردی؟
گربه رو نوازش کردم و رفت.
- تو از گربه نمی‌ترسی؟
نه. مگه تام ترس داره.
- منظورت تام تو کارتون تام و جری هستش؟
آره.
- مامانت نمی‌گه که گربه باعث می‌شه، آدم مریض بشه؟
چرا.
- ولی تو گوش نمی‌دی؟
نه.
- چرا گوش نمی‌دی؟
آخه اگه این جوریه، پس چرا صاحب تام مریض نمی‌شه.

- پس چون صاحب تام مریض نمی‌شه، ما هم مریض نمی‌شیم؟
آره».



افسانه ۶ ساله نیز که نامادری دارد، با وجود اذعان به خوب بودن نامادریش، تحت تأثیر کارتون سیندرلا تصور می‌کند، همان‌گونه که نامادری سیندرلا فردی بدجنس بود، نامادری او نیز فردی بدجنس است و در صدد است با مرگ پدر او، دست به ایذا و اذیت بیش‌تر افسانه و خواهرش بزند:

«- افسانه با کامپیوترت سی‌دی هم می‌بینی یا فقط بازی می‌کنی؟
سی‌دی هم می‌ذارم.

- چه فیلم‌هایی می‌بینی؟

بیش‌تر کارتون می‌بینم، ولی فیلم می‌بینم خاله.

- اسم کارتون‌هایی که می‌بینی چیه؟

سیندرلا... سفید برفی... آناستازیا، دیگه هه هه هه سفید برفی دو، همینا.

(برداشت من این بود که چون شخصیت‌هایی همچون سیندرلا و سفید برفی، مانند افسانه نامادری دارند، او این ویژگی را وجه اشتراک بین خود و آنان می‌دانست و تمایل بیش‌تری به تماشای این‌گونه کارتون‌ها داشت).

- فقط همین؟

بازم می‌بینم، ولی همش نمی‌بینم.

- چرا؟

خب مامانم نمی‌ذاره، می‌گه بسه.

- خوب از بین این کارتون‌ها کدوم رو بیش‌تر می‌بینی؟

همشو، ولی سیندرلا رو بیش‌تر می‌بینم.

- من وقتی کوچیک‌تر بودم، سیندرلا رو می‌دیدم، ولی زیاد یادم نیامد، می‌شه برام تعریف کنی تا یادم بیاد؟
خب یه دختره که خیلی خوشگل بود، تازه رنگ چشاشم رنگ چشای تو بود خاله، اسمش سیندرلا هه با نامادری و دو تا خواهراش زندگی می‌کنه، اذیتش می‌کنن، بعد با یه شاهزاده ازدواج می‌کنه، می‌ره تو قصر زندگی می‌کنه.

- افسانه دخترهای دیگه هم هستن که لباس‌های خوشگل و موهای خوشگل‌تر از سیندرلا دارن، اون‌ها رو نگاه نمی‌کنی؟

چرا خب دوازده تا خواهرم قشنگه (شخصیت‌های این کارتون، همانند سیندرلا و سفید برفی با نامادری و پدر خود در قصر زندگی می‌کنند).

- افسانه بیش‌تر کارتون‌هایی که می‌بینی، تو قصر زندگی می‌کنی؟

نه، بعضیا اولش تو قصر نیستن، یه زندگی معمولی دارن، مٹ مٹ، ولی بعدش می‌رن تو قصر، بعضیاشونم از اول تو قصر زندگی می‌کنن.

(افسانه به این باور دارد به دلیل این که آن‌ها هم زندگی متوسطی دارند همانند خودش هستند و چون آن‌ها بعدها به قصر می‌روند او هم حتماً به قصر می‌رود).

- چرا می‌گی مثل تو هستن؟

خب ما هم زندگی معمولی داریم، تازشم اونا با نامادریشون زندگی می‌کنن.

- ولی خب بیش‌تر یاشون مثل تو یه دونه خواهر ندارن، مثلاً سیندرلا که دو تا خواهر داره.

آره، ولی شبیه منن.

- افسانه خواهرت آجی واقعه خودته؟

آره.

- پس چه جور می‌گی مثل تو زندگی می‌کنی؟

خب نامادری دارن دیگه.

- مامانت (نامادری) با تو چه جور رفتار می‌کنه؟

امممممم خوبه.

- دوستش داری؟

آره خب.

- اون هم دوستت داره؟

آره، ولی بعضی وقتا مثل نامادری سیندرلا، من و آجیم رو اذیت می‌کنه.

- خوب به بابات نمی‌گی؟

بابام می‌گه دوستون داره. تاااازشم خاله خیلی اونو دوس داره، حرف ما رو قبول نمی‌کنه. خاله به

کسی نگو، ولی فکر کنم اونم دوست داره بابام برای همیشه بره، همه چیز برا خودش بشه، منو آجیمو

اذیت کنه.

- ولی من حس می‌کنم نامادری شما زن خوبیه‌ها؟

آره خوبه، ولی بعضی وقتا اذیت می‌کنه...

- افسانه اگه سیندرلا مثل تو نامادری داره، خب اونم فرشته داره، فرشته تو کی هست؟

مامانمه.

- نامادريت يعنى؟

نه، مامان خودمه.

- مامان تو كه وقتى كوچيك بودى، از پيشت رفت، ولى فرشته پيش سيندرلا بود.

آره، ولى بعضى وقتا كه نامادريم دعوام مى كنه، من مى رم مى خوابم، خواب مامانمو مى بينم، مٹ سيندرلا كه گريه مى كرد، سرشو گذاشت رو پاى فرشته، منم سرمو گذاشتم رو پاى مامانم، اونم منو ناز مى كرد».



۱۶-۲- پر رنځ شدن نقاش دوست جنس مخالف از اوان كودكى

نقاشى پايين متعلق به سحر ۵ ساله است، از سحر خواسته شده است كه نقاشى باربى را بكشد، اما او به شكل خودكار نقاشى دوست پسر باربى را نيز در کنار باربى كشيده است.



فرهنگ انسان مدار غرب، انسان را در پى به حداكثر رساندن رفاه و لذت خود مى بيند، از اين رو در فرهنگ اخير مسأله لذت گرايى نقش بارز و مهمى داشته، به هر صورت ممكن بايد لذت گرايى اخير محقق گردد.

رابطه بعضاً بدون قید و بند دو جنس، متضمن قسمتی از لذت‌گرایی اخیر به شمار می‌آید. انعکاس مسأله اخیر، خاصه در فضای مجازی که در آن هرزه‌نگاری به صورت صنعت دیده شده و قریب ۷۰٪ در آمد اینترنت از قیل آن تأمین می‌گردد (تیلور^۱ و کوایل^۲، ۲۰۰۳)، با تقلیل روابط انسانی دو جنس و افزایش روابط هوس‌مدار آنان توأم است. به این معنا که اگر بحث معطوف به کودکان خردسال شود، ملاحظه می‌شود که محصولات فرهنگی تولید شده برای این کودکان، مشحون از روابط تعریف نشده دو جنس است. کودکان پیش‌دبستانی کاربر بازی‌های دیجیتال، کارتون و یا فیلم و سریال، حتی در بازی‌ها، پویانمایی‌ها، کارتون‌ها و فیلم‌هایی که قهرمانان آن جوان‌ها هستند، با مواردی نظیر دوستی دو جنس مواجه می‌گردند:



الگوی عروسکی - کارتونی باربی که بیش از نیم قرن سابقه دارد، اگرچه در این مدت با دوست پسر تعریف شده‌اش کین، روابط خود را به هم زده است، اما پس از آشتی مجدد باز هم کارش به ازدواج با دوست پسرش نرسیده است.



1. Taylor, M.
2. Quayle, E.

در بسیاری از بازی‌های آرایشی که خاصه دختران به انجام آن مبادرت می‌ورزند، دختران خردسال موظف هستند پس از آرایش باربی، دوست پسری نیز برای وی انتخاب کرده، در کنار وی قرار دهند. نگار ۵ ساله، در همین ارتباط بیان می‌داشت:

«بعد از این که باربی رو آرایش کردی، باید براش مرد انتخاب کنی. من هم بعد از این که باربی رو خوشگل کردم، پیشش یه مرد قشنگ گذاشتم که با هم باشند».

نگاهی به الگوهای مطرح در بازی‌های دیجیتالی و کارتون‌های آن سوی آب (مانند باربی، برتزا، آنا و السا، بن‌تن، بت‌من، اسپایدرمن و نظایر آن‌ها)، حکایت از آن دارد که به شکل بلامنازعی تمامی این الگوها، دوستی از جنس مخالف را در کنار خود دارند.



هم‌زمان با طرح دوست جنس مخالف در کنار قهرمان‌های مطرح در بازی‌ها و کارتون‌ها، روابط جسمانی آن‌ها نیز کم و بیش به نمایش درمی‌آید. به عنوان مثال، وقتی قهرمانان کارتون اسکوبی دوو (که دو پسر و دو دختر هستند)، موفق به بیرون کردن اشباح از سالن نمایش می‌گردند، با در آغوش گرفتن و بوسیدن یکدیگر شادی و شادمانی خود را به معرض دید قرار می‌دهند.



در بسیاری از بازی‌ها و کارتون‌ها، روابط جسمانی اخیر، به جای نفی شدن، در حاله‌ای از قداست نیز پیچیده و ارایه می‌گردند. به عنوان مثال، در کارتون زیبای خفته، شاهزاده تنها با بوسه یک دختر از خواب مرگ بیدار می‌شود. در کارتون یخ زده (فروزن) نیز پس از آن که آن‌ها توسط خواهرش به اشتباه یخ می‌زند، بوسه یک مرد گرما را به وجود وی برگردانده، قلب یخ زده او شروع به تپیدن دوباره می‌کند. در کارتون شهر اشباح هم شبحی که عاشق یک دختر زمین شده است، برای جدا شدن از او، وی را بوسیده، سپس به آسمان می‌رود و در آنجا نابود می‌شود.



در کارتون فوتبالیست‌ها نیز پس از مرگ پدر سوباسا، مادرش دوست پسری انتخاب می‌کند که با وی برخی از روابط جسمانی را دارد (در تلویزیون ایران دوست پسر مادر سوباسا، با عنوان عموی سوباسا معرفی شده است).



سهیل ۶ ساله که کارتون فوتبالیست‌ها را بدون سانسور دیده بود، در مصاحبه‌اش در همین رابطه، چنین بیان می‌داشت:

«- سهیل جان تو دوست پسر رو از کی یادگرفتی؟
سوباسا.

- خوب دوست پسر یعنی چی؟
یعنی دختر رو ماچ کنه و بعضی وقتام با هم بیرون برن.
- توی کارتون سوباسا کی از این کارها می‌کرد؟
دوست پسر مامانش».

یاسمین ۶ ساله، در توصیف کارتونی که از باربی دیده بود، بیان می‌دارد که باربی (در عمل) جایزه یکی از دو پسری گردید که در مسابقه برنده شد.

«- کین چه کار می‌کرد؟

کین با اون پسره‌ی دیگه، دو تا باربی پسر داشت.

- باربی با دو تا پسرها بود؟

آره. داداشاش نبودن که. ازدواج کرد.

- با کدومشون ازدواج کرد؟

نگاه کن... این با این دوست شده، اینم با این دوست شده، ولی این با همدیگه ازدواج کردن.

- چه طور با همدیگه آشنا شدن؟

نمی‌دونم.

- کین رو بیش‌تر دوست داشتی یا باربی رو؟

باربی... نه، کین! کین!

- چرا کین رو؟

چون که کین از همه... اون پسره فقط شکلات... روز چی می‌گن... روز... سحر بود، کین فقط شکلات

صورتی خودش درست کرد. کین هم از شکلاتا که توش کادو می‌ذارن... شکلاتای قلبی... بیش‌تر خب...

یه مسابقه بود دیگه... قرار بود هر کی ببره بره با باربی. کین برنده شد. رفت پیش باربی».

مصاحبه‌های انجام شده با کودکان پیش‌دبستانی دلالت بر آن دارد که کودکان اخیر پس از کاربری بازی‌ها و کارتونهایی که از نمونه‌هایی از آن‌ها یاد شد، در عمل احساس می‌کنند که دوست جنس مخالف به مثابه مسأله‌ای اساسی در زندگی مطرح است و شخصاً به دنبال رفع نیاز اخیر برآیند.

دنیای ۳/۵ ساله در مصاحبه خودش بیان می‌دارد السا و آنا پدر و مادر ندارند، بلکه تنها داداش دارند:

«- خاله توی روز چه قدر کارتون می‌بینی؟

کم.

- کم کارتون می‌بینی؟

(مادر با دستانش نشان می‌دهد و می‌گوید: ماما کم یعنی این قدر و زیاد یعنی این قدر، تو چه قدر

می‌بینی؟)

دنیا با دستانش حجم زیاد را نشان می‌دهد.

- خوب پس زیاد کارتون می‌بینی. حالا چه کارتونهایی می‌بینی؟ اسماشون رو بهم بگو ببینم چه قدر

یادته.

سوفیا، پرنسس‌ها، السا و آنا.

- پرنس‌ها همونی هستن که باله می‌رقصن؟

آره.

- بلدی داستانشون رو برام تعریف کنی؟

خب اصن یادم نمیداد.

- خیلی خوب، بین السا و آنا کدوم یکی رو بیش‌تر دوست داری؟

(دنیا خیره خیره نگاه می‌کند).

- السا اون مو بلنده هست که لباس آبی تنشه و با دست‌هایش یخ درست می‌کنه.

خب.

- خوب حالا اون رو بیش‌تر دوست داری یا اون یکی که موهاشو ۲ تایی می‌بنده و اسمش آنا هست؟

آهان فهمیدم کیو می‌گی! آنا و السا رو می‌گی!

(کودک السا و آنا را نمی‌شناسد ولی آنا و السا را می‌شناسد!).

- السا آنا رو هم گفتی می‌بینی!

السا آنا؟

- آنا السا دیگه!

آره، اونا رو می‌بینم.

- چون اون سوفیا و پرنسس رو گفتی بیا واسم تعریف کن ببینم، درباره چی بود.

وایسا فکر کنم (اندکی سکوت می‌کند). بذار برم خونمون ببینم، میام راست تعریف می‌کنم.

- دیگه چی می دیدی؟
پرنسس‌ها.

- همون ۱۲ تا خواهر؟

آره. مختارم می دیدم (مختارنامه که از صدا و سیمای ملی پخش می شد).

- الان هم اون رو توی دستگاه می بینی؟

نه، اون که تموم شد. مال تلویزیون بود.

- حالا که اون تموم شده، تو پرنسس‌ها رو می بینی؟

پرنسس‌ها با آنا السا.

- وقتی نگاه می کنی، خونشون رو هم نشون می ده؟

آره.

- خونشون چه شکلیه؟

یخیه!

- می تونی برام بیش تر بگی؟ من کارتونشو ندیدم، می خوام بدونم خونه‌هاشون چه شکلیه.

من فقط، السا خودش می دونه، لوسترها رو چه جور می کنه، همه چی رو خودش درست می کنه.

(جمله بندی صحیح: نه من فقط می دونم که السا خودش می دونه، چه جور لوسترها و همه چی رو

درست کنه).

کلاً بزرگ درست می کنه لوسترها رو.

- خودش درست می کنه؟

آره دیگه.

- مگه چه کاره هست که می تونه همه چیز رو یخی درست کنه؟

نمی دونم، ولی نمی ذاره خواهرش بیاد تو.

- چرا نمی گذاره خواهرش بیاد تو؟

آنا می گه بیا برگردیم خونه ی خودمون.

- خوب؟

اونم (السا) از خونه یخیه خودش میاد بیرون، پیش آنا، بعد اون (آنا) می گه که داداشش رو دوست داره.

- مگه داداش هم دارن؟ من فکر می کردم ۲ تا خواهر هستن!

آره دیگه، اون داداششونه، آنا داداش داره، السا هم داداش داره، ولی مثل دزدا می مونه.

- از کجا فهمیدی مثل دزدها می مونه؟

از لباساش.

- مگه لباساش چه جوریه؟

مثه دزدا می مونه.

- خیلی خوب، داشتی می گفتی که چرا السا اجازه نمی ده آنا بیاد تو خونه اش.
- اصن اون (السا) نمی ذاره بیاد تو.
- السا بد اخلاق بود؟
- آره، اصن نمی ذاشت آنا و داداشش بیان تو، فقط خونه یخیش رو درست کرده بود، نمی ذاشت بیان تو».



البته لازم به ذکر است، داداشی که دنیا در ۳/۵ سالگی از آن یاد می کند، با تحول ذهنی بیش تر وی، بلافاصله تبدیل به دوست جنس مخالف می گردد.



مصاحبه های انجام شده با کیمیای ۵/۵ ساله و آزیتهای ۶ ساله، نمونه های بارزی در جهت طرح قدرت مند دوست جنس مخالف توسط کارتون ها و پویانمایی های آن سوی آب را در اذهان کودکان ایرانی به دست می دهند:

«- کیمیا مرسته دوستته؟

آره.

- اونم می خواد وقتی بزرگ شد، باله برقصه؟

نمی دونم دیگه.

- اونم شبیه باریبه؟

نه نیس، اون تپله، دوس پسرم نداره.

- مگه تو داری؟

(با صدای آرام می گوید): آره.

- کی هست؟

تو مهد کودکه.

- اسمش چیه؟

رادین.

- چند سالشه؟

۵ سالشه.

- رادین دوست پسرته؟

آره.

- خوب دوست پسر ت با بقیه دوست‌ها ت چه فرقی داره؟

خب، آه نمی‌دونم، همه دخترا دارن.

- مثل کی؟

مته مینا (دختر همسایه طبقه پایینی) و مته بل (شخصیت کارتونی)، مته سیندرلا، مته باریبا، مته

همشون دیگه.

- این‌ها همشون دوست پسر دارن؟

آره.

- از کجا می‌دونی؟

خودم دیدم.

- تو کارتون دیدی؟

آره تو ایستا (اینستا گرام) دیدم.

- چی دیدی؟

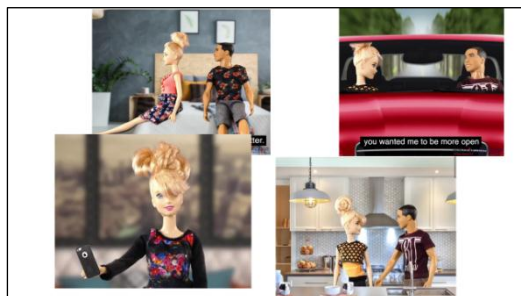
دیدم می‌رن ماشین سواری، می‌رن شام می‌خورن، کادو می‌خرن، فیلم می‌بینن، می‌خوانن.

- می‌شه به منم نشون بدی؟

بیا ببین.

- یعنی همه با دوست پسرشون همین کارها رو می‌کنن.

آره».



«- خوب آزیتا بیش‌ترین چیزی که تو توی کارتون شهر اشباح دوست داشتی چی بود؟
سایمون.

- چرا سایمون رو دوست داشتی؟

خوشگل بودش.

- کسی رو مثل سایمون خوشگل دیدی؟
نه.

- مامان و بابات رو بیش‌تر دوست داری یا سایمون رو؟
سایمون رو.

- خاله مریم (پرستارش) رو بیش‌تر دوست داری یا سایمون رو؟
بازم سایمون.

- دوست داری سایمون الآن پیشت بود؟
من خودم یکی دارم.

- تو یه سایمون داری؟
آره.

- خوب سایمون تو کجاست؟
یه وقتایی میاد خونمون.

- سایمون چه جوری میاد خونتون؟
با مامانش میاد.

- چه جوری، پس چرا کسی نمی‌بینتشون؟
چرا مامانم خودش در رو براشون باز می‌کنه. خودم دیدم به مامانش پولم می‌ده.

- مگه مامانش چه کار می‌کنه؟

مامانش خونمونو جارو می‌کشه و می‌شوره.

- خوب اون وقت سایمون چه کار می‌کنه؟

به مامانش کمک می‌کنه و آشغال رو بیرون می‌بره (آزیتا به پسر خانمی که به خانه آن‌ها رفته و خانه
را تمیز می‌کند، سایمون می‌گوید).

- سایمون هم سن تو هستش؟

نه، بزرگ‌تره.

- تو از کجا می‌دونی اون سایمون تو هستش؟

از باغچمون گل کند، برام آورد.

- خوب مامانت دید که برات گل آورد؟

نه، وای خاله به مامانم نگي وگر نه منو مي كشه.

- چرا، مگه مامانت نمي دونه؟

نه، مامانم مي گه، بايد با اونايي كه مثل ما خونه و ماشين خوشگل دارم، حرف بزني.

- اگه بفهمه چي مي شه؟

نباید بفهمه، به من گفت كه نزديك سايمون نشم.

- اسم واقعي اين پسر سايمون هستش؟

نه، من اسمشو نمي دونستم، ولي چون شبیه سايمون خوشگل بود، اسمشو سايمون گذاشتم.

- سايمون چي داشت كه به اون خوشگل مي گي؟

موهاي مشكي، چشم ريز مشكي و پوست سفيد.

- سايمون هم اينها رو با هم داشت؟

واي آره خاله (كودك از يادآوري پسر خدمتكار خانه هيچان زده مي شود).

- مي دوني سايمون تو، چندسالش هست؟

نه، ولي مي دونم بزرگ تره.

- از كجا مي دوني بزرگ تره؟

يه وقتايي كتاباشو باز مي كنه و درس مي خونه».

فرزام ۶/۵ ساله نيز دوست دختر را در عمل جايگزين خانواده مي داند:

«- كنستانتين ديگه چه كارهايي مي كنه كه تو خوشتر مياد؟

تنها زندگي مي كنه!

- تو از اين كه اون تنها زندگي مي كنه، خوشتر مياد؟

آره... .

- چرا؟

خب خيلي خوبه... هيشكي به آدم دستور نمي ده... آدم اشغال تخمه رو مي ريزه زمين... همه جا رو

كثيف مي كنه. همه اش فيلم نگاه مي كنه.

- اسپايدرمن هم تنها زندگي مي كنه؟

آره!

يعني دوست نداري يه روز عروسي كني و بابا بشي؟

نه!

- اون وقت مريض بشي كي مياد مراقبت باشه؟

- دوست دخترم!

- به دوست هات يا مامان و بابات اين مسأله رو گفتي؟

مامان بابام كه نه، ولي يه بار به پارسا گفتم، گفت منم ميام پيشت... .

- یعنی اون هم میاد پیش تو تا با هم زندگی کنید؟
آره دیگه... می‌گفت، اگه مثل بابام با مامانم دعوا شد، میام پیش تو.
- فرزام به نظرت اسپایدرمن یا کنستانتین می‌تونن یه روز بابای خوبی بشن؟
نه.
چرا؟
اون‌ها اصلاً هیچ وقت عروسی نمی‌کنن.
- تو اگه یه روز بخوای بابا بشی، چه کار می‌کنی؟
می‌رم مثل من نفرت‌انگیز از پرورشگاه بچه میارم... ولی من تنها زندگی می‌کنم».

۱۷-۲- استقبال از دید فردگرایی (غرب)

جوامع بشری مختلف را از منظری می‌توان به دو طبقه کلی جوامع فردگرا و جوامع جمع‌گرا تقسیم کرد. در جوامع فردگرا، این جوامع به دلیل اهمیت و اصالتی که برای انسان قایل هستند، فرد در محور همه معادلات قرار دارد و باید بستر لازم برای رشد و شکوفایی استعدادهای فردی وی فراهم آید. بالطبع دخالت نهاد دولت در امور فردی انسان‌ها (تا جایی که مخل آزادی دیگران نباشند)، مورد پذیرش نخواهد بود و حقوق فردی فرد، در هر شرایطی باید رعایت شده و حفظ گردد.

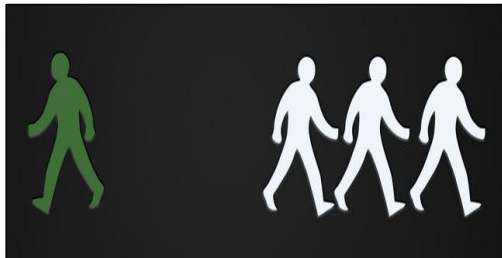


در نظام‌های فردگرا هر فردی دارای خلوت و حریم خصوصی فیزیکی، روانی و عقیدتی خویش است و این حریم باید از جانب دیگران محترم شمرده شود. اما در برابر، در جوامع جمع‌گرا، اهمیتی که در فرهنگ انسان‌مدار و اومانیستی به انسان داده می‌شود، به جامعه داده می‌شود و پیش از آن که فرد محور معادلات انسانی در جامعه قرار گیرد، جمع در محور توجه قرار دارد و باید پیش از آن که به فرد توجه کرد، به جمع توجه لازم را معطوف داشت.

در جوامع جمع‌گرا، برخلاف جوامع فردگرا، اهداف جمعی دارای اولویت هستند، باورهای فرد توسط جمع تعیین می‌شود، روابط اعضای گروه، قوم و قبیله، بسیار نزدیک، صمیمی و تنگاتنگ است، دوستی

در بین افراد از عمق زیادی برخوردار است و هنجارها و ارزش‌های مورد نیاز جامعه، توسط گروه مرجع، سنت یا عرف تعریف و ارایه می‌گردد.

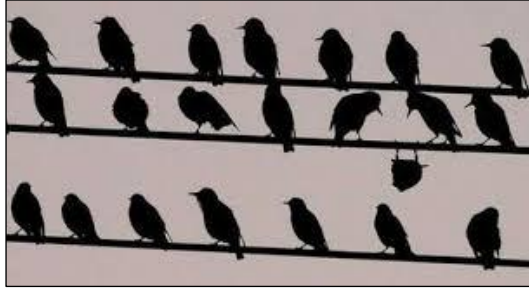
البته همان‌گونه که از مشاهدات اجتماعی افراد برمی‌آید، برخی از مطالعات انجام شده حکایت از آن دارند که در یک فرهنگ جمع‌گرا، افراد فردگرا و در یک فرهنگ فردگرا، افراد جمع‌گرا نیز حضور دارند، اما برتری نسبی در فرهنگ فردگرا با افراد فردگرا و در فرهنگ جمع‌گرا، با افراد جمع‌گرا است. برتری علمی، اقتصادی و سیاسی غرب طی چند قرن اخیر، بستری برای جافتادن فلسفه سیاسی غرب که همان فردگرایی است، پدید آورده است و کشورهایی مانند چین، ژاپن و هند که از فرهنگ جمع‌گرایی با خلوص بالایی برخوردارند، در گذر زمان، از میزان خلوص جمع‌گراییشان کاسته شده، به تدریج به سمت جلوه‌هایی از فردگرایی و فرهنگ فردگرا، سوق یافته‌اند.



آنچه در تحول جوامع جمع‌گرا به سمت جوامع فردگرا قابل اهمیت است، فروریزی ارزش‌ها و هنجارهای جمعی پیشین و جابه‌جایی این ارزش‌ها و هنجارها با ارزش‌ها و هنجارهای فردی است، اما تا زمانی که هنجارهای فردی لازم در جوامع جمع‌گرا شکل گرفته و جایگزین هنجارها و ارزش‌های جمع‌گرا شوند، خلاء ارزشی و هنجاری پدید آمده، موجب افزایش برخی از آسیب‌های اجتماعی در جوامع جمع‌گرا خواهد شد.

دانشنامه ویکی‌پدیا، در توصیف گذر ایران از فرهنگ جمع‌گرا به سمت فرهنگ فردگرا می‌نویسد: «کشورهایی مانند ایران که هم‌اکنون درگیر دوره گذار از جمع‌گرایی به فردگرایی هستند، به علت تازه بودن این امر و همچنین پیشرفته بودن قوانین جمعی و سنتی، دچار چالش‌های بسیاری در طی گذار از این مسیر شده‌اند. ایرانی جمع‌گرا در مواجهه با نسل‌های جدید که احترامی برای قوانین و عرف‌های سنتی قابل نیستند، دچار سرخوردگی عمیقی شده‌است، زیرا خوشبختی دیرینه‌اش را از دست داده است. این امر امروزه با ظهور مشکلات مالی و معیشتی حاد، انحرافات اخلاقی، سست شدن پایه اعتقادات و... دیگر مشکلات روزمره مردم آمیخته گشته است و جامعه‌ای سرخورده و افسرده را پدید آورده است. مردم به قوانین اجتماعی احترام نمی‌گذارند، کینه‌ای عمیق بین قومیت‌ها و همچنین ساکنان شهرها شکل گرفته است، انواع ترمدهای اجتماعی و مدنی از قوانین حقوق بشر به صورتی قانونی و آشکار صورت می‌گیرد که همه و همه از مظاهر گذار از جمع‌گرایی به فردگرایی هستند».

بررسی بازی‌های دیجیتالی و کارتون‌هایی که توسط تبلت، پی‌اس‌فور، تلفن همراه، رایانه و ماهواره در اختیار کودکان ایرانی قرار می‌گیرد، دلالت بر آن دارد که کودکان به شکل غیرمستقیم با اندیشه‌ها و اعمال فردگرایانه آشنا شده، از جلوه‌های جمع‌گرایی فرهنگ خویش فاصله می‌گیرند.



عمق فردگرایی اخیر چنان زیاد است که حتی خانواده نیز در بازی‌های دیجیتالی و کارتون‌های غربی مورد کاربری کودکان ایرانی، کم رنگ بوده و اثر چندانی از آن پیدا نیست. به این معنا که وقتی از کودکان کاربر بازی‌ها و کارتون‌های باربی، برتز، آنا و الساء، بن‌تن، اسپایدرمن، بت‌من و مانند آن‌ها، از خانواده قهرمان‌های مورد نظر پرسش به عمل می‌آید، آن‌ها با شگفتی از تنهایی قهرمان‌های مزبور یاد می‌کنند. مصاحبه‌های زیر که با دایانای ۵ ساله و بهراد و رضا، روشا و محمدطاهای ۶ ساله، صورت پذیرفته است، نمونه‌های بارزی در این جهت را به دست می‌دهند:

«- دایانا خانم، باربی دیگه چی داره؟»

شکلات داره... ماشین داره... همینجا دیگه.

- خونه هم داره؟

آره.

- خودش خونه داره؟

آره.

- تنها زندگی می‌کنه؟

آره... ولی فک کنم خواهر برادر هم داره.

- باربی دیگه چی داره؟

شکلات داره... ماشین داره... همینجا دیگه.

- لوازم آرایش هم داره؟

آره.

- چی‌ها؟

رژ لب...»

«- باب اسفنجی چه کار می‌کنه؟

بهراد: ادا بازی در میاره... با پاتریکم دوسته.

- مامان و بابا داره؟

بهراد: هم پاتریک مامان بابا داره، هم باب اسفنجی.

- با مامان و باباش زندگی می‌کنه؟

بهراد: نه.

- تو مامان و باباش رو دیدی؟

بهراد: نه، یه روزایی می‌رن بهشون سر می‌زنن دیگه.

- باب اسفنجی چه کار می‌کنه؟

بهراد: باب اسفنجی هم فقط با پاتریک دوسته.

- مامان و بابای بن‌تن رو دیدی؟

بهراد: نه.

- بن‌تن مامان و بابا داره؟

رضا: یه آجیسه و یه باباش، فقط همین.

- باباشه یا بابا بزرگش؟

رضا: بابا بزرگش.

- پس مامان و بابا نداره؟

بهراد: نه.

- مامان و بابای لاک‌پشت‌های نینجا رو دیدی؟

رضا: لاک‌پشت‌های نینجا مامان و بابا ندارن، ولی استادشون هست.»



«- روشا باب اسفنجی مامان و بابا هم داره؟

آره.

- اسم دوستش چیه؟

پاتریکه.

- با هم زندگی می کنن؟

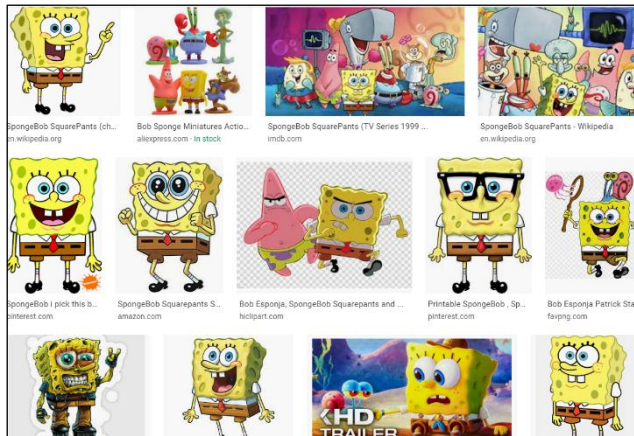
نه خونشون جدایه.

- تنها زندگی می کنن؟

آره، ولی پدر و مادرش با هم هستن، ولی باب اسفنجی از پدر و مادرش جدا هست.

- چرا جدا زندگی می کنه؟

دوست داره تنها باشه».



«- خوب...این عکس کیه روی جورابت؟

بن تن.

- بن تن رو هم می شناسی؟

آره.

- اون چه کار می کنه؟

اون با چند تا دوسته... باز اونم می جنگه.

- با چه کسانی؟

یه دونه بده... اون از فضا اومده... با اونا می جنگه.

- این که شبیه تو هست... خیلی کوچولوئه...چه جوری می جنگه؟

نه... این ببین... یه دونه ربات داره... چند تا ربات داره... پلنگ و شیر و گوریل... .

- خوب با ربات هاش چه کار می کنه؟

این یه دونه یه دونه سوار می شه... گوربله از همه قوی تره... اون همیشه می زنه.

- مامان و باباش کین؟

مامان بابا نداره.

- مامان و بابا نداره؟

همون با دشمنای جنگه، اونا مامان باباشو کشتن... واسه همون باهاشون می جنگه.

- پس مامان و باباش رو دشمناش کشتن، پس با کی زندگی می کنه؟

رباتاش.

- کی براش آشپزی می کنه؟

خودش.

- کی ازش نگه داری می کنه؟

خودش.

- خودش تنها؟

آره».



نکته دیگری که در همین ارتباط لازم به ذکر است، آن است که بازی‌های دیجیتالی برخلاف بازی‌های سنتی، در غالب موارد به تنهایی صورت می‌پذیرند (و تازه در موارد جمعی بازی‌ها، به دلیل رقابت موجود بین بازیگران، ماحصلی جز تکدر خاطر آنان از یکدیگر ندارند)، در حالی که بازی‌های سنتی به صورت جمعی برگزار می‌شدند و در عین آن که اسباب تفریح و تنوع و سرگرمی کودکان را فراهم می‌آوردند، به روابط دوستانه بچه‌ها عمق می‌بخشیدند، آنان را به تحرک و خلاقیت وامی‌داشتند و همکاری دسته جمعی بین آنان را پدید می‌آوردند.

بازی‌های دیجیتالی، به دلیل وارد کردن کودک در بازی‌های جذاب، با گرافیک شگفت‌انگیز و ارضای نسبی کنجکاوی‌های کودک، وی را از تعامل مثبت و مؤثر با سایر دوستان و افراد هم سن و سالش باز می‌دارد و شواهد گردآوری شده، دلالت بر آن دارند که حتی خاله بازی بچه‌ها نیز تحت تأثیر فناوری‌های دیجیتالی، به صورت دیجیتالی درآمده است، به این معنا که کودکان به فرض

هنگام ملاقات یکدیگر در یک میهمانی خانوادگی، با وجود آن که در کنار هم هستند، یا سرگرم بازی با تبلت و گوشی خودشان هستند یا دست به انتقال اطلاعات جدید به یکدیگر می‌زنند تا بیش از پیش در هاله تنهایی خود فرو بروند و یا آن که با ارسال شکلک برای یکدیگر، با هم ارتباط استیکری برقرار می‌کنند. مصاحبه با فاطمه ۴ ساله، مصدق‌ای از همین معنا است:

«- فاطمه خانم تبلت داری؟»

آره.

- با تبلت چه کار می‌کنی؟

کارتون می‌بینم...

- دوست‌ها هم تبلت دارن؟

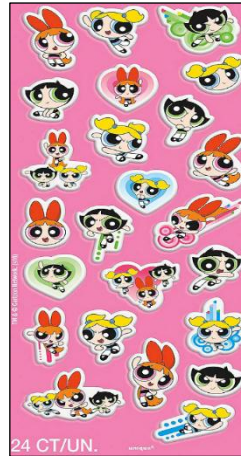
آره، اونام تبلت دارن.

- روی تبلت‌هاشون بازی دارن؟

آره.

- دوست‌ها هم تبلت دارن؟

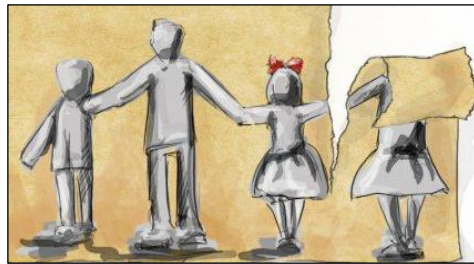
نه، خودم می‌گردم، دانلود می‌کنم، خودم بازی می‌کنم.»



بنابراین با توجه به کاربری گسترده کودکان ایرانی از بازی‌ها و کارتون‌های غربی از سویی و عقب افتادن شبکه‌های داخلی کشور (نظیر شبکه پویا) از شبکه‌های خارجی (نظیر جم جونیور و مانند آن)، به نظر می‌رسد مقوله فردگرایی، با جدیت بیشتری برای کاربران خردسال ایرانی مطرح شده، آنان را از فرهنگ نسبتاً جمع‌گرای کشورشان به سمت فرهنگ فردگرایی غرب سوق می‌دهد.

۱۸-۲- کم رنگ شدن نسبی اهمیت خانواده برای کودک

خانواده در طول تاریخ بشری نهادی مستمر و همیشه پا برجای بوده است. کارکردهای این نهاد، زیستی، تربیتی، روانی، اجتماعی و معنوی است. جامعه‌شناسان در تعریف کارکرد خانواده، کارکردهای مهم آن را تنظیم رفتار جنسی، تداوم نسل، حمایت و مراقبت، ایجاد آرامش روانی، ارضای نیازهای عاطفی، پرورش معنوی، مشروعیت بخشی به فرزندان، جامعه‌پذیری فرزندان، کنترل و نظارت می‌دانند.



بررسی خانواده در عصر حاضر حکایت از برخی از تحولات نسبی آن دارد. به این معنا که طی یکی دو قرن اخیر، تحولاتی مانند تحول جوامع جمع‌گرا به سمت جوامع فردگرا (و تبدیل خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای)، گسترش فناوری‌های ارتباطی (که تحولاتی گسترده‌ای در سبک زندگی مردم جوامع مختلف پدید آورده است و از تفریحات و گذران فراغت افراد گرفته تا اعتقادات دینی، مصرف ازدواج و تربیت فرزندان آن‌ها را تحت تأثیر خود قرار داده است)، وقوع تحولات بین نسلی (خاصه در ایران که سبب فاصله‌گیری نسل‌های جوان‌تر از نسل‌های بزرگسال شده است)، چرخش خانواده از پدرسالاری به فرزندسالاری (که کاهش اقتدار اولیا را دربرداشته است)، و کاهش میزان فرزندآوری خانواده‌ها (که گذشته از قریب یک چهارم خانواده‌های ایرانی که فاقد فرزند هستند، طبق آمارهای مختلف، قریب ۳۰٪-۲۰٪ آن‌ها تک فرزند هستند)، در مجموع سبب شده است که خانواده‌های جدید، تفاوتی کیفی با خانواده‌های دهه‌ها و اعصار گذشته را به معرض دید بگذارد.

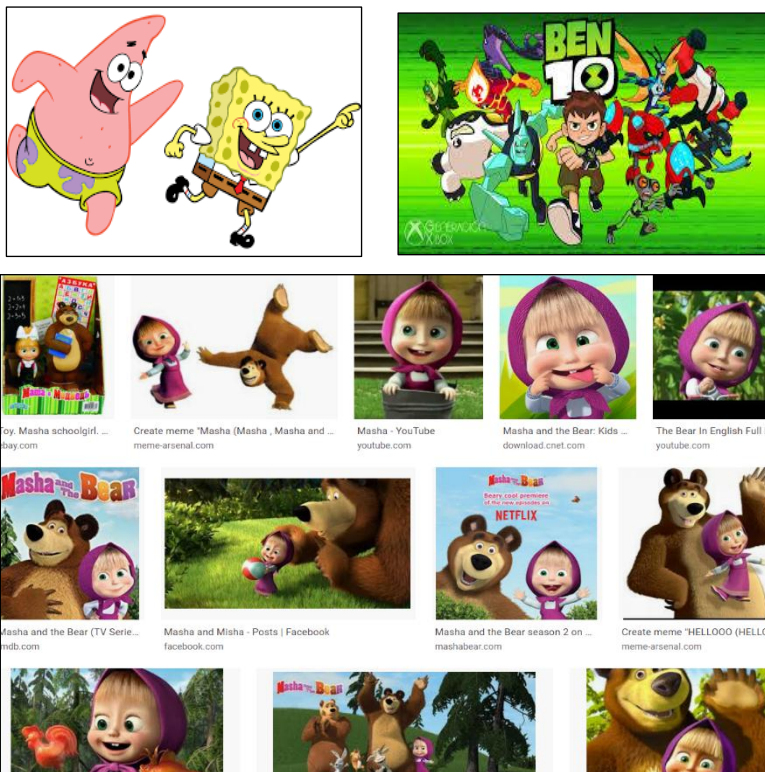
اگر بخواهیم ماحصل تحولات اخیر را مورد بررسی قرار دهیم، می‌توان بیان داشت از سه نقش عمده حمایتی، هدایتی و نظارتی خانواده در ارتباط با فرزندان، نقش نخست با فرارسیدن دوران فرزندسالاری پررنگ‌تر از گذشته شده است و فرزندان خانواده‌ها با احساس خود در مرکزیت عواطف خانواده، خود را محق می‌دانند که به انواع مختلف خواست‌های درست و نادرست خویش را به اولیای خانواده تحمیل کنند، اما نقش هدایتی خانواده (که بیش‌تر مشوق فرزند به سمت انجام کارها و رفتارهای انسانی و ارزشمند بود) و نقش نظارتی آن (که بیش‌تر معطوف به انذار فرزند از تخطی و اصلاح رفتارهای نادرست وی بود)، کم رنگ‌تر شود.

با کم رنگ‌تر شدن نقش هدایتی و نظارتی خانواده، خود به خود نقش رسانه‌ها (و حتی رسانه‌های آن سوی آب که به دلیل فرا رسیدن عصر جهانی شدن، به سادگی شهروندان داخل را تحت تأثیر قرار می‌دهند)، بیش‌تر و بیش‌تر شده و جای خالی بعد هدایتی و نظارتی خانواده را به شکل نسبی پر کرده و می‌کنند.



بررسی میدانی گروه پژوهش، دلالت بر آن دارد که کودکان خردسال ایرانی، از کاربری از البسه قهرمان‌های (غالباً غربی) مورد علاقه‌شان گرفته تا کپی‌برداری از حرکات، سکنتات و افکار و اندیشه‌های آنان را مورد توجه خود قرار می‌دهند و در این میان به دلیل کم‌اهمیتی خانواده در بازی‌های دیجیتالی و کارتون‌ها و فیلم‌های غربی، کودکان خردسال ایرانی نیز با بی‌اهمیتی با خانواده و اولیای خویش برخورد می‌کنند. به این معنی که در بسیاری از کارتون‌ها و پویانمایی‌های تهیه شده در آن سوی آب، خانواده نقش کم‌رنگی داشته و در بسیاری از موارد مقوله گم و ناپیدایی است. به عنوان نمونه در کارتون‌ها و پویانمایی‌های باربی، برتز، السا و آنا، بن‌تن، باب اسفنجی، میشا و ماشا و بسیاری دیگر از کارتون‌های دیگر، قهرمانان کارتون فاقد خانواده ترسیم شده و می‌شوند.





همان‌گونه که از آن یاد شد، کودکان کاربر بازی‌های دیجیتالی و کارتون‌های غربی، در ساده‌ترین حالت ممکن پوشیدن البسه قهرمان‌های مورد نظر خویش را پیشه خود می‌کنند.



در سطحی فراتر، کودکان دست به حفظ دیالوگ قهرمان‌های مورد علاقه خویش زده یا با توسل به آنچه در دسترس دارند، می‌کوشند تا خود را شبیه قهرمان مورد علاقه‌شان کنند:

«گزارش پژوهش‌گر:

متین ۴ سال بیش‌تر سن ندارد، اما مشاهدات من دلالت بر آن دارد، متین که به شدت کاربر بازی‌های دیجیتالی است، حتی دیالوگ‌های رد و بدل شده در بازی‌ها را هم حفظ است.»

«گزارش پژوهش گر:

اهورای ۶ ساله، تمامی دیالوگ‌های کارتون بن تن و سریال جومونگ را به خوبی حفظ بود و در جریان حرف‌هایش آن‌ها را برای من بیان می‌داشت.»
«یه بار خودمو با گواش سبز کردم، مته هالک بشم.
- چرا؟
دوسشون دارم خیلی قوی ان» (سپهر، ۶ ساله).



مصاحبه مهرداد و محمدمهدی ۶ ساله، حکایت از آن دارد که این کودکان تحت تأثیر بازی‌های و کارتون‌هایی که شاهد آن هستند، حتی نام خویش را تغییر داده‌اند:
«- مهرداد دیگه چه بازی‌هایی می‌کنی؟
مهرداد: اسمم عوض شده... خروس جنگی!
- بهت بگم خروس جنگی؟
مهرداد: آره.
- ناراحت نمی‌شی؟
مهرداد: نه.
محمدمهدی: منم اسمم عوض شده! رافائل!
- رافائل؟
محمدمهدی: آره.
- دمپایی‌هاتون رو کی براتون خریده؟
مهرداد: خودم خریدم، رفتم یه دونه زدم تو کله یارو، از مغازه برداشتم.
- پولش چی؟
مهرداد: پول نمی‌خواد که، برداشتم اومدم.
محمدمهدی: منم همین طور... رفتم برداشتم... خودشم زدم... زدم تو کله‌اش کشتمش... خفه‌اش کردم... رفته

بیمارستان... منم دمپایی هامو پام کردم».

احسان ۶ ساله نیز در مصاحبه خویش گزارش می‌کند، به صرف دیدن قایم موشک بازی باب اسفنجی و پاتریک در یک مغازه اسباب بازی فروشی، می‌خواهد با دوستش به تکرار همین عمل مبادرت ورزند:

«- با گوشه‌ی یا تبلت بازی می‌کنی؟»

آره، یه بازی روح بود، متین برام ریخته بود تو تبلت. هر جا می‌رفتی، روح می‌اومد دنبالت. من ازش خیلی می‌ترسیدم. اونم مامانم پاک کرد. یک ذره هم پو بازی کردم. اون خوب بود. حالا هم بیش‌تر بازی‌های باب اسفنجی رو بازی می‌کنم. دوست دارم مثل باب اسفنجی برم همبرگر درست کنم. باب اسفنجی و پاتریک یه بار با هم رفتن یک مغازه اسباب بازی فروشی، قایم شدن، خیلی بازی کردن. به پارسا گفتم این دفعه ما هم همین کار رو بکنیم. خیلی خوش می‌گذره».



آرشام ۶ ساله، در گفت‌وگوی خویش با پژوهش‌گر تحقیق، به صراحت بیان می‌دارد که اسپایدرمن را از پدر و مادر و خواهرش بیش‌تر دوست دارد:

«- خوب آرشام دوست داری با دوست‌هات توی پارک بازی کنی یا با اسپایدرمن بازی کنی؟ بازی اسپایدرمن.»

- آرشام کی رو از اسپایدرمن بیش‌تر دوست داری؟ هیچ‌کی.

- یعنی اسپایدرمن رو از مامان و بابات بیش‌تر دوست داری؟ آره.

- چرا اون رو از مامان و بابات بیش‌تر دوستش داری؟

چون مثل اونا ترسو نیست و همش به فکر بقیه هستش.

- تو از کجا می‌دونی که مامان و بابات ترسو هستن؟

بابام می‌خواست بره دوستش رو ببینه، ولی مامانم نداشت.

- چرا نگذاشت؟

از دوستش خوشش نمی‌اومد.

- خوب بعدش چی شد؟

بابام از ترس مامانم نرفت.

- به نظر تو بابات باید می‌رفت؟

آره.

- چرا بابات باید می‌رفت؟

دوست مهم‌تر از هر کسی هستش، مثل من و اسپایدرمن.

- آرشام اسپایدرمن رو بیش‌تر دوست داری یا خواهرت آنیتا؟

اسپایدرمن.

- چرا اسپایدرمن رو بیش‌تر دوست داری؟

چون مثل آنیتا ضعیف نیستش.

- دوستی داری که مثل اسپایدرمن دوستش داشته باشی؟

نه».

هستی ۶ ساله، در مصاحبه خویش در ترسیم شدت علاقه‌اش به السا بیان می‌دارد، او حاضر است

برای رسیدن به السا، دست به ترک پدر و مادر خودش بزند:

«- به نظر تو داستان السا و آنا واقعیه؟

داستانش که، دوستانم می‌گن عمه‌اشون رفته خارج و السا رو دیدن، ولی یخی که توی دستش هست

رو نداره، عکسشم دوستانم دیدن.

- تو هم دوست داری بری خارج السا رو ببینی؟

آره.

- خوب چرا ببینیش، تو که فیلم و کارتونش رو دیدی؟

خب آخه خیلی قشنگه، من دوست دارم برم و واقعیش رو ببینم.

- خوب وقتی ببینیش، بهش چی می‌گی؟

می‌گم خیلی خوشگله و من دوست دارم و دل‌م می‌خواد جای اون باشم.

- خوب اگه السا بهت بگه با من زندگی کن، حاضری بدون مامانت با اون زندگی کنی؟

آره، می‌رم».

مهرانه ۵/۵ ساله هم السای محبوب خود را حتی از حضرت حق، خوش اخلاق‌تر می‌داند:

«- دیگه السا چه چیزهای خوبی داره؟

خوش اخلاقه، مهربونه.

- السا خوش اخلاق‌تره یا خدا؟

السا!

- چرا السا؟

چون که من همیشه که فیلمشو می بینم، از آهنگش خوشم میاد.

- چه آهنگی می خونه؟

سریگو یه آهنگه... اما سخته بخونم».



و سرانجام عارفه ۶ ساله، تحت تأثیر بن تن، جنسیت خود را به عنوان یک دختر نپذیرفته، اصرار می ورزد که مصاحبه گر و اطرافیانش او را با عنوان عارف (و در واقع یک پسر) بپذیرند:

«دیگه من همیشه کارتونای پسرונה دوست دارم. خودمم پسرم.

- چرا تو فکر می کنی پسری؟

نگاه کن (روپوش مهدکودک را بالا می زند، بلوزی که زیر آن پوشیده حالت پسرانه دارد).

- به خاطر بلوزت؟

بلوزم که نه. من دوست دارم خودم پسر باشم. نه که به خاطر بلوزم.

- چرا دوست داری پسر باشی؟

دوست دارم دیگه.

- چرا، مگه پسرها چه جوری هستن؟

پسرا خوبن.

- دخترها مگه چشونه؟

دخترا همه رو می زنن.

- مگه پسرها بقیه رو نمی زنن؟

می زنن، ولی بعضی موقعها، بعضی موقعها نمی زنن.

- شما اگه پسر بودی چه کار می کردی؟

کارای خوب.

- الان که دختری مگه نمی تونی کارهای خوب بکنی؟

نه... من دوست دارم پسر باشم.

- الان مثلاً موهات بلنده، مثل دخترها. دوست داری موهات رو کوتاه کنی؟
آره مثل بن تن.

- دوست داری موهات رو کوتاه کنی؟
آره.

- پس چرا الان کوتاه نمی کنی؟
بزرگ بشم، کوتاه می کنم.

- الان نمی شه کوتاه کنی؟
نچ.

- چرا نمی شه کوتاه کنی؟
(جواب نمی دهد).

- اگه لباس بن تن داشته باشی، خوشحال تر می شی یا لباس السا و آنا؟
لباس بن تن. شلوار سبز، کتونی سفید و سیاه، ساعتشم یه کم سیاهه. بن تن میاد موجودات رو می زنه، اگه قرمز بشه، دیگه نمی تونه کسی رو کمک کنه. اگه ساعتش سبز باشه، می تونه بقیه رو کمک کنه.

- مثلاً شما دوست داشتی پسر باشی، چه کار کنی؟
پسر باشم کارای خوب کنم. مثلاً خب... قوی باشم.
- قوی مثل کی؟

مثل بن تن.

- السا مگه قوی نبود؟

السا فقط یخ می پاشه.

- پس بن تن قوی تر بود؟

آره، می تونست بقیه رو بکشه، ولی السا فقط یخ می کنه، غروب می شه، دوباره آزاد می شن.

- پسرها چه کار می تونن بکنن که دخترها نمی تونن؟
فرشا رو می تونن بردارن تنهایی.

- شما اگه پسر بودی، چه کار می کردی که الان نمی کنی؟
یه قوری رو مثلاً بلند می کنم. یه سنگ رو.

- کدومها رو بیش تر نگاه می کنی؟ بن تن رو یا سیندرلا و السا و آنا؟
همه رو پسرانه نگاه می کنم».



آنچه به اجمال از آن یاد شد، بیانگر شدت اثرپذیری کودکان از بازی‌های دیجیتالی، کارتونها و پویانمایی‌ها و فیلم‌ها و سریال‌هایی است که آنان در تبلت، ایکس باکس، تلفن همراه، رایانه و یا ماهواره شاهد آن هستند. بنابراین با توجه به مقدمه اخیر، می‌توان نتیجه گرفت، در صورت بی‌توجه بودن بازی‌ها و کارتونها اخیر نسبت به مقوله خانواده، کودکان کاربر این بازی‌ها نیز با بی‌توجهی با مقوله خانواده خویش برخورد خواهد کرد.

آلای ۶ ساله، در مصاحبه خویش از خورده شدن پدر و مادر قهرمان کارتون توسط هیولایی که خودش درست کرده است، یاد می‌کند:

«- آلا، دیگه چه کارتون‌هایی رو می‌بینی؟»

اووم السا. باب اسفنجی. یه کارتونی هم هست تازه شروع شده، پسره یه آزمایش کرده بود، بعد تبدیل به هیولا شد. یه هیولا که همه رو خورد. یه بارم اشتباهی مامان و بابا و مامان بزرگش رو خورد، حتی خواهرش رو هم خورد! یهو مثل زامبی اومد اینا رو خورد!

- زامبی چه جوریه مگه؟

زامبی چشاش رو چپ می‌کنه، بعد هی بقیه فرار می‌کنن، زامبی‌ها هم دنبالشون می‌رن تا اونا رو بکنن تو دهنشون و بخورن. با اون پاهای گندش، بدو بدو میاد دنبال آدما».



روشای ۶ ساله، در جریان بیانات خود اظهار می‌دارد که پاتریک پدر و مادر ندارد و پدر و مادر باب اسفنجی نیز نزد خدا هستند. ته‌مینه ۶ ساله هم بیان می‌دارد، باب اسفنجی دوست دارد که جدای از پدر و مادرش زندگی کند:

«- روشا تو چه کارتون‌هایی رو می‌بینی؟»

باب اسفنجی رو می‌بینم.

- کارتونس چه جوریه؟

باب اسفنجی می‌ره با دوستش گردش می‌کنه.

- دوستش کیه؟

پاتریک.

- مامان و باباش کجان؟

مامان بابا نداره، مامان باباش شهید شدن (!)

- مامان و بابا نداره؟

نه، مامان باباش رفتن.

- کجا رفتن؟

رفتن پیش خدا.

- مامان و بابای پاتریک چی؟

مامانش هست، ولی باباش نیست.

- بابای پاتریک کجاست؟

بابای اونم رفته پیش خدا.

- باب اسفنجی چه کار می‌کنه؟

برای مامان و باباش گریه می‌کنه.

- چه جور پول درمیاره؟

از مامانش می‌گیره.

- مامانش مگه نمرده؟

چرا، ولی براش پول می‌فرسته.

- از کجا می‌فرسته؟

از پیش خدا می‌فرسته».

«- تهمینه باب اسفنجی مامان و بابا هم داره؟

آره.

- اسم دوستش چیه؟

پاتریکه.

- با هم زندگی می‌کنن؟

نه خونشون جدایه.

- تنها زندگی می‌کنن؟

آره، ولی پدر و مادرش با هم هستن، ولی باب اسفنجی از پدر و مادرش جدا هست.

- چرا جدا زندگی می‌کنه؟

دوست داره تنها باشه».

دایانای ۵ ساله، مهربان ۵/۵ ساله و عرفانه ۶ ساله، خاطرنشان می‌سازند، باربی تنها بچه دارد، اما

شوهر ندارد و ویشکای ۶ ساله هم بیان می‌دارد، باربی مامان ندارد، اما دوست پسر دارد:

«- دایانا خانم، باربی دیگه چی داره؟

شکلات داره... ماشین داره... همینا دیگه.



- خونه هم داره؟

آره.

- خودش خونه داره؟

آره.

- تنها زندگی می کنه؟

آره... ولی فک کنم خواهر برادر هم داره.

- باری دیگه چی داره؟

شکلات داره... ماشین داره... همینا دیگه.

- لوازم آرایش هم داره؟

آره.

- چی ها؟

رژ لب...»

«- آهان.. بعد باری شوهر هم داره؟

نه. شوهر نداره.

- پس مهربان خانوم، فقط بچه داره؟

آره.»

«- عرفانه باری و کین بعداً بچه دار شدن؟

نه.

- باری اصلاً بچه دار می شه؟

نه. خواهرم داره. یه خواهرم داره. کوچولوا. اسمش از ایناس.

- باری خودش نمی تونه بچه داشته باشه؟

نه. فقط خواهر داره، مامان اینا نداره.

- یعنی باری هیچ وقت بچه دار نمی شه؟

نه. می گم باری با مامانی بزرگ که نشد. مامانی نداشت.»



«- بذار اینو بهت نشون بدم (عکس باربی و کین را نشان می‌دهم).
آره. این باربیه.

- ویشکا این کی بود؟ (کین را نشان می‌دهم).

با اینه (باربی و کین را نشان می‌دهد که کنار هم ایستاده‌اند).

- بعداً ازدواج کردن با همدیگه؟ یا دوست بودن؟
دوست بودن.

- پس بعداً با همدیگه ازدواج نکردن؟
نه.

- باربی نمی‌تونه با کین ازدواج کنه؟
نه.

- چرا نمی‌تونه؟
نمی‌دونم.

- چه طور با همدیگه آشنا شدن؟

اون یه چیزی براش آورد، باهاش دوست شد.

- چی براش آورد؟
اممممم... گردنبند.

- بعد دوست شدن چه کار می‌کردن؟

اممم، فکر کنم... نمی‌دونم. یادم رفته قسمتاش رو.

- باربی مامان هم داشت؟
نه.»



کودکان شرکت کننده در پژوهش میدانی در تبیین این که الگوهای مورد علاقه آنها با چه چیزی زندگی می‌کنند، از موارد مختلفی یاد می‌کردند.

پارمیس ۶ ساله، بیان می‌داشت که او با دوست پسرش امریکا می‌رود.

پوریا و آرمین ۶ ساله، زندگی با حیوانات را جایگزین زندگی با پدر و مادر می‌دانستند.

بهراد و رضای ۶ ساله خلاء خانواده را با استاد (لاک‌پشت‌های نینجا) می‌پوشاند.

محمدطاهای ۶ ساله به جای خانواده زندگی با ربات‌ها را پیشنهاد می‌دهد و سرانجام هنگامه ۵/۵

ساله راهنمای سیندرلا را جادوگر و همراهان وی را مردان غریبه توصیف می‌کند:

«- لباس السا رو که می‌پوشی دست‌هات معلومه، گردنت هم معلومه، کسی بهت چیزی نمی‌گه؟

چرا اون دفه پوشیدم، بابا بزرگم و مادر جونم با اخم نگام کردن.

- تو بعدش چه کار کردی؟

هیچی، به روی خودم نیاوردم.

- برای چی؟

آخه اونا قدیمی‌ان، فک می‌کنن همش باید باحجاب باشم، ولی من دوس ندارم.

- دوست داری کجا بری که به حجابت گیر ندن؟

پیش السا.

- مگه السا کجاست؟

آمریکا.

- تنها می‌ری یا خانوادت رو هم با خودت می‌بری؟

مامان و بابام می‌برم.

- اگه مامان و بابات نیان چی؟

خودم می‌رم.

- خودت تنها؟

نه، آرمین (همبازی مهد پارمیس) هم دوس داره بره آمریکا، با آرمین می‌رم.

- می‌خواهین برین اونجا چه کارکنین؟

بریم اونجا زندگی کنیم دیگه.

- مگه اینجا نمی‌تونین زندگی کنین؟

نه، اونجا بهتره».



«- آرمین به نظر تو میشه بابا و مامان داره؟

نه.

- مگه می‌شه یه بچه با خرس زندگی کنه؟

خاله آخه کارتونه!»

«- خوب درباره کارتون باب اسفنجی بگو، باب اسفنجی مامان و بابا هم داره؟

آره.

- با مامان و باباش زندگی می‌کنه؟

نه، با حلزونش زندگی می‌کنه.

- حلزونه چه کاره اون هست؟

حیوون خونگیشه.

- حلزونش حیوون خونگیشه؟

آره.

- خوب حلزونه چه فایده‌ای براش داره؟

خب حیوون خونگیشه، دیگه تنها نیست دیگه.

- یعنی مثلاً اگه آدم تنها شد، باید حیوون خونگی بگیره؟

آره، خوبه.

- خوب حالا به نظرت مشکلی نداره که آدم از مامان و باباش دور بشه و خودش تنهایی زندگی کنه؟

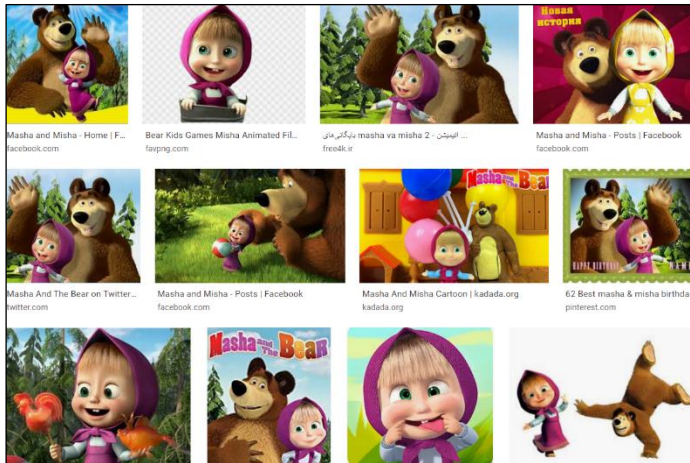
نه دیگه، آدم که بزرگ می‌شه، باید تنها زندگی کنه.

- خوب تو خودت چی، بزرگ شدی حاضری تنها تو یه خونه زندگی کنی؟

آره.

- دوست نداری پیش مامان و بابات باشی؟

چرا، ولی وقتی آدم بزرگ می‌شه، تنها بهتره».



«- باب اسفنجی چه کار می‌کنه؟

بهراد: ادا بازی در میاره... با پاتریکم دوسته.

- مامان و بابا داره؟

بهراد: هم پاتریک مامان بابا داره، هم باب اسفنجی.

- با مامان و باباش زندگی می‌کنه؟

بهراد: نه.

- تو مامان و باباش رو دیدی؟
بهراد: نه، یه روزایی می‌رن بهشون سر می‌زنن دیگه.
- باب اسفنجی چه کار می‌کنه؟
بهراد: باب اسفنجی هم فقط با پاتریک دوسته.
- مامان و بابای بن‌تن رو دیدی؟
بهراد: نه.
- بن‌تن مامان و بابا داره؟
رضا: یه آجیسه و یه باباش، فقط همین.
- باباشه یا بابا بزرگش؟
رضا: بابا بزرگش.
- پس مامان و بابا نداره؟
بهراد: نه.
- مامان و بابای لاک‌پشت‌های نینجا رو دیدی؟
رضا: لاک‌پشت‌های نینجا مامان و بابا ندارن، ولی استادشون هست.»
- «- خوب... این عکس کیه روی جورابت؟
بن‌تن.
- بن‌تن رو هم می‌شناسی؟
آره.
- اون چه کار می‌کنه؟
اون با چند تا دوسته... باز اونم می‌جنگه.
- با چه کسانی؟
یه دونه بده... اون از فضا اومده... با اونا می‌جنگه.
- این که شبیه تو هست... خیلی کوچولوئه... چه جوری می‌جنگه؟
نه... این بین... یه دونه ربات داره... چند تا ربات داره... پلنگ و شیر و گوریل... .
- خوب با ربات‌هاش چه کار می‌کنه؟
این یه دونه یه دونه سوار می‌شه... گوریله از همه قوی‌تره... اون همیشه می‌زنه.
- مامان و باباش چه کسانی هستند؟
مامان بابا نداره.
- مامان و بابا نداره؟
همون با دشمنای جنگه، اونا مامان باباشو کشتن... واسه همون باهاشون می‌جنگه.
- پس مامان و باباش رو دشمناش کشتن، پس با کی زندگی می‌کنه؟
رباتاش.
- کی براش آشپزی می‌کنه؟



با عرضه عروسک باری دوربین‌دار به جامعه، یکی از بحث‌هایی که در همین ارتباط مطرح شد، احتمال فیلم برداری رخدادها و حوادث خانواده توسط باری دوربین‌دار و انتقال این فیلم‌ها به شرکت سازنده باری و امکان سوءاستفاده از این اطلاعات یا نشر و پخش آن در سطح رسانه‌های مختلف بود. منطقی (منتشر نشده) در کتاب «زندگی از افق دید باری، برتر و السا»، در همین رابطه می‌نویسد: «موضوع باری دوربین‌دار، هشدارهای روان‌شناسان آمریکایی را نیز برانگیخته و در این زمینه خواستار تحریم این محصول شده‌اند.

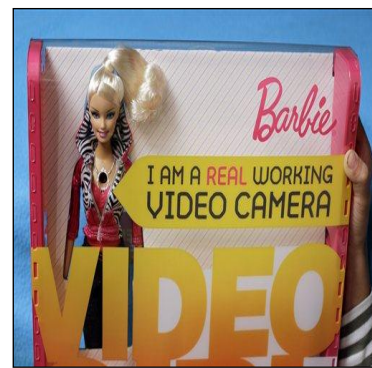
چندی پیش یک روان‌شناس آمریکایی، به خاطر دوربینی که در عروسک‌های باری جدید تعبیه شده، خواستار تحریم آن توسط والدین شد. دانیلا میلتيک^۱ از والدین کودکان آمریکایی خواست، عروسک باری جدید را تحریم کنند. نکته مهم در استفاده از این وسایل، نقض حریم خصوصی شهروندان جامعه نیست. بلکه استفاده جاسوسی که از این وسایل می‌شود، در خور اهمیت بیشتری است. میلتيک در مقاله خود نوشت: عروسک‌های باری جدید که دوربینی درون آن‌ها کار گذاشته شده است، نگرانی‌ای در مورد مسأله حریم خصوصی مصرف‌کنندگان ایجاد کرده است. عروسک‌های اخیر متعلق به شرکت ماتل، سال‌ها است که در دست مصرف‌کنندگان وجود دارند؛ ولی فناوری‌های روز به آن‌ها افزوده شده است. مدل جدید این عروسک‌ها که دوربینی در آن‌ها کار گذاشته شده، باعث نگرانی برخی از حقوق‌دان‌ها و برخی از روان‌شناسان شده است.

میلتيک ادامه می‌دهد: این باری جدید که دختر ویدیویی نام دارد، به خاطر آن که به کودکان این امکان را می‌دهد، با استفاده از دوربینی که در گردن‌بند آن تعبیه شده، از خودشان و دیگران فیلم بگیرند، مورد انتقاد قرار گرفته است. این عروسک که قیمت آن حدود ۱۱۰ دلار است، یک صفحه نمایش ال-سی‌دی کوچک در پشت خود دارد که می‌توان اطلاعات آن را به رایانه انتقال داد.

به گفته این نویسنده، سالی مک‌کورمک^۲، روان‌شناس بالینی نیز بر این باور است که ممکن است فیلم‌های گرفته شده توسط این عروسک، ناآگاهانه و برای مقاصد سوء در اینترنت مورد استفاده قرار گیرد. وی از والدین خواست تا این عروسک را تحریم کنند.»

1. Mileitic, D.
2. Mc Cormack, S.

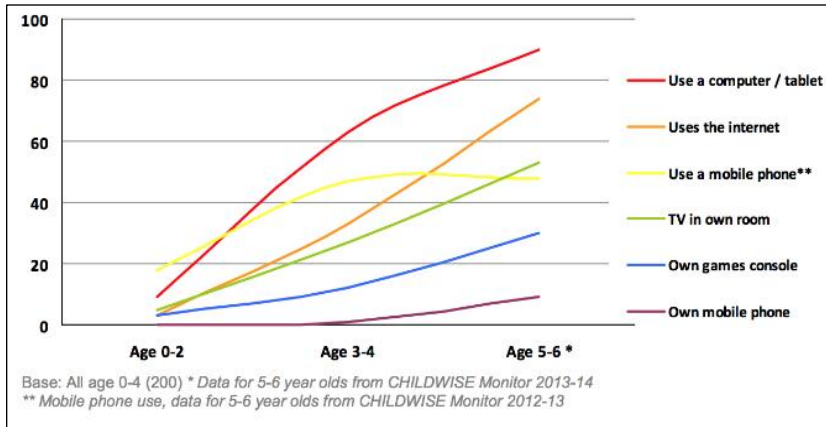
تصاویر زیر، نمایش گر چگونگی طرز کار باربی ویدیویی هستند:



با پیشرفت فناوری‌ها و تهیه وسایل هوشمند (نظیر تلویزیون هوشمند)، مجدداً درز اطلاعات محرمانه خانواده توسط وسایل هوشمند مطرح گردید (به این صورت که مثلاً تلویزیون هوشمند با فیلم برداری از رخدادهای داخلی خانه و ارسال آن به مراکز جاسوسی و نظایر آن، موجب افشای مسایل محرمانه انسان‌ها می‌شود).

اما در حال حاضر فناوری‌هایی که در دسترس کودکان قرار گرفته است، امکان اخیر را فراهم آورده‌اند، به این معنا که کودکان خردسالی که از تفکر انتزاعی (و در واقع انتقادی)، بی‌بهره هستند، غافل از تبعات وخیم کار خود، با تهیه تصویر و یا فیلم از اولیای خودشان (بدون آن که آنان از این مسأله مطلع باشند)، این تصاویر و فیلم‌ها را با نمایش دادن و یا ارسال برای دوستانشان، پخش کنند.

طبق مطالعه‌ای که طی سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۴ در سطح کودکان ۵-۶ ساله غربی صورت گرفت، مشخص شد که ۸۵٪ کودکان اخیر کاربر تبلت و رایانه، ۷۵٪ دارای کاربری از اینترنت و ۵۰٪ کاربر تلفن همراه هستند. از این رو با توجه به فقدان تفکر انتقادی کودکان از سویی و با عنایت به امکان عمل گسترده‌ای که فناوری‌های اخیر برای کودکان فراهم آورده‌اند از سوی دیگر، می‌توان انتظار آن را داشت که کودکان اخیر به سادگی دست به افشای برخی از اطلاعات خانوادگی خویش بزنند.



مصاحبه فاطمه ۵ ساله و آلی ۶ ساله، مصادیق بازی در همین جهت را به معرض دید نهاده‌اند:

«- با تبلت چه کار می‌کنی؟»

عکس می‌اندازم و بازی می‌کنم.

- از کی عکس می‌اندازی؟

از خودم و مامانم و بابام.

- عکس که می‌خواهی بندازی، چه کار می‌کنی؟

لباس خوشگلامو می‌پوشم و لاک می‌زنم و عکس می‌اندازم.

- مامانت هم آرایش می‌کنه؟

مامانم که حواسش نیست، ازش عکس می‌اندازم.

- چرا حواسش نیست؟

که بعداً ببینه و بخنده.»



«- خوب خاله با گوشی مامان و باباتم بازی می‌کنی؟

نوچ.

- چرا؟

بازی نداره.

- اصلاً بابا و مامان گوشیشون رو بهت می‌دن؟

آره.

- با گوشی چه کار می‌کنی؟

توش عکس می‌بینم.

- آلا به نظرت اگه با گوشی یابتلت چی کار کنیم، کار بدیه؟

بدون اجازه بازی کنیم یا مثلاً عکس بد بگیریم

- یعنی چی عکسای بد؟ چه عکس‌هایی بدن؟

مثلاً دوستم یه بار از جای خصوصی مامانم عکس گرفت.

- جای خصوصی یعنی کجا؟

یادم نیست (امتناع کودک از گفتن مسایل خصوصی).

- مگه می‌شه فراموش کنی؟ کی بوده؟ تازگی؟ کجا؟

نه، تازه نبود، دوستم اومده بود خونمون. از موگولی مامانم عکس گرفت.

- موگولی چیه؟ (خندید و خجالت کشید).

جای خصوصیه.

- خب چرا کار بدی بود؟ مگه مامانت لباس نداشت؟

چرا داشت، ولی خنده‌دار بود.

- اون دوستت که از جای خصوصی مامانت عکس گرفت، دختر بود یا پسر؟

دختر.»



با ساده‌گیری و آسان‌گیری اولیا، برخی از کودکان به خود اجازه می‌دهند که بدون اجازه آنان، تبلت یا گوشی آن‌ها را برداشته، با آن به بازی بپردازند و یا با آن به دوستانشان پیام ارسال دارند که ممکن است در جریان بازی‌ها یا کنجکاوی‌های کودک، قسمتی از اطلاعات محرمانه گوشی اولیا پاک شده یا برای

دیگران ارسال گردد. امیرعلی ۶ ساله و ویونای ۵ ساله، در مصاحبه‌های خود با اشاره به مورد اخیر، چنین بیان می‌داشتند:

«پدر امیر علی می‌آید، امیرعلی می‌رود و بدون اجازه پدرش گوشیش را می‌آورد تا به من نشان بدهد چه جوری بازی بریزم».

- رمز شو بلدی؟

امیرعلی: آره (رمز را وارد می‌کند).

(بازار را باز می‌کند)».

«- بعد با گوشی بابا غیر از بازی چه کار می‌کنی؟

می‌رم داخل واتس‌آپش، دوستانم زدم، اونجا بعد با گوشی بابام به اونا پیام می‌فرستم».



افرود ۵ ساله اظهار می‌دارد، رمز گوشی اولیای خود را می‌داند. هستی و آوای ۵ ساله هم بیان می‌دارند که با دقت در رمزگشایی گوشی اولیا، به رمزگوشی آنان وقوف یافته‌اند:

«- افرود، گوشی مامان و بابا رمز داره؟

آره، دختر خالم گف، این طوری بکشی راحت باز می‌شه، منم اون شکلی یادم مونده.

- آهان پس هم رمز گوشی بابا و هم گوشی مامان رو بلدی؟

آره، مال بابا یک دو سه چهار پنجه».

«- گوشی مامانت رمز هم داره؟

آره.

- تو می‌تونی بازش کنی؟

آره. ببین این طوری دستتو می‌کشی رو گوشی، باز می‌شه».

«- گوشی مامان و بابات رمز دارن؟

آره، ولی ما می‌دونیمش.

- چه طوری می‌دونی، خودتون یادت دادن؟

نه خودم دیدم دستتونو».



با توجه به آنچه از آن یاد شد، می‌توان نتیجه گرفت، آسان‌گیری و کم‌توجهی اولیا سبب می‌شود کودکان آنان (و یا نظیر نمونه آلا، دوستان کودکان آنان) با برداشتن عکس یا فیلم در حریم خانه از اولیا یا با دست بردن در اطلاعات اولیا در گوشی یا رایانه آنان، به سادگی اطلاعات اخیر را در اثر اشتباه یا بی‌دقتی، به افراد غریبه داده یا برای آنان ارسال دارند و به این ترتیب با افشای اطلاعات محرمانه خانوادگی، حریم خانواده خود را در معرض تهدید قرار دهند.^۱